

۵۲۵

سال دوازدهم • ۴ آذر ۱۴۰۲  
۱۰۸ صفحه • ۵۰,۰۰۰ تومان



# خطر لایک

شبکه‌های اجتماعی ما را به کدام سو می‌برند؟

این روزها همه می‌توانند محتوا تولید کنند و به سادگی در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند اما موضوع نگران‌کننده این است که حجم زیادی از محتوای تولیدشده در حال جان بخشیدن به «خرافات» و «شبه‌علم» است. رسانه‌های مدافع آزادی، همواره مخالف فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی هستند اما آیا مخالفت با فیلترینگ به معنای تایید همه محتوایی است که در شبکه‌های اجتماعی تولید می‌شود؟

ثمره سیاست

آیا ایرانیان تنبل‌ترین مردم جهان هستند؟

پیش‌بینی سال نو

جهان در سال ۲۰۲۴ به کدام سو می‌رود؟

فالگیر جادویی

هوش مصنوعی چگونه خلق ثروت را تغییر داد؟

شرکت صنایع هفت الماس

SEVEN DIAMONDS Ind.Co



تولید کننده انواع ورق های فولادی روغنی، گالوانیزه، گالوالوم، رنگی، قلع اندود، ضد اثر انگشت، با پوشش کروم، زنگ نزن، سیلیکونی، لوله و پروفیل



شرکت «دانش بنیان» صنایع هفت الماس

پیشرو در تولید ورق های فولادی خاص

- تنها تولیدکننده ورق های گالوالوم و گالوالوم رنگی در خاورمیانه
- اولین تولیدکننده ورق های استنلس استیل در کشور
- اولین تولیدکننده ورق های سیلیکون استیل در کشور
- بزرگترین تولیدکننده ورق های پوشش دار در کشور (گالوانیزه، گالوالوم، رنگی، قلع اندود)

صادر کننده نمونه ملی سال ۱۴۰۱

پرچم دار صادرات استان تهران سال ۱۴۰۱

● بازاریابی و فروش: ۰۲۱-۸۵۴۳

● [www.seven-diamonds.com](http://www.seven-diamonds.com)

● @sevendiamonds.ind.co





مجمع فولاد غدیر نی ریز

# صعود به ارتفاعی دیگر

با ورود به بازار سرمایه و تکمیل زنجیره ارزش، فولاد غدیر نی ریز، وارد فاز تازه ای از سودآوری و ارزش آفرینی می شود.

۳۱٪

افزایش فروش (ریالی)  
نسبت به سال قبل



۴۲٪

افزایش سود  
نسبت به سال قبل

۹۳٪

عرضه محصولات  
در بورس کالا

عرضه باکیفیت ترین  
آهن اسفنجی در بورس کالا

۹۳/۹۶٪  
MD

۶۷۹,۷۳۴ تن  
فروش کالا در بازار داخلی

ساخت پنجمین دریاچه مصنوعی  
بزرگ کشور در نی ریز

۲۵,۰۰۰ تن  
صادرات کالا

۵۰,۰۰۰  
مترمکعب ظرفیت

آهن اسفنجی

۸۰۰/۰۰۰

۱۰۰٪

گندله

۲/۵۰۰/۰۰۰

۳۵٪

فولاد

۱/۰۰۰/۰۰۰

۹۴٪

آهک

۱۵۰/۰۰۰

۲۶٪

میزان پیشرفت خطوط اصلی تولید در مجتمع

تن در سال



# آکادمی دنیای اقتصاد برگزار می کند

## آکادمی دنیای اقتصاد

آکادمی دنیای اقتصاد فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۹۰ آغاز کرد و در این مدت بیش از صدها دوره آموزشی در گروه های مدیریت و اقتصاد، حسابداری و مالی، بازارهای مالی، صنعت (ساختمان، بانک، خودرو، نفت و...) رسانه و اقتصاد برگزار کرده است.

## "دوره های آموزشی سازمانی"

آکادمی دنیای اقتصاد با همراهی اساتید و کارشناسان خبره کشوری دوره های عمومی و تخصصی مورد نیاز سازمان ها و نهادها را در گروه های شش گانه برگزار می کند.

- دوره مدیریت سازمانی
- دوره های بازرگانی
- دوره های منابع انسانی
- دوره های صنعت (بیمه، بانک، ساختمان، نفت، پتروشیمی و فولاد...)
- دوره های مالی و حسابداری
- دوره های بازاریابی و فروش

جهت اطلاع از دوره ها و سرفصل ها به قسمت آموزشیار آکادمی دنیای اقتصاد [Lms.den.ir](http://Lms.den.ir) مراجعه فرمائید



# تراکنش داغ سداد

۲ میلیارد تومان جایزه، ویژه دارندگان کارتخوان سداد  
[sadamsp.ir](http://sadamsp.ir)

  
**سداد**  
ارائه راهکارهای پرداخت



# سینما خواننده

## معرفی چند کتاب درباره سینما



علاقمندان که مشتاق مطالعه این آثار هستند، می‌توانند با مراجعه به نزدیک‌ترین کتابخانه محل زندگی خود، هر یک از این کتاب‌ها را امانت گرفته و مطالعه کنند. برای اطلاعات بیشتر به [www.samanpl.ir](http://www.samanpl.ir) مراجعه کنید.



● سرگذشت سینما در ایران  
پدیدآور: گیسو فغفوری  
ناشر: افق

تعداد صفحات: ۱۲۰ صفحه

این کتاب با ماجرای خرید اولین دوربین فیلمبرداری توسط مظفرالدین شاه و تأسیس اولین سینما در خیابان لاله‌زار توسط میرزا ابراهیم صحاف باشی آغاز می‌شود. کتاب مذکور، با بیانی جذاب، مخاطب نوجوان و بزرگسال را با «سرگذشت سینما در ایران» آشنا می‌کند.



● رازهای کارگردانی سینما  
پدیدآور: لوران تیرارد  
مترجم: شاهپور عظیمی  
ناشر: امیرکبیر

تعداد صفحات: ۱۹۳ صفحه

هر فیلمساز بزرگی یک روش خاص برای فیلمسازی خود دارد؛ در کتاب «رازهای کارگردانی سینما»، لوران تیرارد با بیست نفر از مهم‌ترین فیلم‌سازان جهان گفتگو می‌کند تا دیدگاه‌ها و تکنیک‌های خاص آن‌ها را به بررسی کند. مارتین اسکورسیزی، لارنس فون تریه، وودی آلن، تیم برتون، برادران کوئن و جان وو از فیلمسازانی هستند که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است.



● مبانی سینما (سه جلد)  
پدیدآور: ویلیام فیلیپس  
مترجم: رحیم قاسمیان  
ناشر: نشر ساقی

تعداد صفحات: ۶۶۴ صفحه

این کتاب به اصول سینما می‌پردازد. جلد نخست این مجموعه در ۴ فصل، میزانشن، فیلم‌برداری، تدوین و صدا را شرح می‌دهد. جلد دوم منابع فیلم‌های داستانی، انواع فیلم‌های داستانی، اجزای روایی فیلم‌های داستانی و اجزای روایی سینمای داستانی را تبیین می‌کند. جلد سوم نیز برخی شیوه‌های درک فیلم و نوشتن نقد و بررسی‌های کوتاه و بلند را مطرح می‌کند.



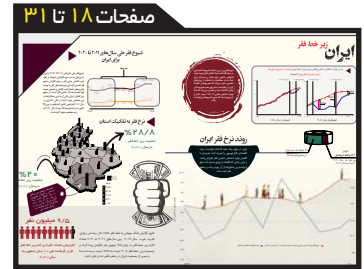
تجارت فردا این هفته در پرونده‌ای ویژه به بررسی آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی و راه درست مواجهه با محتوای شبه‌علمی پرداخته است. صفحات ۳۲ تا ۴۵ را بخوانید.



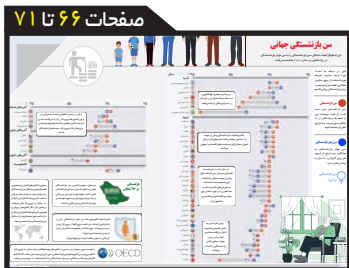
**پرونده ویژه**  
بررسی آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی  
در گفت‌وگو با مهرنوش هدایتی و داود مهربانی



**پرونده ویژه**  
شبکه‌های اجتماعی جامعه ایران را  
به کدام سو می‌برد؟



**اقتصاد و دیپلماسی**  
این فصل شامل سه گزارش در مورد فقر، تنبلی و  
نظام حکمرانی است.



**تحقیق**  
در این بخش خلاصه‌ای از مقالات منتخب  
منتشر شده در حوزه علم اقتصاد را می‌خوانید.



**محیط زیست**  
این فصل شامل دو گزارش در مورد  
غذاهای آینده و آلودگی خلیج فارس است.



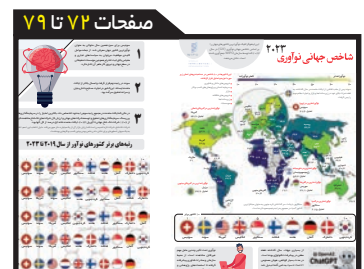
**بازارها**  
این فصل شامل سه گزارش در مورد  
وضعیت بازارهای داخلی و خارجی است.



**کافه اقتصاد**  
مطالب متنوع اقتصادی را در بخش  
«کافه اقتصاد» بخوانید.

**آدرس صفحه تجارت فردا  
در اینستاگرام:**  
[instagram.com/tejarat\\_farda](https://www.instagram.com/tejarat_farda)

**سرکار خانم زینب طاری**  
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم  
تسلیم می‌گوییم.  
دوستان شما در هفته‌نامه تجارت فردا



**نوآوری**  
در این بخش تازه‌ترین رخدادهای  
حوزه فناوری و هوش مصنوعی را بخوانید.

www.tejaratefarda.com

**بازرگانی:**

امور محتوایی: بهاره مهاجری  
امور اجرایی و حاکمیت: شبنم امینی  
همکاران: رضا دهقان، میترا محمدپور  
زینب طاری، آرزو عباسی، بهنام عقیلی  
**تلفن آگهی‌ها:** ۵۲۱۸۹۶۶۰  
تدارکات: نادر مظلومی  
**نشانی:** خیابان قائم مقام فراهانی  
ضلع شمالی میدان شعاع، پلاک ۱۰۸  
تلفن: ۴۲۷۱۰۴۶۰  
فکس: ۴۲۷۱۰۴۶۲  
**روابط عمومی:** ۴۲۷۱۰۱۶۰  
**توزیع:** دنیای اقتصاد  
تلفن: ۵۲۱۸۹۲۵۳  
**چاپ:** امید نشر و چاپ ایرانیان  
تلفن: ۵۵۲۷۵۷۷۱

**تحریریه:**

فردیدبیری، شادی معرفتی، محبوبه فکوری، صدفا مصمیمی  
مجید حیدری، سردار خالدی، زهرا اکبری، آریین فلاح  
محمد صادقی، عاطفه جویان، علی عبدالحمیدی، فاطمه ملکی  
**مترجمان:** جواد طهماسبی، الهام حمیدی، علی درویشان  
سارا بنی صدر، آسیه اسدپور، حامد وحیدی، ایما موسی‌زاده  
نیما صبوری، آزاده خرمی مقدم، سعید ابوالقاسمی، منیژه مؤذن  
**هنری و فنی:** آرش لاجورد (مدیر آنلاین)  
**صفحه آرایی:** جمال دیدگر، حسین احمدی  
محمد محمودی، علیرضا تاجیک  
**عکس:** سعید عامری  
**طرح:** آزاده پاک‌نژاد  
**اینفوگرافیک:** ارشین میرسعیدی  
**ویراستاران:** نیلوفر نیاورانی (مدیر)  
زهرا زارعی، محبوبه شریفی، آزاده چیدری  
**حروفچینی:** ساره سیدناصری  
**گرداننده سایت:** مهدی کلثومی

**دبیران تحریریه:**

رضا طهماسبی، جواد حیدریان، محمد علی نژاد  
**مدیر اجرایی:** فرهاد حسین پور

**تحلیلگران:**

حمید آذرمنند، علی ابراهیم‌نژاد، سجاده ابراهیمی  
سعید اسلامی بیدگلی، رضا بوستانی، مولود پاکروان  
سمیه توحیدلو، حسین جوشقانی، علی چشمی  
امیرحسین خالقی، محمدرضا داوودالحسینی  
محمد درویش، حسین راهداری، نویدرئیس  
محمود صدری، سیدشمیم طاهری  
مجید عینیان، محمدرضا فرحی، علی فرحبخش  
پویا فیروزی، مهدی فیضی، حمید قنبری  
امیر کرمانی، هومن کریمی، محمد کوثری  
سروش کیانی قلعه‌سرد، محمد گرجی آرا، رامین مجاب  
فاطمه مهجوریان، پویا ناظران، نیما نامداری  
فاطمه نجفی، عطیه وحیدمنش

**هفته‌نامه اقتصادی**

تجارت فردا  
سال دوازدهم - شماره ۵۲۵  
۴ آذر ۱۴۰۲

**صاحب امتیاز:**

دنیای اقتصاد تابان  
**مدیرمسئول:** علیرضا یخیتاری  
**سردبیر:** محمد طاهری  
**مشاور علمی:** نوید رئیس  
**شورای سیاستگذاری:**  
یحیی آل اسحاق، محمد مهدی بهکیش  
محسن جلال پور، پویا جیل‌عاملی  
داود دانش جعفری، مریم زارعیان  
احمد دوست‌حسینی، علی اصغر سعیدی  
داود سوری، محمد طیب‌بیان  
موسی غنی‌نژاد، سیدفرشاد فاطمی  
مسعود کرباسیان، امینة محمودزاده، بهروز ملکی  
محمد نهاوندیان، مسعود نیلی، فرهاد نیلی







# شکست مفتضحانه

رهبر انقلاب: رژیم صهیونیستی  
در حادثه طوفان الاقصی به دست  
حماس ضربه فنی شد

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار صمیمانه مدال‌آوران بازی‌های آسیایی و پاراآسیایی هانگژو و جمع دیگری از قهرمانان، ورزشکاران، پیشکسوتان و فعالان عرصه‌های ورزشی، با تشکر عمیق از ورزشکاران و مربیان افتخارآفرین کشور، رفتارهای احترام‌برانگیز آنان در میدان‌های ورزشی را تجلی‌دهنده چهره برجسته ملت ایران خواندند و با تأکید بر ضرورت رسیدگی مسوولان به زندگی قهرمانان ورزشی افزودند: رژیم صهیونیستی در حادثه طوفان الاقصی به دست حماس ضربه فنی شد و با همه جنایاتش نتوانسته این شکست سنگین را جبران کند و در آینده هم نخواهد توانست.

ایشان با اشاره به ناتوانی صهیونیست‌ها برای خارج شدن از زیر بار فشار و ننگ این شکست مفتضحانه، افزودند: آنها برای جبران، در بیمارستان‌ها و مدارس غزه قدرت‌نمایی می‌کنند اما این کار مشابه کار ورزشکاری است که در میدان شکست خورده اما برای تلافی با حمله به طرفداران تیم مقابل، به آنها فحاشی و کتک‌کاری می‌کند.

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه باخت سنگین رژیم صهیونیستی با این جنایات جبران نخواهد شد، گفتند: بدانند که این ظلم و بی‌رحمی‌ها بی‌پاسخ نخواهد ماند و مبارزان‌ها عمر رژیم غاصب را کوتاه‌تر خواهد کرد.

ایشان با اشاره به خودداری تحسین‌برانگیز ورزشکاران ایرانی از مسابقه با نمایندگان رژیم صهیونیستی، افزودند: امروز همه دنیا علت این کار ورزشکاران ما را فهمیده‌اند چون آن افراد برای یک رژیم جنایتکار و تروریست به میدان می‌آیند. ■



عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری



با خبرگزاری‌ها

# ۱۰۰ هزار سرباز اسرائیلی در مرز لبنان

آیا ترامپ بزرگ‌ترین تهدید ۲۰۲۴ خواهد بود؟

تونل‌های زیر بیمارستان الشفاء را صهیونیست‌ها ساخته‌اند؛ هنگامی که مدیریت این مکان طی دهه‌های اخیر به دست تل‌آویو بود. بهبود باراک همچنین تصریح کرد: «دهه‌های گذشته ما مدیریت این مکان را بر عهده داشتیم؛ بنابراین آنها را نگه داشتیم، از دهه‌های گذشته شاید از چهار یا پنج دهه پیش ما در ساخت این تونل‌ها به خاطر وسعت بسیار محدود این بیمارستان کمک کردیم.» رژیم صهیونیستی حمله به بیمارستان شفا را با ادعای مقابله با تونل‌هایی که نیروهای مقاومت در زیر این بیمارستان ساخته و آن را به مقر فرماندهی خود تبدیل کرده‌اند، توجیه کرد. پس از اشغال این بیمارستان اما هیچ‌یک از خبرنگاران رسانه‌هایی که به آن مکان برده شده بودند -از جمله بی‌بی‌سی و نیویورک تایمز- وجود مراکز نظامی و فرماندهی در زیر این بیمارستان را تایید نکردند.

## ● ترامپ بزرگ‌ترین تهدید ۲۰۲۴

ترامپ بر صحنه انتخابات مقدماتی جمهوریخواهان غالب است. چندین نظرسنجی نشان داده‌اند که او در ایالت‌های رقابتی از رئیس‌جمهور، جو بایدن پیش است. در یکی از آنها برای نیویورک تایمز، ۵۹ درصد رای دهندگان درباره اقتصاد به او اعتماد دارند، در مقایسه با بایدن که فقط ۳۷ درصد به او اعتماد دارند. لاقدر در انتخابات مقدماتی، شکایت‌های حقوقی و پرونده‌های کیفری، تنها ترامپ را تقویت کرده‌اند. دهه‌هاست که دموکرات‌ها به حمایت در میان رای دهندگان سیاه و لاتین تکیه کرده‌اند، اما تعداد معناداری، در حال رها کردن این حزب هستند. در ۱۲ ماه آینده، سکندری خوردن هر کدام از کاندیداها می‌تواند تکلیف رقابت را تعیین کند و در نتیجه، دنیا را به هم بریزد. این لحظه خطرناکی است برای اینکه مردی مثل ترامپ دوباره بازگردد و پشت در اتاق بیضی در بزند. دموکراسی در خانه در معرض خطر است. ادعای ترامپ که انتخابات را در ۲۰۲۰ برده، بیشتر از یک دروغ بود؛ شرط بندی بدبینانه‌ای بود بر سر اینکه می‌تواند هموطنانش را دستکاری روانی کند و بترساند؛ جواب هم داده است. آمریکا در صحنه خارجی هم با خصومت فرزندهای مواجه است، روسیه در اوکراین، آمریکا را به چالش کشیده است؛ همین‌طور ایران و گروه‌های شبه‌نظامی متحدش در خاورمیانه و چین در تنگه تایوان و دریای چین جنوبی. این سه کشور، تلاش‌هایشان را نسبتاً با هم هماهنگ می‌کنند و بینش مشترکی درباره یک نظم بین‌المللی جدید دارند که در آن، حق با قدرت است و مستبدان، امن.

در اقدامی بی‌سابقه که می‌تواند ثبات در منطقه را تغییر دهد، ارتش رژیم صهیونیستی ۱۰۰ هزار سرباز را در مرز با لبنان مستقر کرده است. این گزارش از سوی مقامات صهیونیستی در گفت‌وگو با روزنامه وال استریت ژورنال تایید شده است؛ گزارشی که نگرانی جدی برای امنیت منطقه ایجاد می‌کند و می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای به همراه داشته باشد. مقامات رژیم صهیونیستی به روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال گفتند که ارتش این رژیم ۱۰۰ هزار سرباز در مرز اراضی اشغالی با لبنان مستقر کرده است. این گزارش همچنین حاکی از احتمال تشدید درگیری‌ها میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان است. از زمان شروع عملیات طوفان الاقصی از سوی مقاومت فلسطین علیه رژیم صهیونیستی، مرزهای لبنان و سرزمین‌های اشغالی نیز شاهد تبادل آتش میان ارتش رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان بوده است.

## ● انتقاد اردوغان از پاشینیان

رئیس‌جمهوری ترکیه در انتقاد ضمنی از آمریکا و فرانسه گفت، ارمنستان باید به جای نگاه کردن به غرب برای گرفتن سلاح و آموزش، با ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ایجاد صلح همکاری کند. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه دوشنبه در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از نشست طولانی کابینه در آنکارا گفت: برخی از قدرت‌های غربی هنوز متوجه نشده‌اند که جنگ قره‌باغ، قفقاز و کل منطقه را تغییر داده است. او به پیامد درگیری ماه گذشته اشاره کرد که منجر شد اراضی مورد مناقشه قره‌باغ بار دیگر در کنترل جمهوری آذربایجان قرار گیرد و به دنبال آن موج مهاجرت ارمنه محلی به ارمنستان رخ دهد. اردوغان گفت: «کسانی که سال‌ها ارمنستان را تحریک کردند و از درد، مشکلات و درگیری‌های همه مردم ساکن در این منطقه سود به دست آوردند، در واقع بیشترین آسیب را به ارمنه وارد کردند.» در حالی که او به نام کشور خاصی اشاره نکرد، ادامه داد، قابل ذکر است که مهم‌ترین حامیان ایروان در غرب، پاریس و واشنگتن بوده‌اند.

## ● تونل‌ها را ما ساختیم

نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی اعلام کرد تونل‌های زیر بیمارستان «الشفاء» را صهیونیست‌ها ساخته‌اند. بهبود باراک، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، در گفت‌وگو با شبکه «سی‌ان‌ان» فاش کرد،

**ایرنا:** محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، ابراز امیدواری کرد که آتش‌بس بشردوستانه‌ای که میان اسرائیل و جنبش حماس در نوار غزه انجام شد، به مذاکراتی جدی برای فرآیند صلح فراگیر بینجامد.

**ایبستا:** خلیل الحیه، نایب رئیس جنبش حماس در نوار غزه و «سامه حمدان»، نماینده این جنبش در لبنان، با سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان دیدار و درباره تازه‌ترین تحولات غزه رایزنی کردند.

**قارس:** اسرائیل با آتش‌بس چهارروزه برای تبادل ۵۰ گروگان با ۱۵۰ اسیر فلسطینی موافقت کرد. بیانیه دفتر نخست‌وزیری اسرائیل می‌گوید که به عنوان بخشی از معامله، «آزادی هر ۱۰ گروگان اضافه، به یک روز وقفه بیشتر (در نبرد) منجر خواهد شد.»

**ایرنا:** خبرگزاری فرانسه گزارش می‌دهد که پیش از رای‌گیری کابینه، نتانیاهو با شورش از درون ائتلاف راست‌گرای خود مواجه شده بود، که برخی از آنها معتقدند این توافق، به فلسطینی‌ها بیش از حد امتیاز داده است.

**ایرنا:** بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی اعلام کرد: ما خواستار توقف فوری عملیات نظامی در غزه و ایجاد کریدورهای بشردوستانه برای امدادسانی به غیرنظامیان هستیم.

## توافق جدید عربستان و چین

نوشته: نمایندگان بانک‌های مرکزی چین و عربستان سعودی توافقنامه سوآپ ارزی را برای سه سال امضا کردند. خبرگزاری شینهوا گزارش داد، در دیدار نمایندگان بانک‌های مرکزی چین و عربستان سعودی در پکن توافق شد که به مدت سه سال سوآپ داشته باشند. قرارداد «سوآپ» نوعی قرارداد برای معاوضه جریان نقدی در آینده است که در آن تاریخ پرداخت و چگونگی محاسبه جریانات نقدی که باید پرداخت شوند، مشخص است. این نوع قرارداد به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد به منظور پوشش خطرپذیری دارایی‌های ارزی در بازارهای مالی معرفی شده است.



## زمینه‌سازی جنگ جدید

نوشته: به گزارش تاس، «الهام علی‌اف» رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در سخنرانی خود در نشست «استعمارزدایی؛ توانمندسازی و توسعه زنان» اعلام کرد که فرانسه در حال زمینه‌سازی جنگ جدیدی در منطقه قفقاز جنوبی است، جدایی طلبان را تحریک می‌کند و تسلیحات نظامی را در اختیار ارمنستان قرار می‌دهد. وی در این باره افزود: فرانسه علاوه بر مستعمرات سابق و فعلی خود، با حمایت از تمایلات و ارائه سلاح به ارمنستان زمینه آغاز یک جنگ جدید را در منطقه ما ایجاد می‌کند. فرانسه همچنین به دنبال سوءاستفاده از عضویت دائمی خود در شورای امنیت سازمان ملل برای انجام دسیسه‌های سیاسی در مناطق مختلف است.



باخبرگزاری‌ها

**ایسنا:** بر اساس داده‌های کشتیرانی و شرکت امنیت دریایی بریتانیایی «آمبری»، هفته گذشته دو کشتی تجاری که مسیر خود را در دریای سرخ و خلیج عدن تغییر داده‌اند، به همان گروه کشتیرانی تعلق دارند که کشتی «گلگسکی لیدر» آن به‌وسیله حوثی‌های یمن توقیف شد.

**فارس:** مولوی کمال‌الدین منیب، رئیس جدید دانشگاه تخرار، در نخستین روزهای کاری خود دستور داده تا از «واژه‌های بیگانه مانند دانشگاه، دانشکده» در اسناد تحصیلی و مکاتبات استفاده نشود. وی در نامه‌ای تحت عنوان «عدم استفاده از اصطلاحات و کلمات بیگانه» که نسخه‌ای از آن به انتشار رسیده، به تمام دانشکده‌ها دستور منع استفاده از واژه‌های زبان فارسی ذکر کرده را داده است.

**ایسنا:** پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، در نشست اضطراری گروه بریکس گفت: یک راه‌حل طولانی‌مدت و پایدار برای جنگ لازم بوده و وقفه‌های بشردوستانه در جنگ گام درستی به سمت صلح است.

**فارس:** در بمباران اسرائیل در مثلث طبر حرقا-الجبین سه شهروند (دو خبرنگار و یک غیرنظامی) به شهادت رسیدند. المیادین گزارش داد، فرح عمر، خبرنگار و ربیع المعماری، عکاس خبری در حمله اسرائیلی‌ها در جنوب لبنان شهید شدند.

● اسپانیا کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسد

نخست‌وزیر اسپانیا از تصمیم دولتش مبنی بر به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» خبر داد. پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا، اعلام کرد که دولت تصمیمی مبنی بر به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» گرفته است. نخست‌وزیر اسپانیا پیشتر اعلام کرده بود که دولت جدیدش در اروپا و اسپانیا در راستای به رسمیت شناختن «کشور فلسطین» تلاش و همکاری خواهد کرد. وی از اسرائیل خواسته بود که کشتار کور فلسطینی‌ها در نوار غزه را متوقف کند. پیش‌تر پارلمان نروژ نیز از دولت این کشور خواسته بود کشور مستقل فلسطین را به رسمیت بشناسد. روزنامه تایمز اسرائیل اعلام کرد، پارلمان نروژ پنجشنبه با اکثریت آرا پیشنهاد به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین موافقت کرد. بر اساس این پیشنهاد پارلمان از دولت خواست زمانی که به رسمیت شناختن فلسطین تاثیر مثبتی بر روند صلح داشته باشد، آماده به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین باشد. این روزنامه نوشت، احتمالاً این اقدام در آینده نزدیک صورت نگیرد چراکه این تصمیم مشروط به از سرگیری روند صلح است. تصمیم پارلمان نروژ در راستای افزایش درخواست‌ها برای احیای راهکار تشکیل دو دولت صورت می‌گیرد.

● سران بریکس: خشونت علیه فلسطینی‌ها را محکوم می‌کنیم

نشست اضطراری سران کشورهای عضو «بریکس» در خصوص ادامه جنایت‌های اشغالگران قدس علیه مردم مظلوم غزه با صدور بیانیه پایانی به کار خود پایان داد. در بیانیه پایانی نشست اضطراری سران «بریکس» آمده است: سران «بریکس» تعهد خود را به حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها از طریق گفت‌وگو ابراز کردند و از حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها نیز حمایت کردند. بیانیه مذکور در ادامه اضافه می‌کند: سران بریکس نسبت به تشدید خشونت‌ها و وخامت جدی اوضاع در خاورمیانه (غرب آسیا) ابراز نگرانی کردند. سران بریکس خواستار برقراری آتش‌بس فوری و طولانی‌مدت بشردوستانه برای پایان دادن به درگیری‌ها در خاورمیانه (غرب آسیا) شدند. سران کشورهای عضو، نسبت به تشدید خشونت‌ها در غزه و وضعیت وخیم انسانی در منطقه ابراز نگرانی کردند. بیانیه مذکور در ادامه می‌افزاید: سران بریکس خواستار آزادی فوری و ایمن اسرا (اسرای صهیونیست نزد حماس) در نوار غزه شدند. سران، اقدامات خشن علیه فلسطینی‌ها از جمله اقدامات تحریک‌آمیز را محکوم کردند. بیانیه پایانی نشست امروز اضافه می‌کند: سران بریکس از تلاش‌ها برای پایان فوری درگیری‌ها در نوار غزه، محافظت از غیرنظامیان و ارسال کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه حمایت کردند. سران، بر تعهد خود به این اصل تاکید کردند که صلح در خاورمیانه باید مطابق با قوانین بین‌المللی محقق شود. آنها از همه کسانی که بر طرف‌های درگیری نفوذ دارند خواسته‌اند تا از نفوذ خود برای جلوگیری از تشدید بیشتر تنش‌ها استفاده کنند.

جمهوریخواهان «مگا» (MAGA) [مخفف عبارت Make America Great Again، به معنای «آمریکا را دوباره بزرگ کنید». این شعار کارزار انتخاباتی ترامپ در سال ۲۰۱۶ بود که همان زمان، کم‌کم به شکل مخفف به کار رفت و بعدتر، به نوعی تبدیل به لقب و عنوان گروهی از جمهوریخواهان شد که به ترامپ وفادار هستند و در سیاست‌ها و برنامه‌ها، یا مستقیماً از نظرات او تبعیت می‌کنند یا بر اساس الگوها و رویکردهای رفتاری او پیش می‌روند] ماه‌هاست در حال برنامه‌ریزی برای دوره دوم ترامپ بوده‌اند؛ از این‌رو، نسخه دوم ترامپ از نسخه اول ترامپ، سازمان‌دهی شده‌تر خواهد بود. باورمندان واقعی به او، مهم‌ترین سمت‌ها را اشغال خواهند کرد. ترامپ در تلاشش برای تلافی، حفاظت‌گرایی اقتصادی و توافقات‌های پرسروصدای نمایشی، بی‌مهار خواهد بود. تعجبی نیست که چشم‌انداز دوره دوم ترامپ، پارلمان‌ها و اتاق‌های هیات‌های مدیره در جهان را پر از یأس می‌کند؛ اما یأس، برنامه نیست. مدت‌هاست وقت آن رسیده است که نظمی بر اضطراب حاکم شود.

بزرگ‌ترین تهدیدی که ترامپ دارد، علیه کشور خودش است. در شرایطی که او قدرت را به خاطر انکار انتخابات ۲۰۲۰ برده است، قطعاً این احساس خود را تایید شده می‌یابد که تنها بازنده‌ها اجازه می‌دهند در بند هنجارها، عادات و از خودگذشتگی‌هایی قرار بگیرند که یک کشور را می‌سازند. ترامپ در تعقیب دشمنانش، علیه هر نهادی که سرراش قرار بگیرد، جنگ راه خواهد انداخت؛ شامل دادگاه‌ها و وزارت دادگستری.

● شواهد عفو بین‌الملل علیه اسرائیل

عفو بین‌الملل اعلام کرد که نمونه‌هایی از جنایات اسرائیل علیه غیرنظامیان در نوار غزه را مستند کرده است. عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای در این باره اعلام کرد: ما دو مورد را به‌عنوان نمونه ثبت کردیم که در آن حملات اسرائیل بدون وجود شواهدی دال بر وجود اهداف نظامی، غیرنظامیان فلسطینی را هدف قرار داده است. طبق نوشته روزنامه القدس العربی، در این بیانیه آمده است: این حملات، حملات مستقیم کور کورانه علیه غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی بود و باید به‌عنوان جنایات جنگی مورد بررسی قرار گیرند. «اسرائیل» ویدئویی از لحظه حمله هوایی به یک کلیسا به‌عنوان مرکز فرماندهی حماس منتشر کرد، اما بلافاصله آن را حذف کرد. عفو بین‌الملل در این‌باره گزارش داد: نه ارتش و نه مقامات اسرائیل هیچ اطلاعاتی برای حمایت از این ادعا که ساختمان ویران شده «مرکز فرماندهی حماس» است، ارائه نکردند. در ادامه این بیانیه آمده است: ما از دادستان دیوان کیفری بین‌المللی می‌خواهیم اقدامات مشخصی را برای تسریع در تحقیقات درباره جنایات جنگی در غزه انجام دهد. این نهاد افزود: هیچ مکانی در غزه امن نیست و حملات غیرقانونی اسرائیل نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آشکار به جان فلسطینیان است.

ترامپ آرژانتینی

نوشت: خاویر میلی، که یک اقتصاددان «ولترا لیبرال» محسوب می‌شود، پس از پیروزی در انتخابات این کشور، رئیس‌جمهور جدید آرژانتین خواهد شد. شمارش ۹۹ درصد آرا حاکی از آن است که میلی که یک سیاستمدار «ضد سیستم» محسوب می‌شود، توانسته است ۵۵/۶ درصد آرا را در مقابل رقیب اصلی‌اش یعنی سرخیو ماسا، وزیر اقتصاد میانه‌روی این کشور (با کسب ۴۴/۳ درصد آرا) از آن خود کند. برخی از او که روابط خوبی با رئیس‌جمهور پیشین آمریکا دارد به‌عنوان «ترامپ آرژانتین» یاد می‌کنند. او در جریان کارزار انتخاباتی‌اش بارها وعده «پایان انحطاط» و «بازسازی آرژانتین» را داده است.



ادامه حمایت آمریکا از اوکراین

نوشت: لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا (پنتاگون)، در سفر به «کی‌یف» از سفارت ایالات‌متحده در این شهر بازدید کرد و سپس به «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین اطمینان داد که حمایت آمریکا از اوکراین ادامه خواهد داشت. آستین به زلنسکی گفت: پیامی که امروز برای شما آورده‌ام این است که ایالات‌متحده با شماست. ما برای مدت طولانی با شما خواهیم ماند. بر اساس این گزارش، آمریکا از زمان حمله روسیه به اوکراین بیش از ۴۰ میلیارد دلار کمک امنیتی به اوکراین ارائه کرده است. وزیر دفاع آمریکا افزود: «آنچه اینجا در اوکراین اتفاق می‌افتد نه تنها برای اوکراین بلکه برای بقیه جهان و مطمئناً برای آمریکا نیز مهم است.»





با خبرگزاری‌ها

## تیغ تیز ر دصلاحت‌ها

### امیر عبداللهیان: ایران در منطقه هیچ گروه نیابتی ندارد

نداشته باشد؛ این بار نیز با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات، موضوع ر دصلاحت‌ها با انتقادات بسیاری روبه‌رو شده؛ با این تفاوت که دیگر از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در بین نامزدها خبری نیست و بخشی از این ر دصلاحت‌ها، همان معدود افراد میانه‌روی هستند که فکر می‌کردند برای دست‌اندر کاران امر رقابت در انتخابات و افزایش مشارکت هنوز تا حدودی دغدغه است اما در نهایت به آنها هم احتمالاً دیگر ثابت شده که نه آنها را خودی می‌دانند و نه قرار است حتی برای گرم‌تر شدن تنور بی‌رقم انتخابات از حضورشان استفاده شود و همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا فضا برای یک رقابت درون‌گروهی برای اصولگراها باز تر شود. آن گونه که هم‌میهن گزارش داده: با نگاهی به آمار داوطلبان نمایندگی و درصد تایید صلاحیت‌ها در پنج دوره انتخابات قبلی به نظر می‌رسد تیغ تیز ر دصلاحت‌ها در این دوره نیز بند حضور تعدادی از داوطلبان را از انتخابات بریده است. در مجلس هفتم، تعداد کاندیداهای تایید صلاحیت‌شده ۷۰ درصد، در مجلس هشتم ۶۹ درصد، مجلس نهم ۸۳ درصد، مجلس دهم ۸۸٪ درصد، مجلس یازدهم ۹۱٪ درصد و مجلس دوازدهم ۷۲ درصد اعلام شده است. به گفته محمدتقی شاهچراغی، رئیس ستاد انتخابات کشور، از مجموع ۲۴ هزار و ۹۸۲ نفری که در انتخابات مجلس شورای اسلامی ثبت‌نام کردند، ۱۴ درصد عدم تایید و ۱۴ درصد هم عدم احراز گرفته‌اند که از این میزان (عدم تایید و عدم احراز) ۳۰ درصد مدارک کافی ارائه نکرده‌اند. در واقع ستاد انتخابات درباره علت عدم تایید یا عدم احراز ۷۰ درصد باقی‌مانده، اظهار نظری نکرده است. اگر چه به گفته او عدم تایید و عدم احراز، به معنای ر دصلاحت نیست. پس از اعلام نتایج اولیه بررسی‌ها، رسانه‌های اصولگرا و حتی برخی افراد و جریان‌های اصولگرا، سعی در متهم کردن اصلاح‌طلبان برای فضا سازی گسترده در زمینه ر دصلاحت‌ها کردند (خبرگزاری ایرنا در گزارشی حمله به احراز صلاحیت‌ها را اسم رمز بازگشت به قدرت برای اصلاح‌طلبان مطرح کرد)؛ حال آنکه برخی دیگر از رسانه‌های اصولگرا، به نقد ر دصلاحت‌ها پرداختند (روزنامه فرهیختگان با انتقاد از ر دصلاحت‌ها خواهان اهتمام لازم در جریان بررسی صلاحیت کاندیدها شد چرا که در غیر این صورت نمی‌توان انتظار مشارکت حداکثری در انتخابات را داشت).

### ● تشدید بی‌اعتمادی سیاسی

سیدمرتضی مبلغ، معاون سیاسی وزیر کشور در دولت اصلاحات، درباره فضای سیاسی کشور گفت: بعد از تبلیغات فراوان، وعده و وعیده‌ها، تخریب دولت‌های قبل و نهایتاً یک‌دست‌سازی کامل نظام مدیریتی و یکسان‌سازی نهادهای

نشست حسین امیر عبداللهیان با سفرای خارجی و روسا و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی مقیم تهران در محل وزارت امور خارجه با هدف تشریح دیدگاه‌ها، رویکردها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران برای کمک به پایان تجاوز رژیم صهیونیستی علیه غزه و کمک به حفظ امنیت در منطقه برگزار شد. آن گونه که ایلنا گزارش داده: وزیر امور خارجه ضمن تبیین دیدگاه ایران در ارتباط با ماهیت بحران جاری و حمایت از ملت مظلوم فلسطین در چهارچوب حق مشروع آنان در مقابله با اشغالگری، تلاش‌های سازنده جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ ظالمانه علیه ملت فلسطین در غزه و کرانه غربی، رفع محاصره غزه، ارسال فوری کمک‌های انسان‌دوستانه و جلوگیری از کوچاندن فلسطینیان از غزه را تشریح کرد. وی اظهار امیدواری کرد با به ثمر رسیدن تلاش‌های به‌عمل‌آمده برای تحقق آتش‌بس، کشتار بی‌رحمانه شهروندان و زنان و کودکان بی‌دفاع غزه و کرانه متوقف شود. امیر عبداللهیان با تأکید بر این نکته که عملیات الاقصی یک طراحی، تصمیم و اجرای کاملاً فلسطینی بود، گفت: رژیم صهیونیستی در سایه ناتوانی برای مقابله با نیروهای مقاومت، به انتقام‌جویی از مردم بی‌دفاع غزه و کرانه غربی دست زد که نتیجه آن ارتکاب نسل‌کشی و جنایت جنگی و کشتار بیش از ۱۴ هزار شهروند فلسطینی بوده که ۷۰ درصد آن از کودکان و زنان و سالخورده‌گان بوده‌اند. وی ارسال پیام‌های متعدد آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران جهت فراخواندن گروه‌های مقاومت به خویشانداری را با حمایت تمام‌عیار آمریکا از رژیم صهیونیستی در تعارض کامل دانست و تصریح کرد: اول، جمهوری اسلامی ایران در منطقه هیچ گروه نیابتی ندارد، دوم، در طول ۴۶ روز گذشته ارسال تسلیحات نظامی آمریکا به تل‌آویو حتی یک ساعت قطع نشده است. وزیر امور خارجه همچنین به رایزنی‌های گسترده جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف از جمله رئیس‌جمهور با مقامات کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و نیز نامه رئیسی به ۵۰ تن از سران کشورها اشاره و خاطر نشان کرد: در همه دیدارها، پیام‌ها و گفت‌وگوهای دیپلماتیک رئیس‌جمهور و من با هم‌تایان خارجی و مقامات بین‌المللی، جلوگیری از گسترش دامنه جنگ، ایجاد آتش‌بس و ارسال کمک‌های انسانی برای مردم غزه مورد تأکید و توجه اصلی بوده است.

### ● مخالفان درون‌جناحی خالص‌سازان

«ر دصلاحت‌های گسترده» به ادبیات تکراری فضای انتخابات در ایران تبدیل شده است. تقریباً در هیچ دوره‌ای نبوده که کسی به این فرآیند انتقادی

**ایلنا:** فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) اعلام کرد که نیروهای آمریکایی حملاتی را علیه دو تاسیسات در عراق که ادعا می‌شود متعلق به نیروهای تحت حمایت ایران هستند، انجام داده‌اند.

**ایستنا:** عبدالله بن سعود العنزی، سفیر عربستان در ایران، با انتشار عکسی از دیدار خود با علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران، در صفحه اجتماعی ایکس نوشت: «سعادت دیدار با شخصیت متمایز جناب آقای دکتر علی‌اکبر صالحی را داشتم و گفت‌وگوهای دوستانه‌ای در این دیدار انجام شد.»

**ایلنا:** رئیس‌جمهور در اجلاس مجازی بریکس با بیان اینکه رژیم صهیونیستی به عنوان یک رژیم اشغالگر، با چراغ سبز و حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا، علیه مردم تحت اشغال اعلام جنگ کرده و در ثبت جنایات جنگی رکورد زده است، غزه را نماد سقوط اخلاقی غرب دانست و از قدرتهای جهانی عضو بریکس خواست به نفع ارزش‌هایی که حول آن متحد شده‌اند، برای پایان دادن به جنایات صهیونیست‌ها نقش آفرینی کنند.

### غروب اپوزیسیون

نوشت: اپوزیسیونی که طی یک سال گذشته فعالیت خود را پس از آغاز اعتراضات سراسری آغاز کرده بود، این روزها علاوه بر اینکه دچار تفرقه فراوان شده، ضربه‌های دیگری را هم تحمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که همین چند روز پیش بود که رسماً اعلام شد شبکه «من‌وتو» به‌عنوان یکی از بازوهای رسانه‌ای آنها تعطیل شده و یکی از مهم‌ترین رسانه‌های خود را از دست داده‌اند. شاید علت این روزهای اپوزیسیون را بتوان به‌خوبی در جمله عبدالکریم سروش دانست که بلافاصله بعد از جلسه «آینده جنبش دموکراسی در ایران» بیان کرد و گفت: «بیشترشان در میان مردم ایران هرگز زیسته‌اند و نبوده‌اند.»



### مبنای اقتدار و قدرت ما مردم هستند

نوشت: محمدجواد ظریف با تأکید بر اینکه باید بپذیریم که مردم ولی‌نعمت ما هستند، افزود: اگر مقاومتی هست، از مردم است و اگر دفاع مقدسی بود، از مردم بود؛ اگر مقاومت در برابر تحریم خارجی است، از مردم است. چه کسی دارد در برابر تحریم خارجی مقاومت می‌کند؟ اصلاً هدف تحریم چیست؟ هدف تحریم جدا کردن مردم از حاکمیت است. وقتی ۷۳ درصد از همین مردم در انتخابات سال ۹۲ شرکت کردند، به غربی‌ها نشان دادیم تحریم نمی‌تواند مردم را از حاکمیت جدا کند. ممکن است چیزهای دیگری مردم را از حاکمیت جدا کند، از جمله فراموش کردن این واقعیت که مبنای اقتدار و قدرت ما همین مردم هستند.



باخبرگزاری‌ها

**ایسنا:** «دمتری پسکوف» سخنگوی کرملین، در این نشست خبری در این باره گفت: «ما در حال توسعه روابط با ایران هستیم، از جمله در زمینه همکاری‌های نظامی-فنی. اما درباره این اطلاعات نظری نمی‌دهیم.»

**ایرنا:** علی بحرینی، سفیر و نماینده ایران در سازمان ملل در ژنو در هفتاد و چهارمین جلسه اجرایی کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد از اعضای این کنفرانس خواست تا وظایف خود را برای کمک به فلسطین انجام دهد.

**ایرنا:** علاءالدین بروجردی، رئیس انجمن دوستی ایران و چین، از برنامه سفر یک هیأت عالی‌رتبه چین به تهران به دعوت رسمی این انجمن و برگزاری «چهاردهمین اجلاس سالانه انجمن‌های دوستی دو کشور» به میزبانی تهران خبر داد.

**ایسنا:** محمد توتونچی در دیدار با دستیار وزیر خارجه کویت گفت: در راستای نشست شورای حکام اژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران همواره به تداوم تعامل سازنده با اژانس تاکید دارد و به‌رغم رفتارهای غیرسازنده از سوی سه کشور اروپایی و آمریکا و با هدف حل‌وفصل موضوعات باقی‌مانده مدیرکل اژانس را به تهران دعوت کرد و بر اساس آن یک بیانیه مشترک صادر کرد.

ایران به این جنگ در صورت لزوم، نیست. به گفته او، تشدید حضور نظامی آمریکا در منطقه، تقویت سامانه‌های موشکی متحدان آن و اعزام ناوگروه‌های هواپیمابر و یک زیردریایی، به مثابه بازدارندگی نیست. نماینده دائمی ایران در سازمان ملل بیان کرد: «در کمال تعجب، کارشناسان نظامی بر این باورند که وقتی یک قدرت نظامی تجهیزات و نیروهای خود را در نزدیکی منطقه جنگی قرار می‌دهد، به خودی خود و بدون اینکه لزوماً قصدی برای ورود به درگیری وجود داشته باشد، قدرت‌نمایی محسوب می‌شود. این موضوع در واقع می‌تواند آنها را در معرض خطرات و حملات بالقوه قرار دهد.» نیروهای مقاومت منطقه که آمریکا مدعی است تحت «کنترل» ایران هستند، ادعایی که از سوی ایران رد شده است، از زمان عملیات «طوفان الاقصی» و در گرفتن جنگ غزه که حمایت‌های تمام‌عیار دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی را در پی داشت، بیش از ۶۰ بار به پایگاه‌های نظامی آمریکا حمله کرده‌اند که به مجروح شدن حدوداً همین تعداد از نظامیان آمریکایی منجر شده است. ایرانی دربار و وضعیت غزه نیز گفت: «رخدادهای غزه نشان‌دهنده تلاقی چندین جنایت جنگی است. اولین و فوری‌ترین درخواست ایران پایان دادن به خصومت‌ها علیه غیرنظامیان، پایان دادن به محاصره انسانی و ارسال سریع کمک‌های انسانی به غزه است.»

● متهم کردن ایران

دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در بیانیه‌ای با اتهام‌زنی بی‌پایه‌و‌اساس علیه جمهوری اسلامی ایران و در تلاش برای ترویج ایران‌هراسی مدعی شد: توقیف این کشتی یک اقدام «تروریستی» از سوی ایران است و ما حمله ایران به یک کشتی بین‌المللی را به شدت محکوم می‌کنیم. آن‌گونه که ایرنا گزارش داد: دفتر نتانیاهو همچنین اعلام کرد: توقیف این کشتی پیامدهای بین‌المللی را در زمینه امنیت خطوط کشتیرانی جهانی به همراه خواهد داشت. دفتر نخست‌وزیر صهیونیست‌ها در ادامه لفاظی‌هایش علیه جمهوری اسلامی ایران مدعی شد: رصد یک اقدام «تروریستی» جدید ایران، یک تشدید تنش بزرگ علیه شهروندان جهان آزاد محسوب می‌شود. این بیانیه دفتر نتانیاهو پس از آن منتشر شد که شبکه العربیه عصر امروز از توقیف یک فروند کشتی صهیونیستی به وسیله نیروهای وابسته به جنبش انصارالله یمن خبر داد. در همین حال منابع موثق میادین اعلام کردند: نیروهای دریایی یمن موفق شدند یک کشتی اسرائیلی را در اعماق دریای سرخ توقیف کنند و ۵۲ نفر در این کشتی اسرائیلی بازداشت شدند. طبق گفته این منابع، خدمه کشتی و سرنشینان آن در حال حاضر تحت بازجویی هستند و ملیت آنها از سوی نهادهای مربوطه یمن تایید شده است. یک منبع رسمی یمنی نیز به میادین گفت: خبر توقیف یک کشتی اسرائیلی واقعی است و منتظر باشید. این در حالی است که یکی از رهبران انصارالله در گفت‌وگو با الجزیره اعلام کرد که «نیروهای ما یک کشتی اسرائیلی را به سوی سواحل یمن هدایت کردند و توقیف کشتی در راستای حمایت از مردم مظلوم ما در غزه صورت گرفت.»

وارگان‌های حاکمیتی، امروز شاهد وضعیتی هستیم که حتی بسیاری از افرادی که تحت تاثیر پروپاگاندای غول‌آسای انتخابات ۱۴۰۰ به صحنه آمده بودند هم از حضور خود احساس پشیمانی می‌کنند. علاوه بر واقعیت‌های جاری، نظرسنجی‌های مختلفی که درباره اوضاع جاری از سوی برخی دستگاه‌های رسمی، ثبت شده، شرایط کشور را به وضوح دارای نارسایی‌ها، مشکلات عمیق و پسرقت نشان می‌دهند. آن‌گونه که اعتماد گزارش داد: می‌توان با نگاهی به برخی گزاره‌ها و شاخص‌های مهم، شرایط کشور را بررسی کرد. به عنوان نمونه در جریان تبلیغات انتخابات سال ۱۴۰۰ در زمینه کاهش سریع و حتی تکریمی کردن نرخ تورم وعده‌هایی داده شد. این در حالی است که امروز نه‌تنها این امر محقق نشده، بلکه مردم آرزوی می‌کنند نرخ تورم در همان سطح سال ۱۴۰۰ و قبل از آن، باقی می‌ماند. در خصوص مسکن هم، با قاطعیت اعلام می‌شد دولت سیزدهم سالانه یک میلیون مسکن می‌سازد. اما در طول بیش از دو سال گذشته، حتی ۱۰ درصد وعده‌ها برای ساخت مسکن هم عینیت پیدا نکرده است. عجیب اینکه دولت هنوز حاضر نیست اشتباهات خود را پذیرفته و راهبرد درستی در پیش بگیرد، اکنون اما به نحو مضحکی گناه عدم ناتوانی خودش را به گردن دولت قبل می‌اندازد. در این میان، مردم همچنان با کابوس مسکن و افزایش روزافزون قیمت آن و نرخ اجاره‌ها روبه‌رو هستند. در مورد راهبردهای توسعه کشور، متأسفانه افراد و جریاناتی سر کار هستند که نه‌تنها با ادبیات توسعه آشنا نیستند، بلکه اساساً با آن مخالف‌اند. از سوی دیگر سال ۱۴۰۰ وعده بر صدر امور نشستن افراد صاحب‌نظر، اندیشمند و کارآمد طرح شد، اما کسانی روی کار آمده‌اند که به اسم حزب‌اللهی و انقلابی و... علاوه بر اینکه آسیب‌های اساسی به آموزه‌های انقلاب، اسلام و حزب‌اللهی‌های واقعی وارد کرده‌اند، باعث شدند اکثریت افراد صاحب‌نظر، اندیشمند و کارآمد از عرصه مدیریتی کنار گذاشته شده و جای خود را به افراد ناتوان، ناکارآمد و متوهم بدهند. قرار بود به جای افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی که به دلایل مختلف آسیب دیده و کاهش یافته بود، به بازتولید اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی مبادرت شود. اما شاهدیم روند کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی تداوم یافته و گروه‌هایی بر سر کار آمده‌اند که نه‌تنها صلاحیت ایجاد چنین سرمایه‌هایی را ندارند، بلکه با افکار و رفتار نابالغانه خود به تشدید بی‌اعتمادی و شکاف‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند.

● انتقاد از حضور نظامی آمریکا در منطقه

سعید ابروانی، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، گفت که تهران به دنبال برانگیختن هیچ‌گونه جنگ منطقه‌ای نیست و تنها در صورتی که تهدیدی متوجه منافع ملی آن باشد، وارد جنگ رژیم صهیونیستی-حماس خواهد شد. آن‌گونه که ایسنا گزارش داد: او با وجود این هشدار داد که حضور رو به افزایش آمریکا در منطقه، بیش از پیش آن را در معرض حمله قرار می‌دهد. ابروانی در این گفت‌وگو همچنین اظهار کرد که حضور آمریکا در منطقه، بازدارنده ورود

جنگ سایه‌ها میان تهران و واشنگتن

نوشت: «پس از رگبار حملات به اهداف آمریکایی در خاورمیانه طی هفته‌های اخیر، ایالات‌متحده به شبه‌نظامیان نزدیک به ایران پاسخ نظامی داده و نیروهای آمریکایی چند حمله تلافی‌جویانه را انجام داده‌اند؛ اتفاقی که ممکن است خطر آغاز یک جنگ گسترده‌تر را به دنبال داشته باشد.» اگرچه ایالات‌متحده می‌گوید هدف از این عملیات‌ها جلوگیری از حملات بیشتر علیه نیروهایش در منطقه است، اما حملات تلافی‌جویانه کاملاً موفقیت‌آمیز نبوده است. به گزارش آسوشیتدپرس، روز جمعه گذشته، پایگاه‌های نظامی ایالات‌متحده بیشترین تعداد حملات یعنی سه حمله را در عراق و سوریه متحمل شدند.

شعار معیشت

نوشت: وقتی مردم شاهد هستند که هر گروه و جناحی با شعار معیشت مردم وارد عرصه انتخابات می‌شود اما بعد در عوض تنها مساله‌ای که مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ همین معیشت مردم است، توجهی به چهره‌ها و افرادی که تایید و وارد گود انتخابات می‌شوند، نمی‌کنند. برای آنها بحث نامیدی از نهادهای تصمیم‌گیر فارغ از اینکه چه جناحی در این نهادها باشد، مطرح است. علاوه بر این وقتی مردم دیدند که در همین یک‌دستی نیروهای دولت و مجلس چگونه لجاجتی سیاسی باعث عدم احیای برجام و عدم تصویب FATF شد با چه انگیزه‌ای باید به این مساله اعتماد کنند؟





## نسخه ناقص برای بحران صندوق‌ها

افزایش سن بازنشستگی سروصدای زیادی ایجاد کرد

### ● پایان کار وزارت «صمت»؟

وزارت بازرگانی قطعاً تشکیل می‌شود؛ این خبر را محمدرضا پورابراهیمی در میان فعالان اقتصادی اتاق بازرگانی تهران اعلام کرد. به گفته او، پس از مدت‌ها رفت و برگشت، رئیس‌جمهور به این جمع‌بندی رسیده است که در شکل کنونی ساختار وزارت صمت، حجم کار این وزارتخانه اینقدر زیاد است که هر حوزه به تفکیک از رسیدگی به امور خود ناتوان است. آن گونه که دنیای اقتصاد گزارش داده: مطابق گفته پورابراهیمی، بر همین اساس، دولت و مجلس به این توافق رسیده‌اند که تا دو هفته دیگر این مساله در صحن علنی مجلس مطرح شود و چنانچه از سد شورای نگهبان بگذرد تا اواسط زمستان این وزارتخانه تشکیل خواهد شد و به مدت‌ها بحث در این مورد خاتمه خواهد داد. اما این تنها خبری نبود که رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در اتاق تهران مطرح کرد و علاوه بر این، بار دیگر به انتقاد از سیاست‌های ارزی بانک مرکزی، از جمله چندرخی بودن ارز پرداخت، سپس از این مساله پرده برداشت که مجلس در برنامه هفتم توسعه در جهت تعدیل این سیاست‌ها، از جمله سیاست تعهد ارزی، چهار سرفصل کشاورزی، صنایع دستی، خدمات فنی-مهندسی و دانش‌بنیان‌ها را از ایفای پیمان‌سپاری بر مبنای نرخ دستوری بانک مرکزی معاف کرده است. با وجود این او در پاسخ به انتقاد فعالان اقتصادی مبنی بر مشکل‌زا بودن اصل سیاست پیمان‌سپاری ارزی، از این سیاست دفاع کرد و اتخاذ آن را در شرایط تحریمی لازم دانست. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، اعتراض به اصل این سیاست ارزی را مساوی با این دانست که صادرکننده نمی‌خواهد ارز حاصل از فعالیت خود را به چرخه اقتصادی کشور بازگرداند؛ مساله‌ای که به گفته او تا زمانی که ناترازی منابع و مصارف ارز در کشور وجود دارد ممکن نیست.

### ● درآمد‌های جهانی نفت و گاز ایران

جواد اوجی در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران، گفت: براساس اعلام مرکز آمار ایران نرخ رشد اقتصادی ۱۹/۸ درصد است که این نرخ در سه‌ماه دوم سال جاری برای گروه نفت و گاز ۲۵/۶ درصد است که رکورد بی‌سابقه‌ای است. آن گونه که ایسنا گزارش داده: وی از میزان مبلغ واریزی به حساب سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت اظهار بی‌اطلاعی کرد. وزیر نفت همچنین از سرمایه‌گذاری در ۱۳۰ طرح و پروژه نفت و گاز به ارزش ۲۸۷۵ میلیارد دلار خبر داد و افزود: در این دولت این حجم

کمتر از ۲۴ ساعت پس از مصوبه مجلس درباره افزایش سن بازنشستگی، موج سنجینی از انتقادات، ابهام‌ها و اعداد ضدونقیض برای مدت زمان اضافه‌شده به ۳۰ سال خدمت به راه افتاد. بیش از همه، بخشی از قوه مقننه تلاش کرد تبعات چنین تصمیمی را که در فضای مجازی با انتقادهای گسترده مواجه شده بود، متوجه دولت کند. از جمله احسان ارکانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس که این مصوبه را «خواستار دولت» عنوان کرد و گفت که «هدف اصلی مجلس از مصوبه روز گذشته، رفع مشکلات و احیای صندوق‌های بازنشستگی بوده است». آن گونه که اعتماد گزارش داد: مورد دوم به ابهام در مدت زمان اضافه‌شده به زمان بازنشستگی برمی‌گردد که بسیاری از رسانه‌ها از افزایش ۱۲ سال به سن بازنشستگی خبر داده بودند. این عدد بر مبنای اظهارات سخنگوی کمیسیون تلفیق بررسی‌کننده لایحه برنامه هفتم توسعه به دست آمده بود. اما در این باره، رئیس مجلس مجبور به تصحیح اشتباه این نماینده شد و عنوان کرد که سقف افزایش مدت بازنشستگی پنج سال است. بنابراین کسانی که حتی بدون سابقه بیمه وارد بازار کار می‌شوند؛ در مجموع باید ۳۵ سال برای رسیدن به بازنشستگی (با شرط سنی ۶۲ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان) صبر کنند. اما نکته‌ای که در این میان کمتر به آن پرداخته شد؛ امکان اصلاح شرایط وخیم صندوق‌های بازنشستگی با این مصوبه بود. سوال مهمی که در این باره مطرح شده، این است که آیا «افزایش سن بازنشستگی به تنهایی قادر به ایجاد تحولی در نظام صندوق‌های بازنشستگی (عمدتاً ورشکسته) است»؟ درباره صندوق‌های بازنشستگی باید گفت که بعد از اعمال شدیدترین تحریم‌های یکجانبه و ظالمانه علیه ایران از سوی دولت ترامپ که به «فشار حداکثری» موسوم شد؛ ورق برگشت و شرایط بدتر هم شد. سهم جبران ناترازی این صندوق‌ها از بودجه عمومی دولت ۱۱/۵ درصد در سال ۹۶ بود. اما در سال ۱۴۰۲ این رقم به ۱۵ درصد رسید. در واقع به صورت ریالی، دولت برای اینکه ناترازی این صندوق‌ها را برطرف کند؛ امسال باید ۳۰۰ هزار میلیارد تومان پول به آنها پرداخت کند. پولی که از محل‌های متفاوتی به دست می‌آید که از درآمد‌های نفتی تا مالیات و فروش اوراق و... متغیر است و در واقع با زحمت به دست آمده و به دلیل تورم موجود، بسیار هم گران است. اما یک سوال در اینجا مطرح است: اگر قواعد این صندوق‌ها به درستی اجرا می‌شد و خبری از حضور هیات‌مدیره‌های عجیب و غریب در آنها نبود؛ باز هم چنین شرایطی به وجود می‌آمد یا آنها می‌توانستند خود هزینه و درآمدشان را تراز کنند؟

با خبرگزاری‌ها

**ایسنا:** براساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، تقدیمی هیات دولت به مجلس شورای اسلامی، خودروهای سواری و وانت‌های دوکابین اشخاص (حقیقی و حقوقی غیردولتی) که ارزشی بالغ بر سه میلیارد تومان دارند، نسبت به مازاد این مبلغ، سالانه مشمول مالیات به نرخ یک درصد خواهند بود.

**ایلتنا:** براساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ میزان درآمد‌های حاصل از فروش نفت، فرآورده نفتی و گاز با ۸/۱ درصد، از ۶۰۳ هزار میلیارد تومان به ۵۵۴ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است.

**ایرنا:** محمدمصدق قنادرزاده، معاون ارتقای کسب‌وکارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران، با تأکید بر اینکه اتحادیه اقتصادی اوراسیا بازار بزرگ پیش‌روی ایران است، گفت: مطابق بررسی‌های کارشناسی ظرفیت تجاری ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا ۳۰ میلیارد دلار است که می‌تواند جهشی را در تجارت کشور ایجاد کند.

**ایسنا:** محمدرضا فرزین در حاشیه جلسه هیات دولت گفت: از ابتدای سال ۱۴۰۲ اعلام کردیم هدف‌گذاری بانک مرکزی برای رشد نقدینگی ۲۵ درصد است. در حال حاضر نقدینگی را از ۴۲ به ۲۶/۴ درصد کاهش داده‌ایم، البته هر چه به پایان سال نزدیک می‌شویم فشار بر نقدینگی بیشتر می‌شود اما تلاش ما کاهش این نرخ به ۲۵ درصد است.

### چرا وعده ساخت چهار میلیون مسکن دادید؟

نوشت: علی‌علی‌زاده، وزیر اسبق راه و شهرسازی، در پاسخ به این سوال که «دولت در کارزار انتخاباتی خود وعده ساخت چهار میلیون واحد مسکونی را داد، تحلیل شما در این باره چیست؟» گفت: آقای رئیس‌جمهور حرف بدون کارشناسی زده است. وزیر او نیز فهمید نمی‌شود و این شعار عملیاتی نیست. وزیر بعدی هم فهمید دولت نباید مسکن بسازد. دولت هیچ پولی ندارد، حتی نمی‌تواند پول کارمند خود را بدهد. خانه را مردم می‌سازند. مردم ولو فقیر باشند با بدبختی خانه را می‌سازند. متأسفانه دولت حرف بی‌ربط بیان می‌کند و در عمل می‌ماند که همین موضوعات فرصت را از کشور می‌گیرد.



### منبع پولی کسری بودجه

نوشت: رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر مهار رشد نقدینگی، یکی از عوامل اصلی ایجاد تورم را پولی شدن کسری بودجه دانست. به گفته فرزین، بانک مرکزی اجازه نخواهد داد که کسری بودجه از منابع بانک مرکزی تأمین شود. صحبت‌های این مقام مسوول در حالی مطرح می‌شود که پیشتر برخی مسوولان رقم کسری بودجه را در هفت ماه نخست سال، ۳۰ درصد عنوان کرده بودند. فرزین در این همایش با انتقاد از شیوه آماردهی در کشور تأکید کرد که داده‌های کلان اقتصادی باید ابزاری برای سیاستگذاری و پیش‌بینی آینده باشد.

باخبرگزاری‌ها

**ایلنا:** محمدرضا مهدیار اسماعیلی،

رئیس هیات عامل صندوق ملی مسکن، از تکمیل واحدهای نیمه‌کاره واحدهای مسکن مهر در استان‌ها با استفاده از منابع این صندوق خبر داد و گفت که تا امروز در این راستا افزون بر شش هزار میلیارد تومان تخصیص انجام شده است.

**تسنیم:** متن کامل لایحه بودجه

۲۴۶۲ هزار میلیارد تومانی سال ۱۴۰۳ که در ۲۹ آبان از سوی دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده بود منتشر شد.

**ایسنا:** نمایندگان مجلس شورای

اسلامی، وزارت جهاد کشاورزی را مکلف کردند تا نسبت به تدوین برنامه توسعه مشاغل خردروستایی براساس مزیت رقابتی مناطق اقدام کند.

**ایلنا:** سعید مومنی، رئیس اتحادیه

نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودرو، با اعلام افزایش ۴۰ درصدی قیمت انواع خودرو در آبان سال جاری نسبت به آبان سال گذشته این رشد قیمت را برآمده از عواملی دانست که قیمت هر کالای سرمایه‌ای را سالانه افزایش می‌دهد. وی همچنین از تداوم رکود در بازار خودرو کشور خبر داد.

**ایرنا:** نمایندگان مجلس موضوع

متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به میزان ۹۰ درصد حقوق شافلان را برای بررسی بیشتر به کمیسیون تلفیق ارجاع دادند.

زمین کارهای خوبی انجام شده است، گفت: سازمان ملی زمین و مسکن و شورای عالی شهرسازی و معماری در تامین زمین نهضت ملی مسکن تلاش ویژه‌ای دارند و در اجرای سایر ارکان مسکن وزارتخانه نیز متمرکز هستند. وزیر راه و شهرسازی تامین بیش از ۵۰ هزار هکتار زمین برای طرح نهضت ملی مسکن را کاری مهم عنوان کرد و افزود: تکمیل واحدهای باقیمانده مسکن مهر با اولویت دنبال شود. ایجاد و احداث ۲۷ شهر ساحلی در نوار جنوبی کشور پروژه‌های مترقی است که بخشی از برنامه‌ریزی برای مکان‌یابی، استقرار جمعیت و صنایع در آن انجام شده است.

**● اقدام عملی گمرک برای بهبود فضای کسب و کار**

گمرک ایران اعلام کرد: در حال حاضر تعداد ۷۰۶ شرکت با سابقه فعالیت در رویه‌های واردات و صادرات به عنوان فعال اقتصادی برگزیده گمرکی مشمول بر خورداری از تسهیلات مصوب گمرکی هستند. بر اساس این گزارش از این تعداد ۴۸۸ شرکت تولیدی، ۷۰ شرکت با معرفی معاونت علمی فناوری و اقتصاد دانش ریاست‌جمهوری جزو شرکت‌های منتخب دانش‌بنیان بوده و ۱۴۸ شرکت بازرگانی به عنوان فعال اقتصادی برگزیده گمرکی شناخته شده و از تسهیلات گمرکی استفاده می‌کنند. آن گونه که ایرنا گزارش داده: مهم‌ترین برنامه تسهیلاتی گمرک ایران در قالب طرح فعالان اقتصادی برگزیده گمرکی تدوین شده که یک برنامه مشارکتی-گمرکی برای بهبود فضای کسب و کار است و بر مبنای توصیه سازمان جهانی گمرک طرح‌ریزی شده و از میان ۱۸۵ کشور عضو این سازمان در ۸۲ کشور از جمله ایران این طرح پیاده‌سازی شده است. بنابر این گزارش، با هدف تسهیل فرآیند تجارت خارجی برای شرکت‌های برگزیده ایرانی دو تفاهم‌نامه شناخت متقابل فعالان اقتصادی برگزیده گمرکی با گمرکات کشورهای چین و روسیه امضا شده است تا فرآیند مبادلات تجاری از سوی فعالان اقتصادی دو کشور در قالب این طرح به سهولت انجام شود. همچنین به منظور رعایت الزامات بین‌المللی، معیارهای انتخاب فعالان اقتصادی برگزیده گمرکی مورد بازنگری قرار گرفته و علاوه بر محورهایی شامل سال‌های فعالیت، حجم تجارت خارجی و احراز عدم سابقه تخلفات گمرکی شرکت‌ها، محورهای دیگری از جمله نبود سوابق قاچاق و دیگر بزه‌های قطعیت‌یافته، رعایت الزامات امنیتی، عملکرد مالی و میزان اعتبار بانکی، عملکرد مالیاتی، سوابق بیمه‌ای، رعایت استانداردهای بین‌المللی، رفع تعهدات ارزی حاصل از صادرات و نبود تعهدات گمرکی نیز پیش و در انتخاب شرکت‌های متقاضی دارای ضریب اهمیت شد. بر اساس این گزارش، در اجرای این برنامه با فراهم شدن امکان تامین منافع متقابل در قبال پذیرش مسوولیت کنترل‌های امنیتی از سوی بخش خصوصی، تسهیل تشریفات گمرکی برای شرکت‌های منتخب فراهم می‌شود و ضمن تضمین و پایداری منافع دوجانبه، زمینه رشد تولیدات ملی را فراهم خواهد کرد.

سرمایه‌گذاری شد و به بهره‌برداری رسید که ثمره رشد اقتصادی ۲۵/۶ درصد را شاهد هستیم. ۵۰ پروژه را به ارزش ۴۸۵ میلیارد دلار هم شروع کرده‌ایم. رشد تولید نفت، گاز، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی را محقق کردیم. اوجی از رشد صادرات نفتی و افزایش درآمدهای نفتی کشور در سال جاری سخن گفت و افزود: سرمایه‌گذاری در گروه نفت و گاز از کارهای اساسی دولت در وزارت نفت است. این سرمایه‌گذاری‌ها، ارزش افزوده کشور را بیشتر کرده است. ۳۳ سال است که در وزارت نفت هستم و در هیچ دوره‌ای چنین رشدی اتفاق نیفتاده بود. وی بی‌آنکه آماری از صادرات خدمات فنی مهندسی گروه نفت و گاز اعلام کند، گفت: در خیلی کشورها تامین قطعات یدکی پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها، توسعه میادین نفت و گاز، احداث پالایشگاه نفت و گاز، حفاری عمودی و افقی چاه‌های نفت و گاز و حفاری تا عمق شش هزارمتری را در حال انجام داریم.

**● یک چهارم جمعیت ایران مستاجرند**

مهرداد بذریاش با تاکید بر اهمیت اجرای طرح نهضت ملی مسکن برای رفع دغدغه زندگی افراد فاقد مسکن اظهار کرد: در موضوع مسکن و اجرای طرح نهضت ملی مسکن فناوری ساخت، مصالح ساختمانی، نیروی کار متخصص و نیروی کار ماهر، همگی در کشور وجود دارد. آن گونه که اعتماد گزارش داده: وی با بیان اینکه یک‌چهارم جمعیت کشور مستاجر هستند، افزود: طبق آمار بانک مرکزی، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در آبان ۱۵ درصد کاهش داشت و رشد معاملات مسکن نیز حدود سه تا چهار درصد افزایش یافت. اینها نوید خوبی در بخش مسکن است. اما همچنان سهم اجاره در سبد خانوار بالاست که باید تلاش کنیم با تولید و عرضه مسکن این سهم را در سبد خانوار کم کنیم. وزیر راه و شهرسازی یادآور شد: اثر تولید مسکن در افزایش تولید ناخالص داخلی بالاست و بنابراین با مجموعه راهکارها باید تلاش کنیم با تولید و عرضه مسکن ضمن کمک به تامین مسکن مردم، به تعهد دولت جامعه عمل بپوشانیم. وی بیان کرد: در همراهی مجموعه دولت، میزان تسهیلات از ۳۵۰ میلیون تومان به ۵۵۰ میلیون تومان افزایش یافت و سود بازپرداخت نیز از ۲۳ به ۱۸ درصد کاهش یافت. بذریاش خطاب به مدیران کل راه و شهرسازی بر پررنگ شدن نقش فرمانداران و استانداران در طرح نهضت ملی مسکن تاکید کرد و گفت: با بازدیدهای میدانی و تقویت نقش فرمانداران و استانداران اجرای طرح نهضت ملی مسکن سرعت می‌گیرد که در این کار باید اهتمام بیشتری شود. بذریاش ادامه داد: موضوع بافت فرسوده و ساخت و نوسازی در این بافت‌ها با توجه به اینکه تمامی زیرساخت‌ها را دارد بسیار حائز اهمیت و مورد تاکید است؛ بنابراین با توجه به اینکه منابع دولت محدود است انتظار می‌رود نوسازی بافت فرسوده و ساخت مسکن در این بافت‌ها در اولویت باشد. در نوسازی بافت فرسوده، شهرداران باید پای کار بایند تا این بخش تقویت شود. وی با بیان اینکه در حوزه تامین

**امکان‌های آلترناتیو برای بورس**

نوشت: با توجه به اینکه در معاملات سهام پول از یک خریدار به فروشنده منتقل می‌شود و این گردش مالی ادامه دارد، بنابراین پول جدیدی وارد بورس نمی‌شود، اما در شرایط پرسرک وارد صندوق‌های درآمد ثابت می‌شود. وقتی سرمایه‌گذاری در بازار بدهی افزایش یابد، انتشار اوراق روی جریان نقدینگی بازار سهام تاثیر چندانی نخواهد داشت و این موضوع به ثبات بیشتر بازار کمک می‌کند، اما وقتی این دو بازار به صورت متعادل رشد نکرده باشند، جریان آنها نوسانی می‌شود. در سال‌های اخیر بسیاری از سرمایه‌گذاران در بازار سهام زیان دیده‌اند، به همین دلیل برای جبران زیان خود سعی کرده‌اند سرمایه خود را وارد بازار کالایی کرده یا وارد بازار مشتقه شوند.



**سکوت درباره سرانه مصرف گوشت**

نوشت: برای اینکه به پاسخ این پرسش دست یابیم که رقم واقعی مصرف گوشت در کشور چقدر است و نسبت به سرانه جهانی در چه شرایطی قرار دارد، از آنجا که آمارهای رسمی در این باره کمتر وجود دارد یا ندارد، بی‌شک نمی‌توان به عدد مشخص و دقیقی رسید، اما همین که نهاد‌های رسمی کمتر به موضوع ارائه آمار در این باره وارد می‌شوند، نشان می‌دهد احتمالاً اعداد مورد اشاره چندان آبرومند نیست. ضمن اینکه افزایش هولناک و قیمت‌های عجیب و غریب گوشت به ویژه گوشت قرمز در سال‌های اخیر، خود نشانی بر کاهش مصرف است. در عین حال روند کاهش در یک دهه اخیر قابل کتمان نیست.





# دور باطل در گیری

## آیا گزینه دودولتی قابلیت اجرا دارد؟

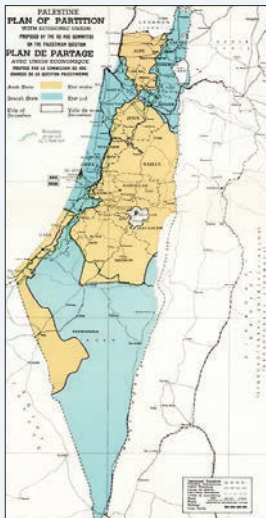
### ● مروری بر تحولات اخیر

پیش از بررسی راه‌حل دودولتی مروری بر تحولات اخیر خواهیم داشت. ماجرا از آنجا شروع شد که گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی گروه حماس در سحرگاه روز شنبه ۷ اکتبر حمله غافلگیرکننده‌ای را به نام طوفان‌الاقصی علیه اسرائیل آغاز کردند. در همین رابطه «محمد ضیف»، فرمانده شاخه نظامی حماس در غزه در بیانیه‌ای از آغاز عملیات جدید برای «آزادسازی محوطه حساس مسجدالاقصی» خبر داد و گفت، «زنان معتکف در مسجدالاقصی را مورد حمله قرار دادند و حرمت این مسجد را زیر پا گذاشتند، در حالی که قبلاً به آنها هشدار داده بودیم». او در ادامه این بیانیه گفت، «دشمن پیشنهاد ما را برای مبادله انسان‌دوستانه اسرا نپذیرفت و هر روز جنایات آن در کرانه باختری ادامه دارد. آغاز عملیات طوفان‌الاقصی را اعلام می‌کنیم و از همه فلسطینی‌ها می‌خواهیم که از هر کجا هستند با اشغالگران اسرائیلی مبارزه کنند». حماس در بیانیه‌ای از همه مبارزان جریان مقاومت در کرانه باختری، اعراب و ملت‌های مسلمان خواسته به این جنگ بپیوندند. در اینجا حماس دو دلیل برای شروع عملیات طوفان‌الاقصی اعلام کرده است؛ نخست، هتاکی به زنان معتکف در مسجد و دوم، به نتیجه نرسیدن مذاکرات مبادله اسرا. البته رسانه‌های غربی یک دلیل سوم را مطرح کرده‌اند و آن حضور پرشمار بازدیدکنندگان یهودی در محوطه حساس مسجدالاقصی در هفته‌های گذشته است. ماجرای درگیری زنان و نمازگزاران فلسطینی با یهودیان در محوطه حساس مسجدالاقصی به کمتر از یک ماه پیش برمی‌گردد. اواخر سپتامبر محلی در فلسطین از حمله نیروهای اسرائیلی به نمازگزاران فلسطینی در «باب السلیسیله» یکی از ورودی‌های اصلی مسجدالاقصی خبر دادند. مدیریت مسجدالاقصی در یک توافق خاص با اسرائیل به اردنی‌ها سپرده شده است. حماس با این توافق موافق نیست و در ۱۵ سال گذشته اعلام کرده خودش مسوول حفظ و حراست از این مسجد مقدس ادیان الهی است.

در همین راستا گردان‌های عزالدین قسام بیش از ۲۵۰۰ راکت به اراضی اشغال‌شده (شهرهای مرکزی و جنوب اسرائیل) پرتاب کردند. حمله اخیر حماس علیه اسرائیل به شکل حاضر پیشتر سابقه نداشته است. ارتش اسرائیل اعلام کرده تقریباً ۲۲۰۰ موشک در رگبار اولیه به سمت اسرائیل پرتاب شده که بزرگ‌ترین حمله موشکی علیه اسرائیل از زمان کنترل حماس بر غزه در سال ۲۰۰۷ است. همچنین تعداد موشک‌های پرتاب‌شده بیشتر از موشک‌های پرتاب‌شده در جریان حملات در بحران‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱ میلادی بوده‌اند. گروه حماس اعلام کرده است که هدف از این عملیات «پایان دادن به همه جنایات‌های اشغالگری» است. اسرائیل گروه حماس را متهم کرده که عملیاتی «ترکیبی» را همراه با پرتاب راکت و نفوذ به داخل شهرهای مرکزی و جنوب اسرائیل آغاز کرده است. در مقابل ارتش اسرائیل حملات هوایی گسترده‌ای



▲ در این گزارش از نظرات دکتر مهدی مطهرنیا، تحلیلگر مسائل بین‌الملل استفاده کرده‌ایم.



▲ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ کمیسیونی را مأمور بررسی و تنظیم «طرح تقسیم فلسطین» کرد. آن طرح در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با صدور قطعنامه ۱۸۱ به تصویب رسید. به آن قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل ۳۳ کشور رای موافق، ۱۳ کشور از جمله ایران، ترکیه، افغانستان و پاکستان رای مخالف و ۱۰ کشور رای متنع دادند. بر پایه آن طرح، قرار شد یک دولت عرب فلسطینی و یک دولت یهودی در فلسطین تشکیل شود. تنها بیت‌المقدس و حومه‌های نزدیک آن تحت کنترل بین‌المللی باقی ماند.

دو برابر جمعیت این بازگیر تعریف شود، چرا که موجودیت فلسطین را تهدیدی بالقوه علیه خود می‌بیند. از همین رو، گروهی مدعی‌اند که تلاش برای حفظ وضعیت موجود در غزه و کرانه باختری ممکن است بدترین گزینه جایگزین باشد.

کارل فون کلاوزویتز، استراتژیست نظامی پروس (۱۸۳۱-۱۷۸۰)، گزاره‌ای تامل‌برانگیز در باب جنگ دارد: من به چگونگی و عاقبت هر جنگی بیش از آغازش علاقه‌مندم. لیدل هارت، استراتژیست بریتانیایی (۱۹۷۰-۱۸۹۵)، با محور قرار دادن گزاره کلاوزویتز در گزاره‌های روشن‌تر آورده است که، در طرح‌ریزی جنگ، اعتماد محاسباتی به پایان پیروزی حتمی آن، باید ملاک داوری باشد و نه آغاز جنجالی‌اش. هر دو گزاره را می‌توان یک‌جا در این مصرع سعدی دید: عاقل آن است که اندیشه کند پایان را. واقعیت این است با اینکه عملیات طوفان‌الاقصی شروعی جنجالی داشت اما به قیمت محو زندگی در غزه پایان یافت. اسرائیل که ضربه سهمگینی از این عملیات خورد با اندیشه حفظ همین و ابهت فروریخته‌اش، فشار همه‌جانبه نظامی بی‌سابقه‌ای را علیه نوار غزه در دستور کار قرار داد. در همین رابطه یوآف گالاتن، وزیر دفاع نتانیاها، راهبرد اسرائیل در نوار غزه را طی یک جمله کوتاه خلاصه کرد: «حماس تغییر می‌خواست و اکنون شاهد این تغییر خواهد بود. آنچه در غزه بوده، دیگر وجود نخواهد داشت.» مفهوم این تهدید آن است که نوار غزه با محو کامل زیرساخت‌های آب و برق و خدمات بهداشتی و درمانی و محاصره کامل مواد غذایی، همراه با بمباران و توپ‌باران، دیگر زندگی‌پذیر نخواهد بود. خواست شهروندان و احزاب اسرائیلی و اراده دولت و کابینه دایر، برای انتقام از حماس به جایی رسیده که نتانیاها باور دارد نتیجه جنگ علیه حماس در نوار غزه، آینده خاورمیانه را رقم خواهد زد.

این اظهارات به خوبی نشان می‌دهد که مقامات اسرائیل با سوار شدن بر امواج نفرت جهانی (از برخی اقدامات حماس در طوفان‌الاقصی)، در تلاش هستند تا فشار حداکثری را بر مردم غزه تحمیل کنند، اما بعید است که استمرار خشونت آنان به مقابله جهانی منجر نشود. چنان‌که آنتونیو گوتش، دبیر کل سازمان ملل متحد، از اسرائیل خواسته تا اقدامات نظامی‌اش در نوار غزه را مطابق با حقوق بین‌الملل انجام داده و از اقدامات خودسرانه اجتناب کند. همچنین جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجه اتحادیه اروپا، در واکنش به رویکرد اسرائیل گفت: «اسرائیل حق دفاع از خود را دارد، ولی باید مطابق قوانین بین‌الملل و حقوق بشردوستانه باشد. برخی تصمیمات اسرائیل، مغایر با قوانین بین‌المللی است.» همچنین وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپایی و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، طی بیانیه‌ای مشترک بر راه‌حل دو کشور اسرائیل و فلسطین در جهت احیای صلح تأکید ورزیدند.

راه‌حل دودولتی یکی از قدیمی‌ترین راه‌حل‌ها برای حل‌وفصل منازعه میان اسرائیل و فلسطین است. به ادعای برخی از تحلیلگران، اگر راه‌حل دودولتی غیرقابل اجرا باشد، راه‌حل تک‌دولتی هم برای اسرائیل و هم برای فلسطین جذابیت کمتری خواهد داشت. در صورت اجرایی شدن نسخه تک‌دولتی، یهودیان به لحاظ جمعیتی در اقلیت قرار خواهند گرفت، طبیعتاً تل‌آویو در چنین شرایطی اجازه نخواهد داد تا کشور فلسطین با جمعیتی





▲ در تازه‌ترین اخبار، اسرائیل با ریختن برگه‌های هشدار از آسمان به جنوب غزه، از ساکنان برخی مناطق غزه خواست که برای حفظ جان خود آتجا را ترک کنند. ساکنان مناطق جنوبی و کسانی که با قبول هشدار قبلی اسرائیل از شمال به جنوب غزه آمده‌اند، اکنون نمی‌دانند از آتجا به کجا بروند. در مناطقی که اسرائیل هشدار حمله داده، صدها هزار نفر در پناهگاه‌های راه‌اندازی‌شده از سوی سازمان ملل زندگی می‌کنند.



▲ فلسطینی‌ها می‌ترسند که جنگ به «فاجعه» منجر شود، منظور آوارگی جمعی است که همراه با تولد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به وجود آمد. وزیرای راست افراطی اسرائیل امیدوارند که این جنگ فرصتی برای بازگرداندن کنترل بر غزه و بازسازی شهرک‌های برچیده‌شده یهودیان فراهم کند. گروهی از جمله جو بایدن هم امیدوارند که این جنگ فرصتی برای احیای روند صلح اسرائیلی-فلسطینی بحکم‌نامه باشد.

برانگیخت. با انتشار آن کتاب، «سازمان نظامی ملی در سرزمین اسرائیل» به نام «ایرگون» موجی از حملات تروریستی را بر ضد دولت بریتانیا در فلسطین به راه انداخت که با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ فروکش کرد. اما شاخه‌ای از ایرگون به نام «لحی» (زمنندگان برای اسرائیل) در سال‌های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ آن حملات را از سر گرفت. در فوریه ۱۹۴۴ «ایرگون» نیز حملات خود را با شدت بیشتری از سر گرفت. از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ ایرگون و لحی و تا حدودی «هاگانا»، سازمان شبه‌نظامی دیگر یهودی، بیش از ۳۰۰ بریتانیایی و چندین هزار عرب را کشتند. سرانجام، «رنست بوین»، وزیر امور خارجه بریتانیا، در فوریه ۱۹۴۷ تصمیم گرفت مساله فلسطین را به سازمان ملل واگذار کند.

مجمع عمومی سازمان ملل در همان سال کمیسیونی را مامور بررسی و تنظیم «طرح تقسیم فلسطین» کرد. آن طرح در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ با صدور قطعنامه ۱۸۱ به تصویب رسید. به آن قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل ۳۳ کشور رای موافق، ۱۳ کشور از جمله ایران، ترکیه، افغانستان و پاکستان رای مخالف و ۱۰ کشور رای ممتنع دادند. بر پایه آن طرح، قرار شد یک دولت عرب فلسطینی و یک دولت یهودی در فلسطین تشکیل شود. تنها بیت‌المقدس و حومه‌های نزدیک آن تحت کنترل بین‌المللی باقی ماند.

قیمومیت بریتانیا بر فلسطین در چهاردهم ماه می ۱۹۴۸ پایان یافت و دولت اسرائیل بی‌درنگ اعلام موجودیت کرد. جنگ اعراب و اسرائیل در فردای آن روز یعنی در پانزدهم ماه می آغاز شد. در آن جنگ مصری‌ها، سوری‌ها، عراقی‌ها، فرانسوی‌ها و لبنانی‌ها شرکت داشتند. کشورهای عربی از سال ۱۹۴۶ دخالت نظامی در فلسطین

بریتانیا به عهده «لرد ویلیام پیل»، یکی از سیاستمداران باسابقه، گذاشته بود. از همین‌رو، آن کمیسیون به «کمیسیون پیل» نیز معروف است. کمیسیون پیل پس از چند ماه تحقیق میدانی در جولای ۱۹۳۷ به دولت بریتانیا پیشنهاد کرد که بهتر است به قیمومیتش بر سراسر فلسطین به استثنای کریدور پیرامون اورشلیم پایان دهد و آن سرزمین را میان دو دولت عرب و یهود تقسیم کند. آن پیشنهاد را مقامات میانه‌رو عرب و یهود به‌رغم میل باطنی‌شان پذیرفتند.

در سال ۱۹۳۸ «کمیسیون وود هِد» وظیفه بررسی جزئیات طرح پیشنهادی «کمیسیون پیل» را به عهده گرفت تا راهکارهایی برای اجرایی شدن آن به دولت بریتانیا پیشنهاد کند. اما به سبب بی‌میلی مقامات عرب و یهود در نوامبر همان سال از کار بازایستاد. با این حال، دولت بریتانیا به یافتن راه‌حل ادامه داد و در ماه می ۱۹۳۹ سومین «کتاب سفید» دوران «قیمومیت بر فلسطین» را منتشر کرد. هدف دولت بریتانیا از انتشار این کتاب این بود که از عرب‌های فلسطین دلجویی کرده و به شورش آنان که از سال ۱۹۳۶ آغاز شده بود پایان دهد. به همین خاطر، طرحی که در کتاب ارائه کرد بیشتر به سود اعراب بود. در این طرح بریتانیا از یک‌سوی فروش زمین‌های فلسطین را به یهودیان وابسته به سازمان‌های صهیونیستی (در مناطق گسترده‌ای از آن سرزمین) ممنوع می‌کرد و از سوی دیگر، مانع مهاجرت یهودیان به فلسطین می‌شد. بر پایه این طرح، در آستانه جنگ جهانی دوم تنها ۷۵ هزار یهودی در مدت پنج سال می‌توانستند به فلسطین مهاجرت کنند و جمعیت یهودی نمی‌بایست از یک‌سوم کل جمعیت فلسطین تجاوز می‌کرد. این طرح همچنین به گونه‌ای سرپیسته تشکیل دولت مستقلی با اکثریت عرب در ۱۰ سال آینده را نیز وعده می‌داد. سومین کتاب سفید بریتانیا موج گسترده‌ای از اعتراض‌های خشونت‌آمیز را در میان یهودیان

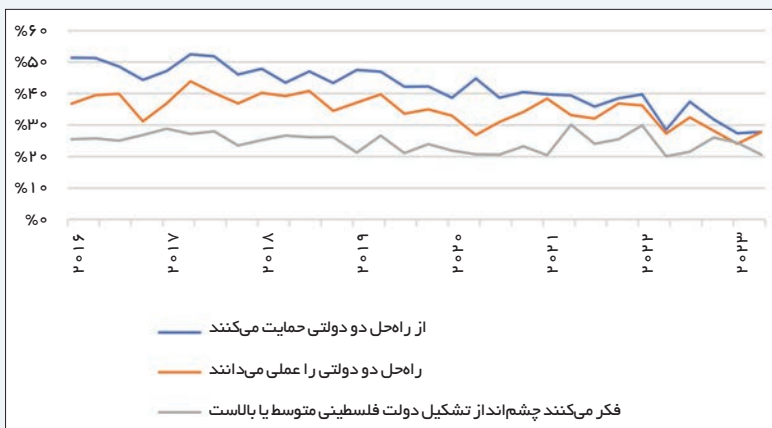
را به مواضع حماس آغاز کرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در اولین اظهارات خود بعد از حمله حماس وعده داد که گروه حماس برای حملات روز شنبه «بهبای بی‌سابقه» پرداخت خواهد کرد. در ادامه ارتش اسرائیل اعلام کرد که هزاران نقطه را در غزه هدف قرار داده است.

در تازه‌ترین اخبار اسرائیل با ریختن برگه‌های هشدار از آسمان به جنوب غزه، از ساکنان برخی مناطق غزه خواست که برای حفظ جان خود آتجا را ترک کنند. ساکنان مناطق جنوبی و کسانی که با قبول هشدار قبلی اسرائیل از شمال به جنوب غزه آمده‌اند، اکنون نمی‌دانند از آتجا به کجا بروند. در مناطقی که اسرائیل هشدار حمله داده، صدها هزار نفر در پناهگاه‌های راه‌اندازی‌شده از سوی سازمان ملل زندگی می‌کنند. مصر مرزهای خود را بر روی آوارگان فلسطینی نوار غزه بسته و مشخص نیست که دو میلیون ساکن این منطقه با گسترش حملات اسرائیل از شمال به جنوب، به کجا پناه خواهند برد. آن‌گونه که خبرگزاری رویترز گزارش داده دو خبرنگار که در شرق خان یونس زندگی می‌کنند، مشاهده این اعلامیه‌ها را تایید کردند. برخی نیز تصویری از اعلامیه‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند. ارتش اسرائیل از اظهار نظر در این زمینه خودداری کرده، اما وزیر دفاع اسرائیل گفت عملیات زمینی در نهایت «شمال و جنوب غزه را شامل می‌شود. ما به حماس در هر کجا که باشد ضربه خواهیم زد». رویترز می‌نویسد از زمان آغاز حملات اسرائیل به نوار غزه، حدود ۱/۵ میلیون نفر از خانه‌هایشان آواره شده و در شرایط بسیار نامطلوب و کمبود آب، غذا و برق، در جنوب کشور پناه گرفته‌اند.

## ● طرح راه‌حل دودولتی

آنچه اکنون در جریان است و احتمالاً در آینده هم ادامه خواهد داشت، ریشه در گذشته دارد و دانستن این تاریخچه برای درک شرایط امروز ضروری است. از زمان انعقاد پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ تا به امروز طرفین درگیر در منازعه فلسطین و اسرائیل شیوه‌های متعدد حل‌وفصل منازعه از جمله میانجیگری، مذاکره، حکمیت و مصالحه را به کار گرفته‌اند تا بتوانند صلح را در این منطقه برقرار کنند. با استفاده از همین شیوه‌ها ساف و تشکیلات خودگردان از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ شش توافق‌نامه را با اسرائیل امضا کرده‌اند تا بلکه بتوانند سازش نهایی میان فلسطین و اسرائیل را به سرانجام برسانند. با وجود این هیچ‌کدام از مذاکرات از جمله پیمان کمپ دیوید (۱۹۷۹)، کنفرانس مادرید (۱۹۹۱)، پیمان‌های اسلو ۱ (۱۹۹۳)، پیمان صلح اردن و اسرائیل (۱۹۹۴)، توافق‌نامه طابا یا پیمان اسلو ۲ (۱۹۹۵) و در نهایت کمپ دیوید دوم با عنوان نشست وضعیت نهایی (۲۰۰۰) نتوانستند صلحی واقعی را در خاورمیانه پدید بیاورند.

اما شاید مهم‌ترین طرحی که تا به امروز برای حل‌وفصل این منازعه پیشنهاد شده است، طرح راه‌حل دودولتی باشد. این راه‌حل را نخستین‌بار در سال ۱۹۳۷ کمیسیونی تحقیقاتی به نام «کمیسیون سلطنتی برای فلسطین» پیشنهاد کرد. این کمیسیون در سال ۱۹۳۶ به دنبال شورش بزرگ فلسطینی‌ها بر ضد بریتانیا و در مخالفت با مهاجرت روزافزون یهودیان به آن سرزمین تشکیل شد. وظیفه این کمیسیون، تحقیق درباره علت شورش بود و مدیریت آن را دولت



▲ یک نظرسنجی در ژوئن ۲۰۲۳ از سوی مرکز تحقیقات سیاست و نظرسنجی فلسطین نشان داد که تنها ۲۸ درصد از جمعیت هنوز از راه حل دودولتی حمایت می‌کنند.

باختری را برای خود حفظ کند، دولت فلسطینی باید سرزمینی به همان اندازه و به همان ارزش از سرزمین‌های اشغالی (اسرائیل) به دست بیاورد؛

■ طرفین باید درباره مفاد امنیتی که به منظور حفاظت در برابر حملات طراحی شده است، توافق کنند. این ترتیبات ممکن است شامل ایستگاه‌های بازرسی، مناطق حائل، محدودیت تسلیحاتی و استقرار نیروهای صلح‌بان بین‌المللی در فلسطین، اسرائیل یا هر دو باشد؛

■ بیت‌المقدس شهری مشترک و آزاد خواهد بود، به این معنا که مناطق یهودی‌نشین تحت حاکمیت اسرائیل و مناطق فلسطینی‌نشین تحت حاکمیت دولت مستقل فلسطینی خواهد بود. سمت غربی این شهر پایتخت اسرائیل می‌شود که به‌طور بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود، بیت‌المقدس شرقی هم پایتخت دولت فلسطینی خواهد بود؛

■ اماکن مقدس در بیت‌المقدس به صورتی اداره می‌شود که طرفین درباره آن توافق داشته باشند، به‌طور مثال اداره مسجداً لاقصی به عهده فلسطینی‌ها خواهد بود و اسرائیلی‌ها اداره دیوار غربی (ندبه) را عهده‌دار خواهند بود؛

■ مساله آوارگان فلسطینی طوری حل خواهد شد که رضایت طرف فلسطینی را فراهم بیاورد و در عین حال به ماهیت یهودی دولت اسرائیل ضربه‌ای وارد نکند؛

■ پس از دستیابی به این توافق، فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها به ادعاهای و منازعه خود پایان داده و ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب به‌طور رسمی دولت اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند و با آن رابطه برقرار می‌کنند

### ● چشم دوختن به گذشته

با توجه به اینکه مساله فلسطین طی این سال‌ها به تدریج به حاشیه رانده شده بود، به همان نسبت راه‌حل دو دولت نیز با چالش‌هایی اساسی روبه‌رو شد. برای مثال موضوع مرزبندی در کرانه باختری را در نظر بگیرید. طی دهه‌های گذشته، شمار زیادی از شهرکنشینان یهودی به کرانه باختری وارد شده و با ساخت «دیوار حائل» و دیگر پروژه‌های امنیتی و دفاعی، جامعه فلسطینی ساکن در کرانه باختری را چندپاره کرده و تحت فشار قرار دادند. در این شرایط، نظرات افراطی در اسرائیل مانند «راه‌حل یک دولت» و «راه‌حل چند دولت» وجود دارند که معتقدند اسرائیل می‌تواند «یک دولت» را حفظ کرده و کرانه باختری را در طولانی مدت اشغال کند یا چندین دولت فلسطینی در کرانه باختری تأسیس کرده و به این ترتیب جامعه فلسطینی را دچار چندپارگی بیشتری کند. اما این روزها با شروع دور جدید درگیری‌ها میان فلسطین و اسرائیل، بسیاری از سیاستمداران به این نتیجه رسیدند که گرچه «راه‌حل دو دولت» با چالش‌های فراوانی روبه‌روست اما هنوز هم یکی از گزینه‌های مورد توافق جامعه بین‌المللی برای حل مساله فلسطین-اسرائیل محسوب می‌شود که کمتر راه‌حل دیگری را می‌توان جایگزین آن کرد.

در همین رابطه مجله اکونومیست در گزارشی آورده است که رهبران جهان در تلاش برای برنامه‌ریزی آینده، به گذشته چشم دوخته‌اند. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در یکی از اظهارات

مرزهای آن را اسرائیل و مصر برای زیر فشار قرار دادن حماس بسته‌اند.

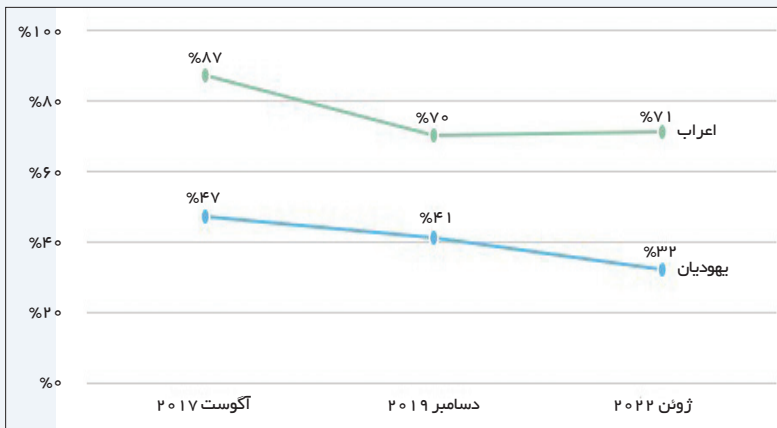
تا همین چندی پیش بسیاری از اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها راه‌حل تشکیل دو دولت را با «مرزهای ۱۹۶۷» می‌پذیرفتند. ۲۰ سال پیش بر اساس یک نظرسنجی معتبر، ۷۲ درصد فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها از راه‌حل دو دولت بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ حمایت می‌کردند. بر اساس نظرسنجی موسسه گالوپ نیز، ۷۰ درصد فلسطینی‌ها در کرانه باختری، ۴۸ درصد فلسطینی‌ها در نوار غزه و ۵۲ درصد اسرائیلی‌ها از «یک کشور مستقل فلسطینی در کنار دولت اسرائیل» حمایت می‌کردند. مخالفان شناخته‌شده «راه‌حل دو دولت» در میان فلسطینی‌ها، سازمان‌های حماس و جهاد اسلامی و در میان اسرائیلی‌ها نیز گروه‌هایی از یهودیان تندرو و بعضی جریان‌های معروف به راست افراطی هستند.

### مفاد اصلی این طرح عبارت‌اند از:

■ اسرائیل باید از تمام کرانه باختری عقب‌نشینی کند و به محاصره نوار غزه پایان دهد. دولت جدید فلسطینی از لحاظ سرزمینی در کرانه باختری تأسیس خواهد شد به شرطی که به‌طور برابر به منابع آبی دسترسی داشته باشند و اتصال زمینی امن میان کرانه باختری و نوار غزه ایجاد شود. اگر توافق شود که اسرائیل بخشی از کرانه

را در اجلاس‌های «اتحادیه کشورهای عرب» مطرح می‌کردند، اما جز امارت فرا-اردن دیگران نمی‌خواستند نیروی نظامی چشمگیر به فلسطین بفرستند. هدف اصلی آنها جلوگیری از افتادن همه فلسطین به دست یهودی‌ها و هجوم پناهندگان فلسطینی به خاک آن کشورها بود. نیروهای نظامی عرب که در روز ۱۵ می ۱۹۴۸ وارد خاک فلسطین شدند، برتری خاصی نسبت به نیروهای اسرائیلی نداشتند، به ویژه آنکه از رهبری یکپارچه بی‌بهره بودند و از نظر تدارکات در تنگنا قرار داشتند. آن جنگ پس از چندین قرارداد آتش‌بس در فاصله میان فوریه و جولای سال ۱۹۴۹ سرانجام با پیروزی اسرائیل پایان یافت.

مرزهایی که در قراردادهای آتش‌بس ۱۹۴۹ تعیین شدند، «خط سبز فلسطین» نامیده می‌شوند. از آن پس، سازمان ملل آن مرزها را به‌طور ضمنی به رسمیت شناخت و مرزهای «طرح تقسیم فلسطین» را به فراموشی سپرد. اما اسرائیل به آن مرزها بسنده نکرد. جنگ شش‌روزه اسرائیل با کشورهای عربی مصر و سوریه واردن که از پنجم تا دهم ژوئن ۱۹۶۷ به طول انجامید، با حمله هوایی ناگهانی اسرائیل به پایگاه‌های هوایی مصر آغاز شد. نیروهای اسرائیلی در شش روز توانستند نوار غزه و صحرای سینا را از دست مصر، بیت‌المقدس شرقی و کرانه باختری رود اردن را از دست اردن و بلندی‌های جولان را از دست سوریه بیرون بیاورند. کشتیرانی اسرائیلی‌ها در تنگه تیران نیز به رسمیت شناخته شد. اسرائیل شبه‌جزیره سینا را در سال ۱۹۷۹ با امضای پیمان کمپ دیوید به مصر واگذار کرد. در پی جنگ شش‌روزه، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه معروف ۲۴۲ سال ۱۹۶۷ را تصویب کرد که به موجب آن اسرائیل می‌بایست به اشغال نظامی پایان می‌داد. در آن قطعنامه منظور از «سرزمین‌های اشغالی» نوار غزه، شبه‌جزیره سینا، کرانه باختری رود اردن، بیت‌المقدس شرقی و بلندی‌های جولان است. اما این قطعنامه که در مذاکرات صلح همواره به آن استناد کرده‌اند، روشن نمی‌کند اسرائیل آن سرزمین‌ها را به چه کسی باید بازگرداند. سرزمین‌هایی که امروز به آنها «سرزمین‌های اشغالی فلسطین» می‌گویند پیش از سال ۱۹۶۷ زیر کنترل مصر یا اردن بودند. نوار غزه پس از امضای پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ در اختیار «حکومت خودگردان فلسطین» قرار گرفت، اما از ژوئن ۲۰۰۷



▲ یک نظرسنجی در سپتامبر ۲۰۲۲ به‌وسیله موسسه دموکراسی اسرائیل (یک اندیشکده غیرحزبی)، نشان داد که تنها ۳۲ درصد از یهودیان اسرائیل از راحل دودولتی حمایت می‌کنند.

روابط خود را با اسرائیل تقویت کرده‌اند، ممکن است تمایل بیشتری به جمع‌آوری پول نقد داشته باشند تا نشان دهند که فلسطینی‌ها را رها نکرده‌اند.

باید بپذیریم که بزرگ‌ترین مشکل، جزئیات راحل نیست، بلکه اراده سیاسی برای مذاکره و اجرای آن است. با ائتلاف راست افراطی و سیاستمداران مذهبی و رهبری بنیامین نتانیاهو روند صلح جدی وجود نخواهد داشت. البته بعید است که این ائتلاف مدت طولانی پس از جنگ غزه دوام بیاورد و مخالفان آقای نتانیاهو امیدوارند که دولت بعدی برای گفت‌وگو با فلسطینی‌ها سازگارتر باشد. اما در طرف فلسطینی، حماس همواره مخالف طرح دودولتی بوده است. اولین بمب‌گذاری انتحاری این گروه در دهه ۱۹۹۰ به خنثی کردن روند اسلو کمک کرد. شاید حماس پس از جنگ غزه محو شود، اما گروه دیگری می‌تواند جای آن را بگیرد.

مردم عادی نیز ایمان خود را به راحل دو کشور از دست داده‌اند. یک نظرسنجی در سپتامبر ۲۰۲۲ به‌وسیله موسسه دموکراسی اسرائیل (یک اندیشکده غیرحزبی)، نشان داد که تنها ۳۲ درصد از یهودیان اسرائیل از راحل دودولتی حمایت می‌کنند، که نسبت به پنج سال قبل ۴۷ درصد کاهش یافته است. اعراب اسرائیل که یک پنجم جمعیت را تشکیل می‌دهند، نیز همچنان این ایده را تایید می‌کنند، اگرچه حمایت آنها نیز کاهش یافته و از ۸۷ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۷۱ درصد در سال ۲۰۲۲ رسیده است. تعداد زیادی از یهودیان اسرائیل وضعیت موجود را ترجیح می‌دهند. حمایت در میان فلسطینی‌ها هم به شدت کاهش یافته است. یک نظرسنجی در ژوئن ۲۰۲۳ از سوی مرکز تحقیقات سیاست و نظرسنجی فلسطین نشان داد که تنها ۲۸ درصد از جمعیت هنوز از راحل دودولتی حمایت می‌کنند. حدود ۵۳ درصد از آنها ۱۰ سال پیش از این ایده حمایت کردند، اگرچه فقط ۳۹ درصد آن را عملی می‌دانستند.

بعید است مردم از چیزی که غیرممکن می‌پندارند حمایت کنند. یک روند صلح معنادار می‌تواند این نظرسنجی‌ها را تغییر دهد. یکی از وزیران سابق فلسطینی می‌گوید: «فکر نمی‌کنم مردم ما فرصت پایان دادن به اشغال را رد کنند.» اما وقایع هفته‌های اخیر می‌تواند ایده سازش را دشوار کند. ■

باید در نظر داشته باشیم که شرایط منطقه‌ای پیچیده‌تر است. در سال ۲۰۰۲ اتحادیه عرب پیشنهاد عربستان سعودی را مبنی بر عادی‌سازی روابط با اسرائیل به شرط پذیرش راحل دودولتی از سوی اسرائیل، پذیرفت. قرار بود ابتکار صلح عربی یک انگیزه قدرتمند برای اسرائیل باشد. در آن زمان جهان عرب گمان می‌کرد اگر اسرائیل احساس کند که دیگر خطری تهدیدش نمی‌کند تمایل بیشتری برای صلح خواهد داشت. اما به ادعای برخی از تحلیلگران منطقه نسبت به سال ۲۰۰۲ تغییر کرده است. برخی از شبه‌نظامیان، از حزب الله لبنان تا حوثی‌ها در یمن، اکنون قدرتمندتر از برخی از کشورهای منطقه هستند. تنها موافقت دولت‌های عربی منطقه کافی نیست، بازیگران غیردولتی نیز باید با این طرح موافقت کنند.

شاید راه‌های دیگر آسان‌تر باشد. راحل دو دولت پرهزینه خواهد بود. حتی قبل از جنگ، فلسطینیان انتظار کمک برای بازسازی غزه را داشتند. این صورت حساب در حال حاضر بسیار بالاتر خواهد بود. در نشست ناموفق کمپ دیوید در سال ۲۰۰۰، مذاکره‌کنندگان درباره بودجه ۳۰ میلیارد دلاری برای جبران اموال از دست‌رفته آوارگان فلسطینی بحث کردند. کشورهای حوزه خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی که در سال‌های اخیر

عمومی خود در این مورد گفت: «وقتی این بحران تمام شد، باید چشم‌اندازی از آینده وجود داشته باشد، و از نظر ما باید راحل دودولتی باشد.» ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا نیز اظهارات مشابهی را مطرح کرده است. امانوئل مکران، رئیس‌جمهور فرانسه نیز همین‌طور.

زمانی که اسرائیل در سال ۲۰۰۵ غزه را ترک کرد و حدود هشت‌هزار شهرکنشین یهودی را از سرزمینی که از سال ۱۹۶۷ تحت کنترل خود بود بیرون آورد، هیچ‌کس نمی‌دانست باید چه تصمیمی بگیرد. برخی امیدوار بودند که تمایل اسرائیل به واگذاری اراضی اشغالی یک روند و گامی به سوی توافق نهایی با فلسطینی‌ها باشد. اما برخی دیگر معتقد بودند که کنار گذاشتن کنترل غزه ممکن است به اسرائیل کمک کند تا کنترل خود را بر کرانه باختری گسترش دهد. گذشت زمان نشان داد که نظر دوم مطابقت بیشتری با واقعیت دارد. سردرگمی مشابهی هم‌زمان با حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر و تصمیم اسرائیل برای تهاجم زمینی به غزه، به وجود آمد. فلسطینی‌ها می‌ترسند که جنگ به «فاجعه» منجر شود، منظور آوارگی جمعی است که همراه با تولد اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به وجود آمد. وزرای راست افراطی اسرائیل امیدوارند که این جنگ فرصتی برای بازگرداندن کنترل بر غزه و بازسازی شهرک‌های برچیده‌شده یهودیان فراهم کند. گروهی از جمله جو بایدن هم امیدوارند که این جنگ فرصتی برای احیای روند صلح اسرائیلی-فلسطینی به‌کم‌ارفته باشد.

اما در حال حاضر، این یک رویای دور است. ژنرال‌های اسرائیلی انتظار ماه‌ها جنگ را دارند. اما هم آنها و هم بسیاری از قدرت‌های خارجی امیدوارند که در نهایت کنترل غزه را به تشکیلات خودگردان فلسطین که بر بخش‌هایی از کرانه باختری حکومت می‌کند، منتقل کنند. البته آنها تردید دارند که محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، بدون تضمین گفت‌وگوهای معنادار در رابطه با تشکیل کشور فلسطین، به غزه بازگردد.

## ● آینده غزه

هر طرحی برای «آینده» غزه، نیازمند بررسی راحل دودولتی نیز هست. طرح کلی برای چندین دهه تغییر چندانی نکرده است. یک کشور فلسطینی در غزه و کرانه باختری تشکیل خواهد شد. اسرائیل بخش‌هایی از اراضی اشغالی را با بخش‌هایی از کرانه باختری که در آن شهرک‌های بزرگ ساخته است، مبادله خواهد کرد. اورشلیم با نوعی کنترل مشترک بر شهر قدیمی تقسیم خواهد شد. تعداد کمی از آوارگان فلسطینی می‌توانند به اسرائیل بازگردند، در حالی که بقیه در فلسطین یا خانه‌های کنونی خود در جاهای دیگر ساکن خواهند شد.

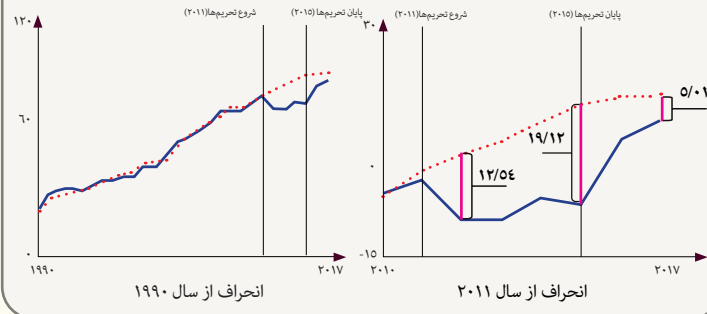
پس از دو دهه گفت‌وگوهای جدی (از دوران امیدبخش توافق‌نامه اسلو در اوایل دهه ۱۹۹۰ تا تلاش بی‌نتیجه در دوران باراک اوباما) روند صلح در سال ۲۰۱۴ متوقف شد. از آن زمان تاکنون هیچ مذاکره جدی صورت نگرفته است. مذاکره‌کنندگان نمی‌توانند از جایی که مذاکرات را پایان دادند ادامه دهند. در پایان سال ۲۰۲۱، حدود ۴۶۵،۴۰۰ شهرکنشین اسرائیلی در کرانه باختری زندگی می‌کردند که این رقم در زمان امضای توافق‌نامه اسلو در سال ۱۹۹۳، ۱۱۶،۳۰۰ نفر بود.

# ایران زیر خط فقر

دوره‌های پی در پی اعمال تحریم‌ها علیه ایران در دهه گذشته، باعث کاهش قابل توجه تولید ناخالص داخلی، تولید نفت و صادرات ایران شده است. مطالعات با استفاده از روش‌های تخمینی تایید می‌کند که تحریم‌ها بر اقتصاد ایران در مقایسه با سناریوی عدم تحریم، تأثیر منفی گذاشته است و تخمین می‌زنند که رشد تولید ناخالص داخلی ۱۲ تا ۱۹ درصد کمتر از آن چیزی است که بدون تحریم‌ها می‌توانست باشد.

مسیر تولید ناخالص داخلی واقعی برای ایران (خط توپر) و تحت سناریوی تئوریک

بدون تحریم (خط چین) (درصد)



## روند نرخ فقر ایران

ایران در طول یک دهه گذشته نتوانست رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کند؛ هم‌زمان با کاهش تولید ناخالص داخلی، فقر افزایش یافت و حتی زمانی که اقتصاد با رونق همراه شد، تنها ثروتمندترین خانوارها از آن بهره بردند و سطح فقر ثابت ماند.

۴۰ درصد از مردم ایران در معرض فقر هستند

افزایش ۸/۱ واحد درصدی

نرخ فقر در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۱۱



منبع: بانک جهانی

# تهدید فقر

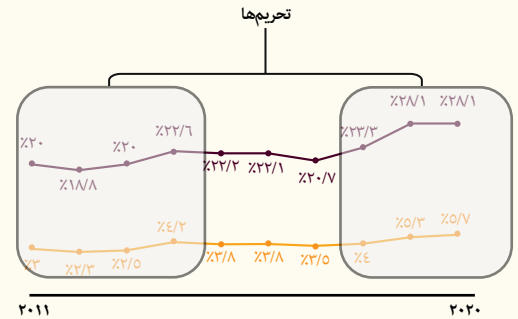
## چرا ایرانیان سال به سال فقیرتر می‌شوند؟

گزارش‌های بانک جهانی از روند فقر در ایران نشان از فقیرتر شدن تعداد بیشتری از ایرانیان در هر سال می‌دهد. این نهاد بین‌المللی بیش از ۲۸ درصد مردم را زیر خط فقر می‌داند و ۴۰ درصد را نیز در معرض فقر عنوان کرده است. این گزارش با در نظر گرفتن داده‌های بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ افرادی را که زیر خط فقر تعیین شده بانک جهانی یعنی درآمد ۶/۸۵ دلار در روز (با قدرت برابری خرید سال ۲۰۱۷) قرار دارند ۲/۸۱ درصد برای سال ۲۰۲۰ عنوان کرده است. در گزارش قبلی بانک جهانی که آوریل ۲۰۲۳ منتشر شده بود ۲۷ درصد از جمعیت ایران در سال ۲۰۱۹ زیر خط فقر بودند. نکته مهم اینکه این رقم در سال ۲۰۱۸ حدود ۲۰ درصد بود و جهش اصلی یا در واقع ریزش اصلی ایرانیان به زیر خط فقر در فاصله سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ رخ داد که بانک جهانی آن را نتیجه رکود اقتصادی عمیق و تحریم‌های سنگین می‌داند.

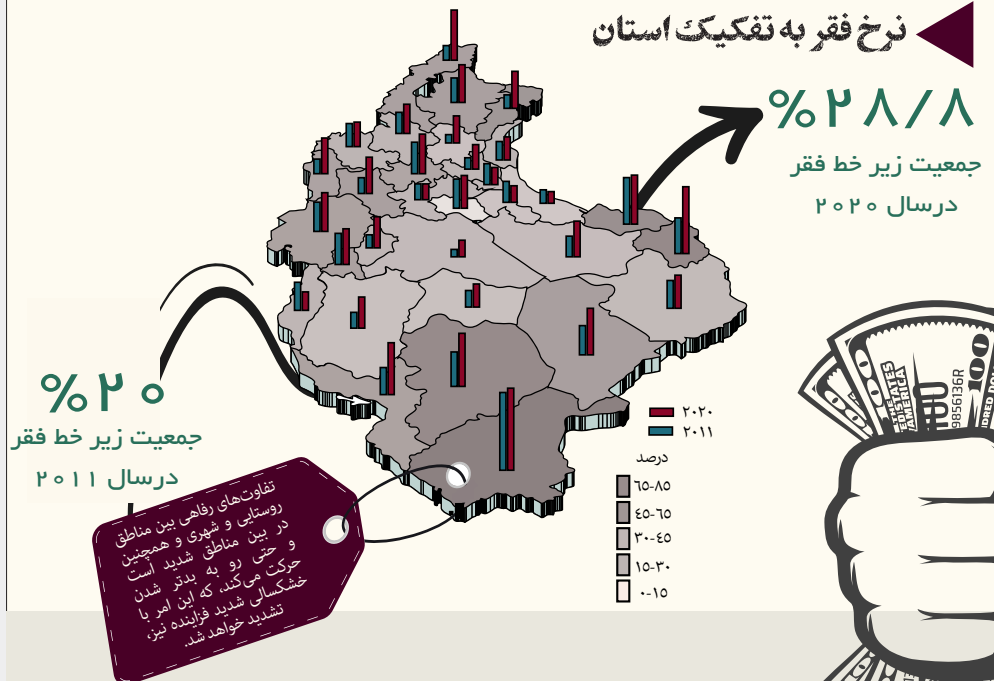
شکاف درآمدی در مناطق شهری و روستایی نیز بیشتر شده است به طوری که اگرچه یک‌چهارم جمعیت ایران در روستا زندگی می‌کنند اما بیش از ۴۰ درصد فقرا در روستاها هستند، به عبارتی نیمی از جمعیت روستائین زیر خط فقر هستند. با این حال دو نکته در مورد گزارش بانک جهانی حائز اهمیت است؛ نخست اینکه آخرین داده‌های مورد استناد این گزارش مربوط به سال ۲۰۲۰ یعنی سه سال قبل است، در حالی که در سه سال گذشته تورم سالانه بالاتر از ۴۵ درصد بوده است. دوم اینکه هنوز نرخ برابری دلار و ریال در محاسبات بانک جهانی به نرخ‌های رسمی بانک مرکزی محاسبه می‌شود، نه نرخ بازار آزاد که عملاً نرخ واقعی و اثرگذار در معیشت مردم است.

## شیوع فقر طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ برای ایران

شیوع فقر طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در ایران را می‌توان به سه دوره افزایش متوسط در فقر، دوره کاهش جزئی فقر و دوره افزایش مداوم فقر تقسیم کرد. این دوره‌ها به‌طور کلی با چرخه تحریم‌های اعمال شده، کاهش و تحمیل مجدد آنها همسو هستند. شایان ذکر است، در سطح بین‌المللی، ایران یکی از بدترین عملکردها در بین هم‌تایان خود را دارد؛ در حالی که ایران در سال ۲۰۱۱ هشتمین کشور کمتر فقیر در بین ۲۵ کشور با درآمد متوسط بالا بود، تا سال ۲۰۲۰ به رتبه هفدهم سقوط کرده است.



## نرخ فقر به تفکیک استان



## ۹/۵ میلیون نفر



افزایش تعداد افرادی که زیر خط فقر قرار گرفتند طی ۱۰ سال منتهی به سال ۲۰۲۰

طبق گزارش بانک جهانی با خط فقر ۶/۸۵ دلار براساس برابری قدرت خرید سال ۲۰۱۷ بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ تعداد افراد زیر خط فقر در ایران ۹/۵ میلیون نفر افزایش پیدا کرده و جمعیت زیر خط فقر از ۲۰ درصد به ۲۸/۸ درصد رسیده است! و نیمی از جمعیت ایران در خطر فقیر شدن قرار دارند.

اینفوگرافیک: مهسا رجیب‌نژاد



## فقر و سهم کامیابی

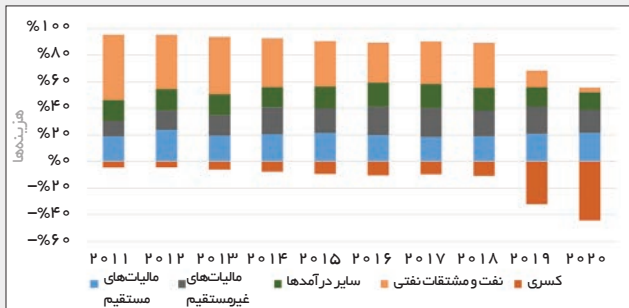
### بانک جهانی روند فقر در ایران را چگونه تحلیل می‌کند؟

#### ● جمعیت‌شناسی و بازار کار

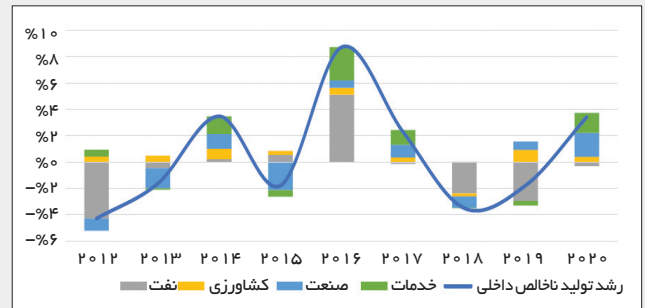
جمعیت ایران به سرعت در حال پیر شدن و شهرنشینی است. نرخ شهرنشینی از ۷۱ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۷۵/۵ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. هر سال، حدود یک درصد از بزرگسالان در سن کار به یک شهر جدید نقل مکان می‌کنند که نشان‌دهنده سطح مشخصی از تحرک اقتصادی است. این مهاجران داخلی اغلب در جستجوی فرصت‌های اقتصادی هستند و نسبت به ساکنان شهری معمولی تحصیلات بهتری دارند. با مهاجرت به شهرها، خانواده‌های ایرانی کوچک‌تر شده‌اند. در دهه گذشته، متوسط اندازه خانوار در کشور از ۳/۸ به ۳/۴ کاهش یافت، در حالی که نرخ باروری اندکی کاهش یافت، از ۱/۸ فرزند برای هر زن به ۱/۷ (بخش جمعیت ملل متحد، ۲۰۲۲). در عین حال، یک ایرانی معمولی مسن شده است. میانگین سنی از ۲۹ سال در سال ۲۰۱۰ به ۳۴ سال در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. گروه بزرگی از جوانان متولدشده در دهه ۱۹۸۰ صاحب فرزند می‌شوند که شکل «ساعت شنی» هرم جمعیت را به وجود می‌آورد. از آنجا که ایرانیان همچنان فرزندان کمتری دارند، این کشور با یک پنجره رو به کاهش برای استفاده از «سود تقسیمی جمعیت» خود قبل از اینکه بزرگ‌ترین گروه از نیروی کار خارج شوند، مواجه است. در حالی که مهاجرت خالص در دهه گذشته به دلیل هجوم پناهندگان افغان مثبت بوده است، روندهای بلندمدت معکوس نشده است. گفتنی است که سود تقسیمی جمعیت زمانی است که به دلیل کاهش باروری و کاهش مرگومیر کودکان، تعداد زیادی از بزرگسالان مولد از تعداد نسبتاً کمی از کودکان و مستمری بگیران حمایت می‌کنند که امکان رشد سریع اقتصادی را فراهم می‌کند. اشتغال در دهه گذشته روندی صعودی داشته است، اما بسیاری از این دستاوردها با همه‌گیری کووید ۱۹ معکوس شدند. نرخ اشتغال یا سهم بزرگسالان شاغل در سن کار از ۳۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳۹/۱ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است. دوسوم نیروی کار در بخش خدمات و یک‌پنجم در صنعت مشغول به کار هستند؛ نسبت‌هایی که در طول زمان افزایش یافته است. افزایش نرخ اشتغال عمدتاً ناشی از افزایش مشارکت زنان در نیروی کار بوده است و زنان بیشتری در بخش خدمات مشغول به کار هستند. این در حالی است که توزیع بخشی اشتغال مردان ثابت باقی مانده است. با وجود اینکه تنها حدود ۱۱ درصد از زنان در سال ۲۰۱۱ شاغل بودند، این نسبت در سال ۲۰۱۸ به ۱۴ درصد افزایش یافت که به معنای یافتن شغل حدود یک میلیون زن دیگر است. با این حال، اعمال مجدد تحریم‌ها و شروع همه‌گیری کووید ۱۹ بسیاری از این دستاوردها را از بین برد. در ایران، بحران کووید ۱۹ منجر به کاهش مشارکت نیروی کار به جای افزایش بیکاری شد؛ زیرا بسیاری از مردم از جستجوی شغل منصرف شدند (نمودار ۳). از زمان شروع همه‌گیری، جمعیت در سن کار ۱/۴ میلیون نفر افزایش یافته در حالی که جمعیت فعال ۱/۳ میلیون نفر کاهش یافته است. مشخصه بازار کار ایران بیکاری بالا به‌ویژه در میان جوانان و مشارکت کم نیروی کار زنان است. بیکاری از نظر ساختاری بالای ۱۰ درصد نیروی کار و بالای ۲۵ درصد

مطالعات متعددی تأیید می‌کنند که تحریم‌ها در مقایسه با سناریوی بدون تحریم بر اقتصاد ایران تأثیر منفی گذاشته است. به‌عنوان نمونه کمی (۲۰۲۱) برآورد کرده است که رشد تولید ناخالص داخلی ایران ۱۲ تا ۱۹ درصد کمتر از حالت بدون تحریم‌ها بوده است. تحریم‌ها همچنین پیامدهای توزیعی برای رفاه داشته است. مطالعه کمی (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که خانوارهای روستایی، خانوارهای متعلق به گروه‌های با درآمد پایین و متوسط و خانوارهایی که سرپرست آنها افراد مسن و بیکار هستند، بیشترین احتمال ابتلا به فقر را بین سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ و ۲۰۱۵-۲۰۱۴ داشتند. در مقابل، خانوارهایی با اعضای شاغل در بخش دولتی و دارای سطح تحصیلات بالاتر، وضعیت بهتری داشتند. عدم رشد اقتصادی با تورم بالا همراه شده است که به کاهش قدرت خرید در شرایط واقعی کمک کرده است. تورم بالا و پرنوسان یک موضوع بومی اقتصادی و اجتماعی در ایران بوده است. گزارشی که از سوی صندوق بین‌المللی پول (IMF) تهیه شده، نتیجه‌گیری می‌کند که در ایران، سیاست‌های پولی اشتباه باعث تورم بلندمدت شده است، در حالی که کاهش ارزش پول، کسری‌های مالی و تحریم‌ها (که به دلیل صادرات نفت است) هم در کوتاه‌مدت و هم بلندمدت موجب تورم شده‌اند (توره و خزاعی، ۲۰۲۲). سطح قیمت‌ها، به‌ویژه مواد غذایی، در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۲ و دوباره در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸ تقریباً دو برابر شد؛ افزایشی که با همه‌گیری کووید ۱۹ نیز همراه بود. افزایش قیمت مواد غذایی به‌طور نامتناسبی بر فقیرترین افراد تأثیر می‌گذارد. پنجم پایین خانوارهای ایرانی از نظر مصرف ۴۵ درصد از بودجه خود را در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۰ صرف غذا کرده‌اند، در حالی که پنجم بالا ۲۶ درصد از بودجه خود را صرف غذا کرده‌اند.

بانک جهانی در گزارشی با عنوان «فقر در ایران» تصویری نگران‌کننده از وضعیت درآمدها و مصارف خانوارهای ایرانی ارائه کرده است. این گزارش که در نوامبر ۲۰۲۳ منتشر شده، مربوط به سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ است. اطلاعات این گزارش بر مبنای داده‌های سالانه بودجه خانوار تهیه شده که نشان می‌دهد خانوارهای ایرانی در طول این سال‌ها چگونه درآمد خود را از دست داده‌اند. جمع‌آوری داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار (HEIS) در ایران به‌طور سالانه صورت می‌گیرد. ایران همچنین یک نظرسنجی سالانه نیروی کار (LFS) با داده‌های موجود از سال ۲۰۱۰ دارد. HEIS و LFS بررسی‌های ملی هستند که در سطح استان و مناطق شهری و روستایی طبقه‌بندی شده‌اند. خانوارهای هر نمونه به‌طور تصادفی به ۱۲ گروه با اندازه تقریباً مساوی تقسیم می‌شوند که هر گروه در ماه متفاوتی از سال ایرانی مصاحبه شده‌اند. نظرسنجی خانوار، اطلاعات مختلفی را در مورد جمعیت، امکانات و منابع درآمد خانوار به همراه یک پرسشنامه مفصل در مورد اقلام مخارج پوشش می‌دهد. این گزارش با استناد به این داده‌ها به روند فقر، عوامل تعیین‌کننده و محرک‌های فقر در ایران می‌پردازد. در دهه گذشته، رشد اقتصاد ایران بی‌ثبات بوده و عموماً منفی بوده است. تولید ناخالص داخلی سرانه طی دهه گذشته ۰/۶ درصد در سال کاهش یافته است. اقتصاد شدیداً وابسته به نفت ایران بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۲۱ با نوسان‌های زیاد مشخص می‌شود (نمودار ۱). صادرات نفت ۵۵ درصد از کل صادرات ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ را به خود اختصاص داده است. نوسان‌ها در قیمت بین‌المللی نفت، همراه با اثر تحریم‌ها، به نوسان اقتصادی قابل توجهی کمک کرده است. لغو تحریم‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۵ فرصت‌های جدیدی را برای تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایجاد کرد و اقتصاد ایران را رونق بخشید، اما اعمال مجدد تحریم‌ها در سال ۲۰۱۸ بسیاری از این دستاوردها را معکوس کرد. به‌رغم برخی تلاش‌ها برای تنوع‌بخشی، اتکالی مستمر به درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز، پیشرفت اقتصادی ایران را با مشکل مواجه کرده است. همچنین با وجود تلاش‌ها برای گسترش پایه مالیاتی، دولت ایران همچنان به‌شدت به نفت به‌عنوان منبع درآمد متکی است. درآمد حاصل از صادرات نفت عامل کلیدی تعیین‌کننده حساب جاری و همچنین مالی عمومی است. در حالی که نفت بیش از نیمی از درآمدهای سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ را تشکیل می‌داد، دولت به‌آرامی به دنبال افزایش مالیات خود و کاهش اتکالی خود به نفت بوده است (نمودار ۲). با این حال، با ترکیب تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت در اواخر سال ۲۰۱۸، همراه با تأثیر کووید ۱۹، کاهش ناگهانی درآمد به این معنی بود که دولت مجبور شد برای جبران به کسری مخارج متوسل شود. به‌طوری که مخارج از ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۱ به هفت درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت (IMF, 2021). تحریم‌ها تأثیر اقتصادی قابل توجهی در ایران داشته است. دوره‌های پی‌درپی تحریم‌های اعمال شده علیه ایران در دهه گذشته باعث کاهش قابل توجه تولید ناخالص داخلی، تولید نفت و صادرات ایران شده است.



▲ نمودار ۲- ترکیب درآمدهای مالی، ۲۰۱۱-۲۰۲۰ (منبع: بانک مرکزی ایران)



▲ نمودار ۱- تغییر در تولید ناخالص داخلی، ۲۰۱۲-۲۰۲۱ (منبع: بانک مرکزی ایران)

قدرت خرید در سال ۲۰۱۷ با ۶/۸۵ دلار آمریکا در روز). همان‌طور که در رسانه‌های دولتی ایران گزارش شده است اخیراً خط فقر ملی معادل حدود ۵۰۰ دلار در ماه برای یک خانواده چهارنفره یا ۴/۱۱ دلار برای هر نفر در روز است. این معادل ۹/۵ میلیون نفر است که در تله فقر گیر افتاده‌اند. پویایی‌های فقر در طول دوره را می‌توان با تمایز سه مرحله کاملاً متمایز تجزیه و تحلیل کرد (نمودار ۵). یک دوره اولیه افزایش متوسط در فقر (۲۰۱۴-۲۰۱۱)، یک مرحله کاهش جزئی فقر (۲۰۱۷-۲۰۱۴) و یک زمان افزایش مداوم در فقر (۲۰۲۰-۲۰۱۷). این دوره‌ها به‌طور کلی با چرخه تحریم‌های اعمال شده، کاهش و تحمیل مجدد همسو هستند، هرچند عوامل فقر بسیار پیچیده‌تر هستند. در سطح بین‌المللی، ایران یکی از بدترین عملکردها را در میان هم‌تایان خود دارد. در حالی که ایران در سال ۲۰۱۱ هشتمین کشور کم‌فقر در میان ۲۵ کشور با درآمد متوسط رو به بالا بود، تا سال ۲۰۲۰ به رتبه هفدهم سقوط کرد.

### ● مقایسه معیار با هم‌تایان اقتصادی

در مقایسه با کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا، ایران در دهه گذشته عملکرد ضعیفی در کاهش فقر داشته است. در سال ۲۰۱۱، ایران هشتمین کشور کم‌فقر در میان ۲۵ کشور با درآمد متوسط رو به بالا بود که نرخ فقر آن با تایلند و صربستان قابل مقایسه است. تا سال ۲۰۲۰، این کشور به رتبه هفدهم سقوط کرد، با تعداد جمعیت فقیر بالاتر از کشورهایی با سرانه تولید ناخالص داخلی مشابه، مانند برزیل یا آلبانی. در سال ۲۰۲۰، ایران از کشوری با درآمد متوسط رو به بالا (UMIC) به کشوری با درآمد متوسط رو به پایین (LMIC) طبقه‌بندی شد. این تغییر به دنبال به‌روزرسانی در درآمد ناخالص ملی سرانه کشور برای محاسبه بهتر نرخ‌های ارز چندگانه در حال اجراست. با این حال، به‌طور کلی، به‌رغم عملکرد ضعیف در دهه گذشته، نرخ فقر ایران در خط فقر بین‌المللی (UMIC) با نرخ فقر (UMIC) مطابقت دارد. نه تنها تعداد ایرانیان فقیر بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۱۱ افزایش یافته، بلکه سطح محرومیت آنها نیز افزایش یافته است یا به عبارت دیگر عمق فقر افزایش یافته است. افزایش شدت فقر به‌طرز نگران‌کننده‌ای نشان می‌دهد که وخامت رفاه به‌ویژه برای فقیرترین اقشار شدید بوده است. گفتنی است که عمق فقر نشان‌دهنده میانگین کمبود رفاه در میان فقراست که به صورت درصدی از خط فقر بیان می‌شود.

آسیب‌پذیری خانوارهای ایرانی نیز افزایش یافته است. ۴۰ درصد از ایرانیان در معرض فقر هستند، به این معنی که خطر فقیر شدن آنها در دو سال آینده بیش از ۵۰ درصد است. زنان سرپرست خانوار، خانوارهای روستایی و خانوارهای بزرگ‌تر با نسبت وابستگی بالاتر - به دلیل داشتن تعداد فرزندان بیشتر - همگی آسیب‌پذیرتر هستند. این نشان‌دهنده

کمک کرد. تغییر در مسوولیت‌های خانوادگی به دلیل تعطیلی مدارس به دلیل همه‌گیری کووید، نقش مهمی در تعیین از دست‌دادن شغل در میان زنان داشت. شکاف جنسیتی در از دست‌دادن شغل در میان افراد دارای فرزند در گروه سنی زیر پنج سال بالاترین است و در میان افراد بدون فرزند زیر ۱۴ سال به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. مسوولیت‌های مراقبت از کودکان نیز نقش مهمی در کاهش مشارکت زنان در نیروی کار در مقایسه با مردان ایفا کرده است.

### ● روندهای ملی فقر

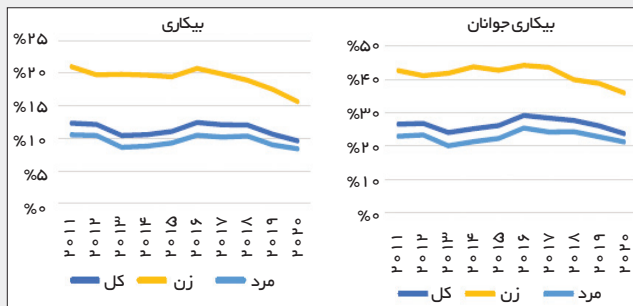
طی سه دهه منتهی به سال ۲۰۱۰، ایران به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه کاهش فقر و توسعه انسانی دست یافته است. پس از یک بحران اقتصادی حاد پس از انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) و جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) فقر مستمر کاهش یافت، از حدود ۴۰ درصد در اواخر دهه ۱۹۸۰ به حدود ۲۰ درصد در اوایل دهه ۲۰۰۰. پیشرفت در کاهش فقر با پیشرفت قابل توجهی در نتایج توسعه انسانی و دسترسی به خدمات همراه بوده است. با تأکید شدید بر توسعه روستایی در سال‌های پس از انقلاب، دسترسی به خدمات به‌طور چشمگیری افزایش یافت. به‌طور مشابه، در طول دهه‌های اخیر، گسترش چشمگیر فرصت‌های آموزشی به نفع گروه‌های سنتی محروم، مانند ساکنان روستایی و زنان، صورت گرفته است. با این حال، این حمایت‌های اجتماعی قوی به مرور زمان از بین رفته است. بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۱۱، سهم ایرانیان زیر خط فقر بین‌المللی از ۲۰ درصد به ۲۸/۱ درصد افزایش یافته است (با شرایط برابری

در میان جوانان فعال اقتصادی باقی مانده است (نمودار ۴).

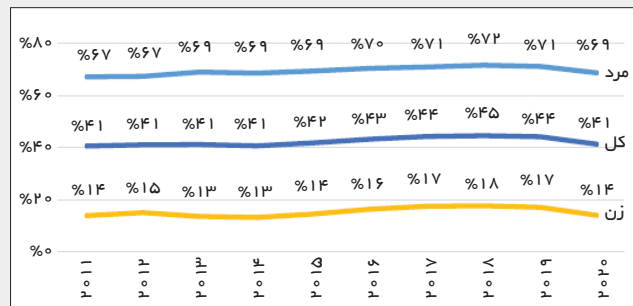
در حالی که ایران در زمینه از بین بردن شکاف‌های جنسیتی در آموزش پیشرفت چشمگیری داشته است، مشارکت زنان در بازار کار بسیار کمتر از مردان است. زنان نه تنها کمتر به بازار کار ملحق می‌شوند، بلکه در صورت پیوستن به بازار کار، نرخ بیکاری آنها دو برابر مردان است که نشان‌دهنده محدودیت‌های بسیاری است که زنان ایرانی با آن مواجه هستند. آخرین بررسی بانک جهانی در حوزه زنان، تجارت و قانون به ایران امتیاز ۳/۳۱ از ۱۰۰ داده است که کمتر از میانگین منطقه‌ای ۵۳ است. این موضوع به دلیل محدودیت‌های قانونی و اجتماعی فراوانی است که زنان ایران با آن مواجه هستند. از جمله آزادی رفت‌وآمد، قوانینی که بر توانایی زنان برای کار یا راه‌اندازی کسب‌وکار تأثیر می‌گذارد و محدودیت‌های مربوط به ازدواج. علاوه بر این، همه‌گیری تأثیر نامتناسبی بر اشتغال زنان داشت، از جمله مادران شاغل که اکثر مسوولیت‌های مراقبت از خانواده را در طول تعطیلی مدرسه و مراقبت از کودکان بر عهده گرفتند و از نیروی کار با حقوق به نیروی کار بدون مزد تبدیل شدند. این مساله به‌ویژه برای بسیاری از زنان جوان نگران‌کننده است که از جست‌وجوی شغل دست کشیدند و بازار کار را ترک کردند.

### ● تأثیر نامتناسب کووید ۱۹ بر اشتغال زنان در ایران

زنان ایرانی بیشترین تأثیر را از بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ در بازار کار داشتند. از هر سه شغل از دست‌رفته در ایران بین سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۹ و ۲۰۲۱-۲۰۲۰، دو شغل قبلاً در اختیار زنان بوده است. زنان ایرانی بیشتر از مردان ایرانی شغل خود را از دست داده‌اند یا با دست کشیدن از جست‌وجوی شغل، از بازار کار کناره‌گیری کرده‌اند. در حالی که بخش عمده‌ای از از دست‌دادن شغل برای نیروی کار مرد و زن در بخش غیررسمی متمرکز بود، تأثیر جنسیتی این بیماری همه‌گیر به‌ویژه در میان نیروی حقوق‌بگیر در بخش خصوصی مشهود بود که نشان‌دهنده افزایش نامنی است. حتی با کنترل سایر عوامل، زنان ایرانی شاغل در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۹ کمتر از مردان شغل خود را حفظ کردند. پس از کنترل ویژگی‌های فردی و شغلی، نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که در مقایسه با مردان، زنان ایرانی به‌طور قابل توجهی کمتر احتمال دارد که شغل خود را یک سال پس از بحران حفظ کنند. به‌طور متوسط، زنانی که در بخش غیررسمی شاغل بودند، در مقایسه با مردان، ۳۲ درصد کمتر از مردان احتمال اشتغال در سال اول همه‌گیری را داشتند. کمترین شکاف مربوطه (پنج واحد درصد) در میان زنان شاغل در بخش دولتی است. در میان کارگران حقوق‌بگیر در بخش خصوصی، این شکاف جنسیتی در از دست‌دادن شغل به ۲۶ درصد می‌رسد. افزایش مسوولیت‌های مراقبت از خانواده در سال اول همه‌گیری به بدتر شدن نتایج بازار کار زنان ایرانی



▲ نمودار ۴- بیکاری و بیکاری جوانان (منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۰-۲۰۱۱)



▲ نمودار ۳- مشارکت نیروی کار (منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۰-۲۰۱۱)

تشکیل می‌دهد. آنها همچنین از رانتهای مالی و حواله‌ها سود ناچیزی می‌برند. در مقابل، پور تقوی درآمدی پنجگ برتر خانوارها متنوع تر است، زیرا ارزش حمایت‌های اجتماعی آنها - معمولاً حقوق بازنشستگی - حفظ شده است. از نظر حمایت اجتماعی، ثروتمندان به حقوق بازنشستگی متکی هستند، در حالی که فقرا به یارانه‌های نقدی متکی هستند. سه نوع دسته‌بندی انتقال اجتماعی در نظر سنجی خانوار وجود دارد. اینها شامل یارانه‌های نقدی منظم، مستمری و یک دسته متفرقه است که شامل یارانه‌های نقدی موقت، کمک‌هزینه تحصیلی و خیریه است. دو پنجگ مصرف بالا به نسبت بیشتری برای درآمد خود به حقوق بازنشستگی متکی هستند. این حقوق بازنشستگی بر اساس تورم تعدیل می‌شود و بنابراین ارزش خود را در طول زمان حفظ کرده‌اند. در مقابل، سه پنجگ پایین به یارانه‌های نقدی متکی هستند. این پرداخت‌ها برای اولین بار در اواخر سال ۲۰۱۰ به عنوان بخشی از اصلاح یارانه انرژی انجام شد. با این حال، با ادامه افزایش قیمت‌ها، ارزش واقعی این یارانه‌ها به تدریج کاهش یافته است.

بر اثر تورم، دستمزدهای واقعی و درآمدهای خوداشتغالی اساساً در دهه گذشته ثابت ماندند. درآمد اسمی دستمزد ماهانه برای یک خانوار متوسط در دهه گذشته به دلیل تورم ۵۵۲ درصد افزایش یافته است. این امر با حداقل دستمزد به‌طور مداوم بروز شده که به دنبال همگام شدن با افزایش قیمت‌ها بوده است. در مقابل، درآمدهای دستمزد واقعی به‌طور قابل توجهی نوسان داشته است و به‌طور متوسط ارزش آنها تنها ۱۰ درصد بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۰ افزایش یافته است. دستمزد ساعتی در همین مدت ۱۶ درصد افزایش یافته است. درآمدهای خوداشتغالی در همان دوره اساساً ثابت مانده است. افزایش مشاهده شده در دستمزدهای واقعی در میان ثروتمندترین پنجگ خانوارها متمرکز شده است. اینها شاهد افزایش دستمزد واقعی ۱۱ درصد در طی یک دهه بوده‌اند، در حالی که دستمزدهای واقعی برای فقیرترین پنجگ ۶/۴ درصد کاهش یافته است. درآمدهای خوداشتغالی نوسان بیشتری داشت، اما قبل از رکود مجدد به‌طور نامتناسبی برای دو پنجگ بالای خانوارها افزایش یافت. برای همه افراد به جز ثروتمندترین پنجگ، درآمدهای خوداشتغالی در سال ۲۰۲۰ از نظر واقعی کمتر از سال ۲۰۱۱ بود. این الگوها زمانی برقرار است که ساعات کار کنترل شود و به درآمد ساعتی نگاه شود.

با نگاهی به روند درآمد در بخش‌ها، درآمد مشاغل بخش خدمات یقه‌سفید در دوره‌های رشد اقتصادی بیشتر افزایش یافته و در طول دوره رکود اقتصادی، کمتر کاهش یافته است. موضوعی که برای کارگران یقه‌آبی برعکس اتفاق افتاد. در نتیجه، به‌طور متوسط در دهه گذشته، درآمد واقعی برای کارگران بخش خدمات یقه‌سفید اساساً ثابت ماند، در حالی که برای کارگران یقه‌آبی کاهش یافت. این به این دلیل است

مصرف خانوارها، فقیرترین افراد در دوران رکود بیشترین آسیب را متحمل شدند و در دوره‌های رونق اقتصادی کمترین نفع را بردند. بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، خانوارهایی که در صدک پایین قرار دارند، هر سال به‌طور متوسط حدود دو درصد کاهش مصرف واقعی خود را داشته‌اند، در حالی که این میزان برای خانوارهایی که در صدک بالای مصرف هستند، حدود یک درصد در سال است. این عمدتاً به این دلیل است که در دوره کوتاه رشد اقتصادی، مصرف در دهک‌های بالای خانوارها به نسبت بیشتری افزایش یافته است. برعکس، در دوره‌های رکود، دهک‌های فقیر بیشترین کاهش مصرف را داشتند. به‌طور کلی، نابرابری، همان‌طور که با شاخص جینی اندازه‌گیری می‌شود، کمی از ۳۵/۵ در سال ۲۰۱۱ به ۳۶/۷ در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت.

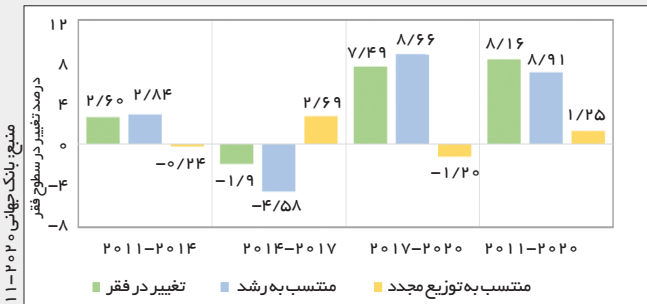
#### ● عوامل تعیین‌کننده روندهای فقر

دهک‌های فقیرتر مجبور شده‌اند برای درآمد خود به‌طور فزاینده‌ای به دستمزدها و درآمدهای خوداشتغالی متکی باشند، زیرا ارزش یارانه‌های نقدی کاهش یافته است. برای درک اینکه چرا رشد در ایران فراگیر نبوده است، مهم است که به محرک‌های پویایی درآمد خانوار نگاه کنیم. با تجزیه منابع درآمدی بر اساس پنجگ‌های مصرف خانوار، ارزش واقعی یارانه‌های اجتماعی برای سه پنجگ پایین کاهش یافته است و از یک‌سوم درآمد به یک‌چهارم کاهش یافته است. در عوض، اتکا به دستمزد و درآمدهای خوداشتغالی افزایش یافته است. ترکیب درآمدهای دستمزدی و درآمدهای خوداشتغالی در حال حاضر حدود سه‌چهارم درآمد آن خانوارها را

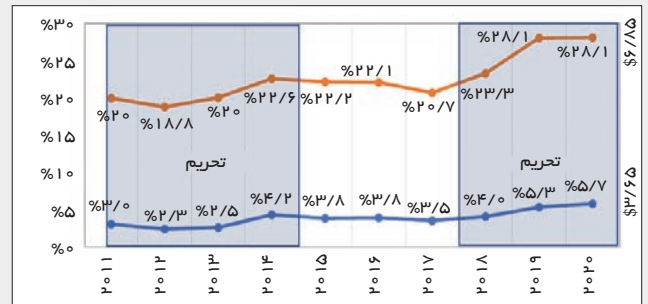
افزایش ۱۰ درصدی آسیب‌پذیری نسبت به سال ۲۰۱۱ است. برای محاسبات آسیب‌پذیری از متغیرهای توضیحی خانوار برای پیش‌بینی میانگین و واریانس کل مصرف هر خانوار استفاده شده است. براساس این برآوردها، فرض شده است که خانواری آسیب‌پذیر است که احتمال اینکه سطح مصرف آن کمتر از خط فقر باشد، بیشتر از ۲۹ درصد باشد. افزایش فقر در ایران منعکس‌کننده عدم رشد اقتصادی است. برآورد کشتش رشد فقر در ایران بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، منفی ۱/۵۶ است، به این معنی که هر یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه، ۱/۵۶ درصد از فقر را کاهش می‌دهد. با ثابت نگه داشتن کشتش رشد، اگر تولید ناخالص داخلی سرانه به جای انقباض، با نرخ ثابت ۰/۶ درصد در سال رشد می‌کرد، فقر می‌توانست ۷/۹ واحد درصد در دهه گذشته کاهش یابد. با این حال، کشتش رشد ثابت نبود. کشتش رشد فقر نسبت به تولید ناخالص داخلی در کمترین حد خود بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ بود (منفی ۰/۴۲ درصد). این تا حدی به این دلیل است که به‌رغم رشد قابل توجه تولید ناخالص داخلی که ناشی از لغو تحریم‌هاست، مصرف سرانه خصوصی تنها ۰/۶ درصد سالانه در این دوره افزایش یافته است. پویایی‌های فقر در ایران در دهه گذشته بیشتر به رکود اقتصادی حساس بوده تا رشد اقتصادی. به لحاظ نظری، تغییرات در سطوح فقر یا به دلیل تغییرات در مصرف است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد، یا به دلیل توزیع مجدد مصرف از خانواده‌های ثروتمند به فقیرتر. در طول سه دوره تحلیل، این بررسی نشان می‌دهد که طی دوره‌های رکود اقتصادی، افزایش فقر تقریباً به‌طور کامل به رشد منفی مصرف نسبت داده می‌شود (نمودار ۶). با این حال، در حالی که رشد اقتصادی مثبت بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ فقر را کاهش داد، این رشد به‌طور نابرابر توزیع شد. بنابراین توزیع مجدد ثروت از فقیرترین افراد به ثروتمندترین‌ها تا حدی اثرات بالقوه کاهش فقر رشد را جبران می‌کند. اگر رشد مصرف خانوارها بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به‌طور مساوی تقسیم می‌شد، فقر ۲/۷ درصد دیگر کاهش می‌یافت. زمانی که اقتصاد ایران دوباره بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۰ منقبض شد، توزیع مجدد از ثروتمندترین به فقیرترین رشد فقر را کاهش داد که در غیر این صورت ۱/۲ واحد درصد بیشتر می‌شد.

۴۰ درصد پایین خانوارها از نظر مصرف از دوره‌های نادر رشد اقتصادی بهره‌ای نبرده‌اند. طی یک دوره رشد اقتصادی بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷، مصرف برای ۶۰ درصد خانوارهای برتر بیش از دو برابر سریع‌تر از مصرف برای ۴۰ درصد پایین‌تر افزایش یافت. این امر برای خانوارهای ثروتمندتر در طول رکود اقتصادی بعدی یک سپر حفاظتی ایجاد کرد. در نتیجه، طی دهه گذشته، ۴۰ درصد پایین خانوارها به نسبت سالانه کاهش مصرف بیشتری را تجربه کردند. با نگاهی به توزیع





▲ نمودار ۶- نرخ فقر، شهری در مقابل روستایی و کشاورزی در مقابل روستایی غیرکشاورزی، ۲۰۱۱-۲۰۲۰ (منبع: بانک جهانی ۲۰۲۰-۲۰۱۱)



▲ نمودار ۵- اثرات رشد و توزیع مجدد بر کاهش فقر، ۲۰۱۱-۲۰۲۰ (منبع: بانک جهانی ۲۰۲۰-۲۰۱۱)

درصد آنها کارگران مزدبگیر کشاورزی هستند. بیش از نیمی از این کارگران کشاورزی در سال ۲۰۲۰ فقیر بودند، در مقایسه با ۳۶ درصد از افراد خوداشتغال در بخش کشاورزی و کارگران غیرکشاورزی. این امر بی‌ثباتی شدید این کارگران را نشان می‌دهد که نمی‌توانند برای کاهش تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی به تولید خود تکیه کنند. کارگران کشاورزی همچنین آسیب‌پذیرترین افراد در برابر اثرات خشکسالی شدید به دلیل تغییرات آب‌وهوایی هستند. عمق فقر در ایران افزایش یافته است. از آنجا که درآمد خانوارها در اثر تورم کاهش می‌یابد، آنها مجبور به کاهش مصرف شدند و بسیاری از خانوارها را به عمق فقر سوق داده است. این کاهش هم‌استلزم کاهش هزینه‌های غیرخوراکی برای تهیه غذا و اجاره است. در حالی که بسیاری از خانوارهای شهری درست در اطراف خط فقر زندگی می‌کنند، خانوارهای روستایی فقیرتر هستند. به‌طور متوسط، یک فرد فقیر ساکن در یک منطقه فقیر روستایی برای رهایی از فقر به پارانهای معادل ۱۵ درصد از مصرف خود نیاز دارد، در حالی که یک فرد فقیر در یک منطقه شهری معادل شش درصد از مصرف خود را نیاز دارد. این حتی پس از تعدیل تفاوت فضایی در هزینه زندگی است.

#### ● نتیجه‌گیری

تحلیل این گزارش به تشریح افزایش چشمگیر فقر در ایران، در پس‌زمینه یک «دهه از دست‌رفته» رشد اقتصادی می‌پردازد. این کشور شاهد بوده است که تقریباً ۱۰ میلیون نفر در فقر فرو رفته‌اند و این موضوع، نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرده است. ۴۰ درصد مردم ایران در معرض فقر هستند. بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، سهم ایرانیانی که زیر خط فقر بین‌المللی برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا (UMIC) زندگی می‌کنند، که معادل ۶/۸۵ دلار آمریکا در روز در شرایط برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۷ تعریف شده است، از ۲۰ درصد به ۲۸/۱ درصد افزایش یافته است. نه تنها تعداد ایرانیان فقیر افزایش یافته، بلکه سطح محرومیت آنها نیز افزایش یافته است. نیمی از ایرانیان در معرض فقر هستند، زیرا خطر فقر شدن آنها در آینده نزدیک بیشتر از یک نفر از هر پنج نفر است که نسبت به سال ۲۰۱۱، ۱۰ درصد افزایش داشته است. عدم رشد اقتصادی دلیل این روند بد رفاهی را ارائه می‌دهد، اما این تمام ماجرا نیست. در واقع، در طول دوره کوتاه رونق اقتصادی ایران، نرخ فقر به سختی از بین رفته است. همچنین مزایای رشد اقتصادی به خانوارهای پنج‌ک‌های مصرف بالا تعلق گرفته است. در حالی که خانوارهای پنج‌ک‌های پایین عقب‌مانده بودند. همچنین شواهدی از نابرابری‌های ساختاری مداوم بین ساکنان روستایی و شهری، مردان و زنان و افراد با و بدون تحصیلات متوسطه وجود دارد. از این رو با نگاه به آینده، رسیدگی به نابرابری‌های ساختاری در ایران اهمیت دارد. ●

فقر اندکی کاهش یافت. زمانی که این درآمدها دوباره بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۰ کاهش یافت، فقر افزایش یافت. در طول این آخرین رکود اقتصادی، افزایش یارانه‌های نقدی که به‌عنوان «بورس‌های تحصیلی، رفاه و خیریه» در نظر گرفته می‌شد، به‌عنوان یک حفاظ مهم عمل کرد. بدون این حمایت‌های اجتماعی اضافی، نرخ فقر احتمالاً ۴/۱ واحد درصد افزایش می‌یابد.

#### ● شکاف روستایی-شهری

فقرها به‌طور فزاینده‌ای در مناطق روستایی متمرکز شده‌اند. در حالی که تنها یک‌چهارم جمعیت در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، ۴۰ درصد از فقر در آنجا زندگی می‌کنند. تقریباً نیمی از جمعیت روستایی فقیر هستند. فقر در سراسر جهان افزایش یافته است، اما شکاف روستایی-شهری در ایران بیشتر شده است. بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، فقر در مناطق شهری هفت واحد درصد و در مناطق روستایی ۱۴ درصد افزایش یافته است. این نابرابری فضایی رو به رشد تا حدی نتیجه دگرگونی ساختاری است. کسانی که از زمین‌های کشاورزی برای تحصیل یا یافتن شغل به شهر مهاجرت می‌کنند، تحصیلات بهتری دارند و کسانی که نمی‌توانند به این فرصت‌های اقتصادی دسترسی داشته باشند، می‌مانند.

حتی در مناطق روستایی، تفاوت‌های زیادی در بین بخش‌ها وجود دارد. سطح اشتغال بالاتر و سطح بیکاری در برخی مناطق روستایی کمتر است، اما مشاغل موجود لزوماً درآمد قابل اعتمادی را ارائه نمی‌دهند. یک‌سوم ساکنان روستاها به کشاورزی متکی هستند و حدود ۱۲

که کارگران یقه‌سفید بخش خدمات در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۴، زمانی که اقتصاد در حال رشد بود، رشد قابل توجهی در درآمد را تجربه کردند. در حالی که آنها به‌شدت تحت تاثیر رکود اقتصادی متعاقب قرار گرفتند، دستاوردهای انباشته آنها به این معنی بود که آنها حتی در بلندمدت مصون ماندند. در مقابل، درآمد واقعی در بخش ساخت‌وساز در بلندمدت کاهش یافت و سودهای اندک بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ را حذف کرد. کسانی که در بخش استخراج کار می‌کردند شاهد نوسانات زیادی در درآمد بودند. در بخش کشاورزی، دوگانگی آشکاری وجود دارد: کشاورزان خوداشتغال تا حدودی از نوسانات اقتصادی مصون بودند، در حالی که کارگران مزدبگیر کشاورزی شاهد کاهش درآمد واقعی خود بودند، احتمالاً به این دلیل که دستمزدهای آنها تحت تاثیر تورم کاهش یافته بود. افزایش فقر ناشی از کاهش درآمد واقعی در بخش‌های اقتصادی است که فقیرترین خانوارها تمایل به کار دارند. با نگاهی به مشخصات اشتغال سرپرستان خانوار در پنج‌ک‌ها، بیش از یک‌پنجم افرادی که در پنج‌ک برتر قرار دارند در بخش دولتی یا در بخش بهداشت و آموزش کار می‌کنند، در مقایسه با کمتر از دو درصد افراد در پنج‌ک پایین. در مقابل، یک‌سوم از سرپرستان خانوار در پنج‌ک پایین در ساخت‌وساز کار می‌کنند، بخشی که در دهه گذشته افزایشی در درآمد واقعی نداشته است. احتمال بیکار شدن سرپرستان خانوار در پنج‌ک پایین نیز بسیار بیشتر است. یک مطالعه اسنادی که درآمد بخشی و نرخ فقر را به هم مرتبط می‌کند، این روندها را تایید می‌کند: افزایش فقر ناشی از درآمدهای راکد در بخش‌های ساخت‌وساز، خدمات و کشاورزی بوده است. دوره رونق اقتصادی بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ به میزان اندکی برای خانوارهای نزدیک به خط فقر که در بخش کشاورزی و خدمات کار می‌کردند، سود رساند. این دستاوردها در طول رکود اقتصادی بعدی حذف شدند.

نوسانات درآمد باعث نوسانات در سطوح فقر شد و حمایت اجتماعی حفاظ مهمی در طول آخرین بحران بود. در دوره‌های کاهش رشد اقتصادی، افزایش فقر ناشی از کاهش ارزش واقعی درآمد حاصل از دستمزدها و خوداشتغالی بود. در حالی که افزایش حداقل دستمزد باعث افزایش دستمزدهای اسمی شد، ارزش واقعی آن دستمزدها بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۴ کاهش یافت. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در حالی که گسترش اولیه کمک‌های نقدی در اواخر سال ۲۰۱۰ احتمالاً فقر را کاهش داده است، افزایش قیمت‌ها از آن زمان به بعد ارزش واقعی این یارانه‌های نقدی را کاهش داده است. از آنجا که خانوارهای فقیر به‌طور نامتناسبی به این یارانه‌های نقدی متکی بوده‌اند، کاهش ارزش واقعی آنها به افزایش فقر کمک کرده است. زمانی که دستمزد و درآمدهای خوداشتغالی بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ افزایش یافت،



## نتیجه حکمرانی

### آیا ایرانیان تنبل ترین مردم جهان هستند؟

اجتماعی قابل بررسی است. تنبلی فردی به این معنی است که فرد منافع آنی خود را به منافع آتی خود ترجیح دهد. برای مثال اگر الان برای کنکور درس بخواند احتمالاً آینده بهتری دارد اما به جای آن تلویزیون تماشا می‌کند. در تنبلی فردی در واقع فرد بین لذت آنی و نفع شخصی در آینده انتخاب می‌کند. تنبلی گاهی عدم رفتار و گاهی رفتار است مثل ورزش نکردن یا تفریح کردن، در هر حال چیزی که به عنوان تنبلی یا اهمال کاری ذکر می‌کنند در واقع تعارض بین نفع فردی آنی و نفع آتی است.

اما از تنبلی اجتماعی دو تعریف وجود دارد؛ یکی میانگین تنبلی فردی است که به عنوان تنبلی اجتماعی شناخته می‌شود، یعنی اگر گرایش‌ها و رفتارهای مردم در جامعه از حدی بیشتر شود می‌گوییم مردم جامعه تنبل هستند و جوادی یگانه در پژوهش‌های خود از این موضوع به عنوان تنبلی جمعی یاد می‌کند. اما نوع دیگری از تنبلی وجود دارد که در همین پژوهش به آن تنبلی نهادی گفته می‌شود و در تعریف آن آمده است که مساله این نیست که مردم تنبل هستند، مساله این است که سیستم و نهادهای اجتماعی به گونه‌ای عمل می‌کنند که در آن کار کردن جواب نمی‌دهد. بنابراین نتیجه سیستم تنبلی می‌شود. برای مثال برای پایین بودن بهره‌وری در ایران اعداد عجیب‌وغریب دو ساعت از هشت ساعت کار روزانه عنوان می‌شود، اگر چنین عددی درست باشد که آمار دقیقی که آن را تصدیق کند هم وجود ندارد باز هم به این معنی نیست که کارمند کار نمی‌کند، بلکه مساله این است که در اداره کار پیش نمی‌رود، بنابراین بین تنبلی نهادی و تنبلی جمعی که هر دو صورت‌هایی از تنبلی اجتماعی هستند باید تمایز قائل شد.

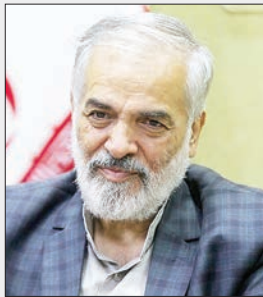
مساله عمومی که در علوم اجتماعی درباره آن بحث می‌شود مساله ساختار و کنش است، یعنی چقدر کنشگر مقصر است و چقدر ساختار. به‌طور قطع نمی‌توان گفت مقصر صرفاً ساختار یا کنشگر است و این دو با هم در ارتباط هستند. بنابراین به فرض اینکه تنبلی در ایران وجود داشته باشد باید به صورت تاریخی دید در موضوع تنبلی علت به وجود آمدن، افراد هستند یا سیستم، البته این مساله می‌تواند مرغ و تخم‌مرغی باشد، به نظرم فارغ از اینکه بتوان گفت کدام یک علت به وجود آمدن تنبلی هستند - سیستمی که کار را تشویق نمی‌کند یا افرادی که تقدیرگرا هستند. مساله این است که راه خروج چیست و فارغ از اینکه چه چیزی علت به وجود آمدن است باید دید چه چیزی علت خارج شدن است.

طبیعتاً در توجیه این وضعیت گفته می‌شود باید نگرش مردم عوض شود تا مردم تغییر کنند، اما کجا باید نگرش مردم تغییر کند؟ در نظام آموزش رسمی، غیررسمی و رسانه‌ها.

بنابراین در هر حال فارغ از اینکه فرد یا سیستم مقصر است و بین این دو کدام تقصیر بیشتری دارند یا به صورت تاریخی



▲ در این گزارش نظر دکتر جوادی‌یگانه را به عنوان پژوهشگری که سال‌ها در این خصوص کار کرده جویا شدیم و تلاش کردیم به این سوال پاسخ دهیم که آیا واقعاً ایرانیان افراد تنبلی هستند و این موضوع چرا رخ داده است.



▲ در این گزارش گفت‌وگویی با محمدحسن قدیری‌ایبانه، فعال سیاسی اصولگرا داشتیم و از او در زمینه منابع مورد استناد برای اظهار نظرات اخیرش پرسیدیم.

قرار داده باشد. بنابراین در این گزارش نظر جوادی‌یگانه را به عنوان پژوهشگری که سال‌ها در این مورد کار کرده جویا شدیم و تلاش کردیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا واقعاً ایرانیان افراد تنبلی هستند و این موضوع چرا رخ داده است. در ادامه گفت‌وگویی نیز با قدیری‌ایبانه، فعال سیاسی اصولگرا و سفیر ایران در مکزیک در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، انجام دادیم.

#### ● تنبلی، فرد و اجتماع

در ابتدا بهتر است به تعاریف بپردازیم. تنبلی در دو بخش فردی و

ظاهراً هیچ چیز از این ساده‌تر نیست که انگشت اتهام را به طرف مردم نشانه رویم، این کار آنقدر راحت و عامه‌پسند است که نه فقط برخی از سیاستمداران که زردها در روان‌شناسی و خلقیاتی‌ها در جامعه‌شناسی نیز به آن متوسل می‌شوند؛ «قورباغه بزرگ را اول قورت بده»، «برای موفق شدن بیشتر کار کن»، «سرنوشتت را خودت بساز» و... اینها جملات انگیزشی ظاهراً زیبایی است که اگر آنها را بپذیریم و بقبولاتیم در ابعاد بزرگ‌تر و در سیستم‌ها وقتی یک جای کار بلنگد می‌توانیم تقصیر را گردن افرادی بیندازیم که به آنها امید داده بودیم تغییر از خودشان آغاز می‌شود.

البته که موفقیت شما به تلاش و پشتکار خودتان هم بستگی دارد، اما در شرایطی که در سیستمی حضور داشته باشید که به تلاش و پشتکار و تخصص شما پاداش در خوری بدهد و چه می‌شود اگر بیشتر کار کنید و در آمدتان روز به روز ناکافی‌تر شود، اگر تخصص بیشتری کسب کنید و در رقابت با تعهد برخی افراد شکست بخورید؟ کم می‌آورد، ناامید می‌شوید و رها می‌کنید یا می‌روید.

در این میان تفکری هست که به شما که رها کرده‌اید تنبل و به آنها که می‌خواستند به هر قیمتی موفق شوند و رفتند وطن فروش می‌گوید. در مقابل تفکری نیز وجود دارد که اگر چه معتقد است پاسخ به سوال «سیستم مردم را تنبل کرده یا تنبلی مردم، سیستم را کارآمد کرده؟» مانند سوال «اول مرغ بود یا تخم‌مرغ؟» است اما بی‌شک تقصیر سیستم بیشتر است و فارغ از همه اینها در حال برون رفت از شرایط را نزد سیستم می‌داند. اخیراً محمدحسن قدیری‌ایبانه گفته: «ایرانیان بعد از اعراب تنبل ترین مردمان جهان هستند. تا زمانی که مردم ایران فکر می‌کنند بهترین کار، تفریح است اوضاع اقتصادی بهتر نمی‌شود. این تقصیر حکومت نیست که مردم ما تنبل هستند. وظیفه حکومت این نیست که خواسته‌های مردم را برآورده کند.»

فرهاد نیلی هم سخنان مشابهی مطرح کرده اما در نتیجه‌گیری، مقصر را نظام حکمرانی می‌داند. او گفته: «ما ایرانیان، بر روی دریایی از ثروت نشسته‌ایم، فقط باید در آن را باز کنیم و از این ثروت هر کس بردارد، در حالی که، ادبیات اقتصادی، خلق ارزش است. اما ساختاری داریم که توزیع رانت را به جای خلق ارزش، به جریان اصلی اقتصاد تبدیل می‌کند.» اما یافته‌های پژوهش‌های داخلی چه می‌گویند؟ محمدرضا جوادی‌یگانه، جامعه‌شناس و معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران، در سال ۱۳۸۵ به سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی پیمایشی را در سه بخش انجام داد؛ در این پژوهش به ارائه تعریف تنبلی، بررسی میزان تنبلی در تهران و مقایسه آن با جهان پرداخته شده است. پژوهش به‌روزتری در این مورد در دست نیست که به این ترتیب این موضوع را مورد بررسی



▲ در هر حال فارغ از اینکه فرد یا سیستم مقصر است و بین این دو کدام تقصیر بیشتری دارند یا به صورت تاریخی مقدم هستند بحث مهم‌تر فعلی این است که اگر بپذیریم در جامعه ایران تنبلی وجود دارد در هر حال راه برون‌رفت از این وضعیت دست مردم نیست و آنجا که باید تغییر کند سیستم و دولت است.



▲ همان‌طور که دارون عجم‌اوغلو می‌گوید «نظام پادشاه است که استعدادها را سامان می‌دهد» اما نظام پادشاه در ایران بر اساس کار نیست، اگر بر اساس کار باشد پرکاری تشویق می‌شود.

هیچ‌کدام از این موارد از طریق کار کردن محقق نمی‌شود انتظار اینکه افراد سخت و مداوم کار کنند منطقی نیست و محقق نیز نمی‌شود. فقدان چشم‌انداز روشن اقتصادی و نهادی به ویژه برای کسانی که کار می‌کنند مساله مهمی است. بنابراین ما شاهدیم در سیستم‌هایی که امکانات بیشتر است، امکان ارتقا بیشتر و منظم‌تر است، افراد بیشتر کار می‌کنند. برای مثال بانک‌ها تقریباً هفت ساعت از هشت ساعت کاری را بهره‌وری دارند، خوب کار می‌کنند، چون سیستم منظم‌تری دارند. بنابراین می‌توان این‌طور گفت که بر اساس آمار با وجود اینکه مردم ایران تنبل نیستند اما تنبلی در ایران بسیار بالاست، چرا؟ چون سیستم کار زیاد را ارج نمی‌نهد و افراد با پرکاری نمی‌توانند موفق شوند. بین اینکه گرایش به تنبلی وجود دارد یا نه، که پاسخ بر اساس آمار منفی است و تنبلی وجود دارد یا نه، که پاسخ آری است و این دو با هم متفاوت هستند، وضعیت جامعه ایران را می‌توان تحلیل کرد و نهایتاً فارغ از اینکه در به وجود آمدن این وضعیت چه کسی مقصر است در گسترش میزان تنبلی اجتماعی قطعاً سیستم مقصر است که کار زیاد را تشویق نمی‌کند. نه معیار استخدام مهارت است، نه معیار ارتقا پرکاری است. بنابراین در ایران تخصص معیار ورود به کار نیست و کار زیاد هم معیار ارتقا نیست. در چنین شرایطی منطق عقلانی حکم می‌کند که افراد کار نکنند یا پرکاری نکنند. کدام سیستم در ایران اجازه کار مداوم می‌دهد؟ کدام شرکت در ایران سابقه ۲۰۰ ساله دارد؟ کدام نهادی می‌تواند ادامه حیات بدهد؟ سیستمی که کار شدید و سرمایه‌گذاری را تقویت کند در ایران وجود ندارد، بنابراین

قرار دارد. جوادی‌یگانه معتقد است، حرفی که آقای قدیری‌ایبانه زده نیز احتمالاً بر اساس این آمار بوده است. اما نکته‌ای که او در اینجا بر آن تاکید می‌کند این است که بین اینکه «در ایران تنبلی وجود دارد» و «مردم تنبل هستند» خیلی فرق است. در درجه اول بر اساس آماری که به دست آمده است گرایش به تنبلی در تهران بالا نیست. بر اساس همین پژوهش نشانه‌هایی وجود دارد از اینکه اکثر مردم صبح زود سر کار می‌روند. بر اساس برآوردهایی که در شهرداری تهران انجام شده معمولاً صبح‌ها حدود ۵۰۰ هزار نفر در پارک‌های تهران ورزش می‌کنند و این عدد بالایی است. اهمیت دادن به سلامتی، شرکت در کلاس‌های آموزشی مختلف و... نشانه‌های تنبلی نیست. بنابراین اول، نشانه‌های تنبلی در جامعه دیده نمی‌شود و دوم اینکه گرایش به تنبلی نیز دست‌کم در تهران به سمت کم تمایل دارد. بر این اساس حداقل تفسیری که می‌توان کرد این است که در تهران تنبلی مساله مهمی نیست و مردم تنبل نیستند یا می‌توان این‌طور گفت که بیش از اینکه تنبل باشند کاری می‌کنند.

### ● دچار تنبلی نهادی هستیم

بر اساس تعریفی که در ابتدا به آن اشاره شد اگر چه بر اساس آمار و پژوهش‌های انجام‌شده تنبلی جمعی رد می‌شود اما تنبلی نهادی چه؟ شما به عنوان یک کارمند باید در اداره کار کنید و معمولاً بخشی از این کار کردن برای دستمزد و بخشی از آن برای ارتقای شغلی است. زمانی که سیستم ارتقا بر پایه کار نیست، وقتی مدیران از جای دیگری می‌آیند، وقتی معیار ارتقا می‌شود معیار ایدئولوژیک یا سیاسی و رفاقت شخصی؛ افراد دلیلی نمی‌بینند که کار کنند. می‌گوییم جوانان کار کنند اما کار کنند که چه بشود؟ که بتواند ازدواج کند؟ بتواند خانه بخرد؟ سفر برود؟ فرزندآوری داشته باشد؟ وقتی

مقدم هستند بحث مهم‌تر فعلی این است که اگر بپذیریم در جامعه ایران تنبلی وجود دارد در هر حال راه برون‌رفت از این وضعیت دست مردم نیست و آنجا که باید تغییر کند سیستم و دولت است، واضح است که نظام سیاسی باید تغییر کند تا وضعیت تنبلی تغییر کند و فارغ از اینکه چه کسی مقصر است راه‌حل نزد دولت است.

### ● تنبلی جمعی در ایران منتفی است

از طرف دیگر بین اینکه «تنبلی در ایران وجود دارد» و «ایرانیان تنبل هستند» تفاوت وجود دارد. جوادی‌یگانه می‌گوید: «ظاهراً نکته‌ای که آقای قدیری‌ایبانه اعلام کردند بر مبنای پژوهشی است که من انجام دادم. در سال ۱۳۸۵ پیمایشی را به سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام دادم که سه بخش داشت؛ تعریف تنبلی، میزان تنبلی در تهران و مقایسه آن در جهان. بر اساس تعریفی که از تنبلی ارائه شد پیمایشی در مردم تهران انجام شد و حدود ۱۲۰۰ نمونه بررسی شدند. میزان تنبلی بر اساس مقیاسی که مورد پرسش قرار گرفت؛ خیلی کم پنج درصد، کم ۲۵ درصد، متوسط ۵۰ درصد، زیاد ۱۹ درصد و خیلی زیاد ۰/۵ درصد بود، یعنی میزان کم و خیلی کم ۳۰ درصد و زیاد و خیلی زیاد ۲۰ درصد و متوسط ۵۰ درصد بوده و بر اساس این آمار نمی‌توان گفت که ایرانی‌ها تنبل هستند.» در این پژوهش میزان گرایش به تنبلی در میان زنان، سالمندان، متاهلان، بی‌سوادان، بیکاران، خانه‌داران، بازنشستگان و افراد با جایگاه اجتماعی خیلی پایین بیشتر از سایر گروه‌هاست. اما در تفسیر این آمار باید توجه داشت که این گرایش به تنبلی است نه خود تنبلی و تنبلی یک رفتار است. در علل موثر بر تنبلی احساس بی‌قدرتی، تقدیرگرایی، خودخواهی و خودمداری و تمایل به کارهای زودبازده ذکر شده است. در ادامه در پژوهش دیگری از همین پژوهشگر از بین آمار و داده‌های موجود جهانی که نزدیک به تنبلی است چند شاخص انتخاب شده، این شاخص‌ها شامل اهمیت کار در زندگی افراد، اهمیت رقابت، زندگی بهتر در نتیجه سخت‌کوشی در درازمدت، ارائه ایده‌های خلاق، اهمیت پولدار بودن، کمک به مردم، داشتن موفقیت‌های زیاد، عدم مطالبه پاداش و مزایای دولتی، عدم پرداخت کرایه وسایل نقلیه عمومی و تقلب در پرداخت مالیات بوده است و سه مورد آخر به این منظور در نظر گرفته شده که مشخص شود مردم به چه میزان پولدار بودن به هر قیمتی را انتخاب می‌کنند. بر اساس یافته‌هایی که در بررسی این شاخص‌ها به دست آمده آمار ثانویه‌ای ساخته شده است. بر این اساس میانگین تنبلی در کل جهان ۴۶/۸۸ درصد بوده است، کمترین میزان تنبلی در آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی ۳۵ و ۳۶ درصد بوده، میزان تنبلی در آمریکای لاتین و کارائیب ۴۴/۷ درصد بوده و در آسیای جنوب شرقی و جنوبی ۴۸/۱۳ درصد بوده است. بیشترین میزان تنبلی مربوط به کشورهای آفریقایی با ۷۲/۸۹ درصد، ایران با ۷۸/۱۱ درصد و کشورهای عربی با ۸۵/۱۲ درصد بوده است. این آمار نشان می‌دهد که میزان گرایش به تنبلی در ایران و بر پایه آمارهای دست‌دوم بین‌المللی خیلی بیشتر از متوسط جهانی است و بعد از کشورهای عربی در جایگاه دوم

اینکه بگوییم مردم مقصر هستند دم‌دستی‌ترین راه‌حل است، مقصر قطعی سیستم است. البته که نمی‌توان گفت مردم بی‌گناه هستند اما در آنچه امروز شاهد آن هستیم تقصیر سیستم بسیار بیشتر از تقصیر افراد است. داستان بر سر پاداش‌های اداری اجتماعی به پرکاری است که این پاداش‌ها در ایران وجود ندارد.

### ● ترویج تنبلی با تعهد مقدم بر تخصص

در سیستمی مانند فوتبال بالاخره باید مهارت و استعدادی وجود داشته باشد تا فرد بتواند فعالیت کند و به ثروت برسد، در چنین سیستمی افراد سخت تلاش می‌کنند، مرتب تمرین می‌کنند و به ثروت هم می‌رسند اما آیا چنین چیزی را در نظام اجتماعی می‌بینیم؟ در دانشگاه‌ها افراد برجسته علمی استخدام می‌شوند یا دلایل گزینشی مطرح می‌شود؟ همین دلایل است که انگیزه‌های کار را پایین می‌آورد. وقتی سیستم انگیزه کار را تقویت نمی‌کند تنبلی رواج پیدا می‌کند و ما می‌بینیم با وجود اینکه مردم تنبل نیستند اما تنبلی در جامعه زیاد است. توصیفی را برای سرمایه‌داری در خاورمیانه ذکر می‌کنند به اسم «سرمایه‌داری رفاقتی»، چیزی که ما به آن خصلتی می‌گوییم در بسیاری از کشورهای خاورمیانه به اسم سرمایه‌داری رفاقتی شناخته می‌شود. معیار در اینجا رفاقت است، نه کار و مهارت، مساله اینجاست و مقصر دانستن مردم نعل وارونه زدن است برای اینکه مقصر اصلی که نظام اداری و سیاسی است دیده نشود، در حالی که مقصر اصلی همان جاست. مثلاً یکی از مواردی که کار مداوم را سامان نمی‌دهد تعطیلی‌ها و بین‌التعطیلی‌هاست. میزان تعطیلی در ایران از سایر کشورهای جهان به سبب اینکه پنجشنبه‌ها تعطیل نیست، بیشتر نیست، اما این بین‌التعطیلات است که می‌تواند تداوم و پیش‌بینی‌پذیری کار را به هم بزند و به این موارد که توجه کنیم متوجه می‌شویم که مساله سیستمی است، نه فردی.

همان‌طور که دارون عجم‌وغلو می‌گوید «نظام پاداش‌هاست که استعدادهای را سامان می‌دهد» اما نظام پاداش‌ها در ایران بر اساس کار نیست، اگر بر اساس کار باشد پرکاری تشویق می‌شود. از این‌رو باید به نظام پاداش برگشت، ارتقا بخشی از نظام پاداش است، درآمد بخشی از نظام پاداش است، وام بخشی از نظام پاداش است و معیارهای پاداش‌دهی در سیستم مشخص می‌کند سیستم به کدام سمت می‌رود. معیارهای نظام پاداش و نظام ارتقا را باید درست کنیم تا وضعیت تنبلی تغییر کند.

جوادی‌یگانه با اشاره به سخنانی که اخیراً قدیری‌ابیانیه داشته، می‌گوید، «باید از آقای قدیری‌ابیانیه معیار را پرسید، من سال‌هاست روی این موضوع کار می‌کنم و ندیدم جای دیگری پیمایشی در این مورد انجام شده باشد. متهم کردن مردم معمولاً مربوط به نگاه خلقیاتی است. این نگاه که «مقصر خودتانید و بروید تلاش فردی کنید» در کتاب قورباغه‌ها را قورت بده برایان تریسی می‌بینیم. اما چه کسی با قورباغه‌ها قورت دادن موفق شده است؟ روان‌شناسی زرد و کتاب‌های خلقیات در جامعه‌شناسی می‌گویند مقصر خودتانید و راه‌حل هم تغییر اراده فردی خودتان است، البته که تقویت فردی موثر است اما وقتی سیستم اجازه اصلاح نمی‌دهد این دست نگاه‌ها بر میزان استرس، ناکامی و

ناامیدی افراد می‌افزاید و وضعیت آنها را بدتر می‌کند. بنابراین نگاه‌هایی از این دست فقط به مشکل دامن می‌زند و تصور این است که سیستم سالم است و هر مشکلی که هست به افراد برمی‌گردد به نظرم این نگاه، نگاه غلطی است.»

### ● استناد به کتاب خود

در ادامه به سراغ محمدحسن قدیری‌ابیانیه رفتیم تا ببینیم اظهارنظرات اخیر او با استناد به چه آماري بوده و تفسیر او از این آمار چگونه بوده است. قدیری‌ابیانیه در پاسخ به تجارت فردا و در مورد آماری که در اظهارنظر خود به آن استناد کرده به فصل پنجم کتاب سبک اقتصادی و فرهنگی زندگی که خود نوشته استناد کرده و ادعا می‌کند در این بخش از کتاب پژوهش‌هایی انجام شده و به منابعی نیز استناد شده است. اما در بررسی این فصل از کتاب ارجاع به پژوهشی کمی یا کیفی و استناد به اعداد و ارقام دیده نمی‌شود.

در ادامه مصاحبه تجارت فردا با وی را می‌خوانید.

آقای ابیانیه در نگاهی که مردم را در وضعیت کشور مقصر می‌داند تلاش مردم برای تامین معاش اولیه با مشاغل متعدد و چندشیفته یا موفقیت ایرانیان خارج از کشور چگونه توجیه می‌شود؟

جو فرهنگی کشورهای دیگر کار است و افراد تحت تاثیر قرار می‌گیرند. و در پاسخ به این سوال که بنابراین با این دید راه‌حل این مشکل در دست دولت است نیز تاکید می‌کند: «گاهی اگر دولت بخواهد اصلاحی انجام بدهد هم مردم ممانعت می‌کنند. الان هیچ فیلم سینمایی نیست که در ایران تولید شود و از کار کردن به عنوان سگ‌دویی و خرچمالی اسم نبرد.»

این صد اوسیمما و سینمای کدام کشور است؟ مگر این صدا و سیما می‌همین دولت نیست؟

بخش خصوصی هم همین است.

بخش خصوصی بر فرض که واقعاً وجود دارد در چه بستری شکل گرفته است؟

فیلم‌های سینمایی که در بخش خصوصی تولید می‌کنند کار سخت را تقبیل می‌کند. سیاست‌های استعمار برای کشورهای نفت‌خیز در طول تاریخ این بوده که این کشورها باید وابسته به فروش نفت خام باشند و برای اینکه وابسته باشند باید تولید ثروت نکنند و برای این موضوع باید کار نکنند و برای اینکه کار نکنند راه‌های مختلفی را از نظر فرهنگی دنبال کردند. یکی از این راه‌ها ترویج شانس به عنوان عامل موفقیت بوده، تلاش کردند کاری کنند که مردم باور کنند موفقیت ناشی از شانس است و این جنبه آنقدر در ایران قوی است که مردم فکر می‌کنند برای فروش رب هم باید شانس داشته باشند. سازمان CIA به روزنامه‌ها پول می‌داده تا شانس را به عنوان عامل موفقیت ترویج کنند

اما ما دست‌کم از وقتی انقلاب کردیم مستعمره نبوده‌ایم، پس می‌توانستیم در این مدت این نگاه را تغییر دهیم.

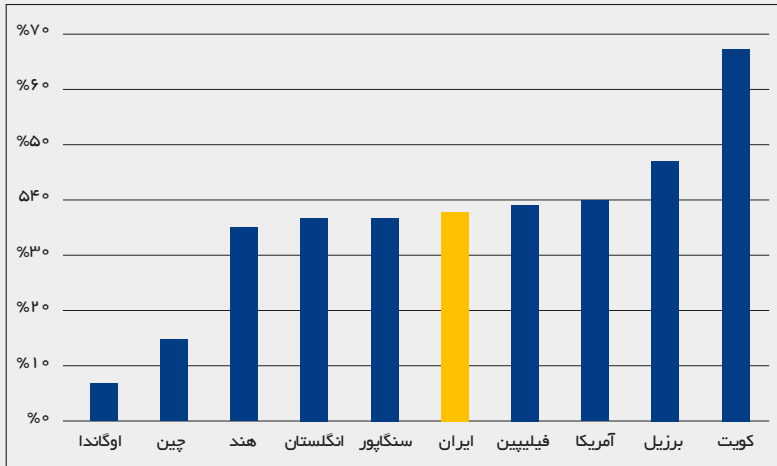
می‌توانستیم اما نکردیم. کماکان فیلمی نیست که ساخته شود و کار کردن در آن مذمت نشود.

موضوع فقط فیلم نیست، در دنیای واقعی هم همین است، کاری در دنیای واقعی نیست که بتوان در آن با سخت‌کوشی نیازهای اولیه را تامین کرد، خانه خرید، ازدواج کرد و حداقل ملازمت زندگی را فراهم کرد. داستان فیلم‌ها زمانی باورپذیر می‌شود که از دل واقعیات جامعه باشد و در دنیای واقعی نیز قابل لمس باشد و اگر چنین مفاهیمی به قول شما در فیلم‌های بخش خصوصی اشاعه داده شود هم باز مشکل در بستر جامعه رخ داده است.

در غرب، در همین اروپای ثروتمند فعلی، اگر زن و شوهر با هم کار نکنند، نمی‌توانند یک خانه ۳۰ متری اجاره کنند. اما در ذهن مردم تصور غلطی وجود دارد که فکر می‌کنند آنها در رفاه هستند، اگر یک نفر می‌خواهد زنش کار نکند خب بالاخره مجبور می‌شود دوشیفت کار کند. یکی از دلایل این قضیه این است که تصور غلطی از اندازه درآمدها در ذهن مردم است و فکر می‌کنند حکومت می‌تواند با تکیه به این درآمد نیازهای مردم را برطرف کند. بارها شنیده‌ایم که می‌گویند هفت درصد منابع طبیعی جهان در ایران است، با یک درصد جمعیت. همین کوه‌های البرز خدا می‌داند چه ثروتی در آن نهفته است. میلیون‌ها سال است که این ثروت در آنجا نهفته است و شاید میلیون‌ها سال دیگر هم نهفته باشد.

گزارش‌هایی در مورد ساعت مفید کاری منتشر می‌شود که متأسفانه نشان می‌دهد اوضاع در ایران خیلی وخیم است. همین سن بازنشستگی ۳۰ ساله که حتی برای برخی از مشاغل از این هم کمتر است. در کشورهای دیگر وقتی امید به زندگی افزایش پیدا کرده سن بازنشستگی هم افزایش پیدا کرده است. آلمان، انگلستان و ایتالیا سن بازنشستگی را به ۶۷ سال رسانده‌اند و آمریکا به ۶۷ سال و هشت ماه رسانده اما ما همان ۳۰ سال نگه داشتیم. در دنیا به ازای هر شش نفر یک نفر بازنشسته است؛ در ایران تعداد بازنشستگان بیش از تعداد شاغلان است.

در دولت‌های مختلف می‌بینیم که تاکید بیش از آنکه



▲ آمار افراد مبتلا به تنبلی در سال ۲۰۱۸ (آمار ایران مربوط به سال ۲۰۱۱ است)

چه کسی باید این کار را می‌کرد؟ قطعاً دولت، و دوباره به این می‌رسیم که فارغ از اینکه مقصر چه کسی است راه‌حل نزد دولت است.

نه راه‌حل دست دولت نیست. دولت می‌داند باید قیمت را واقعی کند اما قیمت واقعی یعنی بنزین لیتری ۳۰ دلار، اما آیا مردم آمادگی پذیرش این قیمت را دارند؟ اصلاً می‌دانند این به نفعشان است؟ افکار عمومی آماده است؟

افکار عمومی را باید رسانه‌ها آماده می‌کردند، رسانه‌هایی که خیلی از آنها نیز وابسته به دولت هستند. شما چرا این کار را نمی‌کنید؟

ما به کرات در مورد واقعی سازی قیمت‌ها صحبت کرده‌ایم. دولت باید پولی را که یارانه سوخت می‌دهد، در جای بهتری هزینه کند. مثلاً با چین تفاهم کردیم طی ۲۵ سال ۴۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شود، یعنی به‌طور متوسط سالی ۱۸ میلیارد دلار؛ ولی پنج برابر این رقم یارانه سوخت می‌دهیم و این اشتباه است. عده‌ای هم نشست‌اند چه به عنوان مطبوعات و... که اگر دولت بخواهد تصمیم درستی بگیرد اغتشاش کنند و کشور را به هم بریزند، دشمن خارجی نیز متوسل به همین است.

در اینجا مساله دیگری مطرح می‌شود. اگر دولت در این سال‌ها می‌توانست اعتماد مردم را با عملکرد درست جلب کند و سرمایه اجتماعی برای خود ذخیره کند الان می‌توانست تصمیماتی بگیرد که فارغ از نتیجه آنی آن نتیجه مطلوبی در بلندمدت داشته باشد.

تا زمانی که این تصور غلط در جامعه وجود دارد که درآمدهای دولت آنقدری هست که نیازهای مردم را تامین کند اعتمادی باقی نمی‌ماند. رسانه‌های ما باید واقعیت‌ها را برای مردم روشن کنند، با اتکا به نفت و منابع طبیعی نباید مطالبه کرد که زندگی ما بهتر شود. زندگی ما زمانی بهتر می‌شود که بهتر کار کنیم. در کتاب سبک اقتصادی و فرهنگی زندگی به علل همه این موضوعات پرداختیم و به شما توصیه می‌کنم به آن رجوع کنید، قطعاً نگاهتان به مسائل تغییر خواهد کرد.

باید بودجه‌هایی که دارد را در مسیر پیشرفت کشور صرف کند. اما مردم تصور درستی از اندازه درآمد دولت ندارند و رسانه‌های ما هم این تصور را اصلاح نکردند. کسانی که باید تصور درست داشته باشند نیز خود تصور درستی ندارند. اینکه بگوییم جای نفت سر سفره است اشتباه است، جای نفت سر سفره نیست، نفت باید صرف توسعه و آبادانی شود ولی موانعی وجود دارد و یکی از موانع آن هم باز افکار عمومی و خود رسانه‌ها هستند.

اگر نفت خام بشکهای ۸۰ دلار باشد یعنی لیتری بیش از نیم دلار، به این هزینه باید پالایش، حمل و نقل و توزیع را نیز اضافه کنیم اما نفت سفید را در ایران بشکهای کمتر از نیم دلار می‌فروشیم، گازوئیل را کمتر از دو دلار، بنزین را بین ۵ تا ۱۰ دلار و جمعاً ۱۰۰ میلیارد دلار یارانه پنهان سوخت ماست. این میزان اولاً در بودجه هیچ انعکاسی ندارد و این اشکال بزرگی است و به همین دلیل من می‌گویم بودجه شفاف نیست و دوم، باعث قاچاق سوخت شده و وقتی جنسی را مفت بدهی اسراف می‌شود. ما جزو مسرف‌ترین ملت‌ها در مصرف سوخت هستیم، اگر این یارانه سوخت را در کارهای عمرانی صرف می‌کردیم وضعمان خیلی بدتر بود.

بر تخصص باشد بر تعهد است و معمولاً دولت‌های مختلف بر انقلابی بودن و تعهد به سیستم تاکید بیشتری می‌کنند تا تخصص. در نظامی که تخصص گرای به حاشیه رفته و نظام تشویقی بر اساس تعهد مردم به سیستم و افراد است، سخت‌کوشی تقبیح نمی‌شود؟ این بحث مال اول انقلاب است.

الان هم هست، ما در سخنرانی‌های آقای رئیسی بارها شاهد تاکید ایشان بر تعهد به نظام بوده‌ایم.

اول انقلاب مثلاً در وزارت خارجه ما نمی‌توانستیم سیاست خارجی را به وسیله کسانی پیش ببریم که در رژیم گذشته درگیر فساد و وابستگی بودند. بنابراین مجبور بودیم از افرادی که متعهد بودند اما تخصص نداشتند استفاده کنیم. در آن زمان افراد متخصص زیادی نداشتیم، مگر ظرفیت دانشگاه‌های ما چقدر بود؟ الان که ما معتمدان متخصص زیادی داریم این‌طور نیست که میان تعهد یا تخصص انتخاب کنیم. الان می‌گوییم متعهد متخصص بهتر است یا آدمی که یکی از این دو را ندارد. شما به اعضای دولت نگاه کنید، همگی استاد دانشگاه، همه دکترا، همه نویسنده، همه مسلط به کار خود. بنابراین الان این‌طور نیست که بگوییم تعهد یا تخصص. الان چند نفر از کابینه دکترا ندارند؟ اگر تخصص را مدرک دانشگاهی در نظر بگیریم بله احتمالاً درست می‌فرمایید.

استاد در دانشگاه تدریس کرده، کتاب هم نوشته، صاحب نظر هم هست. باید تعهد به نظام و اسلام داشته باشد. قطعاً متخصص متعهد به دین و مملکت بهتر از متخصصانی هستند که به دین و مملکت ما متعهد نیستند.

به نظرتان همه آن چند میلیون نفری که تا الان از کشور مهاجرت کرده‌اند در این دسته قرار می‌گیرند؟

همه نه، اما کسانی هم بودند که به کشورشان تعهد نداشتند مگر رفته باشند که برگردند و گرنه کسی که در این مملکت پزشکی خوانده و رفتن به کانادا را به خدمت در مناطق محروم ترجیح می‌دهد، چنین کسی تعهد ندارد.

تصور مردم از اندازه درآمدهای کشور هزاران برابر واقعیت است. ما الان بر اساس آنچه در بودجه ثبت شده، قرار است روزی یک میلیون و چهارصد هزار بشکه نفت صادر کنیم، یعنی به ازای هر ایرانی ماهی کمتر از نصف یک بشکه، اگر ۱۴/۵ درصد سهم شرکت نفت، ۱۰ درصد سهم صندوق توسعه و سه درصد سهم استان‌های محروم و نفت‌خیز را کم کنیم چیزی ته آن نمی‌ماند، اما مردم فکر می‌کنند این نفت آنقدر هست که بشود نیازها را برآورده کرد.

خب نباید یک اقتصاد ضعیف و تک محصولی می‌داشتیم که کار به اینجا برسد. اقتصاد ما نباید بعد از ۵۰ سال به نفت وابسته می‌ماند تا بعد از این همه سال هنوز چشمان به بشکه‌های نفت باشد و حساب کنیم به هر نفر چقدر از یک بشکه می‌رسد.

ما الان در خیلی از زمینه‌ها توسعه پیدا کرده‌ایم اما با وجود این باز اینکه فکر کنیم منابع طبیعی یا دولت باید نیازهای مردم را تامین کند باور غلطی است که در کشور جاری است. همه فکر می‌کنند دولت باید نیاز مردم را تامین کند در حالی که نیاز مردم باید با کار و تلاش خودشان تامین شود و دولت هم



# حکمرانی سیاسی و نفت

## چگونه نظام حکمرانی به تسخیر ذی نفعان درآمد؟

منابع، مسیرهای توسعه خاصی، به‌ویژه از منظر نظام سیاسی، را آغاز و دنبال می‌کنند. به عنوان نمونه، هرب (۲۰۰۵)، نشان می‌دهد که چنانچه در تحلیل‌های آماری علل دموکراتیزاسیون از شاخص توسعه‌یافتگی که تأثیرات نفت بر اقتصاد را مستثنی می‌کند، به جای تولید ناخالص داخلی سرانه استفاده شود، آنگاه دولت‌های نفتی از الگوی مشابهی با سایر کشورها پیروی می‌کنند. بنابراین، او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که وابستگی به نفت قادر به، به‌ارمغان آوردن منافع دموکراتیک مورد انتظار مرتبط با توسعه نیست. در نگاهی کلی‌تر، بخشی از ادبیات علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی نفرین منابع که بر تأثیر ثروت منابع طبیعی (به‌ویژه نفت) بر پتانسیل‌های دموکراتیزاسیون متمرکز شده است، در بیشتر موارد بر این تأکید دارد که ثروت منابع طبیعی احتمال اقتدارگرا بودن نظام حکمرانی را افزایش می‌دهد. این روند پژوهشی به‌طور کلی بر اساس منطق دولت رانتیر شکل گرفته است که چنین فرض می‌کند که تکیه بر رانت منابع، به معنای بازدهی فوق‌العاده حاصل از سرمایه‌گذاری در استخراج این منابع، نیاز دولت‌ها به اشکال جایگزین تأمین مالی نظیر مالیات‌ستانی را کاهش می‌دهد و متعاقباً، پاسخگویی سیاسی را تضعیف می‌کند. از این منظر، راس (۲۰۰۱) در یکی از اولین مطالعات مهم بین‌کشوری در مورد رابطه بین وابستگی به منابع طبیعی و دموکراسی نشان می‌دهد که وابستگی اقتصادی به نفت با استقرار و تداوم اقتدارگرایی همبسته است.

پژوهش‌های معاصر در مورد معمای فراوانی بر نحوه برخورد نظام‌های مختلف اقتصادی-سیاسی با رانت منابع طبیعی، بر ماهیت و نقش نهادهای سیاسی و چگونگی تأثیرگذاری پویایی‌های تسخیر دولت بر مدیریت این رانت‌ها تمرکز دارد. به‌طور خاص، رونق منابع طبیعی، کشورها را به دولت‌های رانتیری تبدیل می‌کند که با درآمدهای غیرقابل گذران زندگی می‌کنند. در این دولت‌ها، منابع بودجه به جای مالیات از طریق درآمد حاصل از صادرات منابع طبیعی تأمین می‌شود و از همین رو، دسترسی به آنها به تلاش ساختاری کمی از سوی دستگاه دولتی نیازمند است. این امر خود منجر به این می‌شود که مشارکت دولت‌های رانتیر در فعالیت‌های مولد اما پرهزینه کاهش یابد. براساس همین منطق، راس (۲۰۱۲) استدلال می‌کند که نفرین منابع در کشورهای برخوردار از نفت و گاز را می‌توان به‌طور مستقیم به عنوان پیامدی از ویژگی‌های درآمدهای نفتی از نظر مقیاس، منبع، ثبات و محرمانه بودن آنها در نظر گرفت: درآمدهای نفتی به‌طور غیرمعمول زیاد هستند، از مالیات ناشی نمی‌شوند، تغییرپذیری بالا دارند و به راحتی می‌توان آنها را از نظارت عمومی پنهان کرد. باید توجه داشت که استخراج و جمع‌آوری رانت منابع طبیعی اغلب به شدت متمرکز است. از همین رو، وابستگی مالی به رانت منابع طبیعی موجب می‌شود تا دولت به یک جایزه عظیم بدل

را در زمانی که قیمت‌های کالایی بالاست، تشدید می‌کند. علاوه بر این، منابع نفت، گاز و معدن غیرقابل تجدید و تمام‌شدنی هستند که این محدوده تصمیم‌گیری نخبگان در یک بازی تکراری با پیامدهای انباشته‌شده در طی زمان را محدود می‌کند. در نهایت، صنایع استخراجی تمایل به سرمایه‌بر بودن دارند و به عنوان بخشی با کمترین پیوند با سایر بخش‌های اقتصادی داخلی فعالیت می‌کنند.

تحقیقات اقتصاد سیاسی متاخر نشان می‌دهند که طعمه نفرین منابع واقع شدن به مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، به‌طور خاص نهادهای اقتصادی و سیاسی وابسته است. در واقع، پژوهش‌های صورت گرفته بر این نکته تأکید دارند که کیفیت نهادهای احتمالاً عامل کلیدی تعیین‌کننده پیامدهای اقتصادی و فور منابع است. تا بدین جا نتایج این تحقیقات با فرضیه‌ای که برای نمونه عجم‌وغلو و رابینسون (۲۰۱۲) در کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» مطرح می‌کنند، سازگار است. چالش اصلی در مورد کشورهای غنی از منابع طبیعی از آنجا ناشی می‌شود که ثروت منابع طبیعی و اقتصاد سیاسی یک کشور متقابلاً بر یکدیگر اثرگذار هستند: برخورداری از وفور منابع خود می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر کیفیت و ثبات عملکرد اقتصادی، سیاسی و نهادی داشته باشد. در واقع، یک واقعیت تجربی ساده که اغلب به عنوان بعد اصلی نفرین منابع در نظر گرفته می‌شود این است که کشورهای برخوردار از وفور منابع، با ثابت فرض گرفتن سطح درآمدشان، از کیفیت نهادی ضعیف‌تری نسبت به آنچه باید داشته باشند، رنج می‌برند. این بدان معنی است که کشورهای وابسته به

«سرنوشت کشورهای صادرکننده نفت باید در چهارچوبی که در آن اقتصادها به نهادها شکل می‌دهند و به نوبه خود، از سوی آنها شکل می‌گیرند، فهم شود. مسیرهای خاص توسعه اقتصادی که در یک محیط نهادی مجرد تطبیق داده شده‌اند، به تدریج نهادهای سیاسی و اجتماعی را به‌گونه‌ای دگرگون می‌کنند که متعاقباً پیامدهای مولد را تشویق یا دلسرد می‌کنند. از آنجا که پیکان علی‌بین توسعه اقتصادی و تغییرات نهادی به‌طور دائمی در هر دو جهت حرکت می‌کند، پیامدهای انباشته‌شده به مسیرهای بلندمدت متفاوت شکل می‌دهد.» (تری لین کارل، معمای فراوانی) منابع طبیعی همانند نفت، گاز و مواد معدنی می‌توانند در نقش سرمایه‌های طبیعی به عنوان محرک‌های قوی برای توسعه عمل کنند. در عین حال، شواهد آماری «معمای فراوانی» حکایت از آن دارند که در صورت عدم مدیریت کارآمد، صنایع استخراجی نفت، گاز و معدن می‌توانند با نفرین منابع همراه باشند و به رشد آهسته‌تر، تضعیف پاسخ‌گویی دولت به جامعه و کاهش سرمایه اجتماعی منجر شوند. در واقع در کشورهای برخوردار از وفور منابع و در حال توسعه، منابع طبیعی «بازی اصلی در شهر» هستند و بر پویایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی تأثیر می‌گذارند. از همین رو است که درک پویایی‌های اقتصاد سیاسی ناشی از رانت منابع طبیعی، کلید مواجهه با نفرین منابع و دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر منابع است. در نیمه آبان‌ماه سال جاری، مسعود نبلی به همراه نگارنده طی ارائه‌ای در رویداد کیش اینوکس ۲۰۲۳، ذیل عنوان «مقدمه‌ای بر حکمرانی اقتصادی ایران در چهار دهه گذشته» چهارچوبی نظری برای فهم فراز و فرود سیاستگذاری اقتصادی در کشورمان ارائه کردند. به‌طور خاص، در این ارائه تلاش شده بود تا با تأکید بر سه‌گانه ایدئولوژی، عمل‌گرایی و نفت، پایه‌های خردی برای کاربست نظریه شکست ملت‌های عجم‌وغلو و رابینسون (۲۰۱۲) در مطالعه مورد نظام حکمرانی اقتصادی کشورمان فراهم شود. در این یادداشت نگارنده در پی آن است تا با مروری بر ادبیات اقتصاد سیاسی کشورهای نفتی، دریچه‌ای بر فهم حکمرانی سیاسی در ایران پس از انقلاب فراهم آورد.

### ● اقتصاد سیاسی حکمرانی نفتی

ثروت منابع طبیعی می‌تواند مجموعه‌ای از پویایی‌ها را بر اقتصاد سیاسی کشورها تحمیل کند که عناصر خاصی از «همسانی» نهادها و رفتار نخبگان را شامل شود. این از آنجا ناشی می‌شود که چگونگی استخراج، جمع‌آوری و به‌کارگیری یا توزیع درآمدها از سوی یک دولت، طبیعت آن را تعیین خواهد کرد. کشورهای وابسته به منابع طبیعی به‌شدت در برابر نوسانات قیمت کالایی که به‌طور برون‌زا تعیین می‌شود و همچنین، در برابر شوک‌های تولیدی که می‌تواند به دلایل تجاری و سیاسی داخلی رخ دهد، آسیب‌پذیر هستند. این آسیب‌پذیری سود حاصل از رانت‌جویی

گونه‌شناسی حکومت‌های وابسته به منابع طبیعی - منبع: بارما و همکاران (۲۰۱۲)		
اعتبار تعهد بین‌زمانی		
فراگیری سیاسی	اعتبار پایین/ التزام ضعیف	اعتبار بالا/ التزام قوی
فراگیری پایین/ جهت‌گیری جمعی ضعیف	قاعده پاتریمونیا اقتدار سیاسی فردی مبتنی بر هر رفاقتی؛ تاکید بر عرضه کالاهای خصوصی (به نفع نخبگان)؛ استخراج منابع عمومی برای عایدی خصوصی	دولت هژمونیک رژیم تک‌حزبی نهادینه شده؛ غارت‌گری یا خیرخواهی؛ تاکید بر عرضه کالاهای خصوصی (به نفع نخبگان) و فراهم‌آوری نسبی کالاهای خاص و عمومی
فراگیری بالا/ جهت‌گیری جمعی قوی	کثرت‌گرایی حامی‌گرا رقابت انتخاباتی مبتنی بر حامی‌گرایی؛ عرضه کالاهای خاص؛ پاسخگویی افقی ضعیف	کثرت‌گرایی برنامه‌محور رقابت انتخاباتی مبتنی بر برنامه‌هایی با محوریت افزایش رفاه عمومی، تاکید بر فراهم‌آوری کالاهای عمومی؛ پاسخگویی افقی و عمودی دموکراتیک

است. این امر همراه با نهادسازی، تعهد بین‌زمانی معتبر را در این حکومت‌ها ممکن می‌سازد.

■ **کثرت‌گرایی حامی‌گرا:** محیط‌های سیاسی-اقتصادی که در جاتی از رقابت سیاسی (عمدتاً از طریق رقابت‌های انتخاباتی)، معمولاً بر اساس شبکه‌های گسترده حامی‌پروری، در آنها حاضر است. در این حکومت‌ها، نیاز به پاداش به حامیان منجر به تامین برخی از کالاهای عمومی می‌شود اما اتکا به توزیع حامی‌گرایانه کالاهای خاص برای بسیج حمایت، پاسخگویی افقی و عمودی را تضعیف می‌کند. علاوه بر این، این حکومت‌ها به‌طور معمول دارای ویژگی‌های خوداجباری هستند که منجر به تامین ناکافی کالاهای عمومی در آنها می‌شود. در نهایت، افق زمانی در حکومت‌های کثرت‌گرای حامی‌گرا کوتاه‌مدت است زیرا سیاست نسبتاً غیرقابل پیش‌بینی بوده و درجه نهادسازی (و در نتیجه محدودیت قدرت) پایین است.

■ **کثرت‌گرایی برنامه‌محور:** رقابت انتخاباتی بر اساس برنامه‌هایی که در جهت افزایش رفاه جمعی، با تاکید بر تامین کالاهای عمومی، تنظیم شده‌اند، مشخصه اصلی حکومت‌هاست. علاوه بر این، درجه بالای نهادسازی و سازوکارهای دموکراتیک، پاسخگویی افقی و عمودی را در این حکومت‌ها به همراه دارد و آزادی بیان، حمایت از حقوق مالکیت و تعهد بین‌زمانی معتبر را ممکن می‌سازد.

با توجه به آنچه گفته شد، موقعیت یک کشور در امتداد دو بعد کلیدی توضیح داده شده - اعتبار تعهد بین‌زمانی و درجه فراگیری سیاسی - نحوه برهم‌کنش میان انگیزه‌های ذی‌نفعان و چشم‌انداز نهادی مبتنی بر منابع طبیعی را تعیین خواهد کرد. به عنوان نمونه، در محیط‌های غیرفراگیر که اعتبار تعهد بین‌زمانی پایین است، سطح تولید رانت اقتصادی به دلیل ناتوانی دولت در انجام معامله‌های سودمند استخراجی با توسعه‌دهندگان منابع، پایین بوده و تخصیص این رانت به سوی نخبگان سیاسی-اقتصادی سوگیری خواهد بود. بر اساس این منطق، عواملی که اعتبار بین‌زمانی تعهدات را - از طریق طولانی‌تر کردن افق‌های زمانی، تقویت نهادسازی و اجرای حقوق مالکیت - افزایش

محدودیت، تعهدات بین‌زمانی معتبری داشته باشند یا از حقوق مالکیت محافظت کنند. در شرایط حاکمیت پاتریمونیا، ظرفیت استخراج منبع طبیعی کم بوده و دزدی مداوم از جامعه به معنای ظرفیت پایین تولید اقتصادی، افق زمانی کوتاه‌مدت، و بهره‌برداری از منابع عمومی برای منافع خصوصی رایج است.

■ **حکومت هژمونیک:** یک نیروی سیاسی غیرقابل رقابت و نهادینه‌شده، یا رژیم تک‌حزبی، یا «راهزن ثابت» که با موفقیت «سرقت» را از طریق مالیات منظم در انحصار خود درمی‌آورد و به نوبه خود، نظم مسالمت‌آمیز و درجانی از کالاهای عمومی را برای جامعه فراهم می‌آورد. اینکه در این حکومت تا چه حد به سایر گروه‌های اجتماعی (غیرحاکم) پرداخته می‌شود، از ساختاری تا ساختار دیگر متفاوت است و به قابلیت پیش‌بینی‌پذیری جانشینی و نیز پتانسیل شورش مربوط می‌شود. برای نمونه، در اندونزی دوران سوهارتو، درجه معینی از رشد و توسعه فراگیر برای تضمین تسلط رژیم بر قدرت ضروری بود. به عبارت دیگر، دولت‌های هژمونیک می‌توانند به صورت‌های غارت‌گر یا نسبتاً خیرخواه ظاهر شوند. همچنین، افق زمانی این حکومت‌ها به دلیل ثبات سیاسی به‌طور معمول بلندمدت

شود چرا که در یک ساختار نهادی ضعیف، برنده می‌تواند صاحب تمامی غنایم شود. بنابراین، ایجاد مکانیسم‌هایی برای اطمینان از اینکه رانت‌های اقتصادی - برای نمونه، توزیع رانت از طریق کالاهای عمومی به جای احتکار رانت از طریق کالاهای خصوصی - به‌طور گسترده تقسیم می‌شوند، برای نفوذ به این پویایی بسیار مهم است. به‌طور خاص، رانت منابع موجب شکل‌گیری رفتارهای حامی‌گرایانه یا جست‌وجوی نفوذ سیاسی برای منافع اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، سیاست در کشورهای غنی از منابع می‌تواند کاملاً ناپایدار باشد؛ این واقعیت که جایزه مرتبط با کنترل سیاسی، بسیار بزرگ است می‌تواند به این معنی باشد که یک نبرد دائمی بر سر دولت شکل بگیرد. در عین حال، به‌رغم اولویت دولت، قدرت به‌طور کامل در اختیار مقامات و نهادهای دولتی نیست. در عوض، نخبگان حاکم شامل افراد و گروه‌هایی در داخل و خارج از دولت می‌توانند با عمل جمعی و سازمان‌دهی گروه‌های ذی‌نفع کنترل یکپارچه‌ای بر ثروت طبیعی به دست آورند. به‌طور خاص، این می‌تواند به شکل‌گیری «طبقه‌ای از کارآفرینان کاذب رانت‌خوار» که در مواجهه با هر اقدام اصلاحی، به عنوان موافق ریشه‌دار عمل می‌کنند، منجر شود. همراه با این پویایی‌های رانت‌جویی میان نخبگان سیاسی و اقتصادی، نفوذ دولت در اقتصاد - در نتیجه کنترل آن بر فعالیت‌های بخش منابع طبیعی - می‌تواند تمایز میان بخش‌های دولتی و خصوصی را غیرشفاف کند.

چه عاملی توضیح می‌دهد که چگونه یک کشور در دو عرصه استخراج رانت منابع طبیعی و تخصیص آن به سمت توسعه پایدار و فراگیر حرکت کند؟ در پاسخ به این پرسش، بارما و همکاران (۲۰۱۲) یک گونه‌شناسی اقتصاد سیاسی را برای توصیف کشورهای وابسته به منابع ارائه می‌دهند. این گونه‌شناسی بر دو بعد تاکید دارد: ۱- اعتبار تعهدات بین‌زمانی، که به این اشاره دارد که ثبات سیاست (یعنی تعهدات دولت در قبال شهروندان) تا چه حد در طول زمان اعمال شده و انحراف از آنها چگونه مشمول مجازات می‌شود، و ۲- فراگیری سیاسی قرارداد حاکم بر رابطه جامعه-دولت که به میزان ادغام دیدگاه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها، به معنای ارجحیت دادن به رفاه جمعی بر منافع نخبگان و تمایل دولت به تبدیل رانت منابع به کالاهای عمومی، اشاره دارد. این دو بعد تا حد زیادی به یکدیگر وابسته هستند، اما هر کدام را می‌توان به‌طور مشخص به تعدادی از اجزای تحلیلی کلیدی تقسیم کرد. علاوه بر این، دو بعد کلیدی اعتبار و فراگیری را می‌توان برای معرفی یک گونه‌شناسی از رژیم‌های سیاسی به منظور توضیح اینکه چگونه یک ساختار تنظیمی خاص، پیامدهای خاصی را به همراه دارد، به کار گرفت:

■ **حکومت پاتریمونیا:** تنظیمات اقتصادی سیاسی که با اقتدار سیاسی فردی، به‌طور معمول مبتنی بر هر می از رفاقت، با محدودیت‌های کمی در اعمال قدرت، مشخص می‌شود. این تنظیمات می‌توانند شامل محیط‌های سیاسی با بی‌ثباتی مداوم و درجه بالایی از رقابت‌های سیاسی همراه با جابه‌جایی مکرر در میان گروه‌های متخاصم باشند. یا می‌توانند به فرم دیکتاتورهایی (همانند یک حزب حاکم نهادینه‌شده) باشند که از ایجاد ترتیبات سازمانی که اعمال قدرت توسط آنها را محدود می‌کند، اجتناب می‌کنند. بعید است که این «راهزنان سرگردان»، به دلیل عدم

می‌دهند به بهبود عملکرد یک کشور از نظر تولید رانت منجر می‌شوند. در نقطه مقابل، تقویت فراگیری سیاسی، دولت را نسبت به جامعه پاسخگوتر می‌کند و از مسیر تامین کالاهای عمومی و سرمایه‌گذاری برای توسعه پایدار، تخصیص رانت را به سمت رفاه جمعی سوق می‌دهد. در یک نگاه کلی، ویژگی‌های ساختاری وابستگی به منابع به‌ویژه دسترسی سریع به رانت‌های بادآورده بزرگ، تمرکز مالکیت و تصمیم‌گیری در این بخش، و دسترسی اغلب بی‌رقیب به رانت برای کسانی که قدرت سیاسی و اقتصادی دارند- تمایل دارد که کشورها را به سوی تاسیس حکومت‌های پاتریمونیا یا تثبیت رژیم‌های هژمونیک سوق دهد. این توسط پژوهش‌انباشته در مورد پویایی اقتصاد سیاسی مرتبط با ثروت منابع طبیعی پیشنهاد شده است. باید توجه داشت که گونه‌شناسی معرفی‌شده را می‌توان برای توصیف وضعیت یک کشور در یک نقطه از زمان و شاید مهم‌تر از آن، برای توصیف پویایی‌های وضعیت کشورها مورد استفاده قرار داد. در این چهارچوب، منطق نظم دسترسی محدود می‌تواند منجر به این فرض شود که برای مثال، در اکثر کشورهای در حال توسعه، نخبگان سیاسی خودشان رانت‌های اقتصادی را کنترل و تقسیم می‌کنند، و تنها پس از عبور از چندین «شرایط کلیدی در آستانه درها» به سمت نظم‌های دسترسی آزاد که با رقابت اقتصادی و کثرت‌گرایی انتخاباتی مشخص می‌شود، حرکت می‌کنند (نورث و همکاران ۲۰۰۷). علاوه بر این، همان‌طور که اولسون (۱۹۹۳) بیان کرده است، گذار از راهزن سرگردان به راهزن ثابت، یا از حکومت پاتریمونیا به حکومت هژمونیک، امری رایج با پیامدهای رفاهی است. کشورهای دارای حاکمیت پاتریمونیا نیز گاهی مستقیماً به سمت تکثرگرایی حامی‌گرا حرکت کرده و بخش بزرگی از شهروندان به غنایم دسترسی پیدا می‌کنند. همچنین، دولت‌های هژمونیک ممکن است در نتیجه از میان رفتن قدرت یک حزب خاص به موقعیت‌های کثرت‌گرایی حامی‌گرا روی بیاورند. در نهایت، بیشتر تنظیمات کثرت‌گرایی برنامه‌محور یا دموکراسی‌های انتخاباتی، از محیط‌های کثرت‌گرایی حامی‌گرا پدید آمده‌اند. برای یک کشور غیرعادی است که مستقیماً از حکومت پاتریمونیا یا حکومت هژمونیک به دموکراسی بالغ و برنامه‌ریزی‌شده گذار کند.

### ● حکمرانی سیاسی در ایران

به‌رغم پیشینه طولانی مبارزات مدنی مدرن در ایران که با انقلاب مشروطه آغاز شده و به انقلاب ۱۳۵۷ منتهی شده، ساختار سیاسی کشورمان در حوزه مفاهیمی نظیر «عدالت اجتماعی» همچنان بانوعی آشفتگی فکری و توهم‌اندیشگی دست‌به‌گریبان است. در واقع، گرچه خواست آزادی از استبداد از ابتدا در نقطه کانونی انقلاب ۱۳۵۷ قرار داشت اما باورهای مذهبی و نیز آرمان‌های برابری و عدالت اجتماعی، با خوانشی ایدئولوژیک، نیز از حمایت نسبی مبارزان برخوردار بود. به‌طور کلی، نگرش ایرانیان به حکومت پهلوی در سال‌های منتهی به انقلاب را می‌توان در سه مورد اصلی خلاصه کرد: ۱- توزیع «ناعدالانه» منابع اقتصادی که باید آن را ذیل پیامد ادراک رشد اقتصادی به مثابه گسترش نابرابری، تعمیق فساد و در نهایت، توسعه نامتوازن امور اجتماعی درک کرد، ۲- «وابستگی» اقتصادی که توسعه صورت گرفته

در دوره پهلوی دوم را به عناوینی نظیر گسترش صنایع مونتاز کاری، خام‌فروشی به منظور خرید تسلیحات نظامی و نظایر آن تقلیل می‌داد، و ۳- «استبداد» سیاسی که به‌طور خاص از حکمرانی فردی و نیز ادراک تغییرات فرهنگی ناشی از توسعه از بالا ناشی می‌شد. بر همین منوال، مشخصه‌های اقتصاد سیاسی انقلاب ۱۳۵۷ را باید در سه مورد ۱- خوانش «عدالت اجتماعی» در نقطه مقابل فراگیری و پایداری رشد اقتصادی، ۲- پیگیری «راه سوم» در میان انکاره‌های کاپیتالیسم و کمونیسم و ۳- تاسیس «مردم‌سالاری دینی» به‌عنوان شیوه تقابل با استبداد سیاسی جست‌وجو کرد. مشخصه‌های اول و دوم، به‌طور خاص، غلبه ایدئولوژی بر واقع‌گرایی را در انقلاب ۱۳۵۷ به نمایش می‌گذراند که نمود آن را می‌توان در گنجانده شدن حجم بالای وعده‌های عوام‌گرایانه در قانون اساسی مشاهده کرد. به‌عنوان نمونه، اصول بیست‌ونهم و سی‌ام قانون اساسی، برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سربستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، و همچنین خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، و آموزش و پرورش رایگان را به همه شهروندان وعده داده است. تهیه مسکن متناسب با نیاز، نابودی فقر، بیکاری، فساد اخلاقی، رشوه‌خواری، رباخواری، احتکار، انحصارات خصوصی، نابرابری، ایجاد خودکفایی در بخش‌های کشاورزی و صنعت و کمک به مستضعفین جهان در مبارزه با مستکبرین از دیگر موارد ذکر شده در این قانون است. در نهایت، قانون اساسی در بخش اقتصادی، ساختار اقتصاد ملی را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می‌کند. در این تقسیم‌بندی در ابتدا کلیه صنایع بزرگ و مادر در حوزه مالکیت بخش دولتی و صنایع سبک، کشاورزی و بیشتر بخش‌های خدماتی در حوزه مالکیت خصوصی قرار گرفتند که در ادامه و با هدف

تقویت بخش غیردولتی و توانمندسازی بخش دولتی، اختیارات و حدود مالکیت این سه بخش با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مورد تجدید نظر قرار گرفت. روی دیگر وعده‌های سخاوتمندانه اما غیرواقع‌گرایانه قانون اساسی در حوزه عدالت اجتماعی و تعریف این قانون از ساختار اقتصاد ملی، تغییر ساختار مالکیت به نفع گسترش مالکیت دولتی/ مالکیت شبه‌دولتی، افزایش مخارج بودجه از طریق افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی یا تامین پولی آن، مداخلات وسیع دولت در بازارهای انرژی، ارز و محصول و شکل‌گیری اقتصادی دستوری، انحصاری و درون‌گرا همراه با گسترش اقتصاد غیررسمی بوده است. به عبارت دیگر، خروجی کاربست یک نگرش ایدئولوژیک به دولت و کارکردهای آن، یک دولت فربه با لیست بلندی از وظایف و مسوولیت‌ها بوده است که نه تنها با مداخلات بی‌حدومرز خود، استقلال نظر و عمل احاد جامعه در حوزه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را به شدت دچار خدشه کرده و کارکرد بازار را در عمل از میان برده است، بلکه امکان پاسخ‌گویی چابک و کارای دولت به رویدادها را از تصمیم‌سازان سلب کرده و در نهایت تصمیم‌سازی‌های دولت را به تمشیت امور روزمره تقلیل داده است. همان‌گونه که مسعود نیلی و نگارنده به‌طور مفصل بدین موضوع پرداخته‌اند، چرایی تداوم این نگاه مخرب را باید در برخورداری از درآمد‌های نفتی جست‌وجو کرد: رانت منابع طبیعی این توهم را در میان انقلابیون شکل داده و تقویت کرده بود که پیگیری سیاست‌های توزیع رانت نفت با هدف تخصیص منابع ارزان به شهروندان برای دستیابی به توسعه عادلانه کافی است. بر اساس همین منطق است که مسعود نیلی و نگارنده، ایدئولوژی، واقع‌گرایی و نفت را به عنوان سه گانه آغازین اقتصاد سیاسی حکمرانی اقتصادی در ایران پس از انقلاب در نظر می‌گیرند. نکته حائز اهمیت از این منظر آن است که قدرت‌گیری طبقه متوسط از اواخر دهه ۱۳۶۰ و کاهش قیمت نفت در نیمه دهه ۱۳۷۰، شهروندان و سیاست‌گذاران در قدرت را با این واقعیت مواجه کرده بود که برخورداری از نفت برای تاسیس عدالت توزیعی، با نگرش ایدئولوژیک، ناکافی است. این روند یادگیری (یا واقع‌گرایی) منجر به آن شد که دولت‌های اصلاحات به‌رغم دستور کار سیاسی-اجتماعی، موفق‌ترین عملکرد اقتصادی در دوره پس از انقلاب را به ثبت برسانند. اما این روند همان‌گونه که توماس فریدمن، ستون‌نویس نیویورک تایمز، در توضیح اولین قانون نفتی در صفحات مجله فارین پالیسی اعلام کرد: «در کشورهای نفتی، قیمت نفت و سرعت آزادی در جهت مخالف حرکت می‌کنند.» در مواجهه با افزایش قیمت نفت و وعده‌های پوپولیستی محمود احمدی‌نژاد به ناگهان معکوس شد و دیگر هیچ‌گاه به روال فزاینده سابق بازنگشت.

باید توجه داشت که در نظر گرفتن سال ۱۳۸۴ به مثابه نقطه عطف روند اقتصاد سیاسی کشورمان در سال‌های پس از انقلاب تنها در جهش قیمت نفت و تغییرات نظام حکمرانی اقتصادی خلاصه می‌شود بلکه عامل دوم، یعنی نظام حکمرانی سیاسی به‌طور عام و حاکمیت دوگانه به‌طور خاص، نیز در این رویداد تاثیر تعیین‌کننده داشته است. در واقع، یکی از عوامل اثرگذار بر عدم موفقیت دولت‌ها در ایران در ایفای کارکردهای متعارف آنها، تعدد بازیگران سیاسی و عدم مرزبندی شفاف و روشن میان وظایف



اقداماتی در پیش می‌گیرند که در نهایت به کاهش اندازه کیک اقتصادی منجر شده است.

#### ● جمع‌بندی

در ادبیات اقتصاد سیاسی این اتفاق نظر وجود دارد که منابع طبیعی از دو مسیر با حکومت و نهادهای دولتی تعامل دارند. اول، استخراج منابع طبیعی می‌تواند به تخریب حکمرانی منجر شود چراکه وابستگی به ثروت منابع طبیعی نیز به سایر اشکال درآمدزایی دولت، همانند جمع‌آوری مالیات، را محدود می‌کند. این به نوبه خود، با تضعیف پیوند میان مالیات‌ستانی و پاسخگویی سیاسی، ظرفیت نهادی دولت را کاهش می‌دهد. این همان منطق اصلی است که کارل (۱۹۹۷) آن را ذیل عنوان «دولت‌های نفتی» بسط می‌دهد. علاوه بر آنچه گفته شد، ثروت منابع طبیعی می‌تواند با برانگیختن منازعات سیاسی یا بوروکراتیک شدید بین گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند برای کنترل رانت منابع طبیعی و نهادهای دولتی مسوول جمع‌آوری و توزیع آنها، بر کیفیت حکومت تاثیر منفی بگذارد. دوم، حتی چنانچه وابستگی به منابع طبیعی به تضعیف حکمرانی منجر نشود، کیفیت نهادها بر کیفیت سیاست‌های مدیریت اقتصادی اجرای آنها تاثیر خواهد گذاشت. از این منظر، کیفیت نهادی از مسیر محدودسازی سیاستگذاری دلبخواهی و رانت‌جویی، بر پیامدهای توسعه تاثیر می‌گذارد. علاوه بر این، از آنجا که درآمد حاصل از منابع طبیعی از جنس درآمدهای بادآورده هستند، دولت‌ها ممکن است وسوسه شوند تا تصمیمات سیاستگذاری با هزینه‌های عمومی و پیامدهای نامطلوب بلندمدت اتخاذ کنند. فرضیه‌های پشتیبانی‌کننده در ادبیات اقتصاد سیاسی نشان می‌دهد که ابعاد سیاسی و نهادی نفرین منابع زمانی بیشتر محتمل می‌شود که ۱- منابع طبیعی «تنها بازی در شهر» را تشکیل می‌دهند، ۲- توزیع رانت منابع با شکاف‌های سیاسی-اقتصادی موجود سازگاری دارد و ۳- تعهد سیاستی به دلیل عدم تمرکز سیاسی با دشواری مواجه است. در حالت حدی، دولت‌های رانتیر مستعد آن هستند که به ابزاری غارتگر بدل شوند که رانت را از جامعه دریافت کرده و آن را از طریق شبکه‌های حمایتی توزیع می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، چنانچه غلبه نگرش ایدئولوژیک به اقتصاد در ترکیب با برخورداری از رانت نفت را به عنوان عامل بنیادین تاسیس نهادهای اقتصادی استخراجی در فضای اقتصادی-سیاسی کشورمان در دوره پس از انقلاب در نظر بگیریم، حاکمیت دوگانه در قانون اساسی و ترس از تخریب خلاق، عامل تعیین‌کننده دیگری بوده است که به شکل‌گیری و تقویت نهادهای سیاسی غیرفراگیر منجر شده و راه را بر اصلاحات اقتصادی مبتنی بر واقع‌گرایی بسته است. از این منظر، ظهور پوپولیسم نفتی به عنوان ماشه‌ای عمل کرده است که پویایی‌های «چرخه خیر» مبتنی بر یادگیری در کشورمان را معکوس کرده و با تاسیس «چرخه شر» به تسخیر دولت توسط ذی‌نفعان در دهه ۱۳۹۰ خورشیدی منجر شده است. این بدان معناست که سخن راندن از اصلاحات اقتصادی بدون توجه به پویایی‌های حکمرانی سیاسی در کشورمان ذیل گونه‌شناسی چهارگانه معرفی شده، بی‌پهلو خواهد بود. ■

کرد و موجبات قهر طبقه متوسط با صندوق‌های رای را فراهم آورد.

علاوه بر آنچه گفته شد، وجود یک ساخت دوگانه قدرت ذیل قانون اساسی موجب می‌شود تا نهادها، ارگان‌ها و ساختارهایی در خارج از دولت -در معنای خاص آن- با دستور کاری مشابه شکل بگیرد. از همین روست که از نگاه نگارنده، تاکید بر چرایی حضور یک ارگان نظامی خاص در اقتصاد یا پرداختن به چرایی عدم پرداخت مالیات توسط نهادی دیگر، نگاه تحلیلی‌گرا را از تمرکز بر نکته اصلی که همانا ساختارهای اجتناب‌ناپذیر شکل گرفته ذیل نهادهای قانونی قدرت است، منحرف می‌سازد. همانند یک ساخت قدرت مبتنی بر آرای عمومی، یک ساخت قدرت غیردموکراتیک نیز به لحاظ پیشبرد اهداف خود از منطق درونی سازگار و ساختارهای متعادل‌کننده برخوردار است. در اینجا، صحبت از ترجیحات متضاد در دو ساخت قانونی متفاوت نیست بلکه یک نظام مبتنی بر دوگانگی قدرت لاجرم و به شکلی اجتناب‌ناپذیر، دو ساختار متعادل‌کننده داخلی با دستور کار متمایز را ذیل خود شکل خواهد داد. وجود درآمد نفت به عنوان یک منبع رانت چه در یک نظام دموکراتیک و چه در یک نظام غیردموکراتیک به افزایش تلاش گروه‌های ذی‌نفع برای برخورداری از این رانت (رانت‌جویی)، افزایش رقابت سیاستمداران در پیگیری سیاست‌های توزیعی برای خشنودسازی عمومی، حامی‌پروری و... منجر می‌شود اما در یک نظام مبتنی بر ساخت دوگانه قدرت، افزون بر رقابت‌های فوق، رقابت دیگری نیز میان ذی‌نفعان هر یک از دو بخش ساخت قدرت شکل خواهد گرفت که می‌تواند در یک چرخه خودپرانیگر به امتناع سیاستگذاری و هدررفت بیش از پیش منابع منجر شود. اوج ویرانگری چنین رقابتی هنگامی رخ می‌دهد که ذی‌نفعان یک ساخت برای جلوگیری از افزایش برش کیک اقتصادی در اختیار ساخت دیگر،

و مسوولیت‌های بخش‌های مختلف حاکمیت است. ایده اصلی تفکیک قوا مبتنی بر این نظریه است که تنها قدرت می‌تواند قدرت را محدود کند. توازن قوا در صورتی امکان‌پذیر است که نهادهای قانونی تعیین‌کننده قواعد حاکم بر میدان سیاست قادر باشند حوزه وظایف و مسوولیت‌های بخش‌های مختلف حکمرانی را به صورت روشن و شفاف معین و محدود کنند به گونه‌ای که مسوولیت‌ها به صورت مستقیم متناسب با وظایف تعریف شده باشند و از آن مهم‌تر قوانین از ضمانت اجرایی کافی برخوردار باشند؛ بدین معنی که همه بخش‌های ساختار سیاسی در صورت خروج از حوزه مسوولیت‌ها و وظایف خود ناچار به پاسخگویی باشند. یک نکته کلیدی در قضاوت در مورد عملکرد دولت، تمایز قائل شدن میان قدرت رسمی و غیررسمی است. قدرت رسمی مبتنی بر قوانین رسمی یک کشور است؛ حال آنکه آنچه در عمل میزان نفوذ و حوزه اثرگذاری بازیگران سیاسی را تعیین و محدود می‌کند، قدرت غیررسمی آنهاست. بازیگران سیاسی در عمل از این قدرت غیررسمی برای اثرگذاری بر سیاستگذاری‌های دولت که واجد قدرت قانونی است، استفاده می‌کنند و گاه نیز در صورت ضعف نهادهای قانونی، قدرت خویش را به صورت عریان نمایش داده و مستقیماً در حوزه تصمیم‌سازی وارد می‌شوند. ساختار نهادی غیرشفاف، فساد و دسترسی گروه‌های ذی‌نفع فاقد مسوولیت به مواهب مادی از طریق افزایش قدرت غیررسمی این گروه‌ها هزینه تصمیم‌سازی‌های صحیح اقتصادی در جهت شفافیت و محدود کردن قدرت غیررسمی را به شدت افزایش می‌دهند. ایستادگی دولت در برابر فشارهای قدرت‌های غیررسمی به معنای صرف انرژی و زمان دولت برای مقابله با بحران‌های غیرواقعی به جای پیگیری مشکلات اساسی کشور است. در مقابل، هزینه عقب‌نشینی دولت در برابر این فشارها، علاوه بر کاهش بیش از پیش حوزه نفوذ و اقتدار دولت، از دست رفتن اعتماد عمومی خواهد بود.

عجم‌اوغلو و رابینسون (۲۰۱۲)، نهادهای سیاسی غیرفراگیر را با یکی از (یا هر دو) ویژگی‌های توزیع قدرت محدود و بی‌دولتی تعریف می‌کنند. ساخت دوگانه قدرت در قانون اساسی کشورمان موجب شده است تا رفتار نهادهای سیاسی استخراجی در ایران با ویژگی خاص نوسان میان بی‌دولتی و تمرکز سیاسی متمایز شود و هسته سخت حاکمیت به دلیل ترس از تخریب خلاق با اصلاحات اجتماعی و سیاسی مقابله کند. مفهوم تخریب خلاق سیاسی به فرآیندی اشاره دارد که طی آن ساختارها و نهادهای سیاسی قدیمی با ساختارهای جدید جایگزین می‌شوند. روشن است که چنین فرآیندی می‌تواند باعث ایجاد ترس در میان کسانی که از وضعیت موجود سود می‌برند، شده و به مقاومت در برابر تغییر و تلاش برای تقویت بیشتر نهادهای غیرفراگیر منجر شود. برای مثال، نخبگان حاکم ممکن است مخالفان سیاسی را سرکوب کنند، فرآیندهای انتخاباتی را دستکاری کنند یا از کنترل خود بر منابع اقتصادی برای تاثیرگذاری بر نتایج سیاسی استفاده کنند. ترس از تخریب خلاق سیاسی و مقاومت ناشی از آن در برابر تغییر می‌تواند پیامدهای مهمی برای جامعه داشته باشد و از مسیر ناممکن‌سازی اصلاحات از مسیر صندوق رای، به بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی اجتماعی منجر شود. این دقیقاً همان فرآیندی بود که در نیمه اول دهه ۱۳۸۰، فرآیند اصلاحات را با بن‌بست مواجه



## رسانه های اجتماعی آسیب شناسی

رسانه های اجتماعی با جاذبه های خود افراد را تشویق می کند که برای مدت طولانی بی تحرک بمانند. یک کاربر فعال شبکه های اجتماعی ممکن است هر روز ساعت ها بی تحرک باشد. سبک زندگی مدرن و کم تحرک تأثیرات منفی بر گردش خون، توان عضلانی، سلامت استخوان ها و ایمنی شما دارد.

### مشکلات کم تحرکی



یک نظرسنجی از نوجوانان نشان داد که بیشتر آنها با تلفن همراه خود در رختخواب می خوابند. نور تلفن همراه، به خصوص قبل از خواب، می تواند ریتم ساعت داخلی بدن را مختل کند. این می تواند خوابیدن در شب را سخت تر کند. گزارش دیگری نشان می دهد که بیش از یک سوم نوجوانان گفتند که شب ها از خواب بیدار می شوند تا تلفن خود را چک کنند.

### مشکلات کم خوابی



بیش از نیمی از کاربران نوجوان رسانه های اجتماعی اذعان دارند که کنار گذاشتن رسانه های اجتماعی کار سختی است. لایک گرفتن در پست ها به مغز یک دوز پاداش شیمیایی (دوپامین) می دهد. این باعث می شود تا کاربران برای مدت طولانی تری در برنامه ها حضور داشته باشند. مغز انسان از فعالیت هایی لذت می برد که به آن «احساس خوب» می دهد. این گونه است که مصرف مواد بر مغز تأثیر می گذارد. زمان بیش از حد آنلاین بودن می تواند شبیه یک اختلال قمار یا یک اختلال مصرف مواد به نظر برسد.

### اعتیاد به رسانه



گذران زمان زیاد در رسانه های اجتماعی با آزار و اذیت سایبری مرتبط است. چون در این نوع ارتباط افراد ناشناس زیادی هستند که می توانند دسترسی و شکایت از آنها غیر ممکن است. قلدری سایبری آزار کلامی یا اجتماعی است که از طریق پیام رسان ها، چت بازی ها و رسانه های اجتماعی رخ می دهد. بیش از نیمی از نوجوانان گزارش می دهند که آزار و اذیت سایبری را تجربه کرده اند.

### آزار و اذیت سایبری



بخش مهمی از نوجوانی رشد مهارت های اجتماعی است. رسانه های اجتماعی زمانی می توانند مضر باشند که زمان را با خانواده و دوستان جایگزین کنند. برخی از فرصت ها برای ایجاد مهارت های اجتماعی را نمی توان به صورت آنلاین یاد گرفت. روابط چهره به چهره در کسب مهارت ها تأثیر زیادی دارد.

### مشکلات روابط آنلاین



وقتی شخصی در شبکه های اجتماعی حضور پر رنگ دارد، وقت خود را برای فعالیت های دیگر اختصاص نمی دهد. استفاده از رسانه های اجتماعی می تواند فعالیت های فیزیکی، سرگرمی ها و زمان با کیفیت با عزیزان را از بین ببرد. همچنین می تواند مسوولیت هایی مانند کار، کارهای روزمره یا مراقبت از خود حتی برنامه های درمانی را مختل کند.

### وقت کشی



رسانه های اجتماعی مملو از تبلیغات و محتوای حمایت شده برای محصولات، خدمات، برنامه ها و موارد دیگر هستند. بازاریابی گمراه کننده با کلاهبرداری آشکار متفاوت است. شرکت ها و بازاریابان رسانه های اجتماعی می خواهند پول در بیاورند. گاهی اوقات این بدان معنی است که آنها از استراتژی های بازاریابی غیر صادقانه استفاده می کنند، از جمله:

- بررسی های جعلی یا مغرضانه
- وعده های دروغین
- عدم افشای کامل اطلاعات
- فتوشاپ تصاویر
- طراحی معاملات جعلی

### بازاریابی گمراه کننده



### فاسد اجتماعی

مقایسه اجتماعی زمانی است که شخصی خود را بر اساس زندگی، تجربیات و ویژگی های شخص دیگری ارزیابی می‌کند. این می‌تواند باعث بروز افکار و احساسات منفی در مورد خود شود. مردم اغلب فقط نکات برجسته زندگی سایر کاربران را در رسانه‌های اجتماعی می‌بینند. این می‌تواند باعث احساس ناامیدی شود.



۱۴

### مشکلات خودشناسی

نوجوانان و جوانان هنوز در حال یادگیری هستند که چه کسی هستند و چه کسی می‌خواهند بشوند. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند تأثیر منفی بر تصویر فرد از خود داشته باشند. تحقیقات خود اینستاگرام نشان می‌دهد که دختران نوجوانی که از این پلتفرم استفاده می‌کنند، تصویر ضعیفتری از خود دارند. اگر شخصی در حال حاضر با اعتماد به نفس پایین دست و پنجه نرم می‌کند، حضور در رسانه‌های اجتماعی می‌تواند آن را بدتر کند.

۱۳



۱۲

### آسیب به شهرت

چیزهایی که یک نفر در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌کند یا نظرانی که می‌دهد می‌تواند بر شهرت آنها تأثیر بگذارد. حتی اینکه کدام حساب‌ها را دنبال می‌کنند می‌تواند بر شهرت آنها تأثیر بگذارد. این می‌تواند در طول جست‌وجوهای شغلی، درخواست‌های تحصیلی و روابط آینده خود را نشان دهد.



۱۱

### محتوای نامناسب

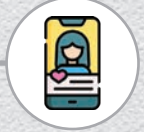
هنگامی که یک فرد با محتوا در رسانه‌های اجتماعی تعامل دارد، الگوریتم به گونه‌ای طراحی شده است که محتوای مشابه بیشتری را نشان دهد. رسانه‌های اجتماعی همچنان می‌توانند حاوی محتوای نامناسب باشند، مانند: خشونت، سخنان تنفرآمیز، محتوای جنسی، چالش‌های خطرناک و... در یک نظرسنجی اکثریت نوجوانان گزارش کردند که به طور تصادفی در معرض پورنوگرافی آنلاین قرار گرفته‌اند.



۱۰

### اطلاعات کمره کننده

یک مطالعه نشان داد که اخبار نادرست سریع‌تر از داستان‌های واقعی در رسانه‌های اجتماعی پخش می‌شود. این بدان معناست که کاربران رسانه‌های اجتماعی بیشتر احتمال دارد که عناوین گمراه کننده اطلاعات نادرست و اخبار جعلی را ببینند. اطلاعات نادرست می‌تواند عواقب منفی و حتی خطرناکی داشته باشد. این بر تصمیماتی که افراد در مورد سلامتی، امور مالی، خرید محصول و موارد دیگر می‌گیرند تأثیر می‌گذارد.



۹

### کلاهبرداری

وقتی صحبت از فرصت‌های آنلاین می‌شود، خوب است که شک داشته باشید. گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که کلاهبرداری‌های رسانه‌های اجتماعی در سال ۲۰۲۱ به شدت افزایش یافته است. کاربران رسانه‌های اجتماعی کلاهبرداری‌های مختلفی از خرید آنلاین تا کلاهبرداری‌های عاشقانه را گزارش کردند. کلاهبرداری‌های عاشقانه زمانی است که شخصی یک رابطه آنلاین را شروع می‌کند تا شخص دیگری را متقاعد کند که برای او پول بفرستد.



### عادی سازی خطر

رفتارهای پرخطر می‌تواند شامل مصرف مواد، فعالیت‌های جنسی خارج از عرف، فعالیت مجرمانه و شوخی‌ها یا چالش‌های خطرناک باشد. وقتی کاربران رسانه‌های اجتماعی می‌بینند که رفتار مخاطره‌آمیز عادی شده است، ممکن است بیشتر درگیر آن شوند.

۸

# روی دیگر یک پدیده

## شبکه‌های اجتماعی جامعه ایران را به کدام سو می‌برد؟

این روزها هر کس تلفن همراه داشته باشد، می‌تواند محتوا تولید کند و در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارد. هر چند شبکه‌های اجتماعی نقش موثری در افزایش آگاهی جامعه ایران داشته‌اند اما محتوای تولیدشده لزوماً محتوای مناسبی نبوده است. برخی محتواها ضد نهاد خانواده‌اند و برخی دیگر نهاد مذهب را نشانه رفته‌اند. هر روز تعداد زیادی ویدئو در مذمت ازدواج ساخته می‌شود و خیلی از اینفلوئنسرها زندگی مجردی را تشویق می‌کنند.

یکی دیگر از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی، رواج شبه‌علم است. شبه‌علم احتمالاً قدمتی به درازای بشر دارد و این علم بود که توانست به تدریج آن را از زندگی پیروز شدند و منجمان بر طالع‌بینان؛ تا علم شیمی جای کیمیاگری را بگیرد و علم نجوم جای ستاره‌بینی و پیشگویی آینده از روی صور فلکی را. اما به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی در حال جان بخشیدن به شبه‌علم هستند. فردی در یک ویدئو مدعی می‌شود هر کس یک ماه تمام زردچوبه در آب حل کند و صبح‌ها قبل از صبحانه بنوشد، از ورم مفاصل رهایی می‌یابد. فردی دیگر می‌گوید درمان زودانزالی را بلد است و دیگری مدعی می‌شود در ۴۰ روز می‌تواند کبد افراد را پاک کند.

رسانه‌های مدافع آزادی همواره مخالف فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی هستند اما آیا مخالفت با فیلترینگ به معنی تایید همه محتوایی است که در شبکه‌های اجتماعی تولید می‌شود؟

اینفوگرافیک: آرشین میرسعیدی



## میدان مین

### شبکه‌های اجتماعی ما را به کدام سو می‌برند؟

می‌توان در تحلیل‌های آنان پیدا کرد، به علاوه، در شرایط دشوار به وضوح مشاهده می‌شود که رسانه‌ها تلاشی نمی‌کنند سیگنال درستی از وقایع به حکمرانی بدهند. این بی‌عملی رسانه، زمینه‌ساز بدبینی و خشم گسترده‌تر نسبت به حاکمیت به‌طور عام و رسانه‌ها به‌طور خاص شده است. بی‌اعتمادی برای سواد رسانه‌ای می‌تواند چیز خوبی باشد اما اگر ما را به سمت استفاده ناهوشیار از شبکه‌های اجتماعی سوق دهد عاقبت خوشی ندارد. در این وانفسا شبکه‌ها با ما چه می‌کنند؟

#### ● اطلاعات ماکروفری!

این روزها شبکه‌های اجتماعی زمین رویش مناسبی برای انواع و اقسام کارشناسان است. مردم بی‌حوصله از خواندن کتاب و مطالعه نشریات به دنبال کوتاه‌ترین و ساده‌ترین اطلاعات‌اند و البته کسانی هم پیدا می‌شوند که این محتوا را در اختیارشان بگذارند. از نحوه ست کردن لباس تا بهترین شیوه سرمایه‌گذاری و بدتر از این دو، شیوه درمان بیماری‌های لاعلاج! ۱۰ سال پیش، اندرو کین در کتاب فرقه آماتور (The Cult of the Amateur) نوشت که انقلاب اینترنتی «نویسندگان حقیقت‌بیشتری را به افراد بیشتر داده است؛ عمق بیشتر اطلاعات، دیدگاه جهانی بیشتر، و نظرات بی‌طرفانه‌تر از ناظران بی‌طرف». کین افزود این دموکراتیزه‌سازی فرضی تخصص، همچنین، گروهی از احمق‌ها را ایجاد کرده است: «آنچه انقلاب وب ۲ واقعاً ارائه می‌کند، بیشتر مشاهدات سطحی از دنیای اطراف ماست تا تحلیل عمیق، و سرشار از نظرات تندوتیز به جای قضاوت سنجیده». این همه به ایجاد جهانی مملو از اخبار جعلی، حقایق جایگزین و بی‌اعتمادی به کارشناسان دامن زده است. اگر نگاهی به جامعه خودمان بیندازید درمی‌یابید که این پدیده می‌تواند تا چه اندازه خطرناک باشد. جامعه‌ای که به جای «غزها» بیشتر به دنبال پرورش «شخصیت» هاست بستر مناسبی است که می‌تواند همه را به گزارشگر و مفسر و کارشناس تبدیل کند. اقتصاد گیگ هم مردم را تشویق کرده تا از سرگرمی‌های خود امرامعاش کنند. ظهور مفهوم جدید کارکنان اسلش (Slash workers)، توصیف اشخاصی است که چندین کار را انجام می‌دهند؛ مانند نوازنده /مهندس یا آشپز/مادر/کارآفرین! این همه ضرورت اقتصادی دارد.

ابتدایی‌ترین پیامد این بازار داغ تولید محتوا و اشتیاق به کسب درآمد در سلبریتی/کارشناس/اینفلوئنسرها، سونامی اخبار جعلی و اطلاعات نادرست است که تمامی شبکه‌های اجتماعی را درنوردیده انقدر که الگوریتم‌های پلتفرم‌ها هم در تشخیص و اصلاح آنها کم آورده‌اند. اصطلاح اطلاعات نادرست (misinformation) به داده‌هایی گفته می‌شود که صحت ندارند -صرف نظر از اینکه قصد گمراه کردن شما را داشته باشند یا خیر- و این گونه است که شما به روایت اینستاگرام و توئیتر می‌توانید دیوار چین را از فراز کره زمین ببینید، به زردچوبه درد استخوانتان را التیام ببخشید، با آب کرفس وزن کم کنید و در صورت مواجهه با سارقان، رمز کارت بانکی‌تان را وارونه وارد کنید تا پلیس بفهمد و به دادتان برسد!

واقعیت‌ها، عقاید و نظرات خودشان را هم به خورد کاربران و مخاطبان می‌دهند. در این بازار مکاره همه چیز تبلیغ و ترویج می‌شود: از کالاهای و خدمات گرفته تا ایده‌ها و سبک زندگی. هر قدر افراد بیشتری برای ارائه ایده‌های خود به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت روی می‌آورند دشوارتر خواهد بود که بتوانید نظر و دیدگاه‌های شخصی را از واقعیت و داده‌های مبتنی بر تحقیق تفکیک کنید، چرا که هر دو این اطلاعات در یکجا به شما عرضه می‌شود. در این فضا، به همان اندازه که شیوه کسب آگاهی مردم چرخش پیدا کرده، کارشناسان جعلی هم قارچ‌گونه رشد پیدا کرده‌اند؛ همان‌هایی که برای رویش موی سپید و کاهش سردی بدن نسخه می‌پیچند، برای خرید ملک و طلا و ارز به مردم مشاوره می‌دهند یا می‌کوشند به رفتارهای سیاسی مردم سمتوسو دهند. کمی جست‌وجو کنید به آسانی درمی‌یابید که هیچ‌کدام هم خبره آن حوزه‌ای که کارشناس شده‌اند نیستند. در افعال محض نهاد سیاستگذار که راه چاره را -آن هم نه از حب مردم- در فیلترینگ دانسته، سلامت جسمی، روانی، داری و در نهایت رفاه ذهنی جامعه در معرض آسیب‌های متعدد است.

در این میان برخی صاحب‌نظران دغدغه از دست رفتن مرجعیت رسانه‌های جریان اصلی را دارند و نسبت به بی‌اعتمادی مردم به تلویزیون و مطبوعات هشدار می‌دهند. بی‌اعتمادی به رسانه‌ها هم از منظر کارشناسان دلایل گوناگونی دارد. از سیاست‌های مبتنی بر سانسور و فیلتر اطلاعات و تحدید آزادی بیان و فضای بسته‌افشاری در مطبوعات گرفته تا تمرکز رسانه ملی بر تاکتیک سخنگویی یک‌طرفه و پاسخگویی انفعالی به شایعات و دروغ‌پراکنی منابع خبری خارجی به جای تولید پیش‌کنش‌گرایانه اطلاعات و حذف چهره‌های تاثیرگذار را

توصیف روزگار مردم شبکه‌زده این روزها دشوار نیست. کافی است در مترو، خیابان، محل کار و حتی در شب‌نشینی‌های خانوادگی نگاهی به اطرافیان‌تان بیندازید. همه گوشی به دست در پلتفرم محبوبشان پرسه می‌زنند. یکی اینستاگرام را بالا و پایین می‌کند و استوری می‌گذارد. دیگری در ایکس می‌چرخد و به نظرات ناموافق، ناسزا می‌گوید. جوان‌ترها، تداک و یوتیوب می‌بینند. فیس‌بوکی‌ها هم مشغول شخم‌زدن حال و احوالات دیگران‌اند. معدود کسانی هم که نگاهشان فراتر از سرگرمی و وقت‌گذرانی خواندن خبر و کسب اطلاعات است، کانال‌ها و صفحه‌های خبری را چک می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی به تفرجگاهی تبدیل شده‌اند که البته، همه با حال خوش از آن به خانه بازمی‌گردند. حاصل ساعت‌ها گشت و گذار در فضایی که لبریز از اطلاعات درست و غلط و بد و خوب و سازگار و ناسازگار است می‌تواند سرسام‌آور باشد؛ به ویژه اگر فقدان سواد رسانه‌ای سبب شود از این سفره رنگارنگ، همه چیز را در هم و برهم به خورد مغز بی‌گناهمان بدهیم.

گرچه غوطه خوردن در ورطه شبکه‌های اجتماعی مختص ایرانی‌ها نیست اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به جمع جوامعی پیوسته‌ایم که پیوند عمیقی با این فضای غیررسمی پیدا کرده‌اند. سیاست فیلترینگ هم راه به جایی نبرده؛ ۲۰۰ میلیارد تومانی که برای فیلترینگ هوشمند هزینه شده به باد رفته است. نگاهی به تعداد کاربران اینستاگرام کافی است تا افزایش تعداد مشتاقان لایک و کامنت را بهتر در یابید. بر اساس آخرین آمار (یکتانت) تعداد کاربران اینستاگرام از مرز ۴۱ میلیون نفر عبور کرده است! اینستاگرام البته در این رقابت تنها نیست. ایکس، فیس‌بوک و تداک هم عاشقان دلخسته خود را دارند. و بی‌دلیل نیست در روزگاری که رسانه مطالعه کتاب از شش دقیقه در روز فراتر نمی‌رود کارشناسان تخمین می‌زنند که ایرانی‌ها روزانه بیش از دو ساعت از وقت گرانبهای خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند. به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، طبق آمار به‌دست‌آمده در مرکز تحقیقات، مصرف رسانه‌های اجتماعی از ۴۲ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۶۷ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. او می‌افزاید: «در اتفاقات سال گذشته، نظرسنجی‌های ما نشان می‌داد که رژیم مصرف رسانه‌ای نوجوانان یا کسانی که در کف خیابان فعال بودند، عملاً دیگر برودکست نیست. به این معنی که این افراد نه تنها صداوسیما، بلکه شبکه‌های ماهواره‌ای هم تماشا نمی‌کنند و سید مصرف آنان به سمت فضای مجازی رفته است.» و این همه در حالی است که می‌دانیم نظام اطلاع‌رسانی کشور، شکل‌گیری افکار عمومی، گردش صحیح اطلاعات و سید مصرف فرهنگی و رسانه‌ای از مهم‌ترین موضوعاتی هستند که مستقیماً زندگی روزمره مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

اگر داستان شبکه‌های اجتماعی به گسترده شدن شبکه ارتباطی افراد و کسب اطلاعات درست و تسهیل کسب کارهای آنلاین سرگرمی ختم می‌شد جای نگرانی نبود. ماجرا اما کمی پیچیده‌تر است. شبکه‌های اجتماعی این روزها به منبع بیکرانی از محتوای راحت‌الحلقوم تبدیل شده، افراد بی‌شماری در تولید اطلاعات آن مشارکت می‌کنند و همراه با



▲ شبکه‌های اجتماعی این روزها به منبع بیکرانی از محتوای راحت‌الحلقوم تبدیل شده. افراد بی‌شماری در تولید اطلاعات آن مشارکت می‌کنند و همراه با واقعیت‌ها، عقاید و نظرات خودشان را هم به‌هم‌خوردن و مخاطبان می‌دهند. هر قدر افراد بیشتری برای ارائه ایده‌های خود به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت روی می‌آورند دشوارتر خواهد بود که بتوانید نظر و دیدگاه‌های شخصی را از واقعیت و داده‌های مبتنی بر تحقیق تفکیک کنید.



▲ جامعه‌ای که به جای «مغزها» بیشتر به دنبال پرورش «شخصیت» هاست بستر مناسبی است که می‌تواند همه را به گزارشگر و مفسر و کارشناس تبدیل کند. اقتصاد کیک هم مردم را تشویق کرده تا از سرگرمی‌های خود امرار معاش کنند. ظهور مفهوم جدید کارکنان اسلش، برای توصیف اشخاصی است که چندین کار را انجام می‌دهند؛ مانند نوازنده/مهندس یا مادر/آتشپز/کارآفرین؛ و این همه ضرورت اقتصادی دارد.

هیچ نمی‌دانیم و حتی در صفحات افرادی که نمی‌شناسیم اظهار نظر هم می‌کنیم. برخی روانشناسان معتقدند این همه، نوعی فرار از تلخی و مرارت زندگی روزمره است، یعنی زندگی در رویا و خلسه. در روزگاری که فقر تورم به فقر تفریح منجر شده، هم‌ذات‌پنداری با آنهایی که هنوز امکان سفر و گشت و گذار دارند، نصف‌العیش است!

برای مثال اینستاگرام را در نظر بگیرید. اگر چرخی در آن بزنید همه چیز فوق‌العاده زیباست. اگر جلوی کامپیوتر یا موبایل به‌دست با کلی برگه‌های درهم و برهم کاری، یا تکالیف دانشگاهی نشسته باشید حس می‌کنید هیچ چیز جذابی در زندگی شما وجود ندارد. دیدن تصاویر اینستاگرام باعث می‌شود احساس کنید زیبا و جذاب نیستید، لباس‌های مناسبی ندارید و از اینکه در یک کافی‌شاپ مشغول نوشیدن لاته نیستید احساس خجالت کنید. در واقع شما هم یکی از اعضای شبکه‌های اجتماعی می‌شوید که به نسل «زیبا» مشهورند. انگیزه پشت تمام تصاویر کاملاً چیدمان شده ما «کسب مقبولیت اجتماعی» است؛ بالا بردن موقعیت اجتماعی و دریافت تایید برای شخصیت‌های باکلاس و زیبایمان. این مقبولیت اجتماعی که ما سعی می‌کنیم در زندگی آنلاین خود تقلید کنیم، هدف اصلی وسواس ما برای شبیه شدن به دیگران است. عجیب نیست اگر در خبرها می‌خوانیم چهره اصیل ایرانی به دلیل گرایش وسواس گونه افراد به جراحی‌های زیبایی دارد از بین می‌رود! اینستاگرام الگوی زیبایی‌شناسی جوانان این نسل شده است.

اثر حسادت اینستاگرام آخرین حلقه از این چرخه معیوب است و محصول جانبی مستقیم تکثیر نسل «زیبا» است. متأسفانه زندگی

نتیجه ویدئوی جدید به دلیل محدود شدن در پلت‌فرم‌های اصلی، نتوانست مشتری چندانی پیدا کند.

پروفیسور راسموس نیلسن، مدیر موسسه رویترز برای مطالعه روزنامه‌نگاری در دانشگاه آکسفورد می‌گوید: «این یک سوال سیاسی است... ما چه تعادلی میان آزادی‌های فردی و نوعی محدودیت در مورد آنچه مردم می‌توانند و نمی‌توانند بگویند در نظر می‌گیریم.» او می‌افزاید، عدم اعتماد به نهادها، محرک اصلی انتشار اطلاعات نادرست است. شهروندان زیادی وجود دارند که اگر دولت‌ها در محدود کردن دسترسی مردم به اطلاعات بیشتر مداخله کنند، سوءظن آنها نسبت به حکمرانی و نهادهای آن تشدید خواهد شد.

انجمن سلطنتی بریتانیا با تاکید بر این نگرانی می‌گوید: «حذف محتوا ممکن است احساس بی‌اعتمادی را تشدید کند و از سوی دیگران برای ترویج محتوای اطلاعات نادرست مورد سوءاستفاده قرار گیرد.» این کار ممکن است با هدایت محتوای اطلاعات نادرست، به سمت گوشه‌هایی از اینترنت که یافتن و حذف آنها سخت‌تر است، آسیب بیشتری به بار آورد تا اینکه مفید باشد. این واقعیت که دسترسی به دارکوب سخت‌تر است، تنها مشکل نیست. مشکل دیگر آن است افرادی که اصلاً دنبال باورهای مضر و غلط نیستند ممکن است به‌طور تصادفی در معرض این اطلاعات قرار گیرند.

### ● پرسه در خلسه

سال‌های کرونا به ما نشان داد که زندگی در دنیای دیجیتال تا چه اندازه می‌تواند با زندگی واقعی مان درهم تنیده شود. حالا شبکه‌های اجتماعی چیزی فراتر از یک پلت‌فرم هستند، آنها به راهی برای پاسخ به جنون روزمره‌ای تبدیل شده‌اند که از میل ما برای دیدن روایت‌های دیگران نشأت می‌گیرد. ما هر روز فیدهای خبری، داستان‌ها، پست‌ها و توییت‌های دیگران را بدون تردید و فکر بررسی می‌کنیم. صفحاتی را دنبال می‌کنیم و پست‌هایی را می‌پسندیم که درباره هویت و نیت انتشاردهندگان آنها

### ● چاه چرندیات

برای بزرگسالانی که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، ممکن است تشخیص واقعیت‌ها از چرندیات آسان باشد. اما این تشخیص برای گروه‌های سنی پایین‌تر از جمله نوجوانان آسان نیست، به ویژه اگر با جذابیت‌هایی همراه باشد. در سال ۲۰۲۱، پژوهشی از مرکز اینترنت ایمن بریتانیا به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه «تیمی از جوانان روزانه با محتوای گمراه‌کننده آنلاین مواجه می‌شوند». این پژوهش نشان داد که ۴۸ درصد از جوانان هر روز محتوای گمراه‌کننده می‌بینند، و بیش از یک نفر از هر ۱۰ نفر، بیش از شش‌بار در روز مواجهه با این اطلاعات را تجربه می‌کند. اتفاقی که اغلب با احساس آزار، ناراحتی، غم، عصبانیت، ترس یا تهاجم همراه است.

فرب‌خوردن با اطلاعات نادرست همیشه به سادگی نوشیدن آب کرفس نیست. چندی پیش در چین دو دختر به دلیل پخت ذرت در قوطی خالی سودا جان خود را از دست دادند. بعید است که هیچ روبات یا الگوریتمی در رسانه‌های اجتماعی این نوع اطلاعات نادرست را که به مرگ دختران چینی منجر شده، خطرناک تشخیص دهد. یک دانشمند استرالیایی به نام «آن پرردون» که می‌کوشد ویدئوهای نادرست در مورد طبخ غذا را شناسایی و حذف کند می‌گوید: «همه چیز برای بازدید بیشتر است، همه چیز در مورد ویروسی بودن است، همه چیز برای کسب درآمد است. آنها چیزهای جعلی می‌سازند زیرا بیشتر قابل اشتراک‌گذاری است و جالب‌تر از چیزهای واقعی است.» گواه حرف‌های او در اعداد است: حذف‌های ربردون موفقیت‌آمیز بوده و تقریباً چهار میلیون مشترک رایش به ارمغان آورده، اما صفحات مورد اعتقاد او، بین ۱۵ تا ۶۰ میلیون فالوئر دارند!

داستان اما فراتر از دستور پخت غذاست. وقتی نوبت به درک علم و تصمیم‌گیری در مورد سلامتی می‌رسد، می‌تواند با جان مردم بازی کند. در مدت چند سال گذشته، برخی افرادی که در نتیجه خواندن اطلاعات گمراه‌کننده آنلاین از تزریق واکسن منصرف شدند جان خود را از دست دادند. ادعاهای نادرست یا کاملاً ساختگی در مورد 5G و منشأ کووید ۱۹ نیز در بسیاری جوامع با خشونت و خرابکاری همراه شد. اما آیا می‌توان این اطلاعات را به کلی حذف کرد؟

برخی معتقدند حذف کامل اطلاعات می‌تواند شباهت زیادی به سانسور داشته باشد. انجمن سلطنتی بریتانیا - قدیمی‌ترین موسسه علمی جهان - در گزارشی جدید، توصیه می‌کند که شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی محتوایی را که «قانونی اما مضر» است حذف نکنند. نویسندگان گزارش بر این باورند که سایت‌های رسانه‌های اجتماعی باید الگوریتم‌های خود را برای جلوگیری از ویروسی شدن آن تنظیم کنند - و مانع از کسب درآمد مردم از ادعاهای نادرست شوند.

اما همه با این دیدگاه موافق نیستند؛ به ویژه پژوهشگرانی که در ردیابی نحوه انتشار اطلاعات نادرست آنلاین و نحوه آسیب رساندن به مردم متخصص هستند. مرکز مقابله با نفرت دیجیتال (CCDH) معتقد است مواردی وجود دارد که بهترین کار حذف محتوایی است که بسیار مضر، آشکارا اشتباه و بسیار گسترده است. این تیم به Plandemic اشاره می‌کند - ویدئویی که در آغاز همه‌گیری، وایرال شد و ادعاهای خطرناک و نادرستی را مطرح کرد که برای ترساندن مردم نسبت به راه‌های موثر کاهش آسیب ویروس مانند واکسن‌ها و ماسک‌ها طراحی شده بود و در نهایت حذف شد. پس از این اتفاق، شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی برای قسمت دوم ویدئوی Plandemic 2 آماده بودند و در



▲ رسانه‌های اجتماعی - جایی که ما فقط نسخه زیبایی زندگی یکدیگر را می‌بینیم - جامعه را با خطر بزرگی مواجه کرده است زیرا افراد خود را متقاعد می‌کنند آنچه می‌بینند حقایق دستکاری شده نیست بلکه واقعیت زندگی دیگران است. اما در واقع ما با اینفلوئنسرهایی مواجهیم که زندگی پرزرق و بوری را که دیگران تمایل دارند ببینند، به نمایش می‌گذارند.

واقعی ما یک مجله یا اینستاگرام نیست؛ نمی‌توانیم روی خودمان فیلتر بگذاریم و قسمت‌های معیوب یا ناقص را حذف کنیم. راهکار، پناه بردن به حسادت است؛ حسادتی که اغلب چهره خود را در قالب بد و بیراهه و تمسخر و توهین در کامنت‌های زیر پست‌ها نشان می‌دهد.

رسانه‌های اجتماعی - جایی که ما فقط نسخه زیبایی زندگی یکدیگر را می‌بینیم - جامعه را با خطر بزرگی مواجه کرده است زیرا افراد خود را متقاعد می‌کنند آنچه می‌بینند حقایق دستکاری شده نیست بلکه واقعیت زندگی دیگران است. اما در واقع ما با اینفلوئنسرهایی مواجهیم که زندگی پرزرق و بوری را که دیگران تمایل دارند ببینند، به نمایش می‌گذارند. اکثر اوقات این صفحات نماهای جعلی هستند که برای جذب مخاطبان انبوه برای مشاهده یا جذب مصرف‌کنندگان بالقوه برای محصولات به کار می‌روند. نه تنها این صفحات بر جامعه سطحی که امروزه می‌شناسیم تأثیر می‌گذارند، که برخی از پلت‌فرم‌های رسانه‌های اجتماعی، الگوریتم نحوه مشاهده یا نمایش محتوا در صفحه اصلی حساب کاربران را هم تغییر داده‌اند. اینستاگرام اخیراً الگوریتم خود را از ترتیب زمانی، به علایق یا لایک‌ها بازطراحی کرده است. بنابراین به جای اینکه ابتدا پست‌های دوستانتان را ببینید، برنامه محتوایی را که فکر می‌کند «پسندیده‌اید» به شما نشان می‌دهد. با مشاهده بیشتر این «علایق پیشنهادی»، به زودی آنچه در رسانه‌های اجتماعی می‌بینید را با زندگی خودتان مقایسه می‌کنید. تصاویری از زندگی دیگران می‌بینید که همگی غرق در خوشی و لذت آنلاین‌اند؛ در تعطیلات خوش می‌گذرانند، پول‌های بادآورده دارند، رویایی زندگی می‌کنند، و آن وقت بدون دانستن واقعیت‌های خشن (یا دروغ‌های) پشت آن پست‌ها، با خودتان فکر می‌کنید حتماً یک جای کار می‌لنگد که نمی‌توانید مانند آن دیگران زندگی کنید!

تحلیلگران می‌گویند اغلب مردم زندگی در دنیای واقعی را متوقف کرده‌اند و منحصراً آنلاین زندگی می‌کنند. به عنوان یک جامعه ما بسیار سطحی شده‌ایم و مردم اطراف خود را بر اساس آنچه جهان به عنوان «جالب» یا «باحال» تعریف می‌کند، قضاوت می‌کنیم. ما به رسانه‌های اجتماعی اجازه داده‌ایم به ما بگویند که چه چیزی را باید تماشا کنیم، گوش کنیم یا به آن توجه کنیم و هر چیز دیگری غیر از اینها چندان اهمیتی ندارد.

### ● متفکران سطحی

انسان‌ها مشتاق اطلاعات هستند. جمع‌آوری اطلاعات جدید می‌تواند باعث آزاد شدن مواد شیمیایی مغز مانند دوپامین شود که با لذت مرتبط است. نیکلاس کار (Nicolas Carr)، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی

می‌گوید: «می‌توانید این را یک گزینه بسیار ابتدایی بدانید. آگاه بودن از همه چیزهایی که در اطراف شما می‌گذرد احتمالاً به شما کمک کرده است که زنده بمانید.» کار معتقد است این روزها بسیاری از ما محیط طبیعی خود را با یک محیط دیجیتالی (که به طرز باورنکردنی غنی از اطلاعات و داده است) جایگزین کرده‌ایم. متأسفانه مغز ما در پردازش این حجم و سرعت داده‌ها و اطلاعات آنقدرها خوب نیست. «از آنجا که مردم خود را در معرض انبوه اطلاعات مداوم قرار می‌دهند، ما به معنای واقعی کلمه، حافظه کاری کوتاه‌مدت خود را بیش از حد بارگذاری می‌کنیم. در نتیجه، فکر می‌کنم حتی اگر به اطلاعات بیشتری دسترسی داشته باشیم، به متفکران سطحی تری تبدیل می‌شویم. زمانی عمل تفکر دو مرحله داشت: اطلاعات را جمع‌آوری می‌کردیم و سپس عمیقاً و به آن می‌اندیشیدیم. حالا با وجود اینترنت و به‌طور کلی با رسانه‌های دیجیتال، تمام روند تفکر روی مرحله نخست متمرکز شده است.» مغز انسان به‌طور قابل توجهی سازگار است و کار معتقد است که مردم تفکر خود را با سرعت اینترنت تطبیق می‌دهند. نتیجه این است که برای بسیاری از افراد، گذراندن زمان بیش از حد در اینترنت در واقع وقت گذاشتن برای کارهایی مانند خواندن کتاب را دشوارتر می‌کند. بعد از خواندن چند صفحه یا حتی چند پاراگراف از یک کتاب ذهنانتان شروع به لجبازی می‌کند. ذهن ترجیح می‌دهد همان‌گونه که به آن آموزش داده‌اید روی گوشی موبایل یا لپ‌تاپ متمرکز شود! سازگاری یا انعطاف‌پذیری اگر چه برای بقا ارزشمند است اما می‌تواند با پیامدهای نامطلوبی همراه باشد. اگر افراد اجازه بدهند شبکه‌ها دائم حواسشان را پرت کند، ممکن است توانایی تمرکز را از دست بدهند. از دست دادن توانایی تمرکز، به از دست دادن عمیق‌تر توانایی تفکر، تامل و در نهایت درونگرایی منجر می‌شود.

### ● کتاب در محاق

افلاطون می‌گوید: «کتاب به جهان روح، به ذهن بال، به تخیل پرواز، و به

همه چیز، زندگی می‌بخشد.» و حالا قرن ۲۱ است و مهم نیست کجا باشید؛ دیدن افراد غوطه‌ور در دنیای مجازی گوشی‌های هوشمند امری عادی است. کتاب روح‌بخش افلاطون با رسانه‌های اجتماعی جایگزین شده است. شبکه‌ها به منبع دانش ما تبدیل شده‌اند چرا که بیشتر احتمال دارد تحت تأثیر نظرات انبوهی از مردم در این فضا قرار بگیریم تا اینکه از مطالعه کتاب و نشریه برای توسعه دانش و اطلاعات خود استفاده کنیم. مطالعه رفتار فرهنگی خانوار ایرانی در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد سرانه کل مطالعه غیردرسی ۸ ساعت و ۱۸ دقیقه در ماه و به‌عبارت دیگر ۱۶ دقیقه و ۳۶ ثانیه در روز بوده است. سرانه مطالعه روزنامه چاپی و الکترونیکی هم ۲ دقیقه و ۴۶ ثانیه در روز و نشریات ۴۶ ثانیه در روز است. این داده‌های رسمی را بگذارید در کنار آمار غیررسمی که نشان می‌دهد سرانه حضور در شبکه‌های اجتماعی در ایران بیش از ۲ ساعت در روز است. مشکل البته جهانی است؛ مطالعات نشان می‌دهد این پدیده در میان نوجوانان بیشتر مشهود است که بیش از خواندن رمان یا روزنامه صبح، در حال دنبال کردن هشتگ‌ها یا لایک‌ها کردن اینستاگرام‌اند. بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۶ در آمریکا منتشر شد، تقریباً ۸۲ درصد از دانش‌آموزان کلاس دوازدهم هر روز از سایت‌هایی مانند فیس‌بوک، توییتر و اینستاگرام بازدید می‌کردند، در حالی که تنها ۱۶ درصد گزارش کردند که هر روز یک کتاب، مجله یا روزنامه می‌خوانند. مواجهه با افرادی که با آرامش، روزانه کتاب به دست می‌گیرند و مطالعه می‌کنند، به سرعت در حال تبدیل شدن به یک اتفاق نادر است.

رسانه‌های اجتماعی، به‌رغم دسترسی بیشتر، به ما امکان نمی‌دهند که خارج از چهارچوب فکر کنیم. تجربه مجازی به دلیل عدم تلاش، چندان مفید نیست. هنگام خواندن یک کتاب، به یک بعد کاملاً جدید فراتر می‌رویم. برای مثال، دوستداران کتاب اغلب بوی کتاب را به تجربه و احساس خاصی در گذشته مرتبط می‌دانند. حتی بوی یک کتاب خاص می‌تواند یادآور خاطرات خوش زمان مطالعه آن باشد. تجربه‌ای که با کیندل هم امکان‌پذیر نیست، چه رسد به رسانه‌های اجتماعی. از سوی دیگر، وقتی دنیا با یک گوشی در دستان ماست و همیشه همزمان در حال انجام چند کار هستیم آسان‌ترین راه کسب اطلاعات از شبکه‌های اجتماعی است - البته اغلب اوقات به قیمت از دست دادن اطلاعات کامل و موثق. بنابراین، چندکاره بودن، ما را در جمع‌آوری دانش بی‌تاب‌تر کرده است. به‌جای به دست آوردن اطلاعات باکیفیت در مورد یک موضوع، چندین کار را انجام می‌دهیم و در نهایت با دانش ناقص در مورد چندین موضوع مواجه می‌شویم. برای خواندن یک کتاب باید وقت خود را صرف و کاملاً روی آن متمرکز کرد. اما عدم توجه و بی‌حوصلگی ممکن است دلیلی باشد که امروزه نوجوانان کمیت را بر کیفیت ترجیح می‌دهند. به گفته مرکز ملی اطلاعات بیوتکنولوژی ایالات متحده، میانگین فاصله توجه یک بزرگسال هشت ثانیه است؛ یک ثانیه کمتر از ماهی قرمز! در سال ۲۰۰۰، میانگین فاصله توجه یک بزرگسال ۱۲ ثانیه بود، یعنی این میزان تنها در دو دهه ۳۳ درصد کاهش یافته است. البته نمی‌توانیم رسانه‌های اجتماعی را به‌طور کامل برای این کاهش مقصر بدانیم، اما در عین حال، دادن زمان بیش از حد به تعامل در دنیای مجازی در مقابل گذراندن زمان باکیفیت در دنیای واقعی بدون شک پیامدهای خود را دارد. یکی از نویسندگان Quartz تخمین می‌زند که اگر افراد از وقت خود در رسانه‌های اجتماعی برای مطالعه استفاده کنند، می‌توانند سالانه ۲۰۰ کتاب بخوانند!



▲ انگیزه پشت تمام تصاویر کاملاً چیدمان شده ما «کسب مقبولیت اجتماعی» است؛ بالا بردن موقعیت اجتماعی و دریافت تایید برای شخصیت‌های باکلاس و زیبایی‌مان. این مقبولیت اجتماعی که ما سعی می‌کنیم در زندگی آفلاین خود تقلید کنیم، هدف اصلی وسواس ما برای شبیه شدن به دیگران است.



▲ افلاطون می‌گوید: «کتاب به جهان روح، به ذهن بال، به تخیل پرواز، و به همه چیز، زندگی می‌بخشد.» و حالا قرن ۲۱ است و مهم نیست کجا باشید؛ دیدن افراد غوطه‌ور در دنیای مجازی گوشه‌های هوشمند امری عادی است. کتاب روح‌بخش افلاطون با رسانه‌های اجتماعی جایگزین شده است.

چگونگی تأثیر تجربیات و سوگیری‌های شخصی بر دیدگاهشان و چگونگی ارزیابی اعتبار ادعاهای علمی و پزشکی کمک کند. علاوه بر این، سواد علمی بالاتر به عموم مردم این توانایی را می‌دهد تا ویژگی‌های شبه‌علم را بهتر بشناسند و نحوه ارائه داده‌ها در بسترهای رسانه‌ای را ارزیابی کنند. به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی این روزها به گازهایی مسمومی تبدیل شده‌اند. گاز خردل را می‌شناسید؛ یک سلاح شیمیایی پر کاربرد در طول جنگ جهانی اول. پس از جنگ، دانشمندان این سلاح مرگبار را به سیکلوفسفامید تبدیل کردند که درمانی موثر برای سرطان است. رسانه‌های اجتماعی هم مانند گاز خردل، می‌توانند از سم به دارو تبدیل شوند. جهان ایده‌هایی در مورد چگونگی تحقق آن دارد.

جامعه‌ای را تصور کنید که اکثر مردم از اطلاعات ضروری بهداشتی به خوبی مطلع هستند، می‌دانند چه زمانی باید نگران بیماری‌های رایجی مانند سرماخوردگی، پادرد یا درد شکم باشند و برای درمان آن به کجا مراجعه کنند. جامعه‌ای که می‌داند مرجع مشاوره برای سرمایه‌گذاری کجاست، دانشمندان واقعی در چه رسانه‌هایی قلم می‌زنند، هر محتوایی الزاماً درست و معتبر نیست و پشت هر تصویری که در اینستاگرام منتشر می‌شود ده‌ها فیلتر و دوز و کلک گرافیکی قرار دارد. اگر بتوانیم مردم را تشویق کنیم - یا واداریم - که حتی بخش کوچکی از وقت روزانه خود را در شبکه‌های اجتماعی (به‌طور متوسط ۲/۵ ساعت برای اکثر مردم) به محتوای علمی و صحیح مبتنی بر شواهد جذاب اختصاص دهند، چنین جامعه‌ای می‌تواند واقعیت پیدا کند. پیش از این اما لازم است خوراک علمی معتبر و رسانه‌های قدرتمند مورد اعتمادی برای جامعه داشته باشیم. تا زمانی که رسانه‌های اصلی مرجعیت خود را از دست داده‌اند و صاحب‌نظران واقعی تریبونی ندارند بعید است بتوانیم مردم را از میدان مین نامنظم شبکه‌های اجتماعی بیرون بکشیم! ▲

و فرصت‌هایش بیشتر نباشد کمتر هم نیست. حتی در کشورهایی که آزادی بیان و اندیشه به رسمیت شناخته شده سیاست‌گذاران، کارشناسان و شرکت‌های رسانه‌ای این خطرات را جدی گرفته‌اند و در پی مدیریت آن هستند. برای مثال پارلمان فرانسه چندی پیش محدودیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای کاربران زیر ۱۵ سال را تصویب کرد. بر اساس این مصوبه، دسترسی کودکان زیر ۱۵ سال به اسنپ چت، تیک‌تاک و اینستاگرام منوط به رضایت والدین شده است. شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی هم در تلاش هستند تا سازوکارهایی را برای مهار انتشار اطلاعات نادرست ایجاد کنند. اغلب آنها تغییراتی در الگوریتم‌های خود ایجاد کرده‌اند، به استفاده از حقیقت‌سنج‌ها (Fact checkers) روی آورده‌اند، کمک‌هزینه‌های تحقیقاتی را برای مطالعه اطلاعات نادرست به دانشگاهیان اعطا کرده‌اند، و عبارات جست‌وجو (برای موضوعاتی که اطلاعات نادرست می‌تواند اثرات مضر بر سلامتی افراد داشته باشد) را مسدود کرده‌اند. اما افزایش مداوم اطلاعات غلط علمی در رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که این اقدامات کافی نیست. در نتیجه، دولت‌ها در سراسر جهان اقداماتی را انجام می‌دهند، از تصویب قوانین گرفته تا قطع اینترنت، که در اغلب موارد با خشم فعالان آزادی بیان همراه شده است.

مجموع علمی و تحقیقاتی هم بیکار ننشسته‌اند. بسیاری از آنها در حال بررسی استراتژی‌هایی برای مقابله با تهدید اطلاعات نادرست در سطح شناختی پیشگیرانه و پس از مواجهه هستند. رویکرد اصلی آنها افزایش آگاهی و آموزش عمومی مردم است؛ آموزش اغلب اولین خط دفاعی است که پیش از حقیقت‌سنجی و حذف اطلاعات نادرست به کار می‌رود.

راه‌حل دیگر ممکن است تقویت توانایی افراد برای تفکر انتقادی باشد تا بتوانند تفاوت میان اطلاعات علمی واقعی و تئوری‌های توطئه را تشخیص دهند. افزایش سواد رسانه‌ای می‌تواند به حساسیت مردم نسبت به نحوه نمایش اطلاعات در رسانه‌های اجتماعی،

## ● کلاهبرداران مجازی

شبکه‌های اجتماعی در کنار پلاهایی که بر سر سلامت جسم و روان و تفکر و ذهنمان می‌آورند ظاهراً به دشمن دارایی‌هایمان هم تبدیل شده‌اند. کارشناسان ماها در بسیاری از کانال‌ها و صفحات سخت مشغول مشاوره دادن به مردم‌اند. یکی می‌گوید طلا بخرید، دیگری معتقد است بهترین سرمایه‌گذاری مسکن است و دیگری در تلاش است شما را به زور، به خریداری رمزارزها علاقه‌مند کند!

سرمایه‌گذاران برای کسب اطلاعات در مورد سرمایه‌گذاری به‌طور فزاینده‌ای به شبکه‌های اجتماعی متکی شده‌اند. گرچه رسانه‌های اجتماعی می‌توانند مزایای زیادی برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند، فرصت‌هایی را نیز برای کلاهبرداران ایجاد کرده‌اند. کلاهبرداران ممکن است اطلاعات نادرست را به صورت ناشناس یا در حالی که وانمود می‌کنند کارشناس و حرفه‌ای هستند، منتشر کنند. ممکن است اعتبار یا نمایه‌های کاملاً جعلی ایجاد کنند، یا جعل هویت منابع قانونی باشند. ردیابی افرادی که پشت حساب کاربری شبکه‌های اجتماعی هستند دشوار است، و ناشناس بودن می‌تواند مسوولیت‌پذیری کلاهبرداران را دشوار کند. در نتیجه، تعجب‌آور نیست که این اثرات نامطلوب اکنون به حوزه مالی نفوذ کرده، جایی که اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده می‌تواند بازارها را دستکاری کند.

کارشناسان جعلی در رسانه‌های اجتماعی ممکن است تصورات نادرستی از اجماع یا مشروعیت ایجاد کنند و به نظر برسد که تعداد زیادی از مردم در حال خرید یا سرمایه‌گذاری هستند؛ در حالی که این طور نیست. اخبار جعلی که از سوی این افراد منتشر می‌شود به شیوه‌های مختلف می‌تواند مردم را متضرر کند. برای مثال اخبار جعلی قدرت ایجاد وحشت یا امیدواری کاذب در میان سرمایه‌گذاران خرد دارد که به ایجاد احساسات مخدوش در بازار منجر می‌شود. گزارش‌ها یا شایعات گمراه‌کننده می‌توانند قیمت سهام را دستکاری کرده و جهش‌های مصنوعی یا سقوط ایجاد کنند. سرمایه‌گذاران خرد که اغلب منابع و تجربه محدودی دارند، به ویژه در برابر تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات نادرست آسیب‌پذیر هستند و این می‌تواند به زیان‌های سنگینی منجر شود.

اطلاعات نادرست همچنین می‌تواند سرمایه‌گذاران خرد را با ارائه تحلیل‌های نادرست و پیش‌بینی‌های نامطمئن، گمراه کند. ادعاهای نادرست در مورد سلامت مالی یک شرکت، چشم‌انداز آینده یا روند بازار می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد. علاوه بر این، روایت‌های نادرست می‌تواند ارزش واقعی و ریسک‌های بالقوه سرمایه‌گذاری‌ها را پنهان کند و سرمایه‌گذاران را به بیراهه بکشاند. افراد یا سازمان‌های فریبکار هم می‌توانند از انتشار اخبار جعلی برای دستکاری قیمت سهام برای منافع شخصی سوءاستفاده کنند. با انتشار اطلاعات نادرست در مورد عملکرد یک شرکت، اقدامات نظارتی قریب‌الوقوع، یا اطلاعاتی‌های بزرگ، می‌توانند به‌طور مصنوعی قیمت سهام، ملک و سایر دارایی‌ها را افزایش یا کاهش دهند. به همین دلیل است که هم برای سرمایه‌گذاران تازه‌کار و هم برای سرمایه‌گذاران باتجربه، ضروری است که توانایی تشخیص اطلاعات واقعی را از روایت‌های فریبنده داشته باشند.

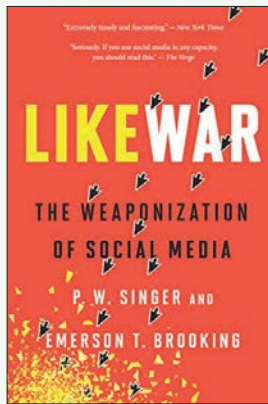
## ● از درد تا درمان

اگر به سیاه‌مانی یا همراهی با موافقان بگیروبند فضای مجازی متهم نشویم باید بگویم تهدیدهای شبکه‌های اجتماعی اگر از مزایا



# جنگ لایک‌ها

جهان برای شبکه‌های مجازی چه تصمیمی گرفته است؟



▲ پیتر سینگر و امرسون بروکینگ در کتاب «جنگ لایک‌ها» توضیح می‌دهند که جنگ و سیاست چگونه می‌توانند کاربرد اینترنت را تغییر دهند. تروریست‌ها با آن می‌توانند حملات خود را به صورت زنده پخش کنند، ترول‌ها در «جنگ‌های توییتری» تلفات واقعی به بار آورند و اطلاعات نادرست و ویروسی نه تنها نتیجه نبردها، بلکه سرنوشت ملت‌ها را تغییر دهد.

## ● جنگ لایک و شکنجه جنگ

دیدگاه پیتر سینگر و امرسون بروکینگ در کتاب «جنگ لایک‌ها» به این سوالات کمی ترسناک است. آنها معتقدند، جنگ و سیاست، کاربرد اینترنت را تغییر می‌دهند. تروریست‌ها با آن می‌توانند حملات خود را به صورت زنده پخش کنند، ترول‌ها در «جنگ‌های توییتری» تلفات واقعی به بار آورند و اطلاعات نادرست و ویروسی نه تنها نتیجه نبردها، بلکه سرنوشت ملت‌ها را تغییر دهد. در حقیقت وقتی جنگ‌ها از میدان‌های واقعی به نبردهای آنلاین راه پیدا می‌کنند و دنیای آنلاین وارد جنگ می‌شود، اینکه حقیقت در کدام طرف این شمشیر دولبه می‌ایستد، تاریک و مبهم‌ترین واقعیت خواهد شد و اگر یک الگوی رادیکال جدید برای درک و دفاع در برابر تهدیدات بی سابقه دنیای شبکه‌ای وجود نداشته باشد، همه می‌بازیم. آنها با استدلال به اینکه تهاجم می‌تواند با هشتگ شروع شود و جنگ را ویروسی کند، قدرت‌گیری داعش، بهار عربی و لابی‌گری بشار اسد و جنگ‌های روسیه-اوکراین و حماس-تل‌آویو را نمونه‌های واقعی از جنگ‌های حقیقی/ مجازی می‌دانند که تلفات سنگینی به همراه داشته و خواهد داشت. به اعتقاد آنها، در تابستان سال ۲۰۱۴، زمانی که داعش به شمال عراق حمله کرد، فضای مجازی به آنها امکان پیشرفت داد. داعشی‌ها در ابتدا حدود ۱۵۰۰ شبه‌نظامی داشتند و دارای‌شان، وانت‌ها و سلاح‌های دست‌دومی بود که از دیگر نظامیان گرفته بودند؛ اما آنها حرکت جدیدی انجام دادند و به جای آنکه تهاجم‌های خود به مناطق مختلف را مخفی نگه دارند، در مورد آن توثیق کردند. آنها از هشتگ AllEyesOnISIS برای تبلیغ خود استفاده کردند و ویدئوهای شکنجه و اعدام‌های وحشتناک آنها دست‌به‌دست چرخید. در نتیجه با آنکه تعدادشان زیاد نبود اما

گذاشته و به جایش یک بسته شکلات در دست گرفته بود، آرام‌آرام به سمت صحرا رفت. باید او را به دام می‌انداخت و صحرا از شروع جنگ، شکلات نخورده بود. یک لحظه در توهمی خودخواسته، یاد پدرش افتاد. همه چیز را فراموش کرد. گویی ارتباط میان مغز و پاهایش مانند مفصلی دررفته، قطع شده بود. به سمت سرباز رفت تا شکلات را بگیرد، ولی سرباز مچ دستش را قاپید و بی تفاوت به جیغ‌هایش او را بر روی زمین کشاند، سوار جیبش کرد و به مرکز فرماندهی برد. صحرا باید در لباس‌های تمیزی که بر تنش کرده بودند تا برای نجاتش در برنامه نمایشی سازمان ملل سخنرانی و قدردانی کند، آماده می‌شد. بایستی تایید می‌کرد که چیزی به اسم سرباز کودک در جنگ‌ها وجود ندارد و اگر کودکی تفنگ در دست دارد صرفاً برای بازی است. اراجیفی که می‌توانست حضار را عاشق حرف‌هایش کند. مانند همه دخترهای غریبه اسلایدهای کنفرانس

صدا شبیه صدا نبود. ارتعاشی قوی، قلبش را لرزاند. با صورت زمین خورد. سینه‌خیز خود را به راهروی ورودی خانه رساند. اتاق پدر و مادرش ناپدید شده بودند. دستانش را محکم روی دهانش گذاشت. در سکوت جیغ کشید و فرار کرد. خانه منفجر شده بود. زنجیر تانک‌ها، خیابان‌ها را شخم زده بود. گوشه‌به‌گوشه، خندق‌ها خوندنایی می‌کردند. یکی از آن خندق‌ها را انتخاب کرد و پایین پرید. در عمق زمین، دوستانش را دور زد. اکسیژن کافی نبود. مفصل‌هایش قفل کرده بودند. احساس می‌کرد گردنش خیس شده است. باریکه‌ای از خون، روی بدنش رژه می‌رفت. اما نباید می‌ماند. شروع به دویدن کرد. هر بار که سر برمی‌گرداند مردم در حال ناپدید شدن بودند. همه به سمت شرق می‌رفتند ولی نمی‌دانستند قرار است به بخار خون تبدیل شوند. از خرابه‌های خانه‌ای، اتاقی از عروسک‌های تکه و پاره را پیدا کرد و به آن پناه برد. تلویزیون تا صبح چشم از او بر نمی‌داشت. خوش‌شانس بود که نمی‌توانست اخبار را ببیند، تصویری از همسایه‌هایش با دست‌وپاهای جدا شده یا اقدام‌هایی نزار و در اسارت. خورشید که به سقف آسمان چسبیده، موهایش را زیر کلاهی غنیمتی از همان خانه مخفی کرد، صورتش را با گرد و خاک و گل پوشاند که دختر بودنش عریان نشود و روی آسفالت‌های چین‌خورده باز دوید. در میانه‌های راه بهترین دوستش را پیدا کرد و بی‌آنکه حرفی بزنند این‌بار هر دو دویدند. در آبراه جلوی مدرسه دو مسلسل پیدا کردند. با لباس‌هایی که به تنشان زار می‌زد و کلاشنیکف‌هایی که به پشت پاهایشان می‌خورد، به آخرین خواربارفروشی سالم شهر رسیدند. بسته‌ای از سوپ خشکی را که بوی گند پیاز می‌داد در دهانشان ریختند و با چند بسته غذای حیوانات خانگی، خود را به گروه شبه‌نظامیان رساندند. اردوگاه پناهشان داد و البته از آنها کودک‌سربازهایی به ظاهر قوی ساخت. او حالا در ۹ سالگی بلد بود چگونه انگشت‌های کوچکش را برای پر کردن شانه‌های فشنگ، فرز و بی‌نقص حرکت دهد و کلاشنیکف را در شرایط جنگی چطور باز و بسته کند؛ دسته جلویی، محفظه گاز، سنبه، گلنگدن، قاب، خشاب و آخرین مرحله هم سرمه‌بندی، مسلح کردن تفنگ و فریاد پیروزمندان «کار کرد چک شد»، فریاد جنگی که پیش از اولین شلیک‌ها به هوا می‌رود؛ باز و بسته کردنی که هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند اما تکرارش، دست و پای ترس و اشک را می‌بندد. البته نه برای او. در یکی از روزهای به ظاهر آرام جنگ، کاروانی از جیب‌ها و تانک‌هایی شبیه فضاییما، اردوگاه را محاصره کردند. سربازانی بدتر کیب با جلیقه‌های ضدگلوله به درون اردوگاه یورش بردند، تا می‌توانستند کشتند و قتل‌عام کردند؛ دوستش، وفا، آن دخترک مومشکی، از ترس آن مردان بر روی مین‌ها افتاد و چند تکه شد؛ اما صحرا باید زنده می‌ماند. برای او مرگ را برنامه‌ریزی نکرده بودند. صحرا، برگ برنده دشمن بود. او را با صورتی چون گچ، چشم‌هایی گریان و دستی که در آستین فرو رفته بود تا هر چند ثانیه صورتش را پاک کند، در گوشه‌ای گیر انداختند. سربازی با لبخند مصنوعی و تفنگی که بر زمین





▲ دنیا تا سال ۲۰۳۵، شاهد یک زندگی دیجیتال یکپارچه و عمومی، با درآمد پایه محلی و جهانی خواهد بود که استفاده از شبکه‌ها، پلت‌فرم‌های مجازی و ابزارهای فناوریانه برای آن نیازمند ارتقای مهارت جهانی، یادگیری مادام‌العمر، حفظ حریم شخصی، خصوصی و واسطه‌های شناختی و مشارکت همه نهادهای مسوول ملی/بین‌المللی است که همواره باید در تلاش بمانند تا نسخه‌های بهتری از خود را به دنیا معرفی کنند.



▲ در تابستان سال ۲۰۱۴، زمانی که داعش به شمال عراق حمله کرد، فضای مجازی به آنها امکان پیشرفت داد. آنها از هشتک AllEyesOnISIS برای تبلیغ خود استفاده کردند و ویدئوهای شکنجه و اعدام‌های وحشتناک آنها دست‌به‌دست چرخید.

تاریخ را رقم بزنند یا باعث پیشرفت آن شوند. اتفاقی که بی‌شک نیاز به کنترل و نظارت دارد. ولی چه کسی باید حقیقت را نشانمان دهد یا بر آن کنترل داشته باشد؟

### ● ماشین‌های نجات‌گر

جاش لوبریس، محقق هوش مصنوعی، ژئوپولیتیک مالی، امنیت سایبری و محاسبات کوانتومی، معتقد است هیچ‌کدام از کاربرها یا دولت‌ها نمی‌توانند پاسخی قاطع برای این سوال داشته باشند، چون مسائل این حوزه به شدت ظریف، پیچیده و چندوجهی هستند و نیاز به بینش جمعی، خرد و همکاری ملی/جهانی دارند. این توسعه‌گر سیستم‌های نورومورف، در کتاب «چه کسی تصمیم می‌گیرد حقیقت چیست؟» که چهار ماه قبل منتشر شد، نوشته است: وقتی همه ما یک مگافون رسانه‌ای و یک بلندگوی قوی داریم، باید بتوانیم ماهیت حقیقت را در عصر دیجیتال به نحوی ابهام‌زدایی کنیم، به بررسی آناتومی اطلاعات نادرست بپردازیم و سپس با چالش‌های اخلاقی و قانونی محتوا دست‌وپنجه نرم کنیم که گویی جهان یک دو دقیقه ناتمام است و باید برای بقا در این ۱۲۰ ثانیه به بهترین جواب رسید. از طرفی وقتی ۵/۳ میلیارد کاربر اینترنت در سراسر جهان وجود دارد که ۶۵/۷ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، ۴/۹۵ میلیارد یا ۶۱/۴ درصدشان، کاربران شبکه‌های اجتماعی هستند، اندازه بازار شبکه‌های اجتماعی فقط در سال جاری به ۳۹/۲۲ میلیارد دلار رسیده است و تا سال ۲۰۳۲، با نرخ مرکب سالانه ۱۹/۹۳ درصد، به ۲۰/۱۴

یا در نمونه‌های دیگر، روسیه، از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی استفاده کرد تا جنگی سایبری را راه بیندازد. جنگی که بخشی از رویارویی روسیه و اوکراین از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ محسوب می‌شد و جنگ‌افزار سایبری روسی Uroburos به صورت رسمی از سال ۲۰۰۵ فعال بود؛ اما، نخستین آفندها به سامانه‌های اطلاعاتی شرکت‌های خصوصی و موسسات دولتی اوکراین در جریان اعتراضات گسترده در سال ۲۰۱۳ ثبت شدند. در آن سال، عملیات آرم‌گدون، کمپین جاسوسی برنامه‌ریزی شده سایبری روسیه بر روی سامانه‌های اطلاعاتی سازمان‌های دولتی، مجری قانون و ژانسی‌های دفاعی، آغاز شد تا به روسیه در میدان‌های جنگ کمک کند؛ که موفق هم بود. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، برخی از سامانه‌های اطلاعاتی سازمان‌های دولتی اوکراین تحت تأثیر ویروس رایانه‌ای به نام Turla و Snake. Uroburos قرار گرفتند. تا مارس ۲۰۱۴، هم‌زمان با ورود نیروهای روسی به کریمه، به مرکزهای ارتباطی کریمه حمله شد، کابل‌های فیبر نوری اوکراین دستکاری و ارتباط بین شبه‌جزیره و اوکراین قطع شد و افزون بر آن، تارنماهای دولت اوکراین، اخبار و رسانه‌های اجتماعی آن در آفندهای DDos بسته شدند، تلفن‌های همراه بسیاری از نمایندگان پارلمان اوکراین هک شده و از کار افتادند و کارشناسان اوکراینی با شناسایی هک‌های تزار، طوفان پیاده و خرس فانتزی رسماً جنگ سایبری با روسیه را آغاز و اعلام کردند. جنگی که در ژانویه ۲۰۲۲، حدود ۷۰ وب‌سایت دولتی اوکراین را هدف قرار داد و تا به امروز هم ادامه دارد. جنگی که مشابه آن در درگیری‌های کنونی حماس-تل آویو هم دیده می‌شود، می‌تواند بسیاری از معادلات نظامی را بر هم زند و چه‌بسا نشانگر تحولی متعارض در تاریخ باشد. تحولی که نشان می‌دهد، لایک و ری‌توییت‌ها از دنیای سرگرمی و تجارت چگونگی می‌توانند به عرصه سیاست وارد شوند، جنگ‌های مهم

توانستند قدرت یک بمباران توپخانه‌ای نامرئی را داشته باشند، ترس را گسترش دهند، تعداد زیادی جنگجو از سرتاسر دنیا جذب کنند و البته راه نفوذ به باورها و اعتقادات افراطی طیف وسیعی از مردم جهان را بیابند. آنها از جنگ خونین فرقه‌های عراق که جان بیش از ۲۰۰ هزار غیرنظامی عراقی و چهار هزار و ۵۰۰ سرباز آمریکایی را گرفته بود و ارتشی که فاقد آموزش‌های لازم و البته اعتماد بین‌فردی و حاکمیتی بود، سوءاستفاده کردند، از کمک جاسوس‌ها و شورشیان متمایل به اعتقادات افراطی مذهبی، بهره بردند و وقتی هشتک AllEyesOnISIS وپروسی شد و سربازان و مردم با دیدن جنایات آنان، از خودشان پرسیدند آیا باید بجنگند یا فرار کنند؟! داعش، به هدف اصلی‌اش یعنی موصل رسید. وارد شهر شد، تصاویر زردخانه‌ای که تصرف کرده بود، کوهی از تفنگ، مهمات، هزاران وسیله نقلیه پیشرفته از هامر آمریکایی گرفته تا تانک‌های ام ۱ ابرامز و نیم‌دوجین هلیکوپتر بلک هاوک، را با صدها هزار طرفدار خود به اشتراک گذاشت و خود را پیروز میدان نبرد نشان داد؛ و البته فقط عراقی‌ها این نمایش را ندیدند که تمام کاربران شاهد این زورگویی و وحشی‌گری بودند. اما آیا صدای مخالفان داعش هم به گوش می‌رسید؟ قطعاً در آن شرایط و زمان نه؛ چون شبه‌نظامیان داعش به حلقه بازخوردی که رسانه‌های اجتماعی ارائه می‌کردند معتاد شده بودند و این تصاویر بی‌رحمانه و سوررئال، تکرار می‌شد تا جایی که زنگ خطر برای تحلیلگران دفاعی، به صدا درآمد. مقالات و کتاب‌هایی درباره «منیت سایبری» و «جنگ سایبری» نوشته و درباره هک اطلاعات و کمپین‌های ویروسی هشدار داده شد؛ ولی پیام داعش مانند مک‌دونالد اهریمنی، در میان طرفدارانش در لیبی، افغانستان، نیجریه و بنگلادش نیز به لذت و قربت معنایی رسیده بود تا اینکه عراق پس از تسلط کامل نیروهای این کشور بر مرزهای سوریه و عراق، رسماً پایان جنگ علیه داعش را جشن گرفت و «حیدر العبادی» نخست‌وزیر وقت آن کشور پیروزی بر داعش را اعلام کرد؛ که البته به معنای پایان جنگ نبود. داعش پیشتر از الگوی «گرگ‌های تنها» برای انجام عملیات به‌وسيله اعضای غربی این گروه که بعد از بازگشت از سرزمین‌های تحت تسلط خود به کشور‌هایشان به صورت کاملاً خودجوش و فردمحور اقدام به انجام عملیات تروریستی می‌کردند رونمایی کرده بود و حتی در مجله «رومی» در مطالبی با عنوان مشترک «تاکتیک‌های شوالیه‌های ترور»، ترور و کشتن افراد به صورت انفرادی را آموزش می‌داد، بنابراین جنگ از موصل را به پاریس، سیدنی، اورلاندو فلوریدا و سن برناردینو کالیفرنیا کشاند. با پخش اخبار اقدامات تروریستی و انتحاری، از طریق شبکه‌های مجازی، ترس را توسعه داد و باعث شد آمریکایی‌ها بلافاصله بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، اعلام کنند از تروریسم می‌ترسند و نگران هستند. ترسی که داعش انتقال آن را با تکنولوژی و از طریق جهادی‌ها خوب یاد گرفته بود. کمالینکه وقتی در جنگ داخلی سوریه برای اولین بار به شهرت رسید، تقریباً به هر گروه شورشی این امکان را داد تا از یوتیوب برای جذب نیرو، جمع‌آوری کمک‌های مالی و آموزش استفاده کنند. کاری که رژیم بشار اسد نیز در بهار عربی با استفاده از اینستاگرام کرد تا چهره‌های دموکرات و مردمی از خود و دولت‌ش را به جهان نشان دهد، در حالی که در پی اعتراضات مردم به فضای سرکوب چند ده ساله حکومت‌های فردی و نظامی، عملاً شهروندانش را گروگان گرفته بود.



▲ ۵/۳ میلیارد کاربر اینترنت در سراسر جهان وجود دارد که ۶۵/۷ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. در این میان ۴/۹۵ میلیارد یا ۶۱/۴ درصدشان، کاربران شبکه‌های اجتماعی هستند.

میلیارد دلار می‌رسد و حتی بین ۲۴/۳ تا ۳۴/۹ درصد این کاربران از امارات متحده گرفته تا اندونزی، حاضر شده‌اند با پرداخت هزینه برای وی‌پی‌ان‌ها، کاربر و مطلع از رخدادهای جهانی باشند و ۱۴۷ دقیقه از هر روزشان را برای دریافت اطلاعات یا سرگرمی صرف کنند، نمی‌توان نظارت و کنترل را بهانه کرد تا با بستن درهای ورود به شبکه‌های مجازی جهانی و پلتفرم‌های آن از پیامدهایش در امان بود. چون این کار مانند آن است که من بگویم، «برای همه شما کیک پخته‌ام با روکش شکلات و خامه. دوست دارم حالتان را بهتر کنم». بعد بگویم «نه دروغ گفتم، کیک مال همه شما نیست. فقط همین که بدانید کیکی هست کفایتان می‌کند. حق هم ندارید من را آدمی دروغگو یا غیرمنصف بنامید چون همین تصور داشتن سهمی از کیک را هم از شما خواهم گرفت؛ حالا بروید برایم هشتگ بسازید بینم شما برنده‌اید یا من». تهدید و زورگویی که قطعاً با منطق و گفتمان‌های جهانی همخوان و هم‌کنش نیست و نمی‌تواند آن فهم و تفکر انتقادی محتوایی مستند به رفتار غیرمنفعلانه مخاطب و کنشگری عامل به مشروعیت سیاسی و اعتماد حاکمیتی را باعث شود. در بیانی دیگر، درست است که تحول دیجیتال، باعث تغییرات فرآیندهای فرآیندهای آنالوگ و مکانیکی شده و ارتباط مستمر، در دسترس بودن اطلاعات گسترده و نوآوری افسارگسیخته فقط با یک دکمه یا سرچ ساده امکان پذیر شده است، ولی این تغییرات رادیکال، فقط نحوه تعامل و دسترسی ما به اطلاعات را دگرگون نکرده، بلکه به دوران مصرف منفعلانه اطلاعات از چند منبع بررسی شده و کنترل شده مانند روزنامه‌ها، رادیو یا تلویزیون هم خاتمه داده است و اینک هر فردی با اتصال به اینترنت نه تنها می‌تواند اطلاعات را از منابع بسیار متنوعی دریافت کند، که می‌تواند اطلاعات خود را هم بسازد، منتشر کند و سلسله مراتب اطلاعات سنتی را مختل کند. دموکراسی اطلاعاتی که به اندازه هیجان‌ش، چالش‌ساز نیز هست. به واقع، در گذشته نهادهای حاکمیتی و کارگزاران با نظارت مستقیم بر منابع اطلاعاتی، این قدرت را برای خودشان به وجود آورده بودند که بر مصرف‌کننده هم حکومت مطلق داشته باشند کما اینکه اطلاعات فیلتر شده بود و دروازه‌بانان اخبار و رویدادها، تحت نظر دولت آموزش می‌دیدند، اما حالا صرفاً دریافت اطلاعات سریع دغدغه مخاطب نیست، جهان اطلاع‌رسانی گسترده‌تر شده است و بدون آنکه کسی مشمول تبعیض‌های طبقاتی، نژادی یا جنسیتی باشد، می‌تواند چه تحت حمایت دولت، هلدینگ‌های رسانه‌ای و چه مستقل، با جهانی از پلتفرم‌ها، در عرض چند ثانیه، خودش خبر را بسازد، مرز میان واقعیت و دروغ را به سرعت، از بین ببرد و با دستکاری ماهیتی، دموکراسی‌سازی اطلاعاتی یا روشننگری داده‌ای در

بستر شبکه‌های جهانی، به تعبیر سینان آرال، مشاور موسسه آلن تورینگ و مدیر ابتکار اقتصاد دیجیتال ام‌آی‌تی در کتاب «هاشیم هاپ»<sup>۱</sup>، انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد، خشونت را تحریک/تعدیل کند، بر گفتمان سیاسی تاثیر بجا/نايجا بگذارد، شکاف‌های اجتماعی را تشدید کند یا کاهش دهد، انقلاب‌ها را بسازد یا نابود کند، سلامت عمومی را به خطر بیندازد یا ارتقا بخشد و سواد اطلاعاتی- رسانه‌ای دیگر مخاطبان و کاربران را به چالش بکشد. سوادی که به عنوان تسهیلگر اتصال ارتباطی و کاتالیزور دیجیتالی، نجات‌دهنده ما از ناآگاهی و فرصتی برای مبارزه با اطلاعات تحریفی است، می‌تواند ما را به متحدی قدرتمند برای باور و ارزش‌های فردی-اجتماعی و دفاع از دولت یا دشمنی خطرناک برای مشروعیت و قانونمداری تبدیل کند، پیوند درهم‌تنیده حقیقت، آزادی بیان و رسانه‌های اجتماعی را با نحوه تعریف، ایجاد، دریافت و انتشار اطلاعات، تحت تاثیر قرار دهد، در دنیای پساحقیقت، عصر دیپ‌فیک، حباب‌های فیلتر و اخبار جعلی، به ما ژن پرسشگری «حقیقت چیست؟» ببخشد و چه بسا کمک کند تا هر مخاطب یک حقیقت‌یاب و منقد خصایص بد انسانی-اجتماعی در دنیای کریستالی اطلاعات باشد. حقیقت‌یابی‌هایی که جامعه و کلونی‌های آنها بارها جهان را تغییر داده‌اند.

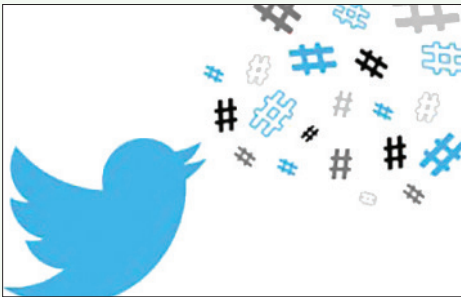
### ● خانه‌ای روی ابر

از سال ۲۰۰۷، دقیقاً یک سال بعد از آنکه، جک دورسی اولین توییتر را منتشر کرد تا به امروز، حداقل ۱۰ هشتگ توییتری از گروه‌های مختلف توانسته است دنیا را تکان دهد. هشتگ‌های -BarCamp, MeToo, fly- skam, OscarsSoWhite, BlackLives-Matter, DeleteFacebook, FakeNews, NeverAgain, OccupyWallStreet, FridaysforFuture، در حوزه‌های زنان، تبعیض نژادی، خشونت، اسلحه‌برابری، آب‌وهوا و اقلیم، جهان را به تکانه‌های لرزشی بزرگی دچار کرده و در کنار ۱۷۵۰ هشتگ اینستاگرام در ۲۰ عنوان/ موضوع مهم برای یک میلیارد

کاربر فعال ماهانه این پلتفرم، بعضاً نتیجه‌های مطلوبی هم به همراه داشته است. به نحوی که به دنبال آن، چندین نویسنده و پژوهشگر به تحلیل وقایع و رخدادهای اثرگذار بر جامعه انسانی در عصر مدرن پرداختند و نتایج ارزیابی‌هایشان به صورت کتاب امسال در قفسه بزرگ‌ترین کتابخانه‌های دنیای نشست و حتی آنهایی را که میانه خوبی با دنیای مجازی ندارند هم تحت تاثیر قرار داد. برای مثال، امسال، سینتیا دیویدسون مدرس ارشد فناوری‌های نوظهور دانشگاه استونی بروک در کتاب «خوش‌بینی بی‌رحمانه» تایید کرد شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی می‌توانند راهی برای ایجاد ارتباط، شنیده شدن یا سرپا ماندن زنان در شرایط نامطمئن و متزلزل باشند و حتی با یک توییتر، ولو آنکه ماهیت خاصی برای کنواسیون‌ها و مطالعات جنسیتی نداشته باشد، به بهبود شرایط زندگی آنها کمک کنند، مانع از آزار و اذیت فیزیکی ۲۰ زن در هر دقیقه شوند یا با کمک خود شبکه‌های مجازی از آزار آنلاین ۶۰ درصد زنان کاربر جلوگیری کنند. یا در نمونه‌های دیگر، بنجامین گراس، دانشیار جامعه‌شناسی و سامانتا گلوین، استادیار جرم‌شناسی دانشگاه سنت بوناونچر در کتاب «کاربندی پلیس»، به دنبال مرگ جرج فلوید در سال ۲۰۲۰ که به اعتراضات بین‌المللی منجر شد و برخی از مردم خواستار «کم کردن بودجه» پلیس شدند با یک کار مطالعاتی بسیار گسترده، به شفاف‌سازی مفاهیم «لغو پلیس»، «کاهش بودجه پلیس» و «پلیس جامعه» پرداختند و باعث شدند از امسال این موضوعات در رشته‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، پلیس، ارتباطات، رسانه‌های اجتماعی و روش‌های تحقیق در دانشگاه‌های جهان تدریس شوند. حتی مرکز تحقیقات پیو و مرکز «Imagining the Internet» دانشگاه آلون، با بررسی دیدگاه ۴۳۴ مبتکر فناوری، توسعه‌دهنده، رهبران کسب‌وکار و سیاست‌گذاری، پژوهشگران و فعالان اجتماعی، سیاسی دنیا و تحلیل نظرات ۸۶۲ کاربر عمومی ناشناس، درباره دنیای آنلاین و فرجام شبکه‌های مجازی تا سال ۲۰۲۵، تئوری مایک لیپهله، همکار ارشد و بازنشسته موسسه آینده را اثبات و تایید کردند برای بقای فناوری و خدمات شبکه‌های اجتماعی و مجازی، جهان به انقلابی فناورانه اما مبتنی بر نظرات نیاز دارد تا کاربران به‌طور ایمن بتوانند خود را با تغییرات اساسی و تجربیات دیجیتالی سازگار کنند. همچنین این دو مرکز با تفسیر دیدگاه‌های مکتوب و جداگانه ۴۳۴ متخصص و رهبران تجاری سازمان‌های پیشرو جهانی، از جمله دانشگاه‌های آکسفورد، کمبریج، ام‌آی‌تی، استنفورد، کارنگی ملون و گوگل، مایکروسافت، آمازون، فیس‌بوک، اپل، توییتر و... اعلام کردند، جهان برای بقا در دنیای دیجیتال، شبکه‌های مجازی و پلتفرم‌های آن با هدف کاهش مشکلات جامعه انسانی و کاربران دیجیتالی، تصمیم به «قتل قابیل» -اشاره به ترول‌ها، سوءاستفاده‌گران و لابی‌گرهای نظام‌های تئوکراسی- گرفته است و برای زندگی و شکوفایی در یک دنیای دیجیتال و مجازی نسبتاً خطرناک و کاهش آسیب‌پذیری‌های فراگیر در سراسر سیستم‌ها و مارپیچ سوءاستفاده‌ها، علاوه بر ایمن‌سازی «هویت و داده‌های خصوصی»، «هویت و داده‌های عمومی» و «داده‌های نظارتی و تجزیه و تحلیل نفوذی»، نیاز دارد به چند پیشنهاد به صورت جدی فکر کند. مثلاً، گروهی جدید از متخصصان، کدنویسان، متصدیان اطلاعات، مشاوران سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی را شکل دهد تا کاربران پلتفرم‌های دیجیتالی به توسعه رفتارهای دموکراتیک تشویق شوند و «فرهنگ پاسخگویی» را در



▲ اندازه بازار شبکه‌های اجتماعی در سال ۲۰۲۳ به ۳۹/۲۲ میلیارد دلار رسیده است و تا سال ۲۰۳۲، به ۱۰۴ میلیارد دلار می‌رسد. ۲۴/۳ تا ۳۴/۹ درصد این کاربران از امارات متحده گرفته تا اندونزی، حاضر شده‌اند با پرداخت هزینه برای وی‌پی‌ان‌ها، کاربر و مطلع از رخدادهای جهانی باشند و ۱۴۷ دقیقه از هر روزشان را برای دریافت اطلاعات یا سرگرمی صرف کنند.



▲ از سال ۲۰۰۷، دقیقاً یک سال بعد از آنکه، جک دورسی اولین توییت را منتشر کرد تا به امروز، حداقل ۱۰ هشتگ توییتی از گروه‌های مختلف توانسته است دنیا را تکان دهد. هشتک‌های -BarCamp، MeToo، flyg، skam، OscarsSoWhite، BlackLivesMatter، DeleteFacebook، rdaysforFuture و FakeNews، NeverAgain، OccupyWallStreet از آن جمله هستند.

فرصت‌هایی را برای تجربه جهان و جامعه به شیوه‌های جدید و هیجان‌انگیز فراهم کنند. مثلاً، کلاس‌های دیجیتالی، شامل دانش‌آموزانی باشد که پشت میزهای مجازی می‌نشینند و یک معلم مجازی به آنها درس می‌دهد بی‌آنکه مجبور باشند صبح‌ها به زور از تخت‌خواب خود را بیرون بکشند؛ یا کنسرت‌های دیجیتالی با ظرفیت تقریباً نامحدود به مردم این امکان را بدهد که گروه‌های موسیقی مورد علاقه خود را معلق و بی‌نیاز از مکان، تماشا کنند، از طریق AR و VR، بتوانند «سفرهای» آینده خود را تجربه کرده و خاطرات آن را به موزه‌هایی ببرند که اکنون فقط با هواپیما و پرواز روی نیمی از جهان امکان‌پذیر است؛ و مهم‌تر آنکه، فرصتی را برای ایجاد گفتمان‌های مدنی، سیاسی و هنری تعاملی‌تر بسازند تا دیگر استفاده از فرصت‌ها برای آموزش، سرگرمی و گفتمان مدنی و سیاسی ممنوعیتی نداشته باشد. به این معنا که، بخشی از مردم جهان مجبور نباشند به سبک زندگی انسان‌های نخستین و به دور از اینترنت عادت کنند؛ تن به تحریم‌های ملی و بین‌المللی بدهند که صرفاً خواسته کارگزاران دولتی و نهادهای سیاسی است و در لایه‌های پنهان آنها، منافع خاص پشتیبان تصمیماتشان است؛ در حالی که نمی‌دانند دادن حق عمومی و بدون محدودیت استفاده از شبکه‌های مجازی می‌تواند به خود آنها کمک کند تا بر دنیا حکم برانند و از رخدادها جا نمانند. فرصتی که اگر نبود، اکثر ملت‌های دنیا امروز نمی‌دانستند چند کودک فلسطینی به خرابه‌های خانه‌های جامانده از جنگ پناه برده‌اند یا سرباز کودک شده و دیگر جان ندارند»

حوزه‌های فیزیکی و دیجیتالی خواهد بود، آماده می‌کند. ادغام خلاقانه‌ای که در کمترین سطح پیامدی به پیش‌بینی میگل مورنو مونوز، مدیر بخش فلسفه دانشگاه گرانادا، «با آن می‌توانیم از پتانسیل پلت‌فرم‌ها، شبکه‌های مجازی و ابزار دیجیتالی هوشمند تا سال ۲۰۳۵، انتظار این پیشرفت‌ها را داشته باشیم: سیستم‌های هشدار پیشرفته قابل دسترس برای عموم، امکان اطلاع‌از جنایات مختلف، فعالیت‌های مضر زیست‌محیطی و سایر آسیب‌های احتمالی عمومی در زمینه سلامت، حمل‌ونقل و فعالیت‌های تجاری را فراهم کنند. دستیابی به سیستم‌های مشارکتی ارتقایافته که قادر به ارائه واکنش سریع در شرایط اضطراری، به هنگام وقوع بلایای طبیعی و پدیده‌های خسارت‌بار آبهوایی در کشورها و مناطق آسیب‌پذیر است، گسترده‌تر شود. امکان دستیابی به عدالت دیجیتالی همواره در دسترس و حوزه‌های قضایی فراملی منجر به کاهش نابرابری، تبعیض، رفتارهای ناعادلانه و خودسرانه بازیگران خصوصی یا دولتی، پیش از قبل میسر شود. یک قلمرو دیجیتالی جدید و بهبودیافته، کمک کند تا منابع نژادپرستی ساختاری به ویژه آنهایی که باعث نابرابری‌های اقلیتی مانند نابرابری زنان یا رنگین‌پوستان می‌شوند، از بین بروند و کمک کند تا درک کاملی از تبعیض‌های ساختاری عمومی فراهم آید. همچنین، با ایجاد بسترهای آموزشی باکیفیت و رایگان، امکان دسترسی فراگیر معلولان به خدمات مختلف و شاکله تقویت‌شده خلاقانه و هنری عمومی، امکان تحقق مدل و الگوهای علم‌باز و سرمایه‌گذاری‌های متعارف در تحقیقات پژوهش‌فراهم آید. فضاهای دیجیتال به قدری متنوع شوند که هیچ فضای دیجیتالی یا فیزیکی متعارفی وجود نداشته باشد، بلکه انبوهی از فضاهای دیجیتال جدید با استفاده از واقعیت افزوده و واقعیت مجازی برای ساخت راه‌های جدید تعامل آنلاین با روش‌های شخصی‌تر، صمیمی‌تر و شبیه به دنیای فیزیکی پدید آید و این فضاها

بخش‌هایی از اینترنت که عمیقاً مورد اعتماد است فعال کنند؛ یا گروه شبکه‌ای از نسل جوان را به وجود آورد تا برای تغییرات سیاسی ساختاری تلاش کنند و برای ارتقای زندگی مدنی حقیقی/مجازی به مثابه «ارتش‌های طرفدار گروه موسیقی کی‌پاپ» وفادار بمانند. همچنین در سیستم‌های قانونگذاری با ایجاد «هیات منصفه شهروندی» برای شکل‌دهی به شراکت جمعی، کاربران و مردم دور از فضای مجازی را به قانونگذاری، وضع قوانین و تصمیم‌گیری فردی-اجتماعی در مورد زندگی اقتصادی و مدنی تشویق کند تا ورودی‌های عمومی با تفکرات متفاوت در همه چیز از بودجه دولتی گرفته تا تنظیم بازارهای زیست‌محیطی همراه و هماهنگ باشند، بی‌آنکه تک‌قطبی شدن چرخه دیجیتالی هدف قرار بگیرد. علاوه بر آن، یک «Human API» می‌تواند طراحی شود تا با ذخیره و اجرای قوانینی که افراد باید درباره آنها به آگاهی برسند، کمک کند کاربر دیجیتالی از طریق یک نظام تفکر انتقادی انسانی، تشخیص دهد چه چیزی وقت او را می‌گیرد و باید از آن بگذرد یا چه اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های او برای پیشرفت اجتماعی‌اش باید در پلت‌فرم‌ها به اشتراک گذاشته و تنظیم شود. مضاف بر آن، چون چالش‌های مداوم سیستم‌های بزرگ سرمایه‌داری، دموکراسی، نمایندگی دولت-ملت، می‌تواند مردم را هم از لحاظ جغرافیایی و هم بر اساس تمایلات و منافع شخصی، به سمت «حاکمیت» فرامحلی سوق دهد، یک اکوسیستم آموزشی در مقیاسی بزرگ برای پاسخگویی به نیازهای یادگیری رسمی و غیررسمی می‌تواند به وجود آید و با یک رژیم اعتبارسنجی تأثیرگذار تقویت شود تا به مردم و کاربران، توانمندی ارائه بازخورد از هر سیستمی را بدهد و علم خدمات‌پدیدار، زندگی ابری و اومانیزم دیجیتالی توسعه یابد. اومانیزمی که می‌لینگ فانگ، رئیس پروژه اینترنت مردم‌محور در پیش‌نویس کتاب «در ظهور یک دوره جدید، عامل انسانی در اکوسیستم X.O» که در اواسط سال ۲۰۲۴ منتشر خواهد شد، آن را وزنه‌ای در برابر استعمار دیجیتالی اجتناب‌ناپذیر ناشی از سود می‌داند که با یک شکوفایی جمعی از خشم آینده جهان در درگیری‌های میان متخصصان دیجیتال و افراد فاقد قدرت دیجیتالی، کم می‌کند و اجازه نمی‌دهد کاربران احساس درماندگی کنند یا دست به سرزنش دیگران بزنند، عامل انسانی در اکوسیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و رابط‌های نادیده گرفته شود اما در عین حال، فرصتی باورنکردنی برای به اشتراک گذاشتن و رشد یادگیری برای شکوفایی جمعی هم در جایی که مارشال مک لوهان آن را «سفینه فضایی زمین» می‌نامد، به وجود آید. رشدی که جیم اسپورر، عضو هیات‌مدیره انجمن بین‌المللی متخصصان نوآوری خدمات و از مدیران سابق فناوری شناختی IBM، آن را «ارتقای مهارت جهانی، یادگیری مادام‌العمر» برای کاربران شخصی دیجیتالی، حفظ حریم خصوصی واسطه‌های شناختی و نهادهای مسوول (مشاغل، دانشگاه‌ها و دولت‌ها) تعبیر می‌کند که می‌تواند از عصر دیجیتال، ما و شبکه‌های مجازی نسخه‌های بهتری بسازد و عملاً مجموعه‌ای از دولو‌های حقیقی دیجیتالی را به وجود آورد که قادر هستند با دولو‌های حقیقی تعامل داشته باشند و موجودیت و گستره تعاملی بین‌نسلی را رشد دهند. آن چیزی که فراتر از مفاهیم مدنظر روتخر بر گمان در کتاب «بشریت: تاریخ امیدبخش» و گسترده‌تر از دیدگاه رهیافتی رابرت رایت در کتاب «غیرصفر: منطق سرنوشت انسان» است و کاربران عادی پلت‌فرم‌ها را برای متفاوت‌ترین جنبه زندگی دیجیتال که ادغامی یکپارچه‌تر از ابزارها و ادغام



## ایمن سازی

### بررسی آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی در گفت‌وگو با مهنوش هدایتی و داود مهرابی

مواجهه درست از پرورش تفکر و آموزش صحیح افراد می‌گذرد.



به نظر شما آیا شبکه‌های اجتماعی در کشور با توجه به محتوای تولید شده‌ای که بیشتر دیده می‌شود و بازخوردهای بیشتری دارد، به نوعی در حال فراهم کردن بستر بازگشت به دوران ماقبل علم و تفوق شبه‌علم نیست که به جای ترویج علم و دانش به رواج شبه‌علم و خرافه رو آورده است؟ آیا شما این مساله را خطر می‌دانید یا آن را طبیعی می‌دانید و اهمیت زیادی برایش قائل نیستید؟ اقبال به این محتوای غلط و پذیرش آن، روی جنس بر خورد ما با شبکه‌های اجتماعی چه اثری می‌گذارد؟

**مهنوش هدایتی:** بدون شک ما در مرحله توسعه سریع و تفوق تکنولوژی و فناوری قرار داریم و حضور رسانه‌های اجتماعی آنلاین در زندگی ما غیرقابل اغماض و غیرقابل اجتناب است. به این ترتیب اگر بخواهیم در مورد آسیب‌های احتمالی این رسانه‌ها صحبت کنیم، به هیچ عنوان نمی‌توان از کنترل سرکوب‌گونه آنها حرف زد، باید بپذیریم که عضو ثابتی در جهان به نام شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که فقط باید شبیه بقیه المان‌هایی که وارد زندگی رو به تکامل بشر شدند، به‌درستی مورد توجه قرار گیرد تا آسیب‌های احتمالی‌اش کمتر از منافع زیادش شود.



وقتی خود بشر هم برای بشر آسیب دارد؛ طبیعی است که رسانه به عنوان ابزار دست‌ساخت بشر آسیب‌هایی به همراه خودش داشته باشد. ما فقط باید مراقب باشیم و تربیت شویم تا این آسیب‌ها را به حداقل برسانیم. قطعاً حذف همه آسیب‌ها ممکن نخواهد بود؛ همان‌طور که آسیب خود بشر برای بشر حذف نشده و ما همیشه

میزگرد

**رضا طهماسبی:** تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر زندگی روزمره ما بسیار زیاد شده است تا جایی که اغلب ما در صحبت‌های روزمره خود از تکیه کلام‌های ویدئوهای وایرال شده فضای مجازی استفاده می‌کنیم. برای مثال همه به تاسی از آن نوجوانی که انبه می‌خورد و رو به دوربین می‌گوید: «عسله لامصب، عسل» هرگاه خوراکی خوشمزه‌ای می‌خوریم همین جمله را تکرار می‌کنیم. یا حتی می‌بینیم سخنگوی دولت در مورد افتتاح فرودگاه سندج می‌گوید: «خودتان می‌توانید بروید ببینید کیک است یا واقعی.» اگر چه این دو نمونه، از جمله موارد بامزه و سرگرم‌کننده است اما روزانه میلیون‌ها محتوا تولید می‌شود که می‌تواند آثار سویی بر سلامت جسم و روان و زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد، محتوای مکتوب یا تصویری که راه‌حل‌های غلط و شبه‌علمی را به جای راهکار درست و علمی جا می‌زند، مثلاً کسی مدعی می‌شود که نباید قرص و داروهای شیمیایی پزشکان را برای درمان بیماری خورد چون زیانش برای بدن بیشتر است و می‌توان با روش‌هایی مانند هیپنوتیزم بیماری‌های مختلف حتی صعب‌العلاج‌هایی مانند ام‌اس یا سرطان را درمان کرد. ویدئوهای زیادی هم از خانه‌ها و خودروهای بسیار لوکس دیده می‌شود و افرادی که وعده می‌دهند می‌توانند ۱۰ روزه یا ۳۰ روزه یا حتی با فروش یک پکیج شما را به درآمد دلاری سرشار برسانند. اما نوع مواجهه با این محتوا و آسیب‌های احتمالی آن باید چگونه باشد؟ مهنوش هدایتی، دکترای روانشناسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و داود مهرابی فارغ‌التحصیل از تبادات و استاد یار گروه ارتباطات و علم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی، با ارزیابی نوع مواجهه با رسانه‌های اجتماعی محدودیت و فیلترینگ را نفی کرده و معتقدند

در این فکر هستیم که چگونه بتوان بشر را اخلاقی‌تر تربیت کرد و الزام‌های ارزشی جدیدی به سلسله‌مراتب ارزشی او افزود که آسیب کمتری به هم‌نوع خودش وارد آورد. پس در واقع سرکوب رسانه‌های اجتماعی اساساً ممکن نیست.

از طرفی رسانه‌های اینترنتی و به‌ویژه در کشور ما اینستاگرام به رسانه‌های بسیار جذابی برای مردم تبدیل شده و عرصه اندام‌نمایی برای همه افراد را فراهم کرده است. در گذشته رسانه‌های اصلی فقط کتاب، مجله، روزنامه یا رادیو و تلویزیون بود که در اختیار افراد خاصی مانند اهل قلم بود؛ کسانی که عمرشان را صرف نویسندگی کرده بودند و فضایی برای آنها فراهم می‌شد که در رسانه‌ها قلم بزنند و بنویسند و بگویند، این افراد در جامعه تأثیرگذار بودند و در عین تأثیرات مثبت، ممکن بود تأثیرات منفی هم داشته باشند. برای نمونه گاهی کتاب‌هایی منتشر کرده‌اند و به بازار فرستاده‌اند که یا اثر غلط داشته یا به اشتباه از سوی مردم ادراک شده و نتیجه‌اش از هم‌پاشیدگی نظام خانواده بوده است. من مراجعانی داشتم که با خواندن یک کتاب تصمیم گرفته بودند زندگی‌شان را زبرور کنند و می‌گفتند ما فهمیدیم هویتمان کلیشه‌ای است و می‌خواهیم از فضای خانوادگی از ماهیت همسر، پدر یا مادر خارج شویم. یعنی آن رسانه‌ها هم آسیب‌های خودش را داشت اما افزایش برای ورود همه فراهم نبود. علت اینکه آسیب‌های رسانه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام بیشتر و برجسته‌تر و شدیدتر شده، این است که عرصه ظهور تمام افراد است حتی افرادی که درک درستی از محتوایی که تولید و عرضه می‌کنند، ندارند؛ مثلاً کسانی که اختلال شخصیت دارند، کسانی که نظام ارزشی آسیب‌دیده یا تراز نشده دارند یا کسانی که آموزش غلط دیده‌اند. بنابراین از این محل آسیب‌های جدیدی وارد حوزه فضای مجازی می‌شود. از طرفی روزبه‌روز ضرب نفوذ و تأثیر اینترنت در زندگی افراد، در جوامع شهری و روستایی در تمام کشورها افزایش می‌یابد. تأکید کنم که این ضرب تأثیر در جوامع سنتی و غیردموکراتیک بالاتر از جوامع دموکراتیک و مدرن است. چون مردم جوامع غیردموکراتیک، سرکوب‌شده، سنتی و ایدئولوژیک، ندیده‌ها و نشنیده‌ها و نادانسته‌های بسیار زیادی دارند که این شبکه‌ها فرصت آشنایی با آن را برایشان فراهم آورده است. شبکه‌های مجازی که به اصطلاح یک‌دست‌سازی میان‌فرهنگی می‌کنند، جاذبه بسیار بالایی برای آن بخشی از انسان که میل به کشف و کنجکاوی دارد فراهم می‌کنند. «حالت من کودکی» در انسان‌ها میل شدیدی به کشف کردن دارد؛ همه مادر مغزنام دوپامین داریم و دوپامین عاشق مواجهه با اتفاقات و کشفیات جدید است. بنابراین این شبکه‌ها در جوامعی که زندگی بسته‌تر و کلیشه‌ای‌تر است، ضرب تأثیر بسیار بالاتری نسبت به جوامع آزاد و مدرن دارند. بنابراین جوامعی شبیه به کشور ما آسیب‌پذیری بیشتری در برابر شبکه‌های اجتماعی دارند.

مساله دیگری که موجب افزایش ضرب تأثیر شبکه‌های اجتماعی می‌شود، نبود تفکر انتقادی در جوامع غیردموکراتیک است؛ جوامعی که نظام تربیتی در آن «نظام القایی» است و فرد در آن اطاعت کردن و پذیرش را بدون هیچ سنجشی به عنوان یک کلیشه یاد می‌گیرد و می‌پذیرد. در این جوامع فرد از ابتدا تحت الگوی اطاعت از والدین قرار می‌گیرد و وقتی با نظام ارزشی رسانه مواجه می‌شود که بسیار جذاب‌تر و تصویری‌تر است و دیتاها و ارزش‌ها را به او نشان می‌دهد، او با کلیشه «سوال نپرس، تردید نکن و بپذیر» با آن روبه‌رو می‌شود، چون تفکر انتقادی در او پرورش نیافته است و بی‌قید و شرط به فرهنگ‌های غالب تن می‌دهد. به این دلیل است که آسیب رسانه‌های اجتماعی در نظام‌های ایدئولوژیک و نظام تربیتی آنها که از کودک، تسلیم و پذیرش بدون چون و چرا می‌خواهد، بسیار بیشتر است. در نتیجه فرد بسیار زود و سریع مغلوب پیام‌های شبه‌علمی می‌شود، مثل کلیشه‌های روانشناسی زرد که همه باید موفق شوید، من به شما یاد می‌دهم چگونه عزت‌نفس‌تان را در یک دقیقه بالا ببرید یا چگونه با هیپنوتیزم بیماری خود را درمان کنید.

من موافق حضور رسانه‌ها و بسیاری از اوقات به خانواده‌ها می‌گویم که امروز شما تنها والدین بچه‌هایتان نیستید؛ بچه‌ها یک والد بسیار تأثیرگذارتر به اسم رسانه دارند و باید حواستان باشد با آن رسانه تطابق داشته و سازگار باشید، با رسانه رفیق باشید

#### هدایتی:

یکی از عوامل افزایش ضرب تأثیر شبکه‌های اجتماعی، نبود تفکر انتقادی در جوامع غیردموکراتیک است؛ جوامعی که نظام تربیتی در آن «نظام القایی» است و فرد در آن اطاعت کردن و پذیرش را بدون هیچ سنجشی به عنوان یک کلیشه یاد می‌گیرد و می‌پذیرد.



و از آن برای پرورش فرزندان استفاده کنید.

**داود مهرابی:** من بحث را با بخش پایانی سوال شما آغاز می‌کنم و به این می‌پردازم که اقبال به محتوای شبه‌علمی در بستر فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی چگونه است. در آغاز برای اینکه بگویم این گونه محتوا «مورد پذیرش و استقبال» قرار گرفته است باید به دنبال مستندات موجهی باشیم. احتمالاً این گزاره مبتنی بر شواهد اطراف ماست مثلاً اینکه ما، دوستان و نزدیکانمان یک محتوا را دیده و نسبت به آن توجه داشته‌ایم، اطرافیان ما این محتوا را به اشتراک گذاشته و برای ما فرستاده‌اند. اما برداشت من این نیست که این شواهد را بتوان به عنوان مستندات در نظر گرفت و براساس آن برای همه رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک پدیده به‌روز و اثرگذار در سطح جهانی و در همه کشورها، نسخه درستی بپیچیم. منظور من این است که این مشاهدات فردی و گروهی نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری نوع مواجهه با آنها باشد.

براساس آخرین آماری که در اختیار داریم، تعداد افرادی که در سراسر جهان از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند حدود چهار میلیارد و ۹۰۰ میلیون نفر است. این عدد پنج سال پیش حدود سه میلیارد نفر بود که با رشد بالای ۵۰ درصد به چهار میلیارد و ۹۰۰ میلیون نفر در امروز رسیده است. پیش‌بینی می‌شود در پنج سال آینده هم تقریباً یک میلیارد نفر به این عدد اضافه شود؛ یعنی حدود پنج میلیارد و ۸۵۰ میلیون نفر کاربر این رسانه‌ها خواهند بود. این داده‌ها نشان می‌دهد در آمریکا هر فرد به‌طور میانگین بیش از هفت حساب کاربری در رسانه‌های اجتماعی دارد و روزانه حدود ۱۴۵ دقیقه را در این رسانه‌ها می‌گذراند.

شاید تصور این باشد که در کشورهای مثل سنگاپور، آمریکا یا کشورهای اروپایی که میزان نفوذ اینترنت بسیار بالاست، استفاده افراد از رسانه‌های اجتماعی هم بالاتر است در حالی که آمار به ما نشان می‌دهد این آمار در کشورهای در حال توسعه بیشتر است. مثلاً در نیجریه افراد به صورت میانگین بیش از چهار ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند که از نرخ میانگین جهانی که حدود دو ساعت و ۲۷ دقیقه تعریف شده، بالاتر است. البته نوع استفاده هم متغیر قابل تاملی است. آمار دیگری وجود دارد که می‌گوید حدود ۷۷ درصد از کسب‌وکارها از رسانه‌های اجتماعی برای دسترسی به مشتری استفاده می‌کنند. همچنین حداقل ۹۰ درصد کاربران شبکه‌های اجتماعی حداقل یک برند تجاری را دنبال می‌کنند. جالب اینکه ۷۶ درصد از کاربران حداقل یک کالایی را که در رسانه‌های اجتماعی دیده‌اند، خریده‌اند. یعنی حضور در شبکه‌های اجتماعی روی رفتارشان اثرگذار بوده است. رسانه‌های اجتماعی وجوه مثبت و منفی دارند؛ برخی مطالعات صورت گرفته در حوزه سلامت روان نشان می‌دهد حدود ۴۰ درصد کاربران به رسانه‌های اجتماعی اعتیاد دارند و ۶۷ درصدشان در نتیجه استفاده از رسانه‌های اجتماعی، گفته‌اند احساس بدتری نسبت به زندگی پیدا کرده‌اند. این مطالعات نشان داده است که بین میزان استفاده از رسانه‌های اجتماعی و افسردگی رابطه معنادار وجود دارد.

در جامعه ما آمار می‌گوید حدود ۷۸/۵ درصد افراد حداقل از یک پیام‌رسان یا شبکه اجتماعی استفاده می‌کنند. جالب است که حدود ۹۷ درصد از این افراد در دهه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال هستند و بیشتر در شبکه‌های اینستاگرام، تلگرام یا واتساپ حضور دارند. با توجه به نتایج مطالعاتی که در دنیا انجام شده و به آنها اشاره شد و با توجه به آمار نسبتاً بالای کاربران و استفاده قابل توجه مردم از رسانه‌های اجتماعی باید این دغدغه را داشته باشیم که اطلاعات نادرست و غلط که به صورت عمدی یا سهوی منتشر می‌شود، چه آثاری بر جا خواهد گذاشت.

هدف اصلی رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌هاست. درواقع این ایده‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌ها هر چه بیشتر به اشتراک گذاشته شود، احتمال بیشتری دارد که به یک هنجار اجتماعی غالب تبدیل شود. اینجاست که یک رفتار می‌تواند به تدریج مورد پذیرش قرار گیرد و آنقدر در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شود که مورد تأیید و حمایت واقع شود و تبدیل

#### مهرابی:

امروز رسانه‌های اجتماعی «پیام زندگی» هستند چون فرصت‌های زیادی از طریق آنها برای فرد ایجاد می‌شود. رسانه‌های اجتماعی فرصت اقتصادی فراهم کرده‌اند، فرصت علم‌آموزی و کسب دانش ایجاد کرده‌اند و حتی فرصت گردشگری فراهم کرده‌اند؛ فرصت‌هایی که پیش از این وجود نداشت.

به یک هنجار اجتماعی شود، در حالی که در واقع بهنجار نیست. من در مطالعه‌ای که خودم انجام دادم این مساله را بررسی کردم که وقتی اعضای که در شبکه یک فرد هستند رفتاری را مورد تایید قرار می‌دهند، فرد با این تصور که این رفتار یک هنجار اجتماعی است، به سمت آن می‌رود؛ مانند استعمال دخانیات.

اما آیا به این دلیل باید در رسانه‌های اجتماعی را بست؟ افرادی که به اصل «همواره نه گفتن» به پدیده‌ها و فناوری‌های نوظهور وفادار هستند، بدون اینکه اطلاعات تخصصی یا حتی اطلاعات کلی در مورد هر فناوری جدید داشته باشند، در مورد این پدیده‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند و راهکار غالبشان هم محدودیت است. اینها در واقع مثل والدین یا مشاورانی هستند که به جای اینکه فرصت بروز استعداد را به فرزندان‌شان بدهند با «نه» گفتن، مانع فرصت تجربه‌اندوژی برای فرزندان‌شان یا برای کاربران در فضای مجازی می‌شوند و در مسیر پیشرفت افراد یک مانع جدی ایجاد می‌کنند.

**محتوای زیادی در شبکه‌ها اجتماعی تولید می‌شود که برخی نهادها مانند خانواده را نشانه رفته‌اند، ویدئوهایی در مذمت ازدواج یا فرزندآوری با این مضمون که چه خوب شد ازدواج نکردیم یا نباید بچه‌دار شویم یا ویدئوهایی علیه والدین. فکر می‌کنید فضای جامعه با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی برای پذیرش و گسترش این گونه محتوا فراهم است؟ یا رسانه این محتوا را به ما تحمیل می‌کند؟**

به نظرم اینجا یک رابطه سیستمی حاکم است نه رابطه خطی. در رابطه سیستمی دیگر دنبال این نیستیم که کدام پدیده اول بود و بعد کدام آمد چون اینجا رابطه متقابل و چرخشی است و عوامل از هم منفک نیستند. محتوایی که در رسانه زیاد دیده می‌شود، براساس نیاز جامعه ساخته شده و مورد استقبال قرار گرفته است. از سوی دیگر رسانه با ظرفیت و خلاقیت و هوشمندی برای بشر نیازسازی می‌کند و آن نیاز را به بشر القا می‌کند. مثلاً محتوایی تولید می‌شود که به من می‌گوید تو حتماً باید خیلی پولدار باشی، باید حتماً ماشین لوکس سوار شوی. به من ماشینی نشان می‌دهد که قیمت ماشینی فعلی من هم قیمت آینده‌اش است اما به من می‌گوید من به تو یاد می‌دهم که چگونه بسیار سریع به این پول و ماشین برسی. این ویدئو برای من جذاب است و آن را می‌بینم چون نیازش را در خودم احساس می‌کنم.

من نحوه برخورد افراد با این قبیل محتوا را هم گاهی مطالعه می‌کنم؛ جالب اینکه اغلب پیام‌ها در مورد غلط بودن راه‌حل است نه در مورد ارزش اولیه محتوا. چون تفکر انتقادی نداریم کسی به این مساله نمی‌پردازد که اصلاً چرا من باید چنین خودرویی سوار شوم؟ یا تبلیغ می‌کنند چگونه پوست خود را تا آخر عمر شاداب و جوان نگه داریم؛ انتقادهای زیادی به این محتوا وارد می‌شود اما اغلب از جنس انتقاد به راه‌حل و ارائه راه‌حل جایگزین است اما کسی به این نقد نمی‌کند که اساساً چرا فرد در ۸۰ سالگی باید صورت جوان داشته باشد. آیا چهره جوان داشتن در ۸۰ سالگی ارزش است؟ این ارزش از کجا آمده است؟ کمتر کسی به اصل این ارزش نقد وارد می‌کند. من نگران این نیستم که به فرد یاد بدهند چگونه ماسک صورت درست کند و استفاده کند تا صورتش شاداب‌تر و جوان‌تر باشد و مثل چینی‌ها و ژاپنی‌ها و سلبریتی‌های آسیای جنوب شرقی شود. نگرانی من از این است که چرا به من القا می‌کنند که اگر تو پوستت به زیبایی آن سلبریتی در آسیای جنوب شرقی نیست، موجود ارزشمندی نیستی و باید فکری به حال خودت بکنی؛ یعنی نظام ارزش‌گذاری غلطی می‌سازند که بسیار خطرناک است و برای فرد، جامعه و نهاد خانواده بسیار آسیب‌زا است. این نظام ارزش‌گذاری غلط برای سلامت روان، سلامت جسم، سلامت اجتماعی و اقتصادی مشکل ایجاد می‌کند. من بیشتر نگران این ارزش‌سازی‌های ظریف و پنهان در شبکه‌های اجتماعی هستم؛ مثلاً ترویج می‌کنند که بهتر است مجرد بمانی یا باید حتماً این مدلی ازدواج کنی یا فرزند نیآوری یا اگر داری این مدلی تربیت کنی که همگی به نظام خانواده آسیب وارد می‌کنند.



**هدایتی:**

من نگران این نیستم که به فرد یاد بدهند چگونه ماسک صورت درست کند و استفاده کند تا صورتش شاداب‌تر و جوان‌تر باشد و مثل چینی‌ها و ژاپنی‌ها و سلبریتی‌های آسیای جنوب شرقی شود. نگرانی من از این است که چرا به من القا می‌کنند که اگر تو پوستت به زیبایی آن سلبریتی در آسیای جنوب شرقی نیست، موجود ارزشمندی نیستی و باید فکری به حال خودت بکنی؛ یعنی نظام ارزش‌گذاری غلطی می‌سازند که بسیار خطرناک است و برای فرد، جامعه و نهاد خانواده بسیار آسیب‌زا است.

در مباحث روانشناسی می‌گویند زمانی که فرزندان کار اشتباهی انجام می‌دهد، اگر با او برخورد مستقیم داشته باشید احتمال بالایی وجود دارد که نتیجه عکس بگیرید و رفتار فرزند را باید با رفتارهایی



که از خود شما می‌بیند و می‌آموزد به تدریج اصلاح کرد. شبکه‌های اجتماعی هم حتماً محتوایی دارند که موجب شود نهادهای قوی مانند خانواده، زندگی مشترک و... مورد تهدید قرار بگیرد اما این مساله هم دلیلی بر ایجاد محدودیت در دسترسی به این شبکه‌ها نیست. قاعدتاً این برخورد با توجه به آماري که از رسانه‌های اجتماعی و سهم آنها در زندگی روزمره و فعالیت‌های اقتصادی و شکل دهی هنجارهای اجتماعی داریم، برخورد منطقی و درستی نیست. شاید اساساً مشکل این است که ما به قدر کافی محتوای درست و غنی تولید نکرده‌ایم که بتوان با آن محتوای غلط مقابله کرد. مارشال مک‌لوهان می‌گوید «رسانه پیام است». اما من معتقدم که امروز رسانه‌های اجتماعی «پیام زندگی» هستند، چون فرصت‌های زیادی از طریق آنها برای فرد ایجاد می‌شود. رسانه‌های اجتماعی فرصت اقتصادی فراهم کرده‌اند، فرصت علم‌آموزی و کسب دانش ایجاد کرده‌اند، فرصت گردشگری فراهم کرده‌اند که مثلاً فرد می‌تواند آثار تاریخی را ببیند، رسانه‌های اجتماعی فرصت‌هایی را در فضای مجازی برای فرد ایجاد کرده‌اند که اینها پیش از این وجود نداشت. یا در مثال‌هایی ساده‌تر این رسانه‌ها فرصت شکل‌گیری گروه‌هایی را فراهم کرده است که یک بعد یا جنبه مشترک با یک علاقه مشترک دارند و تجربیات این افراد با باز نشر می‌تواند به دیگران کمک کند. حتی در حوزه سلامت افرادی که تجربه‌ای در مقابله با یک بیماری دارند، می‌توانند این اطلاعات را به اشتراک بگذارند و برای دیگران فرصت ایجاد کنند. بسیاری از فرصت‌های آموزشی که در حال حاضر توسط رسانه‌های اجتماعی و به صورت کلی در فضای مجازی ایجاد شده، پیش از این وجود نداشت. ارتباطات از طریق رسانه‌های اجتماعی بسیار تسهیل شده و همه می‌توانیم به افراد مختلفی از این طریق دسترسی داشته باشیم و با افراد مختلف ارتباط داشته باشیم.

در جامعه دانشگاهی یعنی بین محققان رسانه‌های اجتماعی هم فرصت هست و هم تهدید. اما نوع مواجهه با تهدید آنها مهم است. به این آمار دقت کنید؛ ما در شش ماه اول سال جاری حدود بیش از ۱۰ هزار و ۷۰۰ نفر تلفات جانی در تصادفات جاده‌ای داشته‌ایم. آیا برای جلوگیری از تصادف و کاهش مرگ‌ومیر می‌رویم جاده را می‌بندیم؟ قاعدتاً این راهکار مقابله نیست. شما باید عوامل مختلف را شناسایی و بعد با آن عوامل مقابله کنید؛ آنها را اصلاح کنید یا بهبود ببخشید؛ مثلاً اگر در اغلب مواقع رانندگان مقصرند، باید فرهنگ‌سازی کنید. اگر مشکل از خودرو است باید صنعت خودرو را بهبود ببخشید، اگر کیفیت جاده‌ها سهم بالایی دارد، آن را اصلاح کنید. در حوزه رسانه‌های اجتماعی هم باید هر دو جنبه مثبت و منفی مدنظر قرار بگیرد. محدودیت و مسدودیت باعث ایجاد راه‌های غیرقانونی و نادرست مانند استفاده از فیلتر شکن شده که خودش ریسک آسیب‌ها را برای فرد و جامعه بالا برده است.

**مواجهه دنیا با شبکه‌های اجتماعی برای حفظ نهادهای مهم و موثر مانند خانواده، آزادی، علم و... از چه جنسی است؟ نحوه مواجهه باید چگونه باشد؟**

فکر می‌کنم محققان و اندیشمندان در کشورهای توسعه‌یافته متوجه شده‌اند که به عنوان کسانی که دارند فرهنگ غالب جهان را به آرامی شکل می‌دهند، باید روی بخش تفسیر محتوا کار کنند؛ یعنی



می‌دانند محتوایی که تولید می‌شود و در اختیار همگان قرار می‌گیرد چگونه و تا چه اندازه می‌تواند بر ذهن و روان افراد تاثیرگذار باشد پس روی بخش تفسیر بسیار کار کردند؛ چگونه؟ ببینید بشر به استفاده از مهارت‌های فکری‌اش هر امری را تفسیر می‌کند. هر چقدر مهارت‌های فکری فرد ضعیف‌تر، سطح پایین‌تر، غریز فنگرانه‌تر و قطعی‌تر باشد؛ بیشتر ممکن است که هر محتوایی را بپذیرد. قبل‌تر هم گفتیم که در نظام آموزشی و تربیتی القایی، فرد چرایی بسیاری از پدیده‌ها و رفتارها را نمی‌داند و

رسانه‌های اجتماعی دو دسته ملموس و غیرملموس دارد. مثلاً کلاهبرداری یا تقلب در خرید و فروش کالا، ملموس است و قابل گزارش و پیگیری حقوقی است و راحت‌تر قابل رصد کردن است. اما در مقابل برخی آسیب‌ها غیرملموس است، مثلاً اثرگذاری محتوا در بلندمدت بر رفتار کاربران مساله‌ای نیست که بتوان برایش یک راهکار فوری و مشخص داد. این آسیب‌ها باید از هم تفکیک شود. ما باید بتوانیم ضمن استفاده از رسانه‌های اجتماعی، با آسیب‌های احتمالی آنها مقابله کنیم و از فرصت‌های آن بهره‌مند شویم.

**ک** برای حفظ سلامت فردی اعم از جسمی و روحی در برابر آسیب‌های احتمالی شبکه‌های اجتماعی چه باید کرد؟ چگونه می‌توان افراد را در برابر این آسیب‌ها ایمن و مصون ساخت؟ فیلترینگ یا آموزش؟

در سواد رسانه‌ای جمله‌ای داریم که می‌گوید «روح سواد رسانه‌ای تفکر انتقادی است». منظور من از آموزش، پروراندن تفکر انتقادی با تعریف صحیح است. تفکر انتقادی به معنای نگاه کردن به موضوع در لایه‌های عمیق‌تر، در زوایای متفاوت و بعد خلق ایده بدون ترس از اینکه مورد قضاوت واقع شویم؛ یعنی تفکر خلاق به مثابه خلق ایده. اینها باید پرورش پیدا کند. کودکی که وارد جهان می‌شود، عاشق این است که موضوعات را دستکاری کند، در موردشان کنجکاوی کند و سوال بپرسد و به دنبال پذیرش صرف نیست. ما در نظام تربیتی مدام به او می‌گوییم گوش کن و حرف زن. این پیام باعث می‌شود او بعداً حرف رسانه را بی‌چون و چرا گوش کند. بنابراین پرورش این مهارت‌های فکری و نه صرفاً آموزش، چون آموزش باز هم اثر القایی دارد، بسیار به افراد کمک می‌کند.



**ک** ما به عنوان فعالان رسانه‌ای و همه رسانه‌های مدافع آزادی همواره مخالف فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی هستیم اگر چه قاعداً مخالفت با فیلترینگ به معنی تایید همه محتوایی که در شبکه‌های اجتماعی تولید می‌شود، نیست. شما با فیلترینگ و ایجاد محدودیت مخالفت کردید، چرا باور دارید محدودیت راه چاره نیست؟

رسانه‌های اجتماعی محل تبادل ایده‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی هستند و اگر فرصت بروز پیدا نکنند، دیگران از فرصتی که دارند استفاده می‌کنند و آن ایده‌ها را اجرا می‌کنند. مخالفت با استفاده از فناوری‌های جدید، خالی کردن میدان و دادن فرصت به رقبا و دیگری است که بیشتر و بیشتر از این فضا بهره‌مند می‌شوند. از طرفی با فیلترینگ کردن یک مانع می‌گذارند که فقط برخی می‌توانند با خرید فیلترشکن از روی آن عبور کنند و در نتیجه فرصت برای کسانی که فیلترشکن ندارند از دست می‌رود. به این ترتیب در برابر شکل‌گیری هر نوع ایده‌ای که قابلیت تحول در فرد و خانوار یا در پایین‌ترین سطح، قابلیت چرخاندن چرخ زندگی افراد را دارد، از دست می‌رود. فیلترینگ در وهله اول فرصت‌های برابر برای ما و شهروندان دیگر کشورها و در وهله دوم فرصت‌های ایجاد برابری در جامعه خودمان را از بین می‌برد. یعنی در جامعه شکاف اطلاعاتی بین فقیر و غنی، بر خوردار و غیربرخوردار بزرگ‌تر می‌شود چون افراد برخوردار می‌توانند فیلترشکن بهتر و اینترنت پرسرعت‌تر خریداری کنند. این رفتار در واقع باعث رشد یک گروه و عقب‌ماندگی گروه‌های دیگر جامعه می‌شود.

همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره شد در پنج سال آینده کاربران شبکه‌های اجتماعی به نزدیک شش میلیارد نفر در دنیا می‌رسد که رقم بسیار قابل توجهی است. ایجاد محدودیت و مسدودیت دسترسی به معنای محروم کردن افراد و کسب و کارها از دسترسی به این تعداد زیاد کاربران است که هر کدام حداقل یک برند تجاری را دنبال می‌کنند و هر کدام حداقل یک‌بار از طریق شبکه‌های اجتماعی کالا خریده‌اند. محدودیت باعث می‌شود هنجارها در نتیجه اطلاعات نادرست و غیرصحیح به ناهنجار تبدیل شود. اساساً برخی ناهنجاری‌ها نه نتیجه شبکه‌های اجتماعی که نتیجه ایجاد محدودیت در دسترسی و انتقال نادرست محتوایست و به غلط به شبکه‌های اجتماعی ربط داده می‌شود.

**مهرابی:** فیلترینگ در وهله اول فرصت‌های برابر برای ما و شهروندان دیگر کشورها و در وهله دوم فرصت‌های ایجاد برابری در جامعه خودمان را از بین می‌برد. یعنی در جامعه شکاف اطلاعاتی بین فقیر و غنی، بر خوردار و غیربرخوردار بزرگ‌تر می‌شود چون افراد برخوردار می‌توانند فیلترشکن بهتر و اینترنت پرسرعت‌تر خریداری کنند. این رفتار در واقع باعث رشد یک گروه و عقب‌ماندگی گروه‌های دیگر جامعه می‌شود.

نمی‌تواند بپرسد؛ چون یاد گرفته همه چیز را بپذیرد. در کشورهای توسعه‌یافته بسیار زود متوجه شدند که باید قدرت سنجیدن را وارد زندگی فرزندانمان کنند؛ نظام مدرسه و تعلیم و تربیت، نظام خانواده، نظام اجتماعی، قدرت اعتراض، بحث، گفت‌وگو، دیالوگ، مونولوگ، شنیدن صداهای متفاوت و... همه اینها به فرد تعلیم داده شده است. وقتی کودک فرصت کرد خیلی چیزها و حتی ارزش‌ها را کنار پدر و مادر و معلمش مورد سوال و آزمون قرار دهد، اجازه پیدا کند که خودش جواب پیدا کند و در مورد آن بحث کند، یادگیری هم حاصل می‌شود و تفکر انتقادی پرورش پیدا می‌کند. یعنی پدر و مادر به او نمی‌گویند چقدر حرف می‌زنی، معلم در کلاس نمی‌گوید این چه سوالی است که می‌پرسی، به والدینت بگو فردا به مدرسه بیایند و نمره انضباط تو را هم کم می‌کنم. اتفاقاً به او گفتند که باید سوال بپرسی و نقد کنی تا بعدها وقتی پیامی روبه‌روی تو قرار گرفت، چه در کتاب و روزنامه و مجله باشد، چه روی بیلبورد شهری باشد و چه در رسانه‌های اجتماعی، از چرایی آن سوال می‌پرسی که این پیام چیست و چه هدفی دارد؟ چون تو یاد گرفته‌ای چگونه مواجه شوی. ماهمیشه می‌گوییم در خانواده‌های بسته‌تر، وقتی تبلیغ تلویزیونی می‌گوید اگر این خمیردندان را استفاده کنی با پتک هم روی دندانانت بکوبی نمی‌شکنی، کودک هیچ وقت سوال نمی‌کند که چرا این خمیردندان چنین کاری می‌کند اما خمیردندان‌های دیگر نمی‌کند. در جامعه‌ای که تفکر انتقادی و تفکر خلاق و مراقبتی به کودک آموزش داده شده، کودک هم سوال می‌پرسد، هم مراقب ارزش‌ها و هنجارهاست و هم خودش ایده خلق می‌کند. به همین دلیل است که ما قادر به حذف این پیام‌های غلط رسانه‌ای نیستیم. چون قدرت نقد و خلق ایده و مراقبت نداریم.

دیگر جوامع تلاش می‌کنند نظام تعلیم و تربیت چه در محیط خانواده و چه در محیط آموزش و پرورش درست باشد. ما هم به جای فیلترینگ رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باید به کودک یاد بدهیم یک غشاء نیمه‌تراوا در مغزش برای تفسیر کردن داشته باشد و وقتی تفسیر می‌کند، مهارت‌های فکری سطح بالا را به کار ببرد. به جای پذیرش، صحت هر پیامی را نقد کند، تفسیر کند و مورد آزمون قرار بدهد و از آن خودسازی کند و اصطلاحاً خلق ایده کند. راه‌حل این نیست که آدم‌ها را محروم کنیم. باید بگوییم من نمی‌ترسم از اینکه تو چه بشنوی و ببینی چون می‌دانم از کودکی تا امروز که به بزرگسالی رسیده‌ای، به‌گونه‌ای تعلیم دیدی و یک ابزار فکری داری که خیال من به عنوان والد، به عنوان معلم، به عنوان سیاستگذار راحت است چون به احتمال قوی بلد هستی چگونه با این پدیده‌ها مواجه شوی، می‌دانی که باید هر پیامی را مورد آزمون و سنجش قرار بدهی و صحت‌وسقم آن را بسنجی.

در حوزه دانشگاهی و بین‌حقوقی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، مستندات کافی مبنی بر اینکه رسانه‌های اجتماعی محیطی کاملاً امن یا غیرامن هستند که بتوان به آن ارجاع داد و براساس آن تصمیم گرفت، وجود ندارد. آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی محدود به کشور ما نیست و در هر جای دیگری این آسیب‌ها اتفاق می‌افتد. راهکار مقابله با آسیب‌های رسانه‌ای به طور کلی «نظارت» است اما این نظارت به معنای ایجاد یا تشدید محدودیت نیست. جنس نظارت در رسانه‌های اجتماعی با نظارت در رسانه‌های سنتی مثل رادیو، تلویزیون و روزنامه بسیار متفاوت است. در رسانه‌های سنتی جریان اطلاعات از بالا به پایین بود و بنابراین محلی برای نظارت و اعمال نظارت وجود داشت اما در رسانه‌های اجتماعی، دیگر یک منبعی نیست که آن محدودیت‌ها و آن نظارت‌ها را بتوانیم انجام دهیم. چرا؟ چون کاربران که سهم بالایی از شهروندان هستند، مثلاً در ایران ۷۸/۵ درصد از شهروندان کاربر شبکه‌های اجتماعی هستند، دائم در حال تولید محتوا هستند و راه کاملاً دقیقی برای کنترل و نظارت وجود ندارد.

در رسانه‌های اجتماعی جریان ارتباطات و محتوایی که ارسال می‌شود از پایین به بالاست. در این شبکه‌ها بحث نظارت یک بحث فنی است و پلت‌فرم‌های مختلف انواع مختلف روش‌های نظارتی را به کار می‌برند تا بتوانند بر آنچه از سمت پایین یعنی از سمت کاربر تولید می‌شود، نظارت داشته باشند. از طرفی آسیب‌های



**هدایتی:** راه‌حل این نیست که آدم‌ها را محروم کنیم. باید بگوییم من نمی‌ترسم از اینکه تو چه بشنوی و ببینی چون می‌دانم از کودکی تا امروز که به بزرگسالی رسیده‌ای، به‌گونه‌ای تعلیم دیدی و یک ابزار فکری داری که خیال من به عنوان والد، به عنوان معلم، به عنوان سیاستگذار راحت است چون به احتمال قوی بلد هستی چگونه با این پدیده‌ها مواجه شوی، می‌دانی که باید هر پیامی را مورد آزمون و سنجش قرار بدهی و صحت‌وسقم آن را بسنجی.





# شاخص‌ها بورس

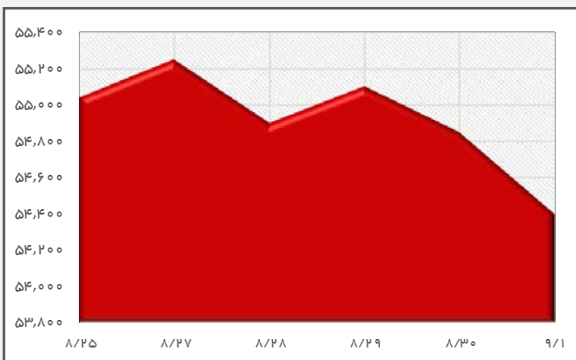
## سکه از طلا

### ارزهای دیجیتال

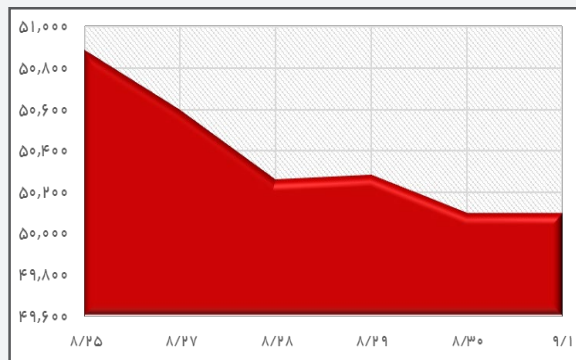
بورس	دلار
- ۰/۸۱٪	- ۱/۵۴٪
بیت کوین	تمامسکه
+ ۰/۳۷٪	- ۰/۸۸٪

از ۱۴۰۲/۸/۲۵ تا ۱۴۰۲/۹/۱

نمودار هفتگی نرخ یورو (تومان)



نمودار هفتگی نرخ دلار (تومان)

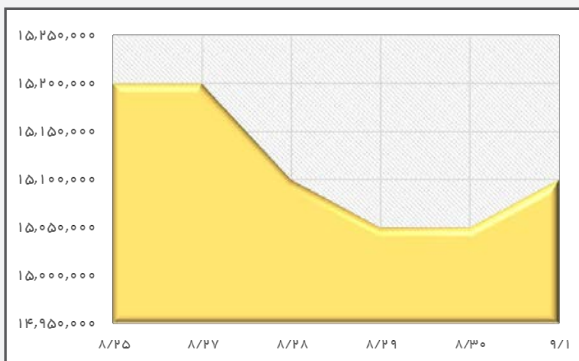


نرخ ارز در بازار تهران ۱۴۰۲/۹/۱

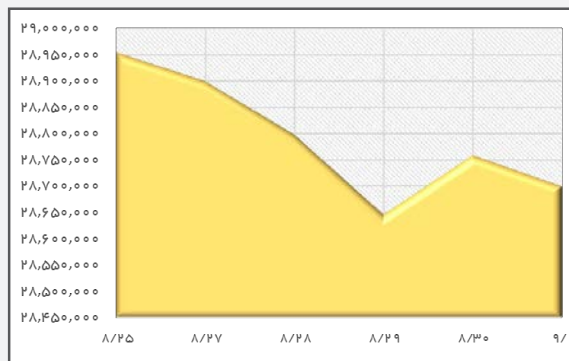
قیمت پایان روز به تومان

- لیبر: ۱,۷۴۰
- درهم: ۱۳,۸۰۰
- یورو: ۵۴,۴۰۰
- دلار: ۵۰,۱۰۰

نمودار هفتگی تغییر قیمت نیمسکه (تومان)



نمودار هفتگی تغییر قیمت تمامسکه (تومان)



نرخ سکه در بازار تهران ۱۴۰۲/۹/۱

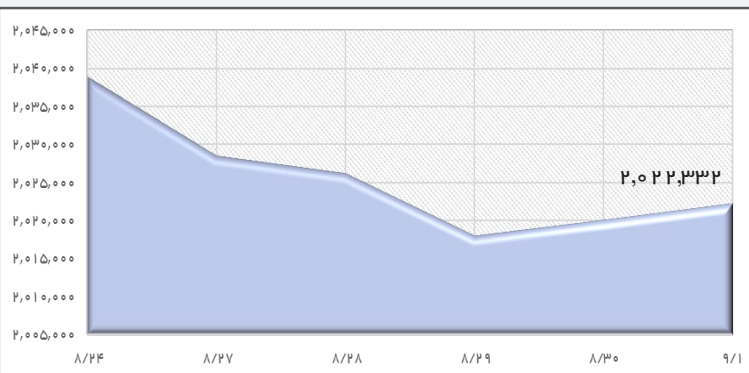
قیمت پایان روز به تومان

- ربع سکه: ۱۰,۱۰۰,۰۰۰
- نیمسکه: ۱۵,۱۰۰,۰۰۰
- تمامسکه: ۲۸,۷۰۰,۰۰۰

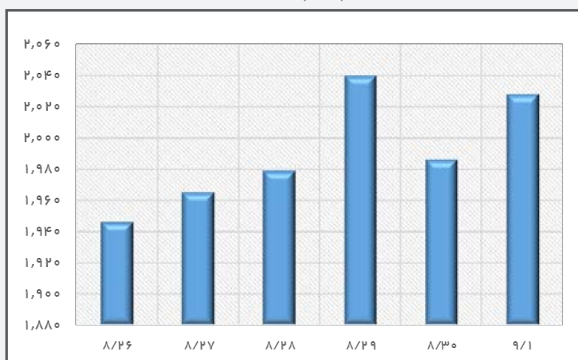


شاخص کل بورس

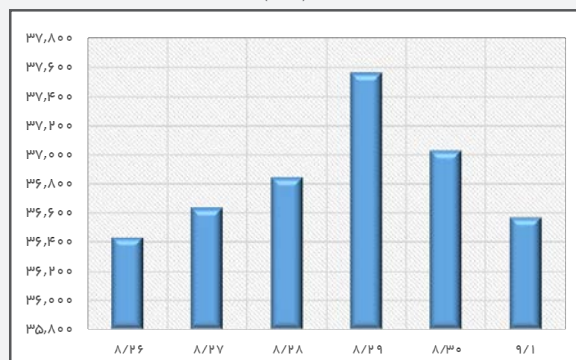
www.tse.ir



اتریوم / Ethereum (دلار)



قیمت بیت‌کوین - Bitcoin (دلار)



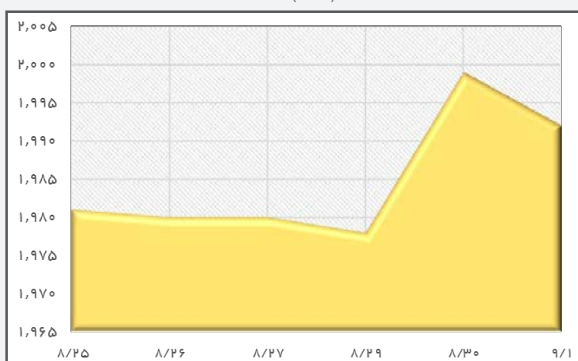
اتریوم (دلار)  
۲,۰۲۸



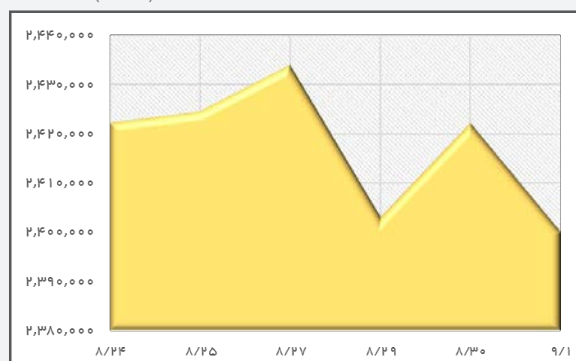
بیت‌کوین (دلار)  
۳۶,۵۶۸

قیمت ارزهای دیجیتال  
۱۴۰۲/۹/۱ (۲۰:۰۰)  
www.tgju.org

قیمت جهانی هر اونس طلا (دلار)



نمودار هفتگی تغییر قیمت یک گرم طلای ۱۸ عیار (تومان)



منابع:

www.tgju.org  
www.tse.ir

اونس طلا (دلار)  
۱,۹۹۲



یک گرم طلای ۱۸ عیار  
۲,۴۰۰,۰۰۰

نرخ طلا در ایران و جهان  
۱۴۰۲/۹/۱

اینفوگرافیک: آر شین میرسعیدی



## سرما در میانه پاییز

### بازارهای مالی هفته گذشته را چگونه سپری کردند؟

سرمایه به محلی برای جبران کسری‌ها و ناترازی‌ها تبدیل شده و دولت مجبور است که تمام هزینه‌ها را حتی به صورت پنهانی دلاری کند. دلاریزه شدن هزینه شرکت‌ها در حالی است که سرنوشت نرخ فروش شرکت‌ها مشخص نیست و این امر می‌تواند به سقوط درآمد و سود دلاری شرکت‌ها بینجامد. از این‌رو در صورتی که بازار بر اثر هیجان اخبار مثبت نیز روند رو به رشدی را تجربه کند، احتمالاً از دلار عقب می‌ماند. بر اثر عوامل مذکور بازار ترجیح می‌دهد که با P/E پایینی سهام را معامله کند؛ حتی اگر این نسبت در پایین‌ترین سطوح تاریخی خود قرار داشته باشد. چرا که با افزایش ریسک‌های داخلی و احتمال کاهش نرخ رشد سودآوری، منطقی است که بازار P/E پایینی را به سهام اختصاص دهد.

نگاهی به روند ارزش معاملات طی هفته گذشته نیز نشان می‌دهد که میانگین این شاخص همانند هفته گذشته در محدوده سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان قرار دارد. این شاخص نیز حکایت از آن دارد که روند رکودی بر بازار حاکم شده است. همچنین طی هفته گذشته با ورود پول حقیقی به بازار، بورس تهران اندکی با استقبال حقیقی‌ها همراه شد. تا زمانی که دولت با ثبات در نحوه سیاست‌گذاری، نسبت به مفروضات آینده بازار سهام اطمینان کافی ندهد، احتمالاً بورس تهران روند خنثای فعلی را ادامه خواهد داد و بعید به نظر می‌رسد از مقاومت دو میلیون و ۱۴۵ هزار واحد عبور کند.

#### ● بیم نفت از بهره

پس از کاهش تنش‌ها در خاورمیانه، انتظارات افزایشی در زمینه قیمت نفت نیز فروکش کرد. به طوری که رویای نفت ۱۰۰ دلاری محقق نشد. با وجود آنکه معامله‌گران، قیمت نفت را تا حوالی ۹۸ دلار نیز افزایش دادند، اما به دلیل افزایش انتظارات در مورد تداوم سیاست انقباضی، بازار نفت نیز به فاز رکود بازگشت. به طوری که بهای هر بشکه نفت برنت در روز جمعه، به ۷۷ دلار کاهش یافت. اما قیمت نفت در ادامه هفته به کانال ۸۰ دلار رسید و در آن تثبیت شد. اما همچنان بازار نفت از سیاست فدرال‌رزرو و احتمال کاهش تولید از سوی تولیدکنندگان بزرگ بیم دارد. برخی از تحلیلگران بر این عقیده‌اند که انتشار داده‌های ضعیف از اقتصادهای دنیا، سبب شده بهای هر بشکه نفت به کف چهارماهه اخیر خود سقوط کند. برخی از گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که کشورهای صادرکننده نفت جهان، در نشست ۲۶ نوامبر صادرات خود را کاهش دهند. از این‌رو به نظر می‌رسد یکی دیگر از دلایل بازگشت نفت به کانال ۸۰ دلار و تثبیت در آن کاهش عرضه جهانی باشد. احتمالاً روسیه و عربستان سعودی به عنوان دو صادرکننده نفت در جهان، تا سال ۲۰۲۴ صادرات

برای خرید می‌دانند، اما عواملی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا بازار نسبت به ارزندگی یا اعداد بسیار پایین P/E حساسیت نشان نداده و حتی واکنشی نشان ندهد. اهالی بورس تهران حتماً ارزندگی بازار را می‌فهمند، اما نسبت به متغیرهایی که در آینده برای بازار متصور هستند، اطمینان کافی ندارند.

علت ناطمینانی بازار نسبت به آینده نیز در تصمیمات ناگهانی دولت ریشه دارد. انتشار اخبار نرخ خوراک نشان داد که حتی نسبت به مفروضات گذشته نیز اطمینان کافی وجود ندارد. به طوری که تحلیلگران نیمه اول سال را با گاز خوراک پنج هزار تومانی مورد بررسی قرار داده بودند. اکنون به نظر می‌رسد، خوراک پتروشیمی‌ها را باید با همان هفت هزار تومان محاسبه کرد. این در حالی است که طی سال‌های گذشته نرخ خوراک به صورت ریالی محاسبه می‌شد. همچنین نمی‌توان بر نرخ انرژی و ضرابی که برای گاز سوخت تعیین شده است، نیز تکیه کرد. با این تفاسیر، مزیت رقابتی که برای شرکت‌های بورسی ایجاد شده بود، از میان رفته است. چرا که دلاریزه کردن نرخ انرژی نیز بر روند دلاری سودآوری شرکت‌ها اثرگذار بوده است. دولتی که اکنون سعی دارد با دخالت در شرکت‌ها بخشی از ناترازی‌های خود را جبران کند، بعید نیست که در حقوق دولتی و بهره مالکانه نیز اثرگذار باشد. معادن کوچک بورسی و شرکت‌های تولیدکننده کنسانتره و سنگ آهن، بسیار بیشتر از سایر کشورها حقوق دولتی پرداخت می‌کنند. این حقوق دولتی نیز بر اساس ضرایب شمش فولاد تعیین می‌شود. مطالب بیان‌شده نشان می‌دهد که بازار

در هفته پایانی آبان‌ماه، بازارهای مالی خارجی و داخلی روندی کاهشی را در پیش گرفتند. به نظر می‌رسد انتظارات در مورد احتمال افزایش نرخ بهره در ادامه سال میلادی یکی از دلایل اصلی احتیاط معامله‌گران در بازارهای بین‌المللی برای خرید باشد. همچنین عدم توجه سیاست‌گذاران داخلی به تبعات اتخاذ قوانین یک‌شبه بر افزایش ریسک بازار سرمایه افزوده است. نفت برنت در یک هفته اخیر با کاهش شدید به کف کانال ۸۰ دلاری نزدیک شد. همچنین دلار و سکه افت قیمتی قابل توجهی را تجربه کردند. بورس تهران نیز با نوسان اندک در کانال دو میلیون تومان باقی ماند.

#### ● آوار رکود بر سر بورس

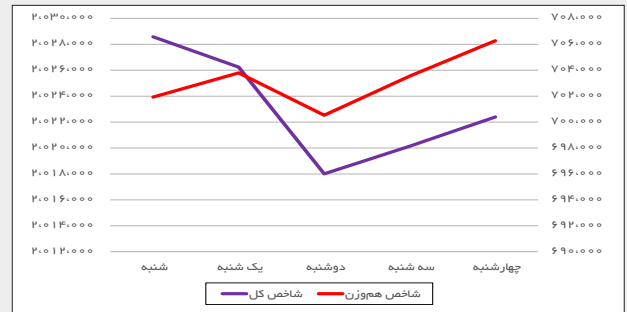
نماگر اصلی بورس تهران طی هفته گذشته، تغییر به‌خصوصی را تجربه نکرد. به طوری که شاخص کل بازار سهام موفق نشد در هفته پایانی آبان‌ماه از کانال دو میلیون تومان عبور کند. رکود عمیق در سایر بازارها پس از فروکش کردن تنش‌ها در خاورمیانه سبب شده است بورس تهران نیز از روند رکودی بازارها عقب نماند. شاخص کل هم‌وزن نیز روند خنثی را در هفته گذشته پیش گرفته است.

با وجود آنکه بازارهای جهانی در رکود به سر برده و قیمت‌های جهانی نیز روندی کاهشی به خود گرفته‌اند، اما بورس تهران نیز با واکنش منفی نسبت به رکود حاکم بر جهان، واکنش نشان داده است. بررسی‌ها از روند قیمت‌ها نشان می‌دهد که نفت طی هفته‌های گذشته با سقوط به کف کانال ۸۰ دلار و طلا نیز با کاهش قابل توجه قیمت، همراه شدند. پس از فروکش کردن انتظارات در مورد گسترش جنگ میان اسرائیل و غزه و کاهش احتمال درگیری طرف‌های دیگر خاورمیانه اکنون متغیرهای دیگری در بازارهای جهانی نقش ایفا می‌کنند. به نظر می‌رسد متغیر اصلی که امروز در جهان نقش اصلی را ایفا می‌کند، نرخ بهره است. با وجود آنکه تورم آمریکا پایین‌تر از انتظارات بود، اما به نظر نمی‌رسد که پایان چرخه انقباضی از سوی فدرال‌رزرو اعلام شود.

هرچند بورس تهران از قیمت‌های جهانی تاثیر می‌پذیرد، اما به نظر می‌رسد بازار سهام روزهای سخت‌تری را به واسطه عوامل داخلی تجربه می‌کند. سیاست‌گذاری‌های نادرست داخلی موجب کاهش اعتماد به بازار شده است. بازار در حال حاضر شرایطی را تجربه می‌کند که با متغیرهای فعلی، در نقطه ارزنده‌ای قرار دارد. نسبت قیمت به سود آینده‌نگر بازار در حال حاضر بر روی عدد ۵/۵ واحد قرار دارد که در کف نوسان نسبت به سال‌های گذشته است. اما آیا بورس تهران ارزندگی را نمی‌فهمد؟ با وجود آنکه تحلیلگران بنیادی با توجه به متغیرهای فعلی، قیمت‌های حال حاضر سهام را منطقه خوبی



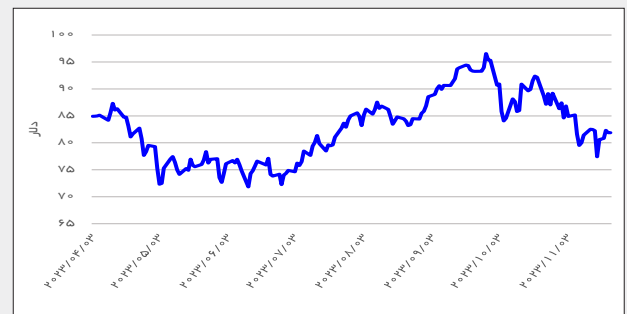
▲ روند قیمت دلار از ابتدای سال



▲ روند هفتگی شاخص کل و شاخص هموزن



▲ روند قیمت سکه از ابتدای سال



▲ روند قیمت نفت برنت از ابتدای ماه آوریل

می‌رسد چنین اظهاراتی بر این امر صحه می‌گذارد که بازار ارز کاملاً تحت کنترل بازارساز باشد.

### ● مقصر سقوط سکه، اونس یا دلار؟

اونس جهانی طلا طی هفته‌های گذشته همزمان با کاهش تنش‌ها در خاورمیانه روندی کاهشی را از سقف دو هزار و ۱۶ دلار خود در پیش گرفته است. اما پس از آن تحت تاثیر داده‌های اقتصادی، اونس طلا روندی افزایشی را در پیش گرفته است. آمارهای تورم آمریکا نشان داد که تورم در اقتصاد اول دنیا، تضعیف شده و شتاب گذشته را از دست داده است. به همین دلیل همزمان با انتشار داده‌های اقتصادی، انتظارات در زمینه کاهش نرخ بهره اندکی تقویت شد. همین امر سبب شد شاخص دلار روندی کاهشی پیش گرفته و اونس جهانی طلا نیز تقویت شود. به طوری که این شاخص، به هزار و ۹۸۰ دلار نیز رسید. همچنین رقیب اصلی بازار طلا، یعنی نرخ اوراق قرضه بلندمدت نیز تضعیف شد. شروع روند کاهشی نرخ بهره اوراق در آمریکا، طلا را برای معامله‌گران، جذاب‌تر کرد. اونس جهانی طلا به لحاظ تکنیکالی در محدوده‌ای قرار دارد که با کوچک‌ترین محرکی می‌تواند قیمت‌های بالاتر از دو هزار دلار را نیز به خود ببیند.

رشد قابل توجه اونس طلا می‌توانست به رشد قیمت سکه منجر شود. اما در داخل، شرایط به گونه دیگری رقم خورد. کاهش قیمت دلار به کانال ۴۹ هزار تومان در برخی از ساعات در روز دوشنبه، سبب شد سکه امامی نیز بار دیگر کانال ۲۹ میلیون تومان را از دست بدهد و در هفته جاری تا ۲۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان نیز به روند کاهشی خود ادامه دهد. ▲

با وجود این، دلار همچنان بالای ۵۰ هزار تومان معامله می‌شد. دلار آمریکایی طی هفته گذشته سعی کرد در کانال ۴۹ هزار تومان معامله شود. همچنان کاهش انتظارات تورمی و کنترل بازار ارز به وسیله بازارساز، سبب شده معامله‌گران با احتیاط بیشتری نسبت به معامله خرید اقدام کنند. به نظر می‌رسد هدف بازارساز نگه داشتن دلار در محدوده ۴۹ هزار تا ۵۰ هزار تومان باشد و برای کنترل نرخ ارز اقدامات لازم انجام شده است. همچنین آزادسازی برخی از منابع پولی ایران در عراق و اعمال برخی از معافیت‌های فروش نفت و انرژی در عراق نیز بر فشار فروش در بازار ارز افزود. در صورتی که تحول به خصوصی در خاورمیانه به وقوع نپیوندد و دولت به منابع ارزی خوبی دسترسی داشته باشد، نرخ ارز تا پایان سال، در کانال ۵۰ هزار تومان خواهد ماند. بنابر اظهارات رئیس بانک مرکزی، منابع پولی لازم در دسترس است و ارز مفت به کسی داده نمی‌شود. به نظر

خود را محدود کنند. شاخص دلار که به پایین‌ترین حد دو و نیم‌ماهه خود رسیده است، نیز یکی از متغیرهای حمایتی نفت است. دلیل تضعیف شاخص دلار نیز انتظارات در زمینه تداوم چرخه افزایشی نرخ بهره است که احتمالاً تا نیمه ۲۰۲۴ سیاست انقباضی پولی از سوی بانک مرکزی آمریکا حفظ شود. احتمال انتشار داده‌های ضعیف اقتصادی از سوی برخی از کشورها به خصوص چین که دومین مصرف‌کننده نفت در جهان شناخته می‌شود، همچنان قیمت نفت را سرکوب می‌کند. به نظر می‌رسد در حال حاضر نرخ بهره اصلی‌ترین نگرانی معامله‌گران نفت باشد تا انگیزه آنان را برای معامله خرید کاهش دهد. از این رو قیمت‌ها همچنان روندی نزولی را ادامه خواهند داد.

### ● سیر نزولی دلار و انتظارات تورمی

نرخ اسکناس آمریکایی، پس از شروع جنگ در غزه رشد قیمتی قابل توجهی را تجربه کرد. به طوری که پس از ۹۱ روز معاملاتی در نیمه مهرماه از خواب تابستانی بیدار شد و از سقف قیمتی ۵۰ هزار تومان عبور کرد. این در حالی است که طی مدت مذکور به دلیل کاهش انتظارات تورمی قیمت دلار بارها به سطح ۵۰ هزار تومان واکنش نشان داده بود، اما موفق نشد از آن عبور کند. اما با آغاز تحولات غزه، قیمت دلار بالاخره از مقاومت ۵۰ هزار تومان عبور کرد. احتمال گسترش درگیری‌ها و کشیده شدن پای ایران به این جنگ، دلار را تا کانال ۵۳ هزار تومان نیز افزایش داد. اما پس از آن دلار در محدوده ۵۰ تا ۵۱ هزار تومان تثبیت شد. کاهش نااطمینانی‌ها و بهبود اوضاع جنگ مانع از ادامه حرکت صعودی دلار شد.



## وضعیت کنتانگو

### چرا قیمت جهانی نفت رو به کاهش است؟

پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی برای سال ۲۰۲۴ کاهش قابل توجهی در رشد تقاضا را نشان می‌دهد و بر تاثیر بازگشت اقتصادی همه‌گیری و پیشبرد اقدامات بهروری انرژی تاکید می‌کند.

#### ● شاخص‌های اقتصادی چین

آمار اقتصادی اخیر چین فراتر از انتظارات بوده است به طوری که تولید صنعتی و میزان خرده‌فروشی رشد چشمگیری را در ماه اکتبر به ثبت رساندند. این روند مثبت به نوعی با چالش‌های موجود در بخش املاک خنثی شده تا احیای کامل اقتصاد چین همچنان محقق نشود. با وجود اقدامات سیاستی متنوع، بهبود اقتصادی چین در دوران پساکرونا همچنان ضعیف بوده است. موضوعی که منعکس‌کننده تاثیر متقابل پیچیده عوامل اقتصادی داخلی و جهانی است.

#### ● آمار انرژی آمریکا

آخرین گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد ذخایر نفت خام این کشور رشد قابل توجهی داشته و در عین حال موجودی ذخایر فرآورده‌های تقطیری و بنزین کاهش غیرمنتظره‌ای را به ثبت رسانده است. این آمار نشان می‌دهد که پویایی بازار نفتی آمریکا دچار تغییر شده به طوری که فعالیت پالایشگاه‌ها به منظور برطرف کردن تقاضای رو به رشد به شدت افزایش یافته است. کاهش غیرمنتظره ذخایر بنزین و همچنین فرآورده‌های تقطیری نشانگر افزایش تقاضاست که به صورت بالقوه می‌تواند به افزایش بیشتر تولید پالایشگاه‌ها منجر شود.

#### ● اتحاد تولیدکنندگان آفریقایی در آستانه نشست

##### ● اوپک پلاس

در حالی که اعضای اوپک پلاس خود را برای نشست ۲۶ نوامبر آماده می‌کنند. تولیدکنندگان آفریقایی به طور ضمنی نسبت به تنظیم مجدد اهداف تولید سال ۲۰۲۴ از سوی گروه نفت ابراز تاسف می‌کنند که حداکثر میزان تولید نیجریه یا آنگولا را محدود می‌کند. پس از مذاکرات پرتنش در ماه ژوئن، همه کشورهای آفریقایی توافق کردند که مشمول سهمیه‌های ۲۰۲۴ کمتری خواهند شد، مگر اینکه بتوانند ظرفیت تولید بالاتری را تا قبل از نوامبر نشان دهند، که تا حدی ارقام محدود کردن تولید نیجریه و آنگولا را توضیح می‌دهد.

در نیمه نخست سال ۲۰۲۳، نیجریه به طور میانگین تنها ۱/۳۸ میلیون بشکه در روز نفت تولید کرده که ۴۰۰ هزار بشکه کمتر از سهمیه روزانه‌ای است که اوپک برای این کشور تعیین کرده است. به طور مشابه، آنگولا نیز سهمیه تولید روزانه ۱/۴۶ میلیون بشکه دارد که در نیمه نخست امسال به طور میانگین اندکی بالاتر از یک میلیون بشکه در روز تولید داشته است.

تغییر به دلیل پایین‌ترین قیمت آتی نفت خام از اواسط جولای که ناشی از نگرانی‌ها از کاهش تقاضای کوتاه‌مدت است، تشدید شده است. با وجود پیش‌بینی‌های قبلی مبنی بر رسیدن قیمت نفت به ۱۰۰ دلار در هر بشکه، سناریوی فعلی بازار موجب کاهش این شرط‌بندی‌ها شده که نشان‌دهنده احساس نزولی است. افزایش ذخایر نفت خام ایالات متحده و سطح تولید بی‌سابقه این کشور، همراه با تکمیل مجدد مرکز ذخیره نفت کوشینگ، او کلاهما از دلایل اصلی ایجاد این وضعیت به حساب می‌آیند.

#### ● چشم‌انداز مثبت اوپک

برخلاف روندهای نزولی بازار، اوپک همچنان چشم‌انداز مثبتی برای بازار نفت متصور است. این سازمان اخیراً پیش‌بینی خود را از رشد تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۳ افزایش داده و در این زمینه به تقویت شرایط بنیادی بازار اشاره کرده است. افزایش چشمگیر واردات چین و سلامت فیزیکی بازار نفت دو عاملی است که با وجود افت قیمت نفت برنت اوپک را به این نتیجه رسانده که با ادامه سیاست کاهش تولید از ثبات بازار حمایت کند.

#### ● تعدیل پیش‌بینی آژانس

##### ● بین‌المللی انرژی

آژانس بین‌المللی انرژی که با پیش‌بینی‌های اوپک همسو می‌شود، پیش‌بینی می‌کند با وجود رشد کندتر اقتصاد جهانی، تقاضای جهانی نفت افزایش می‌یابد. با وجود این، این سازمان معتقد است بازار با آغاز سال ۲۰۲۴ با عرضه مازاد بالقوه مواجه خواهد شد که تضاد کاملی با کسری فعلی ناشی از کاهش تولید از سوی تولیدکنندگان عمده دارد.

افت پنج درصدی قیمت نفت در یک روز و سقوط آن به کانال ۷۰ دلاری برای هر بشکه موجب شد مجدداً این سوال میان کشورهای تولیدکننده نفت مطرح شود که آیا نفت ۱۰۰ دلاری به یک روپا تبدیل شده است؟

بازار وارد شرایط کنتانگو شده است، وضعیتی که در آن قیمت آتی نفت بالاتر از قیمت لحظه‌ای مورد انتظار قرارداد در سررسید است. با وجود اینکه سایه جنگ از سر خاورمیانه برداشته نشده، ولی به نظر می‌رسد بازار احتمال گسترش درگیری‌ها و باز شدن پای کشورهای تولیدکننده نفت به درگیری را کم می‌داند و دیگر این نااطمینانی فشاری را در طرف عرضه ایجاد نمی‌کند. حالا هم نمودارها منفی است و هم شرایط اثرگذار بر بازار. تعداد آمریکایی‌هایی که درخواست‌های جدید برای مزایای بیکاری کرده‌اند به بالاترین سطح سه ماه اخیر رسیده. موضوعی که نشان می‌دهد شرایط بازار کار همچنان رو به تضعیف است. از سوی دیگر آمار رسمی اقتصادی دیگر ایالات متحده نشان می‌دهد، میزان خرده‌فروشی در این کشور در ماه اکتبر برای نخستین بار در هفت ماه اخیر کاهش یافته و خرید وسایل نقلیه موتوری و هزینه‌های تفریحی به شدت افت داشته است. ارقامی که حاکی از کاهش تقاضا در ابتدای سه ماه پایانی سال میلادی است و انتظارات را برای تداوم سیاست افزایش نرخ بهره فدرال رزرو تقویت می‌کند.

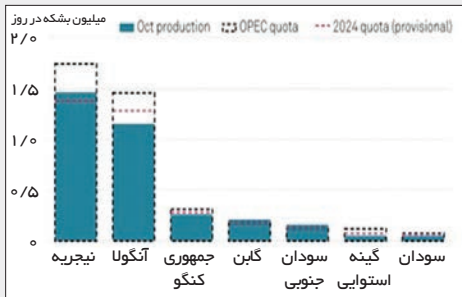
در حالی که اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) هر دو پیش‌بینی کرده‌اند که عرضه جهانی نفت خام در سه‌ماهه پایانی سال جاری فشرده خواهد شد، آمارها نشان می‌دهد که موجودی ذخایر نفت آمریکا فراوان است.

از سویی دیگر رکود در تولید پالایشگاه‌های نفت چین سرمایه‌گذاری‌ها را در این کشور متوقف کرده است. میزان خروجی پالایشگاه‌های چین در اکتبر نسبت به ماه گذشته افت داشته و تقاضای سوخت صنعت نیز با روندی کاهش مواجه شده است. با وجود این فعالیت‌های اقتصادی چین در اکتبر رشد داشته و رشد تولید صنعتی سریع‌تر از رشد خرده‌فروشی و فراتر از انتظارات بوده است.

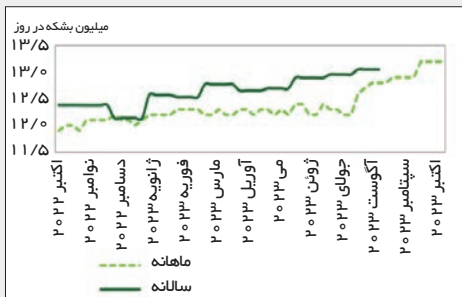
تحلیلگران معتقدند افت قیمت کنونی در میان یک پس‌زمینه به‌ظاهر خوش‌بینانه اتفاق می‌افتد، که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران وزنی به روایت «تصویر ذخایر سه‌ماهه چهارم» نمی‌دهند؛ روایتی که گزارش‌های هفتگی اخیر EIA نیز از آن حمایت نمی‌کند.

#### ● انتقال بازار به کنتانگو

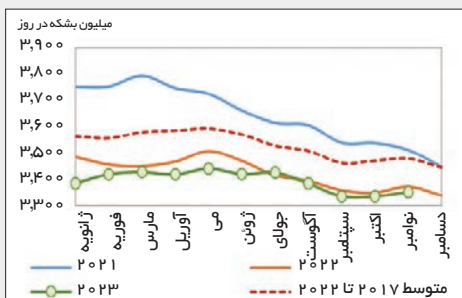
بازار نفت در حال حاضر وارد ساختار کنتانگو شده است، وضعیتی که در آن قیمت‌های لحظه‌ای از قیمت‌های تحویل آتی پایین‌تر بوده و سیگنالی برای عرضه مازاد به حساب می‌آید. این



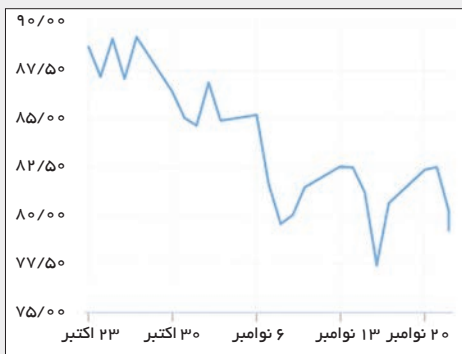
شکل ۱ - تولید نفت کمتر از سهمیه کشورهای آفریقایی اوپک



شکل ۲ - تولید نفت خام آمریکا



شکل ۳ - موجودی ذخایر نفت خام جهان



شکل ۴ - تولید نفت خام آمریکا

هر بشکه استفاده خواهد کرد. پیشتر وقتی قیمت نفت به ۷۵ دلار رسیده بود، اوپک واکنش نشان داده بود به نظر می‌رسد این گروه در نشست اخیر خود در مورد چگونگی واکنش به تضعیف قیمت نفت و نگرانی در مورد سقوط احتمالی رشد اقتصادی جهانی که می‌تواند بر تقاضا تاثیر بگذارد، تصمیم‌گیری خواهند کرد.

ایالات متحده هستند که گزارش شده است در نزدیکی خط لوله Main Pass Oil Gathering (MPOG) در حدود ۱۹ مایلی سواحل جنوب شرقی لوئیزیانا، باعث توقف سریع خط لوله شد.

چین به دنبال افزایش مصرف داخلی بیودیزل است. با وجود اینکه چین یکی از صادرکنندگان پیشرو جهانی UCO است، استفاده داخلی چین از بیودیزل متوسط بوده است و این امر باعث شد اداره ملی انرژی چندین طرح پایلوت را برای تشویق مصرف داخلی سوخت غیرفسیلی راه‌اندازی کند.

### چشم‌انداز بازار نفت

بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا، قیمت نفت خام برنت در سال ۲۰۲۳ به میانگین ۸۲/۶۲ دلار بر بشکه و در سال ۲۰۲۴ به میانگین ۸۶/۴۸ دلار بر بشکه تخمین زده می‌شود. پیش‌بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد که افزایش قیمت نفت به تاثیرات مثبت تولید کمتر نفت از سوی عربستان و افزایش تقاضای جهانی نسبت داده می‌شود. موجودی ذخایر جهانی نفت که از افزایش در نیمه اول سال جاری به کاهش در انتهای سال منتقل می‌شود، باعث افزایش قیمت نفت تا پایان سال جاری می‌شود.

همچنین تولید نفت خام در ایالات متحده امسال به میانگین ۱۲/۸ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد و در سال آینده به ۱۳/۰۹ میلیون بشکه در روز می‌رسد. این در حالی است که تولید و مصرف جهانی نفت به افزایش می‌پیوندد، به ویژه در کشورهای غیر OECD، به رشد در آسیا، خاورمیانه و آفریقا برمی‌گردد.

همچنین بانک گلدمن ساکس در آستانه نشست اوپک پلاس، پیش‌بینی کرد، اوپک از قدرت قیمت‌گذاری خود برای نگرانی داشتن قیمت در بازه ۸۰ تا ۱۰۰ دلار در

### مهم‌ترین تحولات نفتی یک ماه اخیر

بازارهای نفت بار دیگر در آستانه نشست سران اوپک پلاس، با درخواست‌ها برای کاهش عمیق‌تر قیمت‌ها همزمان با شایعاتی مبنی بر عدم آمادگی اعضای اوپک برای توافق بر سر هر واکنش هماهنگی مطرح می‌شود. بدون غافلگیری در گزارش اخیر موجودی ذخایر ایالات متحده، تمام توجهات در آخر هفته به سمت وین معطوف است.

رئیس‌جمهور جدید آرژانتین و سهام نفتی. پس از آنکه خاویر میلی، نامزد لیبرتارین، برنده دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام شد و متعهد به ملی کردن شرکت نفت، کوچک کردن دولت و کاهش مالیات‌ها شد، سهام نفتی آرژانتین تا ۴۰ درصد رشد کردند.

حوثی‌ها کشتی باری مرتبط با اسرائیل را توقیف کردند. شبه‌نظامیان حوثی یمن ناوبری گلکسی لیدر مرتبط با اسرائیل را هنگام عبور از دریای سرخ توقیف و تهدید کردند که همین کار را با هر کشتی دیگری که از سواحل یمن عبور می‌کند انجام می‌دهند. موضوعی که سطح جدیدی از خطرات امنیتی دریایی را برای نفتکش‌ها ایجاد کرده است.

روسیه ممنوعیت صادرات بنزین را لغو کرد. وزارت انرژی روسیه با استناد به عرضه مازاد داخلی و قیمت‌های پایین‌تر، محدودیت‌های صادرات بنزین را که در ۲۱ سپتامبر برای مقابله با کمبود سوخت در سراسر کشور وضع شده بود، لغو کرد و انتظار می‌رود حدود ۱۵۰ هزار بشکه در روز از دسامبر به بعد صادر شود.

تلاش ادامه‌دار عربستان سعودی برای اکتشاف گاز. شرکت ملی نفت عربستان سعودی آرامکو از کشف دو میدان گاز طبیعی جدید در بیابان محله خالی در بخش جنوبی این کشور خبر داد که هر دو چشم‌انداز الحیران و المحکیک نرخ جریان گاز تجاری را نشان می‌دهند.

ونزوئلا به توافق با ترینیداد نزدیک می‌شود. انتظار می‌رود ونزوئلا پس از مذاکرات چندماهه با ترینیداد و توباگو و همچنین اپراتور پروژه شل، مجوز ۲۵ ساله را برای این شرکت بزرگ انرژی مستقر در بریتانیا برای توسعه میدان تی‌سی‌اف در آگون در مرزهای دریایی آنها تصویب کند.

درخواست لولا از پتروبراس برای اشتغال‌زایی بیشتر. رئیس‌جمهور برزیل، لولا داسیلوا، از ژان پل پراتس، مدیرعامل شرکت ملی نفت پتروبراس خواست تا برنامه سرمایه‌گذاری ۲۰۲۴-۲۰۲۸ این شرکت را اصلاح کند و ایجاد شغل محلی را در اولویت قرار دهد، موضوعی که نگرانی از مداخله بیشتر دولت را افزایش داد.

سریلانکا می‌خواهد به یک کشور هسته‌ای تبدیل شود. دولت سریلانکا علاقه خود را به راه‌اندازی نیروگاه‌های هسته‌ای ابراز کرده است زیرا به دنبال تولید برق ارزان و قابل اعتماد و به دنبال کاهش وابستگی به نفت و زغال سنگ و رسیدن به هدف کربن خنثی در سال ۲۰۵۰ است.

ایالات متحده هنوز نتوانسته منبع نفت خلیج فارس را پیدا کند. خدمه واکنش اضطراری ایالات متحده در حال تلاش برای یافتن منبع نشست نفت در خلیج مکزیک



# هوار از من نگیر

## هزینه اقتصادی آلودگی هوا در جهان و ایران چقدر است؟

آلودگی هوای محیط به تنهایی باعث بیش از چهار میلیون مرگ زودرس در سال در سراسر جهان می‌شود و یکی از پنج عامل خطر اصلی برای بیماری‌های غیرواگیر است که سهم قابل توجهی از بار اقتصادی سلامت را نشان می‌دهد. با این حال، این تاثیر احتمالاً در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، که جوامع اغلب در معرض کیفیت پایین هوا هستند و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی کافی محدود می‌شود، آشکارتر خواهد بود. بنابراین، درک اثرات آلودگی هوا بر سلامت انسان، چه در مقیاس محلی و چه در مقیاس جهانی، برای توسعه سیاست‌های کافی برای به حداقل رساندن بار بیماری‌های غیرواگیر و نابرابری‌های مرتبط ضروری است.

از سوی دیگر آلودگی هوا یکی از جدی‌ترین خطرات زیست‌محیطی است. برخی از مطالعات جهانی تخمین می‌زند که آلودگی هوا - در داخل و خارج از منزل - مجموعاً عامل مرگ زودرس ۵/۵ میلیون نفر در جهان به دلیل بیماری‌های تنفسی و قلبی-عروقی در سال ۲۰۱۳ بوده است. علاوه بر این، آلودگی هوا بر عملکرد محصول و محیط زیست (تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها) تاثیر می‌گذارد. این تاثیرات پیامدهای اقتصادی قابل توجهی دارد که بر رشد اقتصادی نیز تاثیر خواهد گذاشت.

### ● پیامدهای اقتصادی آلودگی هوا چیست؟

بررسی پیامدهای اقتصادی آلودگی هوا با تمرکز بر تاثیر که روی سلامت انسان می‌گذارد به پیش‌بینی هزینه‌های آلودگی هوا کمک می‌کند. یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در سال‌های اخیر رخ داده این است که هم پیامدهای اقتصادی و هم هزینه‌های رفاهی ناشی از مرگ‌های زودرس و درد و رنج به صورت کمی ارزیابی می‌شود. سایر اثرات، مانند آنهایی که بر تنوع زیستی و سایر اثرات سلامتی (مثلاً اثرات مستقیم قرار گرفتن در معرض NO2) قابل محاسبه نیستند، زیرا هنوز اطلاعات کافی در دسترس نیست. آلودگی هوا در حال حاضر بر سلامت انسان و فعالیت‌های کشاورزی تاثیر مستقیم می‌گذارد و به طیف وسیعی از تاثیرات دیگر منجر می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که این تاثیرات در دهه‌های آینده بسیار شدیدتر شود. با توجه به پیش‌بینی‌ها در غیاب سیاست‌های تکمیلی و سخت‌گیرانه‌تر، افزایش فعالیت اقتصادی و تقاضای انرژی موجب افزایش قابل توجه در انتشار جهانی آلاینده‌های هوا خواهد شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که افزایش انتشار آلاینده‌های هوا به غلظت بالاتر ذرات معلق (PM2.5) و ازون سطح زمین منجر شود. در چندین منطقه از جهان، میانگین غلظت ذرات معلق و ازون در حال حاضر بسیار بالاتر از سطوح توصیه‌شده از طریق دستورالعمل‌های کیفیت هواست. افزایش پیش‌بینی‌شده در غلظت ذرات معلق و ازون به نوبه خود به اثرات قابل توجهی بر اقتصاد منجر خواهد شد. بر اساس محاسبات در این گزارش، پیش‌بینی می‌شود که هزینه‌های بهداشتی مرتبط با آلودگی هوای جهانی از ۲۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ به ۱۷۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۶۰ افزایش یابد. تا سال ۲۰۶۰، سالانه پیش‌بینی می‌شود که روزهای کاری از دست‌رفته، که بر بهره‌وری نیروی کار تاثیر می‌گذارد، به

«آلودگی هوای فضای باز می‌تواند تا سال ۲۰۶۰ باعث ۶ تا ۹ میلیون مرگ زودرس در سال شود و یک درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی - حدود ۲/۶ تریلیون دلار در سال - در نتیجه روزهای بیماری، قبض‌های پزشکی و کاهش تولید محصولات کشاورزی هزینه داشته باشد، مگر اینکه اقدامی انجام شود.» این جملات یکی از مهم‌ترین بخش‌ها و فرازهای یکی از گزارش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) است که به خوبی توضیح می‌دهد آلودگی هوا و هزینه اقتصادی آن چه بلاهایی ممکن است بر سر هر یک از اقشار و اصناف یک جامعه بیاورد. آلودگی هوا عامل مرگ‌ومیرهای هشداردهنده و همچنین اثرات جدی بر سلامت انسان و محیط زیست است. زندگی میلیون‌ها نفر در خطر خواهد بود و اقتصادها بدتر خواهند شد مگر اینکه اقدامات سیاسی بلندپروازانه‌تری انجام شود. این شاخص به اندازه‌ای دارای اهمیت است که سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) آن را به رسمیت شناخته و از کشورها می‌خواهد وارد عمل شوند. شعار اصلی در زمینه هزینه اقتصادی آلودگی هوا واضح، مشخص و سراسر است: «ها به سیاست‌های بهتر درباره آلودگی هوا برای زندگی طولانی‌تر و سالم‌تر نیاز داریم.» بررسی میزان هزینه اقتصادی آلودگی هوا یکی از مهم‌ترین معیارها در این زمینه خواهد بود.

### ● آلودگی هوا، بیماری‌های غیرواگیر و محیط زیست

بیماری‌های غیرواگیر، مانند بیماری‌های قلبی عروقی، بیماری مزمن انسدادی ریه، دیابت و سرطان‌های قابل پیشگیری، که اغلب با سبک زندگی یا انتخاب‌های شخصی مرتبط هستند، به‌طور فزاینده‌ای با شرایط بد محیطی مرتبط هستند. تخمین زده می‌شود که

احتمالاً زمانی که درباره شاخص‌های اقتصاد جهانی حرف می‌زنیم، چندان نمی‌توانیم نمونه موردی ایران را وارد این شاخص‌ها کنیم. اغلب هم زمانی نام ایران به میان می‌آید که قرار باشد شاخص‌های منفی یا کشورهای آخر فهرست را بررسی کنیم. اما در این میان ایران در یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی امروز دنیا با پایتخت خود یعنی تهران، هم‌راستا با شهرهای بزرگ دنیا در حال حرکت است. اگر بخواهید سه ویژگی مهم از تهران سال ۱۴۰۲ یا تهران ۲۰۲۳ نام ببرید تقریباً بدون هیچ شک و تردیدی، آلودگی هوای تهران - به‌خصوص در شش ماه دوم سال - به‌طور عجیبی به چشم می‌آید. هر سال، هر ماه و اخیراً هر روز خبرهایی درباره آلودگی هوا در تهران - البته در سایر کلانشهرهای ایران - به گوش می‌رسد. تهران تا پایان آبان‌ماه ۱۴۰۲ تنها هشت روز هوای پاک به خود دیده است. اما معضل آلودگی هوا تنها مربوط به تهران نیست. در بسیاری از نقاط دنیا مشکل آلودگی هوا یکی از مشکلاتی است که آدم‌ها، دولت‌ها و نهادها با آن روبه‌رو هستند. در این میان بحثی که نقشی کلیدی در ماجرای آلودگی هوا بازی می‌کند، هزینه اقتصادی آن است. هزینه اقتصادی آلودگی هوا به عنوان یکی از تازه‌ترین شاخص‌ها در مباحث اقتصاد محیط زیست و بحث‌های حکمرانی نقشی کلیدی بازی می‌کند. این شاخص چنان مورد توجه قرار گرفته که می‌توان گفت بدون تکیه به آن بخش مهمی از مباحث توسعه‌ای ناتمام می‌ماند. بر اساس گزارش بانک جهانی، این مقدار در برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به بیش از سه درصد اقتصاد آنها رسیده است. هزینه اقتصادی آلودگی هوا، ۱۴۱ میلیارد دلار در سال است که چیزی در حدود دو درصد تولید ناخالص داخلی منطقه می‌شود. گزارش دیگری هم نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۹ هزینه آلودگی برای اقتصاد جهان در حدود ۸۱ هزار میلیارد دلار معادل ۶/۱ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان است. یک پژوهش در ایران نیز هزینه مرگ‌ومیرهای ناشی از آلودگی هوا در تهران را برای سال ۱۳۹۷ نزدیک به ۲/۷ میلیارد دلار تخمین زده است.

در سال ۲۰۱۸ بار اقتصادی آلودگی هوا روی اقتصاد چین ۶/۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آن بوده است. این مقدار برای هند ۵/۴ درصد، برای روسیه ۴/۱ درصد، برای آلمان ۳/۵ درصد و برای آمریکا سه درصد بوده است. ژاپن، بریتانیا، فرانسه، اسپانیا و برزیل هم در رتبه‌های ششم تا دهم این فهرست قرار دارند. این فهرست کشورهایی را نشان می‌دهد که بیشتر برای آلودگی هزینه می‌دهند و هزینه اقتصادی آلودگی هوا برای آنان بسیار ملموس است. این اعداد محلی است برای ورود به بحثی که دنیای ما را تحت تاثیر قرار داده و هر چه روز بیشتر تلاش می‌کنیم آن را فراموش کنیم باز هم مجبوریم آن را نفس بکشیم. آلودگی هوا تبدیل به بخشی از زندگی ما شده و هزینه‌های اقتصادی آن را می‌توان با گوشت و پوست و اعضا و جوارح خود حس کرد. برای حرف زدن درباره هزینه اقتصادی آلودگی هوا ابتدا باید در جریان مفهوم آن قرار بگیریم و بعد وارد ماجرای هزینه اقتصادی آلودگی هوا و تاثیرات آن در جهان و ایران شویم.

### ● هزینه‌هایی بسیار گزاف



▲ بر اساس گزارش بانک جهانی، هزینه اقتصادی آلودگی هوا در برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به بیش از سه درصد اقتصاد آنها رسیده است. هزینه اقتصادی آلودگی هوا، ۱۴۱ میلیارد دلار در سال است که چیزی در حدود دو درصد تولید ناخالص داخلی منطقه می‌شود.



▲ چند کشور در حال توسعه، مانند تاجیکستان و ازبکستان، رشد تولید ناخالص داخلی بالایی دارند. اما مصرف سوخت فسیلی در آنها کاهش پیدا کرده است. احتمالاً این مجرا به این دلیل است که اقتصاد آنها به جای صنعت مبتنی بر کشاورزی و گردشگری است.

دمای بالاتر همراه و باعث افزایش آلودگی آزون می‌شود، هزینه‌های سالانه سلامت در ایالات متحده به دلیل تشدید آسم و پیامدهای قلبی-عروقی، متابولیک، سیستم عصبی و تولید مثل به ۷/۹ میلیارد دلار افزایش پیدا می‌کند. آلودگی هوا ناشی از دود آتش‌سوزی نیز بخش قابل توجهی از آسیب به سلامت انسان را شامل می‌شود، به طوری که مجمع جهانی اقتصاد تخمین می‌زند که دود آتش‌سوزی هر سال ۱۶ میلیارد دلار برای آمریکایی‌ها هزینه دارد که با ۶۲۰۰ مراجعه به بیمارستان‌های تنفسی و ۱۷۰۰ مرگ ناشی از ذرات معلق همراه است. کاهش ۱۰ میلی‌گرم بر مترمکعب در ذرات معلق هزینه سالانه مراقبت‌های بهداشتی را بیش از ۹/۲ میلیارد دلار کاهش می‌دهد که حدود ۱/۵ درصد از هزینه‌های سالانه مراقبت‌های بهداشتی چین است. مطالعات همچنین نشان می‌دهند که هزینه‌های مرتبط با آلودگی هوا دست‌کم گرفته شده و این امر باعث می‌شود که مزایای مراقبت‌های بهداشتی ناشی از کاهش آلودگی هوا، حتی بیشتر از برآورد باشد.

### ● اثرات آلودگی هوا بر نیروی کار و کاهش بهره‌وری

آلودگی هوا تأثیرات تحقیقاتی خوبی بر بهره‌وری نیروی کار، به ویژه به دلیل افزایش غیبت از کار و کاهش توانایی‌های شناختی و فیزیکی فردی دارد که به بهره‌وری تبدیل می‌شود. در هند، کاهش بهره‌وری، غیبت از کار و مرگ‌ومیرهای زودرس ناشی از آلودگی هوا حدود ۹۵ میلیارد دلار -یا سه درصد از تولید ناخالص داخلی کشور- در سال ۲۰۱۹ به اقتصاد زبان وارد کرد. بر اساس گزارش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، تنها افزایش یک میکروگرم بر مترمکعب در غلظت ذرات معلق با کاهش ۰/۸ درصدی تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی در همان سال مرتبط بود. از دست دادن روزهای کاری به دلیل آلودگی هوا جزء اصلی

حاکمی از آن است که آلودگی هوا سالانه پنج تریلیون دلار هزینه رفاهی برای اقتصاد جهانی دارد. با این حال، مطالعات نشان می‌دهد که اقدامات کنترل آلودگی هوا موثر است و می‌تواند بازگشت سرمایه زیادی به همراه داشته باشد. به عنوان مثال، پژوهش‌ها در مورد تأثیرات قانون هوای پاک در ایالات متحده، نسبت ۳۰ به یک را بین منافع اقتصادی و هزینه‌های کاهش آلودگی هوا نشان داد. ۸۵ درصد از سود اقتصادی ناشی از کاهش آلودگی هوا به کاهش مرگ‌ومیر زودرس مرتبط با قرار گرفتن در معرض آلودگی ذرات معلق نسبت داده می‌شود.

### ● هزینه‌های مرتبط با سلامتی ناشی از آلودگی هوا

آلودگی هوا به مجموعه‌ای از اثرات منفی بر سلامتی کمک می‌کند، به طوری که کیفیت هوای ضعیف تقریباً بر هر قسمت از بدن انسان از سر تا پا تأثیر می‌گذارد. مطالعات نشان می‌دهد که بیماری‌های مرتبط با آلودگی هوا، بخش قابل توجهی از هزینه‌های اقتصادی مرتبط با کیفیت پایین هوا را تشکیل می‌دهند. تخمین زده می‌شود که تنها در ایالات متحده، بیماری‌های قلبی-عروقی و سایر بیماری‌های تنفسی ناشی از تنفس آلودگی هوا باعث ۱۰۷ هزار مرگ زودرس و ۸۲۰ میلیارد دلار هزینه سالانه مراقبت‌های بهداشتی شود. مطالعه‌ای که به‌طور خاص تأثیرات قرار گرفتن در معرض دی‌اکسید نیتروژن را بررسی کرد، نشان داد که در مناطقی با غلظت آلاینده PPM ۰/۰۵۹ افزایش ۲۲ درصدی هزینه‌های اورژانس، افزایش پنج‌درصدی هزینه‌های درمان سرپایی و افزایش هفت‌درصدی هزینه‌های مستقیم مراقبت‌های بهداشتی سالانه. از سوی دیگر سوزاندن سوخت‌های فسیلی -که هم به کیفیت پایین هوا و هم در تغییر آب‌وهوا کمک می‌کند- با هزینه‌های قابل توجهی نیز همراه بوده است. مطالعات تخمین می‌زند که قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا ناشی از سوخت‌های فسیلی به‌طور متوسط برای هر آمریکایی حدود ۲۵۰۰ دلار هزینه پزشکی اضافی دارد. هنگامی که انتشار سوخت‌های فسیلی با

۳/۷ میلیارد نفر روز (در حال حاضر حدود ۱/۲ میلیارد) در سطح جهانی برسد

اثرات بازار آلودگی هوا که شامل تأثیرات بر بهره‌وری نیروی کار، هزینه‌های بهداشتی و بازده محصولات کشاورزی می‌شود، پیش‌بینی می‌شود که به هزینه‌های اقتصادی جهانی منجر شود که به تدریج تا سال ۲۰۶۰ به یک درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی افزایش می‌یابد. خطرناک‌ترین پیامدهای آلودگی هوا مربوط به تعداد مرگ‌ومیرهای زودرس است. این گزارش افزایش تعداد مرگ‌ومیرهای زودرس ناشی از آلودگی هوا را از حدود سه میلیون نفر در سال ۲۰۱۰، مطابق با آخرین برآورد بار جهانی بیماری، به ۶ تا ۹ میلیون نفر در سال ۲۰۶۰ پیش‌بینی می‌کند. هزینه‌های رفاهی جهانی سالانه مرتبط با مرگ‌های زودرس ناشی از آلودگی هوا که با استفاده از تخمین‌هایی از تمایل افراد برای کاهش خطر مرگ زودرس محاسبه می‌شود، از سه تریلیون دلار در سال ۲۰۱۵ به ۱۸ تا ۲۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۶۰ افزایش خواهد یافت. علاوه بر این، هزینه‌های رفاهی جهانی سالانه مرتبط با درد و رنج ناشی از بیماری تا سال ۲۰۶۰ حدود ۲/۲ تریلیون دلار پیش‌بینی می‌شود که نسبت به حدود ۳۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵، رشد چشمگیری را نشان می‌دهد. سیاست‌های محدود کردن انتشار آلودگی هوا موجب بهبود کیفیت هوا و کاهش خطرات ناشی از اثرات شدید سلامتی می‌شود و در صورت اجرای صحیح، مزایای قابل توجهی را برای آب‌وهوا ایجاد می‌کند. پیامدهای اقتصادی بالقوه تأثیرات بازاری و غیربازاری ناشی از آلودگی هوا بسیار قابل توجه است و بر نیاز به اقدامات سیاسی قوی تأکید می‌کند.

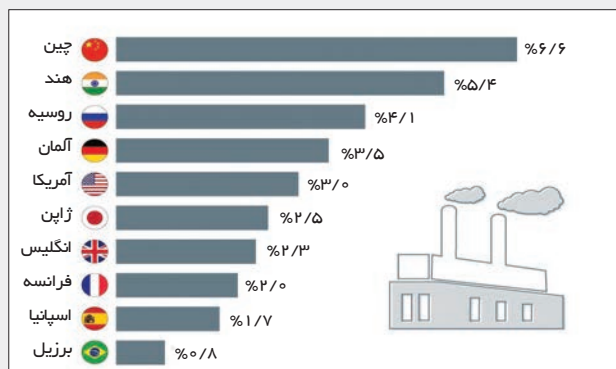
یکی از نکات مهمی که باید در زمینه محاسبه هزینه اقتصادی آلودگی هوا به آن اشاره کرد مسیری است که برای الگوسازی کمی کردن این معیار شکل گرفته است. مراحل مطالعه هزینه اقتصادی آلودگی هوا از مطالعه فعالیت اقتصادی، گازهای منتشر شده، غلظت ذرات معلق و اثرات بیوفیزیکی به دست می‌آید. این مراحل به صورت پیوسته انجام می‌شود و با پیگیری آن می‌توان به هزینه اقتصادی آلودگی هوا دست پیدا کرد.

### ● بررسی عمیق اثرات اقتصادی آلودگی هوا

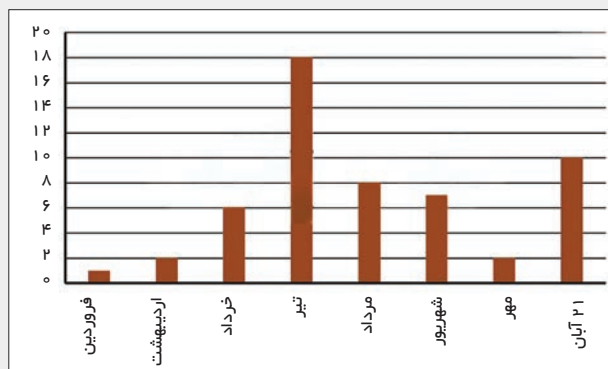
آلودگی هوا مسوول مجموعه وسیعی از هزینه‌های اقتصادی است، از هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی مرتبط با بیماری‌های آلودگی و مرگ‌ومیر گرفته تا هزینه‌های مرتبط با آسیب‌های زیست‌محیطی و خدمات از دست‌رفته اکوسیستم. کیفیت پایین هوا نیز با کاهش بهره‌وری محل کار و کاهش گردشگری مرتبط است که بر اقتصادهای سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. با این حال، پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهد که مزایای اقتصادی مرتبط با کاهش آلودگی هوا به میزان ۳۰ برابر بیشتر از هزینه‌های آن است و پشتیبانی قابل توجهی از فناوری پاک‌تر و توسعه صنعت سبز ارائه می‌دهد.

### ● آلودگی هوا به عنوان یک موضوع جهانی

آلودگی هوا موضوعی شناخته‌شده است که هر گوشه از کره زمین را تحت تأثیر قرار داده و اثرات مخربی بر سلامت انسان و محیط زیست دارد. در سال ۲۰۱۸، آلودگی هوا هزینه سرسام‌آور ۲/۹ تریلیون دلاری را برای اقتصاد جهانی به همراه داشت که معادل ۳/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان است. در همان سال، کیفیت هوای ناسالم باعث ۱/۸ میلیارد نفر روز غیبت کاری در سراسر جهان شد. برآوردهای دیگر



این نمودار بار اقتصادی آلودگی هوا بر اثر سوخت‌های فسیلی را نشان می‌دهد. در سال ۲۰۱۸ بار اقتصادی آلودگی هوا روی اقتصاد چین ۶/۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آن بوده است. این مقدار برای هند ۵/۴ درصد، برای روسیه ۴/۱ درصد، برای آلمان ۳/۵ درصد و برای آمریکا سه درصد بوده است. ژاپن، بریتانیا، فرانسه، اسپانیا و برزیل هم در رتبه‌های ششم تا دهم این فهرست قرار دارند.



برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران هزینه‌های اقتصادی مرگ‌ومیر ناشی از آلودگی را محاسبه و برآورد کرده‌اند. در یکی از این برآوردها، خسارت وارد شده به تهران به دلیل آلودگی هوا در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ترتیب ۳/۱ و ۲/۷ میلیارد دلار بوده است. نمودار روزهای ناسالم هوای تهران را تا ۲۱ آبان نشان می‌دهد.

آب‌وهوایی نقش داشته باشند، به طوری که ۵۸ درصد از آلودگی هوای ذرات معلق در شهرهای اروپایی از انتشار آمونیاک تشکیل شده است که ۹۵ درصد آن از طریق کود دامی و مواد شیمیایی کشاورزی تولید می‌شود.

### ● آلودگی هوا و هزینه‌های اقتصادی برای گردشگری

گردشگری ممکن است به دلیل آلودگی هوا آسیب ببیند و اقتصاد محلی را زیر فشار قرار دهد. کیفیت پایین هوا می‌تواند نگرانی گردشگران را در مورد اینکه قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا بر سلامت آنها تأثیر می‌گذارد، ممکن است بر تجربه کلی سفر تأثیر بگذارد و آنها را از بازدید مجدد منصرف کند. یکی از مطالعاتی که در هند انجام شد اشاره کرد که گردشگران بین‌المللی به دلیل آلودگی هوا در حال بررسی سفر به هند هستند که موجب کاهش یک‌درصدی تولید ناخالص داخلی - معادل دو میلیارد دلار - و از بین رفتن ۸۲۰ هزار شغل در گردشگری و بخش‌های مرتبط شد. بسیاری از گردشگران هنگام تصمیم‌گیری در مورد مقصد خود کیفیت هوا را در نظر می‌گیرند. بنابراین، هوای پاک در یک مقصد می‌تواند تجربه یک گردشگر را بهبود بخشد. در مقابل، سفر در یک محیط آلوده تجربیات سفر را کاهش می‌دهد و بر تمایل گردشگران برای بازدید مجدد تأثیر منفی می‌گذارد. یک مطالعه با بررسی مناطق مختلف چین نشان داد مسافرانی که در معرض آلودگی هوا قرار گرفتند ۹۲/۸۵۷ درصد کمتر از یک شهر خاص بازدید می‌کنند و ۹۳/۴۲۱ درصد کمتر از چین بازدید می‌کنند. مطالعه دیگری می‌گوید هر ۱/۱۶۴ درصد افزایش در شاخص هوا با ۷۳۳۱۱ میلیون کاهش در گردشگران سالانه چین مرتبط است.

### ● بازگشت سرمایه کاهش آلودگی هوا

در حالی که آلودگی هوا هزینه‌های اقتصادی روشنی دارد، کاهش آلودگی هوا نیز بازگشت سرمایه قابل توجهی (ROI) دارد. اکثر تخمین‌ها از ایالات متحده این عدد را حدود یک به ۳۰ می‌دانند، به این معنی که به ازای هر یک دلار سرمایه‌گذاری در کنترل و کاهش آلودگی هوا، ۳۰ دلار از نظر کاهش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و بهره‌وری شهروندان سالم‌تر و با عمر طولانی‌تر، سود دارد. همچنین برآوردهای سود بالا تا ۹۰ برابر هزینه رسیده است. در اروپا، تحقیقات کمیسیون اروپا نشان می‌دهد که اگر چه کاهش انتشار ذرات ریز به میزان ۲۵ درصد سالانه ۱/۲ میلیارد

از جنگل‌های بومی - می‌تواند به کاهش تولید ناخالص داخلی جهانی به میزان ۲/۷ تریلیون دلار در سال تا سال ۲۰۳۰ بینجامد. این گزارش نشان می‌دهد که کشورهای جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا به دلیل فروپاشی خدمات اکوسیستم تا سال ۲۰۳۰ بیشترین انقباض نسبی تولید ناخالص داخلی واقعی را متحمل خواهند شد: به ترتیب ۹/۷ درصد سالانه و ۶/۵ درصد. به دلیل این تأثیرات، بسیار مهم است که ما سیاست‌هایی را اولویت‌بندی کنیم که رشد اقتصادی را با حفظ تنوع زیستی و بهداشت محیط متعادل می‌کند. آلاینده‌های هوا نیز اثرات مخربی بر کشاورزی دارد. مطالعات آلودگی آزون سطح زمین را با خسارت ۶/۷ میلیارد یورویی در اروپا و ضرر جهانی تا ۲۶ میلیارد دلار مرتبط دانسته است.

### ● هزینه اقتصادی آلودگی هوا بر کشاورزی

همان‌طور که آلودگی هوا به نتایج کشاورزی آسیب می‌رساند، بهبود کیفیت هوا نیز با مزایای اقتصادی ملموس همراه است. برخی از مطالعات تخمین می‌زنند که کاهش آزون، ذرات معلق، دی‌اکسید نیتروژن و دی‌اکسید گوگرد بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۹ به حدود ۲۰ درصد افزایش عملکرد ذرت و سویا در ایالات متحده در این دوره کمک کرده است: مقداری به ارزش حدود پنج میلیارد دلار در هر سال. فعالیت‌های کشاورزی خود نیز می‌توانند در آلودگی هوا و تغییرات

این کاهش بهره‌وری است. سالانه حدود ۱/۲ میلیارد روز کاری در سراسر جهان به دلیل آلودگی هوا از دست می‌رود که تا سال ۲۰۶۰ می‌تواند به ۳/۸ میلیارد روز برسد. افراد ممکن است به دلیل بیماری‌های مرتبط با آلودگی که خودشان تجربه می‌کنند، یا برای مراقبت از کودکان یا اعضای سالخورده خانواده که در برابر تأثیرات هوای آلوده آسیب‌پذیرتر هستند، در خانه بمانند.

### ● آسیب‌های ناشی از آلودگی به محیط زیست و سلامت اکوسیستم

آلودگی هوا پیامدهای جدی برای سلامت محیط زیست دارد، به طوری که انواع آلاینده‌های هوا باعث آسیب به گیاهان و اکوسیستم‌ها می‌شود. به عنوان مثال، آزون سطح زمین، نرخ رشد گیاهان و عملکرد محصول را کاهش می‌دهد و به محصولات کشاورزی آسیب می‌رساند و بر تنوع زیستی تأثیر منفی می‌گذارد. اکسیدهای نیتروژن و آمونیاک نیز باعث آسیب به اکوسیستم می‌شوند. این آلاینده‌ها می‌توانند در توده‌های آبی رسوب کنند و در خشکی می‌توانند به تغییر اکوسیستم و از بین رفتن گونه‌های حساس کمک کنند. دی‌اکسید گوگرد، اکسیدهای نیتروژن و آمونیاک می‌توانند موجب اسیدی شدن خاک و بدنه‌های آبی شوند که اکوسیستم‌ها را مختل می‌کند و به از دست دادن تنوع زیستی منجر می‌شود. تخریب اکوسیستم پیامدهای اقتصادی نیز دارد. تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی بخش مهمی از اقتصاد جهانی هستند و خدماتی مانند تولید غذا، تصفیه آب، حفاظت در برابر سیل و کاهش تغییرات آب‌وهوایی را ارائه می‌کنند. مطالعات انجام‌شده در سال ۲۰۱۹ تخمین می‌زند که ارزش اقتصادی این خدمات اکوسیستمی در سال ۲۰۱۱ بین ۱۲۵ تریلیون و ۱۴۰ تریلیون دلار بوده است؛ عددی که بیش از ۱/۵ برابر تولید ناخالص داخلی جهانی در آن سال بود.

داده‌های سال ۲۰۲۱ ارزش تنوع زیستی را به تنهایی بیش از ۱۵۰ تریلیون دلار در سال نشان می‌دهد که تقریباً دو برابر تولید ناخالص داخلی جهانی است؛ زیرا خدماتی مانند تهیه غذا، ذخیره کربن و تصفیه آب‌وهوا ارائه می‌دهد. تجزیه و تحلیل پژوهشگران هزینه کاهش عملکرد اکوسیستم را بیش از پنج تریلیون دلار در سال به دلیل از دست دادن این خدمات نشان می‌دهد. گزارش جدید بانک جهانی تخمین می‌زند که فروپاشی خدمات اکوسیستمی منتخب ارائه‌شده به وسیله طبیعت - مانند گرده‌افشانی وحشی، تهیه غذا از ماهیگیری‌های دریایی و الوار





▲ ۲۷ شهر ایران سطح آلودگی هوا بیش از حد مجاز را تجربه کرده‌اند که در برخی موارد به سه برابر حد مجاز رسیده است. آلوده‌ترین شهرها عبارت‌اند از: تهران، اهواز، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، ایلام، سنجند، خرم‌آباد، اراک، کرج، کرمانشاه، آبادان، شهرکرد، یزد، ارومیه، کرمان، قزوین، بیرجند، قم، زابل، بجنورد، زنجان، بوشهر، اردبیل، زاهدان، درفول. منبع نقشه: اعتماد.

پایتخت ایران قرار دهیم باید بدانیم آلودگی هوا یکی از مهم‌ترین معضلات زیست‌محیطی در تهران است. تهران به عنوان پایتخت ایران یکی از پرترددترین و دومین کلانشهر بزرگ خاورمیانه و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان است. تهران مانند سایر شهرهای بزرگ با مشکلات شدید آلودگی هوا مواجه است. رشد جمعیت، سوخت بی‌کیفیت و استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی به تشدید آلودگی هوای تهران منجر شده است. منابع اصلی آلوده‌های هوا در تهران شامل فعالیت‌های انسانی مانند حمل‌ونقل جاده‌ای، مجتمع‌های صنعتی، پالایشگاه‌های نفت، نیروگاه‌ها و معادن و همچنین منابع طبیعی مانند رویدادهای گردوغبار محلی و منطقه‌ای (طوفان‌های گردوغبار شکل گرفته در عراق و سوریه) است که می‌تواند شهروندان را در معرض سطوح بالایی از آلوده‌های هوا قرار دهد. به عنوان یک شاخص کلی، ۲۰ درصد از کل سوخت‌های فسیلی در ایران در تهران مصرف می‌شود و در میان مناطق مختلف شهر تهران، حمل‌ونقل و صنعت بیشترین نقش را در انتشار آلوده‌های مختلف دارند. بررسی نتایج ایستگاه پایش کیفیت هوای تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نشان داد شاخص کیفیت هوا (AQI) در این شهر نسبتاً بالاست و به‌طور میانگین در بیش از ۲۰ درصد (۳۳/۴۳-۱۶/۹۹ درصد) روزهای سال بالای ۱۰۰ (ناسالم برای گروه‌های حساس/ ناسالم) است. بر اساس داده‌ها، بیشترین و کمترین درصد روزهای پاک به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ با تنها ۴/۹ درصد و ۱/۱۰ درصد مشاهده شده است. به‌طور خاص، بیشترین غلظت آلوده‌ها در فصول پاییز و زمستان و در ماه‌های (به ترتیب کاهشی) آذر، آبان و دی مشاهده شد. میزان انتشار سالانه آلوده‌ها در تهران نشان داد که حدود ۸۴ درصد ناشی از منابع متحرک است، در حالی که منابع ثابت تنها با حدود ۱۶ درصد مطابقت دارد.

در این گزارش هزینه‌های اقتصادی اثرات آلودگی هوا بر سلامت مورد بررسی قرار گرفت و داده‌ها نشان داد بیماری‌های قلبی-عروقی، دیابت و سرطان ریه بیشترین هزینه را به سیستم مراقبت‌های بهداشتی ایران تحمیل می‌کند. بیماری‌های قلبی-عروقی بیشترین سهم را از مرگ‌های زودرس (۲۶/۲۸ درصد) به خود اختصاص داده و پس از آن سکنه مغزی (۱۰/۴۶ درصد)، دیابت (۳/۷۷ درصد)، بیماری‌های مزمن انسدادی ریه (۳/۲۱ درصد) و سرطان ریه، حلق و برونش (۲/۲۸ درصد) قرار دارند. ■

هوا احتمالاً به دلیل تشدید استانداردهای کیفیت هوا از سال ۲۰۱۴ در حال کاهش است.

### ● آینده‌ای با هوای پاک‌تر و اقتصاد سالم

کیفیت پایین هوا با مجموعه وسیعی از هزینه‌های اقتصادی مانند هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، کاهش بهره‌وری، آسیب به اکوسیستم و کاهش گردشگری مرتبط است. مطالعات گسترده ثابت می‌کند که مزایای کاهش آلودگی هوا بسیار بیشتر از هزینه‌های انجام این کار است. استفاده از پیامدهای اقتصادی استراتژی‌های کنترل کیفیت هوا می‌تواند به ایجاد حمایت قابل توجهی برای کاهش آلودگی هوا کمک کند. این مسیری است که ما را به سوی توسعه پایدار رهنمون می‌کند. مسیری که برای بررسی توسعه در ایران و به‌طور ویژه تهران باید به مساله هزینه اقتصادی آلودگی هوا در این شهر هم توجه کرد.

### ● تهران و هزینه اقتصادی آلودگی هوا

در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲، ۲۷ شهر ایران سطح آلودگی هوا بیش از حد مجاز را تجربه کرده‌اند که در برخی موارد به سه برابر حد مجاز رسیده است. آلوده‌ترین شهرها عبارت‌اند از: تهران، اهواز، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، ایلام، سنجند، خرم‌آباد، اراک، کرج، کرمانشاه، آبادان، شهرکرد، یزد، ارومیه، کرمان، قزوین، بیرجند، قم، زابل، بجنورد، زنجان، بوشهر، اردبیل، زاهدان، درفول.

طبق آمار وزارت بهداشت، سالانه ۲۰ هزار مرگ در ایران به آلودگی هوا نسبت داده می‌شود که بیش از نیمی از جمعیت کشور در معرض هوای آلوده هستند. تنها در تهران سالانه بیش از ۳۷۰۰ نفر بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست می‌دهند که نتیجه آن ۲/۳ میلیارد دلار خسارت است. ۲۰ درصد موارد سرطان ریه با آلودگی هوا مرتبط است و سوختن گازوئیل در فصول سرد سال باعث افزایش سطح آلودگی و مرگ‌ومیر ناشی از آن می‌شود.

اگر بخواهیم زاویه نگاه خود را روی

یورو هزینه دارد، اما منافع اقتصادی آن حداقل دو مرتبه بیشتر خواهد بود. شبیه‌سازی‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف کیفیت هوا در اتحادیه اروپا تولید ناخالص داخلی اروپا را ۱/۲۵ درصد افزایش می‌دهد؛ به این مورد گزاره رشد سه‌درصدی به‌وسیله آلوده‌ترین کشورها را می‌توانید اضافه کنید.

### ● فرصت‌های رشد اقتصادی و نوآوری

روی آوردن به فناوری‌های پاک‌تر، به کاهش آلودگی هوا و همچنین کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کند و مزایای اقتصادی زیادی به همراه دارد. مطالعاتی از موسسه منابع جهانی (WRI) سناریوی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ایالات‌متحده را تا ۸۰ درصد تا سال ۲۰۵۰ ترسیم می‌کند. اگرچه از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰ حدود ۳۲۰ میلیارد دلار در سال سرمایه‌گذاری می‌شود، اما مزایای گسترده‌ای حاصل خواهد شد. این مزایا شامل کاهش ۶۵ میلیارددلاری هزینه سالانه سوخت فسیلی در دهه ۲۰۲۰، که در دهه ۲۰۴۰ به حدود ۷۰۰ میلیارد دلار در سال افزایش خواهد یافت، ایجاد تقریباً یک میلیون شغل اضافی، به ویژه در بخش‌های ساخت‌وساز و آب و برق و کاهش چشمگیر آلودگی هوا ناشی از احتراق سوخت‌های فسیلی خواهد بود. توسعه صنایع سبز و مشاغل مرتبط نیز دستاوردهای اقتصادی خواهد داشت. مطالعه دیگری از WRI نشان می‌دهد که ۹۰۰ هزار شغل خالص اضافی تا سال ۲۰۳۵ به دلیل اعتبارات مالیاتی برای صنایع کم‌کربن و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی ایجاد می‌شود. سیاست‌های فدرال که ایالات‌متحده را در مسیر انتشار خالص کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ قرار می‌دهد، ۲/۳ میلیون شغل خالص اضافی تا سال ۲۰۳۵ ایجاد و تولید داخلی فناوری‌های انرژی پاک ۵/۷ میلیون شغل خالص بیشتر را اضافه می‌کند. برخی از کشورها و مناطق قبلاً با موفقیت از ابتکارات هوای پاک برای رشد اقتصادی استفاده کرده‌اند. برنامه تامین مالی نوآورانه برای کنترل آلودگی هوا در منطقه پکن پایتخت چین تحت حمایت بانک جهانی، از ۲۷ پروژه مرتبط با بهره‌وری انرژی، انرژی‌های تجدیدپذیر و کنترل انتشار، به کاهش سالانه ۲/۵ میلیون تنی در انتشار دی‌اکسید کربن منجر شده است.

### ● رشد اقتصادی و آلودگی هوا

در حالی که این باور قدیمی وجود دارد که رشد اقتصادی و سطوح آلودگی هوا باید با هم مرتبط باشند، بسیاری از کشورها نشان داده‌اند که بین این دو پیوند وجود دارد؛ یعنی رشد اقتصاد را بدون سهم قابل توجهی در آلودگی هوا به دست آورده‌اند. این ارتباط بین رشد اقتصادی و کیفیت پایین هوا به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه اقتصادی یک باور است، اما بسیاری از کشورها ثابت کرده‌اند که نیازی به این موضوع نیست. نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد کشورهایی با تولید ناخالص داخلی بالا نیز دارای انتشار سوخت فسیلی بالایی هستند. اما در برخی از کشورهای با تولید ناخالص داخلی بالا در آمریکای شمالی و اروپا، انتشار سوخت‌های فسیلی حتی با ادامه رشد اقتصادی در حال کاهش است. چند کشور در حال توسعه، مانند تاجیکستان و ازبکستان، رشد تولید ناخالص داخلی بالایی دارند اما مصرف سوخت فسیلی در آنها کاهش پیدا کرده است. احتمالاً این موضوع به این دلیل است که اقتصاد آنها به جای صنعت مبتنی بر کشاورزی و گردشگری است. یکی از کشورهایی که از این روندها فاصله می‌گیرد، چین است. کشوری که رشد اقتصادی در آن بالا و انتشار سوخت‌های فسیلی به سرعت در حال افزایش است اما آلودگی



# آلودگی دریا

خلیج فارس به شدت در معرض آلودگی است

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات دریاها در جهان مصرف پلاستیک است که تا سال ۲۰۲۲ حدود ۳۰۰ میلیون تن در سال تخمین زده می‌شود که حدود ۸ میلیون تن به عنوان ماکروپلاستیک به اقیانوس‌ها ختم می‌شود.

۱/۵

میلیون تن میکروپلاستیک به دریاها ختم می‌شود.

۱/۴۵

از جمعیت کره زمین در ۱۵۰ کیلومتری سواحل زندگی می‌کنند.



آلودگی دریایی، به ورود مواد و ضایعاتی از طرف انسان به محیط زیست دریایی گفته می‌شود.

آلودگی‌ها به منابع زنده دریایی آسیب زده و در نتیجه سلامتی خود انسان‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهند. افزایش تراکم جمعیت و صنعتی شدن دنیای امروز، دو دلیل اصلی آلودگی دریایی است.

## آلودگی‌های خلیج فارس

- ۱ اسیدی شدن
- ۲ کاهش اکسیژن
- ۳ افزایش دما
- ۴ و آلودگی محیط‌های آبی

از جمله چالش‌های خلیج فارس است که خسارات قابل توجهی به این حوضه و ساکنان آن وارد کرده است.



هزار کیلومتر مربع مساحت

۲۴۱

طول خلیج فارس حدود ۹۹۰ کیلومتر و عرض آن از حداکثر حدود ۳۴۰ کیلومتر تا حداقل ۵۵ کیلومتر در تنگه هرمز متغیر است.

# آلودگی لاستیکی

آیا بشر راه‌حلی برای مدیریت  
ذرات معلق پلاستیک در دریاها پیدا  
می‌کند؟

آلودگی دریاها و اقیانوس‌ها اکنون به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها در سراسر جهان تبدیل شده است. پیشتر آلودگی‌های صنعتی و به‌خصوص نفتی و فاضلاب‌های شهری، مهم‌ترین نوع آلودگی‌ها بودند. اما اکنون باید علاوه بر آنها و دیگر آلاینده‌های جانبی، به آلودگی مرگبار پلاستیک نیز توجه شود. پلاستیک‌های مصرفی بشر در تمام قاره‌ها به تدریج سرازیر می‌آوردند و در مجاورت با گرما و سرما آرام‌آرام درون آب‌ها خرد می‌شوند اما شوربختانه از بین نمی‌روند بلکه به صورت میکروپلاستیک‌های خطرناک غذایی موجودات دریایی می‌شوند و از طریق آنها به انسان نیز سرایت می‌کنند و به منبع خطرناکی از مرض و حتی مرگ تبدیل می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات دریاها در جهان مصرف پلاستیک است که تا سال ۲۰۲۲ حدود ۳۰۰ میلیون تن در سال تخمین زده می‌شود که حدود هشت میلیون تن به عنوان ماکروپلاستیک به اقیانوس‌ها ختم می‌شود. تقریباً ۱/۵ میلیون تن میکروپلاستیک اولیه به دریاها ختم می‌شود.

اکنون نزدیک به ۴۵ درصد از جمعیت کره‌زمین در ۱۵۰ کیلومتری سواحل زندگی می‌کنند. آلودگی دریایی، به ورود مواد و ضایعاتی از طرف انسان به محیط زیست دریایی گفته می‌شود. این آلودگی‌ها به منابع زنده دریایی آسیب زده و در نتیجه سلامتی خود انسان‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهند. افزایش تراکم جمعیت و صنعتی شدن دنیای امروز، دو دلیل اصلی آلودگی دریایی است.

اتکای دویی به نمک‌زدایی به خلیج فارس آسیب می‌زند و زباله‌های شوری به نام آب‌نمک تولید می‌کند که همراه با مواد شیمیایی مورد استفاده در فرآیند نمک‌زدایی، شوری را در خلیج فارس افزایش می‌دهد.

همچنین دمای آب‌های ساحلی را افزایش می‌دهد و به تنوع زیستی، شیلات و جوامع ساحلی آسیب می‌رساند.



تحمیل آلودگی  
از دویی  
به خلیج فارس

۵۰۰۰

سال  
قدمت خلیج فارس

۳

متر  
عمق متوسط خلیج فارس

۱۴۰

سانتی‌متر  
میزان تیخیر سالانه خلیج فارس

۱۱۰۰

گونه ماهی

۴

میلیون  
پرنده مهاجر سالانه



دویی طبق گزارش پایداری، در سال ۲۰۲۱ تقریباً ۱۶۳/۶ میلیارد گالن آب را نمک‌زدایی کرد. به ازای هر گالن آب شیرین شده تولیدشده در خلیج فارس، به طور متوسط یک و نیم گالن آب نمک در اقیانوس آزاد می‌شود.

خلیج فارس تحت تأثیر تغییرات آب و هوایی و تلاش برای ساخت جزایر چند میلیارددلاری دویی با استفاده از احیای زمین است.

بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، اگر اقدام فوری برای مقابله با این آسیب‌ها انجام نشود، نمک‌زدایی در ترکیب با تغییرات آب و هوایی، دمای آب‌های ساحلی خلیج را تا سال ۲۰۵۰ حداقل پنج درجه فارنهایت در بیش از ۵۰ درصد از این منطقه افزایش می‌دهد.

خلیج فارس  
Persian Gulf



حوضه آب محصور با ایران، عمان، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر و امارات متحده عربی مرز مشترک دارد. تنگه هرمز خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند.



دو گونه دلفین و نهنگ در این منطقه وجود دارد، علاوه بر ۱۱۰۰ گونه ماهی و پنج گونه لاک‌پشت، خلیج فارس همچنین میزبان دومین جمعیت گاو دریایی، ۲۳۲ گونه جلبک دریایی و چهار میلیون پرنده مهاجر سالانه است. اما امروزه ۲۴۰ گونه مهم و بسیاری از زیستگاه‌ها در معرض تهدید هستند.

اینفوگرافیک: علیرضا تاجیک



## منوی ۲۰۵۰

### مردم جهان در یک قرن پیش رو چه غذایی مصرف می کنند؟

وارد می کند. با افزایش تعداد جمعیت جهان، نیاز به تولید غذای بیشتر تنها باعث افزایش تقاضای آب می شود.

**چه می توان کرد؟** کشاورزی مصرف کننده اصلی آب شیرین است - حدود ۷۰ درصد از کل آب شیرین جهان برای محصولات آبی، دام، شیلات، آبی‌پروری و جنگل‌داری استفاده می شود. به همین دلیل است که افزایش آبیاری بسیار مهم است. کسب و کارهای کشاورزی بیشتر، زیرساخت‌های آبیاری مقاوم در برابر آب‌وهوا مانند سیستم‌های آبیاری دقیق و آبیاری قطره‌ای و همچنین اتخاذ شیوه‌های مدیریت منابع آب را به کار می گیرند که استفاده از آب باران را بهینه می کند.

راه حل‌های دیگری که در حال بررسی و اجرا هستند شامل استفاده از گونه‌های گیاهی مقاوم به خشکی است که انعطاف‌پذیری محصولات در حال رشد را بهبود می بخشد. همچنین می توان از منابع آب جایگزین مانند استفاده مجدد از فاضلاب و برداشت آب باران بهره برد.

#### ● دورریز مواد غذایی

ما حدود یک سوم کل مواد غذایی تولید شده در دور می ریزیم. به همین دلیل، از دست دادن و هدر رفتن مواد غذایی موضوعی است که اگر می خواهیم اثرات زیست‌محیطی تولید مواد غذایی را به حداقل برسانیم و از آینده منابع غذایی محافظت کنیم، باید با آن مقابله شود.

تولید مواد غذایی تأثیر بسزایی بر محیط زیست ما دارد، زیرا همان طور که قبلاً دیدیم، به مقادیر زیادی آب شیرین نیاز دارد؛ اما بیش از این، بخش کشاورزی مسوول حدود یک چهارم انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان است. همچنین با نیاز به تولید غذای بیشتر برای حفظ جمعیت در حال رشد ما، مساحت زمینی که به دلایل کشاورزی استفاده می شود نیز در حال افزایش است، که موجب تخریب اکوسیستم‌های ارزشمندی مانند جنگل‌های بارانی آمازون، برای ایجاد فضا می شود.

**چه می توان کرد؟** مقابله با ضایعات مواد غذایی نیازمند رویکردی چندجانبه است. تولیدکنندگان محصولات غذایی باید نقش خود را با اتخاذ مدیریت کارآمدتر زنجیره تامین برای به حداقل رساندن از دست دادن محصول، ایفا کنند. آنها همچنین باید زیرساخت ذخیره‌سازی و حمل‌ونقل را بهینه کنند.

با این حال، مصرف‌کنندگان نیز مسوولیت دارند که ضایعات مواد غذایی را به حداقل برسانند. این بدان معناست که مصرف‌کنندگان باید عادات مصرف آگاهانه را اجرا کنند و مصرف بیش از حد را کاهش دهند. دولت‌ها و سازمان‌ها می توانند این عادات را با ایجاد کمپین‌های کاهش ضایعات غذایی و کمک به رسیدن مواد غذایی اضافی به افراد نیازمند، تسهیل کنند.

وارد می کند. با توجه به این واقعیت که ما هنوز موفق به مهار انتشار جهانی کربن نشده‌ایم، انتظار می رود آب‌وهوای زمین بدتر شود و تغییرات اقلیمی را به یکی از مبرم‌ترین مسائلی تبدیل کند که بر آینده غذا تأثیر می گذارد.

**چه می توان کرد؟** بخش کشاورزی زمان و پول زیادی را برای تحقیق و توسعه تکنیک‌های کشاورزی پایدار و هوشمند برای اقلیم سرمایه‌گذاری می کند. روش‌هایی مانند کشاورزی دقیق (روشی برای بهبود عملکرد محصول از طریق حسگرهای فناوری و ابزارهای تجزیه و تحلیل)، زراعت جنگلی (روش‌های کاربری زمین که در آن محصولات با درختان و درختچه‌ها ادغام می شوند)، تکنیک‌های صرفه‌جویی در مصرف آب و استفاده از گونه‌های گیاهی مقاوم، همگی به بهبود عملکرد محصول کمک می کنند.

روش‌های کشاورزی پایدار نیز به طور روزافزون محبوب می شوند، نه تنها به دلیل مزایای آن برای تغذیه محصولات و سلامت خاک، بلکه به این دلیل که مصرف‌کنندگان در مورد روش‌های کشاورزی مورد استفاده برای رشد مواد غذایی خود آگاه‌تر می شوند. خوشبختانه تقاضای مصرف‌کنندگان برای محصولات با رشد پایدار رو به افزایش است.

#### ● کمبود آب و مدیریت منابع

آب برای تولید مواد غذایی مغذی و فراوان ضروری است، با این حال کمبود آب یک تهدید فزاینده برای آینده تولید مواد غذایی است. خشکسالی و امواج گرمای ناشی از تغییرات آب‌وهوایی و شیوه‌های کشاورزی فشرده صنعتی، فشار غیرقابل تحملی را بر منابع آب ما

با ادامه روند افزایش جمعیت جهان، کاهش منابع طبیعی و تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی، آینده غذا موضوعی است که نگرانی زیادی ایجاد می کند. این مسائل فشار فزاینده‌ای بر زنجیره‌های تامین جهانی وارد می کنند و متأسفانه، پس از کاهش مداوم غذا در دهه گذشته، گرسنگی جهانی دوباره در حال افزایش است و ۱۰ درصد از جمعیت جهان را تحت تأثیر قرار می دهد. برای مقابله با این موضوع، چشم‌انداز غذا باید تغییر کند تا اطمینان حاصل شود که همه به مواد غذایی پایدار و مغذی دسترسی دارند.

ایجاد یک سیستم غذایی پایدار و قوی در حال تبدیل شدن به یک اولویت فوری است. با این حال، تعدادی چالش مهم وجود دارد که اگر نخواهیم آینده غذا را برای همه تضمین کنیم، باید به آنها رسیدگی شود.

از تغییرات اقلیمی، کمبود آب، تا تغییر الگوهای مصرف مواد غذایی، غلبه بر این چالش‌ها نیازمند رویکردهای نوآورانه و اقدام مشترک است. تنها با پذیرش فناوری، ارتقای مدیریت کارآمد منابع و ایجاد تغییر به سمت انتخاب‌های غذایی پایدارتر است که می توانیم آینده‌ای انعطاف‌پذیر و عادلانه از مواد غذایی بسازیم. کشاورزی احیاکننده، سلامت خاک، جذب کربن و تنوع زیستی را ارتقا می دهد و در نتیجه غذاهای مغذی‌تر و سازگار با محیط‌زیست تولید می شود. کشاورزی عمودی از فناوری برای رشد مواد غذایی در فضاهای کوچک‌تر استفاده می کند و نیاز به زمین‌های کشاورزی وسیع را کاهش می دهد.

با تغییر آب‌وهوا و کاهش تنوع زیستی، برخی از غذاهایی که ما می شناسیم و دوست داریم، ممکن است در آینده در خطر ناپدید شدن قرار گیرند. نمونه‌هایی از غذاهای در خطر انقراض شامل انواع میوه‌ها و سبزیجات است که در برابر شرایط آب‌وهوایی شدید و افات آسیب‌پذیر هستند. در ادامه به بررسی برخی از چالش‌ها در زمینه تولید و مصرف مواد غذایی خواهیم پرداخت؛ همچنین خواهیم دید آینده صنعت مواد غذایی به کدام سو در حال حرکت است.

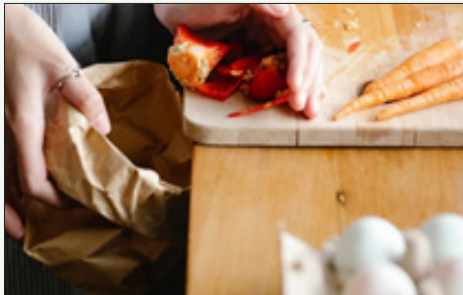
#### ● چالش مبرم

تغییرات اقلیمی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که ما به عنوان یک گونه بر روی زمین با آن مواجه هستیم، به ویژه به دلیل فشارهایی که بر تامین غذا و بخش کشاورزی ما وارد می کند. افزایش سطح گازهای گلخانه‌ای باعث افزایش دمای جهانی، ایجاد الگوهای آب‌وهوایی غیرقابل پیش‌بینی و در نتیجه وقوع رویدادهای شدید آب‌وهوایی مانند خشکسالی، سیل و موج گرمایی شود.

این تأثیرات به شدت بر عملکرد محصول و تولید مواد غذایی تأثیر می گذارد که فشار قابل توجهی بر زنجیره تامین جهانی



▲ جهان در چند دهه آینده ممکن است با بدترین بحران غذایی روبه‌رو شود. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، جمعیت جهان به ۱۰ میلیارد نفر افزایش یابد.



▲ ارتباط میان تولید غذا و محیط زیست و اقلیم، رابطه‌ای قوی بوده و به همین دلیل است که دورریز مواد غذایی مشکل بزرگی است. ما باید برای به حداقل رساندن تاثیر خود بر محیط اطرافمان تلاش کنیم و کاهش ضایعات مواد غذایی یکی از راه‌هایی است که می‌توانیم کارایی زنجیره تامین مواد غذایی خود را بهبود ببخشیم.



▲ یکی از امیدوارکننده‌ترین جنبه‌های آینده غذا، پذیرش گسترده غذاهای پایدار است. این غذاها با تمرکز بر تولید سازگار با محیط زیست، هدفشان کاهش ردپای کربن در کشاورزی و دام است. شیوه‌های کشاورزی احیاکننده، کشاورزی عمودی و گوشت تولیدشده در آزمایشگاه‌ها تنها تعدادی از نوآوری‌هایی هستند که در حال گسترش هستند.

در تلاش است تا تاثیرات منفی صنعت گوشت را کاهش دهد، برخی از کارشناسان مواد غذایی بر خلاص شدن از شر کشاورزی کارخانه‌ای، با تکیه بر گوشت پرورشی، تمرکز می‌کنند. این مطالعه جدید، تحول بزرگی را در نحوه تولید و مصرف مواد غذایی تا سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌کند. این مطالعه پیش‌بینی می‌کند که در آینده شاهد تولید بیشتر پروتئین‌های گوشتی و گیاهی با استفاده از تکنیک‌های کشت سلولی در بشقاب‌هایمان خواهیم بود.

#### ● تجاری‌سازی گوشت آزمایشگاهی

پژوهشگران دو نظرسنجی جداگانه را برای سنجش دیدگاه مصرف‌کنندگان و کارشناسان سیستم غذایی در مورد آینده

واقع بیشتر از واردات خود مواد غذایی را هدر می‌دهد. با این حال، اتحادیه اروپا تعهدی برای کاهش ضایعات مواد غذایی در مغازه‌ها، رستوران‌ها و خانوارها تا پایان سال ۲۰۳۰ به میزان ۳۰ درصد با هدف ۱۰ درصد در بخش پردازش و تولید مواد غذایی مطرح کرده است.

#### ● منبع جدید گوشت

طبیعت و تنوع زیستی در سطح جهان با سرعت نگران‌کننده‌ای از بین می‌رود. در عین حال، آب‌وهوا در حال گرم شدن است که از بین رفتن تنوع زیستی را تشدید می‌کند. با این حال، این روند می‌تواند معکوس شود. نحوه تولید و مصرف مواد غذایی نقشی کلیدی در توقف کاهش تنوع زیستی و مهار بحران آب‌وهوا دارد. گزارش «نقش محصولات کشاورزی گیاهی و سلولی در دگرگونی سیستم غذایی فنلاند، تا سال ۲۰۵۰» تاکید می‌کند که سیستم غذایی در حال انجام یک بازنگری جهانی به سمت روش‌های پایدارتر تولید و مصرف مواد غذایی است. این مطالعه به وسیله پژوهشگران دانشگاه هلسینکی انجام شده است. برای اینکه سبک زندگی ما در محدوده ظرفیت تحمل کره زمین قرار گیرد، نیاز به تغییراتی در رژیم غذایی و روش‌های تولید غذا داریم.

این مطالعه به دست‌اندرکاران سیستم غذایی مانند کشاورزان، صنایع غذایی، خرده‌فروشان و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا تهدیدات و فرصت‌های مربوط به روش‌های تولید و مصرف مواد غذایی در آینده را درک کنند. این مطالعه به ویژه بر روی محصولات مختلف کشاورزی مبتنی بر گیاه و سلولی متمرکز است. کشاورزی سلولی به تکنیک‌های مختلف کشت سلولی برای تولید، به عنوان مثال، پروتئین‌های میکروبی یا گوشت رشدیافته از سلول‌های حیوانی اشاره دارد.

در حالی که جنبش One Health

#### ● رشد جمعیت

انتظار می‌رود جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۹/۸ میلیارد نفر افزایش یابد و اطمینان از داشتن غذا و تغذیه کافی برای هر انسان، یک چالش و اولویت مهم در مورد آینده غذاست. برای پاسخگویی به تقاضای تامین غذای جمعیت رو به رشد، باید غذای بیشتری تولید کنیم، که به معنای تلفات زیست‌محیطی بالاتر و افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از کشاورزی است. چه می‌توان کرد؟ اگر بخواهیم تقاضای جمعیت رو به رشد جهان را بدون آسیب رساندن به محیط زیست در این فرآیند برآورده کنیم، برخی اقدامات برای مبارزه با این چالش ضروری است. این نه تنها به این معنی است که بخش کشاورزی باید به یک سبک کشاورزی پایدارتر تغییر کند - با انتقال به شیوه‌های ارگانیک، کاهش شیوه‌های خاک‌ورزی، سرمایه‌گذاری در زراعت جنگل‌داری و تقویت سیستم‌های کشاورزی دایره‌ای - بلکه نیاز به تغییر در الگوهای مصرف مصرف‌کنندگان نیز دارد.

افراد باید در مورد تاثیر مصرف خود آموزش ببینند و تشویق شوند به سمت یک رژیم غذایی سالم‌تر و پایدارتر حرکت کنند. یکی از مهم‌ترین کارهایی که افراد می‌توانند در این زمینه انجام دهند این است که مصرف گوشت خود را کاهش دهند؛ به ویژه گوشت گاو که منابع زیادی مصرف می‌کند و ۲۰ برابر بیشتر از پروتئین‌های گیاهی در هر گرم، گازهای گلخانه‌ای تولید می‌کند. برخی از دانشمندان همچنین به دنبال توسعه منابع پروتئینی جایگزین مانند گوشت پرورشی و پروتئین حشرات هستند.

#### ● اسراف‌کنندگان

گزارش جهانی بحران‌های غذایی در سال ۲۰۲۳ اشاره می‌کند که ۲۵۸ میلیون نفر در سال ۲۰۲۲ با سطوح بالایی از ناامنی غذایی مواجه بودند.

ما در حال حاضر به اندازه کافی غذا برای تغذیه جهان تولید می‌کنیم، اما مقدار زیادی از آن را هدر می‌دهیم. بر اساس برنامه جهانی غذا، اگر از تمام مواد غذایی که در حال حاضر هدر می‌رود استفاده کنیم، به اندازه کافی غذا برای تغذیه دو میلیارد نفر دیگر در سراسر جهان خواهیم داشت. این بدان معناست که ما در حال حاضر به اندازه کافی غذا تولید می‌کنیم تا جمعیت جهانی ۹/۸ میلیارد نفری پیش‌بینی شده در سال ۲۰۵۰ را تغذیه کنیم. کاهش زباله کلید تحقق این امر است. اروپا، آمریکای شمالی، چین، ژاپن و کره، مسوول ۵۸ درصد از کل مواد غذایی هدررفته در مزارع هستند، به‌رغم اینکه تنها ۳۷ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند.

گزارش WWF با عنوان «به سمت ضایعات: تاثیر جهانی ضایعات مواد غذایی بر مزارع» نشان می‌دهد که نیروهای بازار، از جمله قیمت‌های پایین، به این معناست که گاهی اوقات حتی از نظر اقتصادی برای کشاورزان به‌صرفه نیست که محصولات را که تولید کرده‌اند، برداشت کنند. در اتحادیه اروپا، تخمین زده می‌شود که ۱۷۳ کیلوگرم غذا به ازای هر نفر در سال هدر می‌رود، که این ضایعات مواد غذایی شش درصد از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد. در واقع، طبق گزارش بازخورد «زمانی برای هدر دادن نیست»، اتحادیه اروپا در

پروفیسور یوهانس لو کوتر، کارشناس غذا و سلامت از دانشکده مهندسی شیمی UNSW سیدنی، می گوید مهم ترین چالش این است که چگونه به طور پایدار تولید کالری را تا ۷۰ درصد افزایش دهیم، بدون اینکه سیاره زمین را تحت تاثیر قرار دهیم.

او می گوید: «من معتقدم که تا ۳۰ سال دیگر همچنان گوشت می خوریم، اگر چه میزان کمتری از این گوشت، از دام تامین خواهد شد. کاملاً واضح است که گاوهای کافی در این سیاره برای برآورده کردن نیازهای پیش بینی شده تولید غذا وجود نخواهد داشت و ما نمی توانیم چالش های زیست محیطی پیش روی کشاورزی و صنایع غذایی را نادیده بگیریم.»

ما باید طی دو دهه آینده آنچه می خوریم و نحوه پرورش آن را تغییر دهیم تا بتوانیم منابع پروتئین خود را متنوع کنیم. در حالی که بیشتر مردم از فکر خوردن حشراتی مانند سوسک و جیرجیرک دچار وحشت می شوند، دیگران مدت هاست که از مزایای آن به عنوان یک وعده غذایی پر پروتئین بهره برده اند.

مردم در کشورهای مختلفی مانند تایلند، جمهوری دموکراتیک کنگو و مکزیک قرن هاست که حشرات را در غذاهای خود پذیرفته اند و یک تجربه آشپزی جدید را ابداع کرده اند که هنوز در بسیاری از فرهنگ های غربی، خارجی تلقی می شود.

سرآشپز اندی هولکرافت، که نخستین رستوران حشرات خوراکی در بریتانیا را راه اندازی کرد، به بی بی سی فیوچر گفت: «در پایان روز، شما ممکن است سالم ترین، مغذی ترین و پایدارترین غذا را داشته باشید، اما اگر طعم خوبی نداشته باشد و مردم مایل به پذیرش آن نباشند، ممکن است رسیدن به آن بسیار دشوارتر باشد.»

پروفیسور لو کوتر می گوید: «از نظر بیولوژیک، حشرات بسیار شبیه به میگو هستند، که یک گونه از سخت پوستان است و سخت پوستان و حشرات هر دو جزو بندپایان هستند. البته، هر حشره های خوراکی نیست؛ برای مثال، تا ۳۰ سال دیگر هیچ زنبوری در منوی غذا وجود نخواهد داشت، اما می توانید شرط بندی کنید که جیرجیرک، پروانه و سوسک حضور خواهند داشت.»

انتظار نمی رود که بحث های مربوط به مواد غذایی اصلاح شده ژنتیکی به این زودی ها کمرنگ شود، اما با رونق جمعیت جهانی می توان انتظار داشت که در آینده، فضای بیشتری را در قفسه های سوپرمارکت ها اشغال کند. ارگانیزم های اصلاح شده ژنتیکی (GMO) به هر حیوان، گیاه یا میکروبی گفته می شود که DNA آنها با استفاده از تکنیک های مهندسی ژنتیک تغییر یافته است.

در حالی که فروش غذاهای تراریخته تازه مانند میوه یا سبزیجات، گوشت یا ماهی در حال حاضر در استرالیا و نیوزیلند ممنوع است، پروفیسور لو کوتر انتظار دارد که نقشی برای آنها در سیستم غذایی آینده ما وجود داشته باشد. او می گوید که درک عمومی از غذاهای GMO قبلاً به دلیل پوشش هشداردهنده رسانه ها و عدم درک علم مواد غذایی به شدت منفی بوده است. او بر این باور است که «ایده تغییر محصولات برای نیاز به آب کمتر یا مقاومت بهتر در برابر بیماری ها یا آفات، ایده جدیدی نیست، اما اگر بخواهیم محصولات آینده ما در برابر تغییرات آب و هوایی

زمین کشاورزی را تنها به یک چهارم مساحت فعلی مورد نیاز برای تولید گوشت و لبنیات کاهش می دهد. پروتئین های گیاهی در حال رشد، انرژی کمتری نسبت به تولید پروتئین های کشاورزی حیوانی و سلولی مصرف می کنند. اما از سوی دیگر، گسترش کشاورزی سلولی می تواند مصرف برق در تولید مواد غذایی را افزایش دهد.

گوشت تولید شده در آزمایشگاه جایگزینی پایدار برای دام های سنتی ارائه می دهد و نیاز به پرورش و کشتار حیوانات را از بین می برد. سوئیس می تواند به زودی به یکی از نخستین کشورهای اروپایی تبدیل شود که گوشت های آزمایشگاهی را تجاری می کند، پس از UPSIDE Foods ایالات متحده که تولید را آغاز کرده بود، همراه با تولیدکنندگان اسرائیلی این غذای مصنوعی، که اولین درخواست این کشور را برای تجاری سازی در اروپا ارائه کردند.

سرمایه گذاری ها به این صنعت تازه وارد سرازیر شده است و صنعت گوشت آزمایشگاهی به دلیل توانایی آن در کاهش کشتار حیوانات برای مصرف و تاثیر منفی زیست محیطی تولید گوشت سنتی، صرف نظر از اخبار را به خود اختصاص داده است.

البته آوردن گوشت های آزمایشگاهی به بازارها همچنان چالش های متعددی را به همراه دارد؛ برای مثال، سولاتی در مورد ادعاهای مربوط به ایمنی، پایداری و اخلاقیات گوشت تولید شده در آزمایشگاه مطرح شده است. در نتیجه، با وجود مقرون به صرفه بودن و مقیاس پذیری این محصول، در حال حاضر قابلیت تجاری شدن گوشت های آزمایشگاهی هنوز وجود ندارد.

### ● منابع جایگزین

انتظار می رود تا سال ۲۰۵۰، جمعیت جهان به حدود ۱۰ میلیارد نفر افزایش یابد؛ این رقم خیره کننده به معنای اضافه شدن دو میلیارد دهان، در جستجوی غذاست.



▲ چیزی که چند سال پیش شبیه یک اتوپیا به نظر می رسید، اکنون یک بازار آینده بسیار رقابتی است. مقامات بهداشتی در ایالات متحده اخیراً برای گوشتی که به عنوان گوشت «در شرایط آزمایشگاهی» شناخته می شود، چراغ سبز نشان داده اند. این امر ایالات متحده را بعد از سنگاپور، در جایگاه دومین کشوری قرار می دهد که اجازه فروش گوشت آزمایشگاهی را داده است. بزرگترین و تقریباً تنها چالش تا به امروز، عدم پذیرش آن در جامعه است.



▲ به پروتئین نیاز دارید؟ در ۳۰ سال آینده، سفارش یک کرم همراه با سالاد غیرعادی نخواهد بود زیرا پروفیسور لو کوتر پیش بینی می کند که در آینده حشرات بیشتری به عنوان بخشی از رژیم غذایی خود خواهیم خورد.

تولید و مصرف مواد غذایی سفارش دادند. نتایج نشان می دهد که ممکن است تا سال ۲۰۵۰ تغییر عمده ای در رژیم های غذایی ایجاد شود. هم کارشناسان و هم مصرف کنندگان پیش بینی کردند که بخش قابل توجهی از پروتئین های گوشت و لبنیات در آینده با افزایش پروتئین های گیاهی و توسعه محصولات کشاورزی سلولی جایگزین خواهد شد.

از سوی دیگر، تفاوت قابل توجهی در انتظارات کارشناسان و مصرف کنندگان وجود دارد. به عنوان مثال، کارشناسان تخمین می زنند که در سال ۲۰۵۰ مردم فنلاند تنها حدود یک چهارم میزان گوشت مصرفی امروز را مصرف خواهند کرد. برآوردهای مصرف کنندگان کمی معتدل تر از کارشناسان بود، اما آنها نیز انتظار دارند که مصرف گوشت تا سال ۲۰۵۰ به کمتر از نصف سطح امروزی کاهش یابد.

در نظرسنجی مصرف کننده، پاسخ دهندگان با انواع مختلف محصولات گیاهی آشنا بودند، اما به وضوح آشنایی کمتری با محصولات کشاورزی سلولی داشتند. این ممکن است به این دلیل باشد که بسیاری از محصولات کشاورزی سلولی هنوز در فروشگاه های مواد غذایی معمولی موجود نیستند. بیش از نیمی از پاسخ دهندگان نگرش مثبتی نسبت به استفاده از محصولات گیاهی داشتند، در حالی که حدود یک چهارم نظر مثبت به استفاده از محصولات کشاورزی سلولی داشتند.

تغییر به منابع پروتئین گیاهی و سلولی، میزان زمین مورد نیاز برای کشت را در مقایسه با تولید حیوانی به میزان قابل توجهی کاهش می دهد؛ طبق کمترین برآورد، نیاز سالانه به



▲ سال گذشته، دفتر ارتباطات ریاست جمهوری در فیلیپین اعلام کرد که این کشور تولید انبوه برنج طلایی برای مصرف را با تمرکز بر استان‌های دارای کمبود ویتامین A آغاز خواهد کرد.



▲ مصرفکنندگان بیشتری لبنیات حیوانی را با نوع گیاهی تعویض می‌کنند. اگرچه این نوشیدنی‌های گیاهی به طور دقیق «شیر» نیستند، اما در میان مصرفکنندگانی که به دنبال گزینه‌های بدون لبنیات در لیوان‌های قهوه و کاسه‌های غلات خود هستند، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

ارزیابی می‌کنند. سپس تغذیه شخصی از رویکرد «غذا به عنوان دارو» پیروی می‌کند.

با این حال، دیگرانی هستند که به ادعاهای شرکت‌های تغذیه شخصی شک دارند و در مورد اینکه چقدر از نیازهای تغذیه‌ای ما واقعاً به ژن‌های ما بستگی دارد، تردید دارند. مطالعه PREDICT - بزرگ‌ترین مطالعه علمی تغذیه جهان - افزایش و کاهش پارامترهایی مانند گلوکز و چربی خون را در ۷۰۰ دوقلوی همسان و ۴۰۰ غیر دوقلو برای تعیین پاسخ فردی به غذا ارزیابی کرد.

طبق نتایج این مطالعه، «اگر این تفاوت‌ها ریشه ژنتیکی داشته باشند، انتظار داریم که دوقلوهای همسان واکنش مشابهی نشان دهند؛ اما این کار را نکردند. به نظر می‌رسد ژنتیک کمتر از یک سوم پاسخ‌های انسولین و تری‌گلیسیرید افراد را تشکیل می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که چندین عامل دیگر در اینجا نقش دارند، از جمله ساعت خواب، ورزش، سطح استرس و میکروبیوم‌های روده».

همان‌طور که به سمت آینده حرکت می‌کنیم، باید مایل به پذیرش تغییرات در رژیم غذایی خود باشیم و از شیوه‌های غذایی پایدارتر حمایت کنیم. این نه تنها به نفع سلامتی ما خواهد بود، بلکه به یک سیاره سالم‌تر و متعادل‌تر برای نسل‌های آینده کمک خواهد کرد.

پی‌نوشت:

۱- گوشت پرورشی، شکلی از کشاورزی سلولی است که در آن گوشت با کشت سلول‌های حیوانی در شرایط آزمایشگاهی تولید می‌شود. ◀

همزمان با کاهش پیش‌بینی‌شده مصرف گوشت است که طبق پیش‌بینی کمیسیون اتحادیه اروپا، مصرف سرانه گوشت این اتحادیه از ۶۹/۸ کیلوگرم در سال ۲۰۱۸ به ۶۷ کیلوگرم در سال ۲۰۳۱ کاهش خواهد یافت. اگرچه این افت به اندازه کافی بزرگ نیست؛ مصرف اتحادیه اروپا باید تا سال ۲۰۳۰ تا ۷۱ درصد و تا سال ۲۰۵۰ تا ۸۱ درصد کاهش یابد تا اثرات تولید مواد غذایی بر انتشار گازهای گلخانه‌ای کاهش یابد.

### ● فناوری و غذا

آینده غذا تا حد زیادی به وسیله نوآوری‌های تکنولوژیک شکل خواهد گرفت. تعداد زیادی تکنیک وجود دارد که در حال حاضر در حال بررسی هستند. به عنوان مثال کشاورزی عمودی، هیدروپونیک (روش پرورش گیاهان بدون خاک) و آکواپونیک (ترکیبی از پرورش حیوانات آبی مانند ماهی در حالی که گیاهان نیز در آب رشد می‌کنند)، امکان رشد غذا را در محیط‌هایی فراهم می‌کند که در غیر این صورت، به دلیل فضای محدود غیرممکن خواهد بود. آینده زنجیره‌های تامین مواد غذایی نیز ممکن است از طریق نوآوری‌های تکنولوژیک بهینه شود؛ هوش مصنوعی، بلاک‌چین و تجزیه و تحلیل داده‌ها به بهینه‌سازی تولید، توزیع و ایمنی مواد غذایی کمک می‌کند.

دانشمندان بر این باورند که با حوزه نوظهور ژنومیک مغذی، می‌توانیم رژیم غذایی‌مان را با DNA خود تنظیم کنیم. این امر در حال حاضر تا حدودی، در ایالات متحده با شرکت‌هایی مانند DNAFit انجام می‌شود که توصیه‌های تغذیه‌ای شخصی را بر اساس آرایش ژنتیکی ارائه می‌دهند که از طریق کیت‌های آزمایش DNA در خانه تعیین می‌شود. دیگران، مانند GUTXY، میکروبیوم روده فرد را برای رمزگشایی رژیم غذایی مناسب

مقاوم‌تر باشند، نقش مهمی ایفا خواهد کرد. ما می‌توانیم DNA محصولات را تغییر دهیم تا به انرژی و منابع کمتری برای رشد نیاز داشته باشیم که این امر باعث کاهش ردپای کربن ما خواهد شد.

### ● برنج طلایی

پروفیسور لو کوتر از برنج طلایی به عنوان نمونه‌ای از اینکه چگونه یک GMO می‌تواند به طور بالقوه به رفع نگرانی‌های بهداشت جهانی کمک کند، اشاره می‌کند. برنج طلایی که در دهه ۱۹۹۰ ساخته شد، نوعی برنج است که از طریق مهندسی ژنتیک برای بیوسنتز یک پیش‌ماده ویتامین A تولید می‌شود و هدف آن مبارزه با کمبود ویتامین A در کشورهای در حال توسعه است.

در کشورهایی مانند بنگلادش، اندونزی و فیلیپین، که برنج جزء اصلی رژیم غذایی مردم است، معرفی برنج طلایی به زنجیره تامین مواد غذایی، نیاز به غذای کاربردی برای اهداف بشردوستانه را نشان می‌دهد.

پروفیسور لو کوتر می‌گوید: «زیبایی علم تغذیه در این است که ما اکنون دانش و توانایی لازم را برای تعریف مجدد قدرت غذا داریم.»

تولید غذاهای پزشکی که می‌تواند به رفع سایر مشکلات سلامتی مانند زوال شناختی کمک کند، امکان‌پذیر است. محصولاتی برای به تعویق انداختن شروع زوال شناختی با استفاده از ترکیبی از روغن ماهی، یوریدین مونوفسفات، لپیدها و ویتامین‌های B در دسترس هستند. ثابت شده است که این فرمول‌ها از عملکرد حافظه در مراحل اولیه بیماری آلزایمر پشتیبانی می‌کنند.

### ● لطمه به احساس حیوانات

فیلیپ لیمبری، مدیر عامل شرکت «شفقت در کشاورزی جهانی» (Compassion in World Farming)، می‌گوید: به دلایل دوستدار زمین، ما باید مصرف گوشت و لبنیات خود را به ویژه در شمال جهانی کاهش دهیم. در ماه ژوئن، وزارت کشاورزی ایالات متحده (USDA) به دو شرکت، چراغ سبز نشان داد تا فروش مرغ پرورشی خود را در ایالات متحده آغاز کنند. البته این مرغ هنوز در قفسه‌های سوپرمارکت‌ها عرضه نمی‌شود، اما ممکن است به زودی در رستوران‌ها در دسترس باشد. اگرچه هزینه‌های بالای انرژی به این معنی است که تولید گوشت پرورشی هنوز بسیار گران است، با وجود این، پژوهش‌ها و سرمایه‌گذاری بیشتر ممکن است هزینه‌ها را در درازمدت کاهش دهد.

کمپین اخیر علیه افتتاح نخستین مزرعه اختاپوس جهان در جزایر قناری نشان می‌دهد که نگرش به احساسات حیوانات نیز در حال تغییر است. تا حدی به لطف مستندهای طبیعت مانند «علم اختاپوس من» نتفلیکس و کل آثار دیوید آتنبرو، افراد بیشتری متوجه می‌شوند که حیوانات درد، رنج و شادی را تجربه می‌کنند. احساسات حیوانات در قوانین اتحادیه اروپا نیز گنجانده شده و همه کشورهای عضو موظف‌اند هنگام تنظیم سیاست‌ها، احساسات حیوانات را در نظر بگیرند. این موضوع



## دریای آلوده

### خلیج فارس با چه ابرچالش‌هایی در حوزه محیط زیست مواجه است؟

ساعت پساب از طریق پالایشگاه به سمت دریا تخلیه می‌شود و پساب‌های شهری که غالباً فاقد سیستم جمع‌آوری و انتقال تصفیه فاضلاب شهری هستند، ۷۰ هزار مترمکعب در روز آلودگی تولید می‌کنند. مرگ‌ومیر آبزیان، مهاجرت آبزیان به خارج از منطقه، تغییرات در تنوع زیستی و کاهش تنوع زیستی و تغییر رفتار موجودات در محیط زیست منطقه از جمله آثار ناشی از آلودگی دریاهاست.

طول مرزهای آبی ایران با خلیج فارس، با احتساب جزایر در حدود ۱۸۰۰ کیلومتر و بدون احتساب جزایر در حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است. طول خلیج فارس از تنگه هرمز تا آخرین نقطه پیشروی آن در جهت غرب در حدود ۸۰۵ کیلومتر است. ایران بیشترین خط ساحلی از خلیج فارس را در پهنه شمالی آن در اختیار دارد. اگرچه آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های نفتی و صنعتی و پتروشیمی و البته فاضلاب‌های شهری محیط زیست خلیج فارس را مخدوش کرده اما آنچه بیش از پیش خلیج فارس را با چالش جدی مواجه کرده، فعالیت‌های مصنوعی در سواحل جنوبی این دریا در امارات، قطر، عربستان و دیگر کشورهای عربی است. روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای انتقادی درباره آلودگی خلیج فارس و تاثیر ساخت‌وسازها در دومی بر آب‌های خلیج فارس نوشته است: «تکای دومی به نمک‌زدایی به خلیج فارس آسیب می‌زند و زباله‌های شوری به نام آب نمک تولید می‌کند که همراه با مواد شیمیایی مورد استفاده در فرآیند نمک‌زدایی، شوری را در خلیج فارس افزایش می‌دهد. همچنین دمای آب‌های ساحلی را افزایش می‌دهد و به تنوع زیستی، شیلات و جوامع ساحلی آسیب می‌رساند. خلیج فارس همچنین تحت تاثیر تغییرات آب‌وهوایی و تلاش

برای ساخت جزایر چند میلیارد دلاری دومی با استفاده از احیای زمین است. املاک ساحلی پیشنهادی شامل یک جزیره خصوصی ۳۴ میلیون دلاری به شکل اسب دریایی است که در مجمع‌الجزایر مصنوعی واقع شده است. بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، اگر اقدام فوری برای مقابله با این آسیب‌ها انجام نشود، نمک‌زدایی در ترکیب با تغییرات آب‌وهوایی، دمای آب‌های ساحلی خلیج فارس را تا سال ۲۰۵۰ حداقل پنج درجه فارنهایت در بیش از ۵۰ درصد از این منطقه افزایش می‌دهد. طبق گزارش پایداری، دومی در سال ۲۰۲۱ تقریباً ۱۶۳/۶ میلیارد گالن آب را نمک‌زدایی کرد. به ازای هر گالن آب شیرین شده تولیدشده در خلیج فارس، به‌طور متوسط ۱/۵ گالن آب نمک در اقیانوس آزاد می‌شود.»

از سوی دیگر در حالی که سواحل جنوبی خلیج فارس را به شدت آلوده می‌کنند، سواحل شمالی که در اختیار ایران است روزبه‌روز از اهمیت آنها از منظر اقتصادی کاسته و از سوی دیگر بر میزان آلودگی آب‌های ساحلی در سمت ایران افزوده



▲ این گزارش با همکاری مصطفی کامیاب کارشناس محیط‌زیست دریات تهیه شده است.

فلات مرکزی ایران به وجود آمد و از طریق این دریا بر پهنه‌های بزرگی از جهان حکم راند. و امروز البته قصه شکل دیگری دارد و میلیاردها دلار در سواحل جنوبی خلیج فارس صرف توسعه شهری در دریای خلیج فارس از سوی کشورهای کوچک حاشیه جنوبی می‌شود. اتفاقی که موجب بالا رفتن دمای آب خلیج فارس و افزایش شوری و آلودگی‌های نمکی و تهدید جدی حیات این بستر دریایی شده است.

موسسه مطالعات ژئوپولیتیک، استراتژیک، تاریخ و جغرافیای خلیج فارس در مطالعه‌ای تاکید کرده که «به دلیل تردد بیش از حد کشتی‌ها از آب‌های خلیج فارس، ۶۰ درصد آلودگی شناخته‌شده دریا در این آب‌ها وجود دارد و آلودگی ناشی از پالایشگاه‌ها ۳۸ درصد است. سالانه حدود ۲۵ هزار تانکر نفتی از طریق تنگه هرمز عبور می‌کنند و ۶۰ درصد نفت جهان از طریق آب‌های خلیج فارس می‌گذرد. نیروگاه‌های تولید برق و آب‌شیرین‌کن‌ها از دیگر مواد آلاینده‌های خلیج فارس به حساب می‌آیند و ۱۷۵ هزار مترمکعب در

دریای پارس، نه از منظر ژئوپولیتیک که از دید زمین‌شناسی بخشی از ماهیت جغرافیایی ایران است. این آبراهه با ارزش جهانی، اگرچه از بعد هویتی برای ایرانیان مهم است اما به نظر می‌رسد مخاطرات زیست‌محیطی حاصل از فعالیت‌های نفتی، صنعتی، شهری و... پیرامون این دریا، با اهمال دولت‌های همسایه، بیش از پیش این منطقه را تحت تاثیر قرار داده و حیات جانداران و زیست‌مندان را تهدید می‌کند. برای فهم اهمیت خلیج فارس که طی یک قرن اخیر محل تردد بخش مهمی از سوخت اقتصاد جهان بود، نیاز است به تاریخچه شکل‌گیری این آبراهه دقت شود. خلیج با اهمیتی که اگرچه متصل به آب‌های اقیانوسی است، اما سه تا پنج سال طول می‌کشد تا تمامی آب خلیج فارس تخلیه شود.



زمانی که دشت‌های جنوبی ایران حدود ۱۵ هزار سال پیش در حال زایش بودند، به مرور دهانه گود جنوب دشت‌ها بر اثر تغییر در ساختار درونی و بیرونی زمین، شکلی شبیه به دره به خود می‌گرفت تا آب شیرین رودخانه بسیار بزرگ اروندرود را آرام‌آرام درون خود جا دهد. تصور اینکه کوه‌های بزرگ زاگرس روزی زیر آب‌های خلیج فارس بوده شگفت‌انگیز است. «از دیدگاه زمین‌شناسی، خلیج فارس فرونشست زمین‌ساختی کم‌عمقی است که در دوره ترشیری در حاشیه جنوبی رشته‌کوه زاگرس تشکیل شده است. در واقع این دریا بازمانده گودال بزرگی است که از دوران گذشته زمین‌ساختی زیر تاثیر فشار ناشی از آتشفشان‌های فلات ایران بوده و پایداری فلات عربستان در مقابل این واکنش‌های تکتونیکی سبب ایجاد و توسعه پهنای آن شده است.» آنچه این زایش جغرافیایی را بیش از پیش جالب می‌کند، مقاومت صفحه فلات عربستان در برابر تکان‌های ناشی از فشارهای آتشفشانی فلات ایران به‌خصوص رشته‌کوه‌های زاگرس است. حادثه غریبی که هنوز که هنوز است ادامه دارد و فشار صفحه تکتونیکی عربستان به ریشه‌های زاگرس، سبب وقوع گاه و بی‌گاه زلزله در مناطق مرکزی و جنوبی و غربی ایران می‌شود. از سویی این فشار از پایین سبب شیب بیشتر زاگرس و فروافتادن آب‌های شیرین ایران به کف و بستر خلیج فارس می‌شود.

### ● آلودگی مرزهای جنوبی و از کار افتادگی مرزهای شمالی

آلودگی‌های نفتی، صنعتی، فاضلاب‌های شهری، آلودگی ناشی از ساخت جزایر مصنوعی در کشورهای عربی، فلزات سنگین و... چنان به جان خلیج فارس افتاده که گویی این دریا محل امن جانوران دریایی و شهروندان ساحل‌نشین نیست. چه آنکه قرن‌ها بزرگ‌ترین تمدن‌ها در ساحل شمالی آن یعنی در





▲ زمانی که دشت‌های جنوبی ایران حدود ۱۵ هزار سال پیش در حال زایش بودند، به مرور دهانه گود جنوب دشت‌ها بر اثر تغییر در ساختار درونی و بیرونی زمین، شکلی شبیه به دره به خود می‌گرفت تا آب شیرین رودخانه بسیار بزرگ اروندرود را آرام‌آرام درون خود جا دهد. تصور اینکه کوه‌های بزرگ زاگرس روزی زیر آب‌های جنوبی خلیج فارس بوده شگفت‌انگیز است.



▲ نیروگاه‌های تولید برق و آب‌شیرین‌کن‌ها از دیگر مواد آلاینده‌های خلیج فارس به حساب می‌آیند و ۱۷۵ هزار مترمکعب در ساعت پساب از طریق پالایشگاه به سمت دریا تخلیه می‌شود و پساب‌های شهری که غالباً فاقد سیستم جمع‌آوری و انتقال تصفیه فاضلاب شهری هستند، ۷۰ هزار مترمکعب در روز آلودگی تولید می‌کنند. مرگومیر آبریان، مهاجرت آبریان به خارج از منطقه، تغییرات در تنوع زیستی و کاهش تنوع زیستی و تغییر رفتار موجودات در محیط زیست منطقه از جمله آثار ناشی از آلودگی دریاهاست.

هیچ یک از کشورهای به‌طور گروهی و یک‌جانبه انجام نشده است. این سهل‌انگاری غیرقابل قبول به غیر از آنکه به نابودی حیات نمونه حوضه آبی خلیج فارس ختم خواهد شد به‌طور حتم دیگر کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس را نیز که با کمبود جدی حوزه سرزمینی و وسعت مواجه هستند به اقدامات مشابه رهنمون می‌کند.

### ● زیست‌بوم بارزش خلیج فارس در خطر

محیط زیست خلیج فارس و حفاظت از آن بسیار بااهمیت است. چرا که حیات زیستی و اقتصادی چند میلیون شهروند خاورمیانه‌ای به حیات خلیج فارس بسته است. پژوهش‌های زیادی درباره محیط زیست خلیج فارس و ضرورت حفاظت از تنوع زیستی آن تولید شده است که همگی از اهمیت این آبراهه برای تمدن منطقه و جهان حکایت دارد. محیط زیست دریایی خلیج فارس به علت شرایط اکولوژیک خاصی که دارد و بهره‌گیری‌هایی که از این محیط و منابع آن می‌شود در معرض مخاطراتی به‌طور مستمر قرار گرفته است. خلیج فارس در زمره یکی از بارزش‌ترین زیست‌بوم‌های آبی جهان محسوب می‌شود که با وجود متنوع‌ترین رویش‌های گرمسیری، گونه‌های مختلف جانداران آبی و... دارای شرایط بسیار ویژه‌ای است که محیط زیست آن را تبدیل به محیطی بسیار حساس و شکننده کرده است. متأسفانه در سال‌های اخیر عوامل مختلفی چون افزایش

آلاینده‌هایی که از طریق صنایع حاشیه سواحل وارد آب این دریا می‌شوند بخش اعظم آلاینده‌های موجود در دریای خلیج فارس از نوع نفتی است که تاکنون موجب نابودی درصد بالایی از آبزیان و ماهیان این دریا شده است. با افزایش آلاینده‌ها آبریان-ماهی‌ها و مرجان‌ها رو به نابودی خواهند رفت و آن زمان انجام هر اقدامی به‌طور حتم بی‌فایده خواهد بود. بخشی از آلاینده‌ها در اثر حرکت نفت‌کش‌ها و شناورها، رها کردن آب توازن کشتی‌ها، حفاری و عملیات کشف نفت، تراوش و استخراج نفت و ریختن زباله‌ها از داخل شناورها به خلیج فارس تزریق می‌شوند. علاوه بر ایران، هشت کشور ساحلی در آلودگی خلیج فارس سهیم هستند. ساخت جزیره مصنوعی در آب‌های خلیج فارس از سوی امارات متحده عربی یکی از بزرگ‌ترین مشکلات خلیج فارس را ایجاد کرده است. طرفداران محیط زیست معتقدند که این توسعه جدید (جزایر مصنوعی) عوارض سنگینی را بر اکوسیستم منطقه خاص حوزه خلیج فارس وارد کرده است.

مرجان‌های زیبا و گونه‌های نادر گیاهی و جانوری در حالی قربانی توسعه بی‌رویه و غیراصولی و هجوم انواع آلاینده‌ها به درون دریا می‌شوند که هنوز سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان دستگاه متولی حفظ محیط زیست نتوانسته اقدام موثر و شایسته‌ای در این زمینه انجام دهد، در حالی که به لحاظ اهمیت جلوگیری از آلودگی و حفظ محیط زیست خلیج فارس در ارتباط با اکتشافات حفاری‌ها و آلودگی‌های نفتی سازمان‌های منطقه‌ای مهمی همچون رامبی از سوی امضاکندگان کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت (کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی امارات متحده عربی) تشکیل شده و فعالیت می‌کنند اما تاکنون اقدام جدی و بازدارنده‌ای در این رابطه از سوی

می‌شود. کوروش احمدی، دیپلمات پیشین، در مورد ارزش‌های اقتصادی سواحل ایران در روزنامه شرق نوشته است: «سواحل ایرانی در حال از دست دادن اهمیت و موقعیت تاریخی خود در خلیج فارس هستند. بنادر و فرودگاه‌ها در سواحل عربی با سرعتی شگفت‌آور توسعه یافته‌اند و به مقصد اصلی بار، بازرگان، جهانگرد، روزنامه‌نگار و... در خلیج فارس تبدیل شده‌اند. در سال ۲۰۲۱ تنها ۲۷/۷ میلیون توریست بین‌المللی به کشورهای عضو شورای همکاری سفر کردند. مطابق با شاخص عملکرد بنادر جهانی که از طرف بانک جهانی و GMICPP منتشر می‌شود، چهار بندر در جنوب خلیج فارس در میان پنج بندر با بهترین عملکرد در سال ۲۰۲۱ در سطح جهانی بوده‌اند. فرودگاه دوی نیز با جابه‌جایی حدود ۹۰ میلیون مسافر در سال سومین فرودگاه بزرگ جهان از نظر تردد مسافر بین‌المللی است. سواحل عربی همچنین از نظر تراکم حضور رسانه‌ها و خبرنگاران بین‌المللی و نیز برگزاری مسابقات ورزشی و... موقعیت ممتازی برای خود فراهم کرده است. همزمان جمعیت پنج کشور جنوبی خلیج فارس و استان‌های ساحلی عربستان در ۵۰ سال گذشته بین هفت تا ۳۳ برابر افزایش یافته و به حدود ۳۳ میلیون نفر رسیده است. این در حالی است که کرانه‌های ایرانی بسیار عقب مانده‌اند و جمعیت شهرهای ساحلی ما از حدود ۳/۵ میلیون نفر تجاوز نمی‌کند.»

همه اینها در حالی است که مادر سواحل شمالی خلیج فارس به دلایل سیاسی و مسائل دیگر فقط داریم از تبعات آلودگی خلیج فارس بهره‌مند می‌شویم اما از نظر خدمات جغرافیایی که سرزمین ما را به حیات و تنوع زیستی خلیج فارس می‌رساند عایدی نداریم. «آب‌وهوای خلیج فارس خشک و نیمه‌استوایی است. منطقه‌ای که گاهی دمای هوا در آن طاقت‌فرساست. در تابستان دما گاهی تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد و میزان تبخیر بیشتر از میزان آب‌های وارده می‌شود. آب‌های شیرینی که وارد خلیج فارس می‌شوند عمدتاً محدود به روان‌آب‌های کوه‌های زاگرس در ایران و کوه‌های ترکیه و عراق است. رودخانه‌های اروندرود، کارون، جراحی، مند، دالکی و میناب بزرگ‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه‌هایی هستند که به خلیج فارس می‌ریزند که بیشتر سرچشمه‌های آنها در کوه‌های زاگرس قرار دارند.» اگر این میزان آب شیرین به چنین دریای پرتردد و البته بسته‌ای که بزرگ‌ترین انتقالات نفت برای توسعه اقتصادهای جهان را دارد، وارد نمی‌شد، اینجا جایی برای زیستن نداشت. هنوز که هنوز است دریای پارس به عنوان گرم‌ترین پهنه آبی دنیا شناخته می‌شود. بنابراین زیست در حاشیه این دریا واقعاً همتی تاریخی می‌خواهد.

### ● آلودگی نفت‌کش‌ها

موسسه مطالعات ژئوپولیتیک، استراتژیک، تاریخ و جغرافیای خلیج فارس در مقاله‌ای درباره آلودگی خلیج فارس نوشته است: خلیج فارس محل حمل‌ونقل جهانی نفت محسوب می‌شود و این امر موجب شده در سال‌های گذشته لکه‌های نفتی بسیاری از این نفت‌کش‌ها در آب‌های خلیج فارس به‌جا بماند و در نهایت تأثیرات نامطلوبی بر محیط زیست منطقه وارد شود. علاوه بر



▲ خلیج فارس یک حوضه کم عمق و نیمه بسته است که طول آن در حدود هزار کیلومتر، بیشینه عرض آن ۳۵۰ کیلومتر و متوسط عمق آن ۴۰ متر است و تنها از طریق تنگه هرمز با دریای عمان و آب های آزاد ارتباط دارد. انرژی هیدرو دینامیک پایین، زمان باز چرخش طولانی آب (پنج تا هفت سال)، عمق کم و شوری بالا، شرایط مناسبی برای ترسیب آلاینده ها فراهم کرده و این دریا را با چالش های متعددی روبه رو کرده است.

جمعیت، توسعه شهرنشینی، گسترش صنعت، استفاده غلط از منابع طبیعی و... باعث بروز آلودگی شدید و زیست محیطی این منطقه شده است. زندگی صنعتی بشر امروزی بیش از هر پهنه آبی بر پیکر بی دفاع خلیج فارس آثار مخرب خود را نشان داده است. عبور و مرور انواع شناورها و تخلیه مواد آلاینده آنها به خلیج فارس، تخلیه انواع مواد شیمیایی خطرناک و... از عمده ترین عوامل آلودگی محیط زیست دریایی خلیج فارس به شمار می آیند که توانسته اند در اندک زمانی اکوسیستم بی نظیر آن را تا ۴۷ برابر حد طبیعی آلودگی، آلوده کنند و به این طریق آبزیان و موجودات آن را با خطر نابودی مواجه کنند.

### ● مهم ترین چالش محیط زیست خلیج فارس

مصطفی کامیاب، زیست شناس دریا و متخصص محیط زیست دریایی، به تجارت فردا می گوید: خلیج فارس یک حوضه کم عمق و نیمه بسته است که طول آن در حدود هزار کیلومتر، بیشینه عرض آن ۳۵۰ کیلومتر و متوسط عمق آن ۴۰ متر است و تنها از طریق تنگه هرمز با دریای عمان و آب های آزاد ارتباط دارد. انرژی هیدرو دینامیک پایین، زمان باز چرخش طولانی آب (پنج تا هفت سال)، عمق کم و شوری بالا، شرایط مناسبی برای ترسیب آلاینده ها فراهم کرده و این دریا را با چالش های متعددی روبه رو کرده است. البته عمده این مشکلات در سایر پهنه های آبی دنیا نیز مشاهده می شود اما به سبب برخی شرایط ذکر شده این آلودگی ها در خلیج فارس از شدت بیشتری برخوردار است. برخی از این چالش ها عبارتند از:

**شوری و تبخیر بالا:** قرارگیری در منطقه ای نیمه استوایی با حداقل بارش های سالانه (در حدود هفت سانتی متر)، ورودی اندک رودخانه های آب های شیرین به آن، تبخیر بالا و در نتیجه آن شوری بالاتر از متوسط دریاها.

**آلودگی های نفتی:** وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در خلیج فارس، علاوه بر استقرار صنایع و پالایشگاه های مربوط به این صنعت در حاشیه خلیج، آن را به یکی از پر ترددترین مسیرهای انتقال نفت و فرآورده های آن تبدیل کرده است. انتشار و پخش آلودگی های نفتی، آثار منفی و پیامدهای مختلفی به دنبال دارد که می توان به اثرات نامطلوب زیست محیطی، مرگ جانداران دریایی، نامناسب شدن غذاهای دریایی برای

مصرف انسانی و کاهش قدرت پرواز پرندگان دریایی اشاره کرد.

**فلزات سنگین:** یکی دیگر از آلاینده های زیست محیطی مهم و از اجزای اصلی محیط های آبی هستند که در نتیجه فعالیت های طبیعی (هواز دگی و فرسایش سازندهای زمین شناختی) یا انسان زاد (تخلیه پساب های صنعتی، پساب صنایع وابسته به کشاورزی، فاضلاب های تصفیه نشده شهری، مواد شیمیایی و نشست نفت) وارد این محیط ها می شوند؛ آلودگی فلزات سنگین در خلیج فارس عمدتاً ناشی از تخلیه پساب آلوده به این فلزات در مناطق ساحلی است که بیشترین سهم آلودگی مربوط به پساب واحدهای صنعتی، پتروشیمی، تامین برق و آب شیرین کن هاست.

**میکرو پلاستیک ها:** میکرو پلاستیک ها به عنوان آلاینده های نوظهور و کمتر شناخته شده طی چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته اند. این آلاینده ها به قطعات پلاستیکی با قطر کمتر از پنج میلی متر گفته می شود که از راه های مختلفی (۸۰ درصد از طریق روان آب های ساحلی) به محیط های دریایی وارد شده و سلامت محیط و جانداران را به خطر می اندازد. میکرو پلاستیک های موجود در محیط های دریایی برای هر سطحی از شبکه غذایی در دسترس هستند؛ از تولید کنندگان اولیه گرفته تا موجوداتی که سطح غذایی بالاتری دارند (به عنوان مثال ۵۵ درصد ماهیان نمونه برداری شده در یک پژوهش در اندونزی حاوی مقادیر مختلفی از میکرو پلاستیک ها بودند) و از این طریق می توانند وارد بدن انسان نیز بشوند و تهدیدی جدی برای سلامت انسان و محیط زیست محسوب می شوند. طبق گزارش هایی که اخیراً منتشر شد این ذرات در خون و شیر مادران باردار نیز مشاهده شدند.

بر اساس مطالعات تاثیر میکرو پلاستیک ها بر مهره داران

و بی مهرگان دریایی از طریق بلعیدن مستقیم قطعات پلاستیکی است که به آسیب های داخلی در جانداران منجر می شود، همچنین این آلاینده ها بر پراکنش گونه های خاصی از جانداران دریایی که از سطح این مواد به عنوان مکان هایی برای تخم گذاری استفاده می کنند، دارای اثراتی سوء هستند، با این حال بسیاری از پژوهشگران مهم ترین اثر میکرو پلاستیک ها در محیط های دریایی را جذب آلاینده های شیمیایی بر روی آنها بر شمرده اند، به گونه ای که میکرو پلاستیک ها علاوه بر انتقال این آلاینده ها، پایداری محیطی این مواد را نیز افزایش می دهند.

**ورود گونه های مهاجم:** یکی از اثرات جانبی حمل و نقل های دریایی علاوه بر آلودگی های مرسوم، جابه جایی موجودات دریایی به وسیله آب توازن کشتی ها در مناطق مختلف جهان است. کشتی ها مسوولیت حمل و جابه جایی بیش از ۴۰ درصد گونه های آبی غیر بومی در جهان را بر عهده دارند و بر اساس گزارش های سازمان جهانی دریانوردی (IMO)، ناوگان کشتیرانی جهانی سالانه حدود ۱۲ میلیارد تن آب توازن حمل می کنند که از طریق آن روزانه حدود سه تا چهار هزار گونه آبزیان از منطقه ای به منطقه دیگر انتقال داده می شود. هنگامی که این جانداران همراه با آب توازن به محیط جدید وارد می شوند، ممکن است مهاجم شده و اکوسیستم بومی آب را به هم ریخته، فعالیت های اقتصادی مانند صیادی و آبی پروری را تحت تاثیر قرار دهند یا باعث بروز بیماری و حتی مرگ میزبان در انسان ها شوند. بر اساس مطالعات دفتر تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF)، گونه های مهاجم دریایی یکی از چهار تهدید بزرگ برای اقیانوس های جهان محسوب می شوند. خلیج فارس نیز به سبب تردد بیش از ۶۰ درصد تانکرهای غول پیکر نفتی در آن، از این خطر مصون نیست. و تاکنون گزارش های متعددی از حضور گونه های مهاجم در آن حکایت دارد.

**ورود پساب آب شیرین کن ها با شوری بسیار بالا:** کمبود منابع آب شیرین در کشورها و شهرهای حاشیه خلیج فارس به ناچار آنها را به سمت استفاده از آب دریا و شیرین سازی آن سوق داده است. در حال حاضر بیش از ۲۵۰ آب شیرین کن در حاشیه خلیج فارس فعال هستند و عمده آب شیرین مصرفی کشورهای حاشیه جنوبی از این طریق تامین می شود و پساب این صنایع که حاوی املاح و شوری بسیار بالایی است وارد خلیج فارس می شود. کارخانه های آب شیرین کن مقادیر قابل توجهی مواد شیمیایی برای پیش تصفیه آب شور و پس تصفیه آب شیرین استفاده می کنند. شوری بیش از حد پساب (تقریباً دو برابر آب دریا) و تخلیه مقادیر زیادی مواد شیمیایی در آب های ساحلی به عدم تعادل اکولوژیکی می انجامد و تاثیرات عمده ای بر آب دریا و موجودات ساکن آن از جمله اکوسیستم های مرغانی می گذارند.

**ورود پساب مزارع پرورش آبزیان:** افزایش مزارع پرورش آبزیان به ویژه میگو (در حاشیه سواحل) و ماهی (پرورش در قفس) به رغم مزایای فراوان که دارد از جمله تامین پروتئین دریایی و کاهش فشار بر ذخایر آبزیان اما خود می تواند تهدیدی



▲ از آنجا که تقریباً ۶۰ درصد از حمل و نقل نفت در سراسر جهان از طریق این خلیج صورت می‌گیرد، آلودگی نفتی یک تهدید حاد و بین‌المللی در خلیج فارس است. نمونه‌ای از حوادث نشت نفت به وسیله انسان در این خلیج، جنگ عراق و آمریکا در سال ۱۹۹۱ بود که به جنگ دوم خلیج فارس معروف شد. در این درگیری، آمریکا سه روز متوالی عراق را مجبور به رهاسازی نفت از پایانه منا الاحمدی به خلیج فارس کرد و حدود ۷۰۰ حلقه چاه نفت را سوزاند.

سواحل و جزایر جنوب ایران که در خلیج فارس قرار دارند دائماً در معرض آلودگی نفتی هستند. در این راستا بررسی نشت نفت در خلیج فارس حائز اهمیت است. علاوه بر این، خلیج فارس دارای تنوع گسترده‌ای از بی‌مهرگان دریایی است. خلیج فارس در سال‌های اخیر شاهد نشت‌های نفتی متعدد و عظیمی بوده است که هر کدام برای آلودگی هر منطقه دریایی کافی است، بنابراین خلیج فارس را می‌توان بارزترین قربانی نشت نفت دانست. بارزترین و مهم‌ترین مورد آلودگی و آلودگی خلیج فارس مربوط به نشت جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ است که بزرگ‌ترین نشت نفت در تاریخ محسوب می‌شود. آنچه وارد خلیج فارس شده است مساحتی حدود ۲۳۹ هزار کیلومتر مربع دارد و عمق متوسط آن تنها ۳۵ تا ۳۶ متر است و آلوده‌ترین حوضه دریایی جهان است که آب آن گرم است. در آب‌های گرم، سطح سمی روغن بالاتر است و هوازدگی بسیار سریع‌تر انجام می‌شود. جنگ در دو دهه گذشته ممکن است بار آلودگی را در این منطقه افزایش داده باشد.

آلودگی نفت خام در اقیانوس‌ها همچنان یک تهدید خطرناک برای موجودیت سیاره زمین است که می‌تواند آسیب‌های عمده‌ای به اکوسیستم‌های دریایی و مناطق ساحلی وارد کند. سالانه، نفت خام معمولاً از طریق منابع طبیعی و انسانی وارد محیط می‌شود. منبع اول برای آلوده کردن تمام اکوسیستم‌های دریایی کافی است. بر اساس مطالعات انجام‌شده، نرخ سالانه نفت خام واردشده در آب‌های جهان حدود ۱/۳ میلیون تن است. برای خلیج فارس که یکی از مهم‌ترین منابع آبی جهان است، این میزان معادل ۳۰۰ تن است. از آنجا که تقریباً ۶۰ درصد از حمل و نقل نفت در سراسر جهان از طریق این خلیج صورت می‌گیرد، آلودگی نفتی یک تهدید حاد و بین‌المللی در خلیج فارس است. نمونه‌ای از حوادث نشت نفت به وسیله انسان در این خلیج، جنگ عراق و آمریکا در سال ۱۹۹۱ بود که به جنگ دوم خلیج فارس معروف شد. در این درگیری، آمریکا سه روز متوالی عراق را مجبور به رهاسازی نفت از پایانه منا الاحمدی به خلیج فارس کرد و حدود ۷۰۰ حلقه چاه نفت را سوزاند. در مقایسه بین خلیج فارس و خلیج مکزیک، میزان غلظت هیدروکربن‌های نفتی به ترتیب ۱/۲-۵۴۲ میکروگرم بر لیتر و ۰/۴-۶۶/۸ میکروگرم بر لیتر بود. ●

## ● آلودگی نفت خام و تجزیه زیستی در خلیج فارس

سایت National Library of Medicine آمریکا مطالعه جامعی از سوی چند پژوهشگر ایرانی مقیم آمریکا با نام‌های مهدی حسن‌شاهیان، نازنین امیری‌نژاد و مهلا عسکری‌نژادبهبزادی با عنوان «آلودگی نفت خام و تجزیه زیستی در خلیج فارس» منتشر کرده است. در این گزارش که اثر نفت بر پهنه آبی خلیج فارس را بسیار شدید توصیف کرده آمده است: خلیج فارس یک نمونه ویژه از شرایط بیولوژیک دریایی بین دریاهای جهان محسوب می‌شود. مجموعه متفاوتی از اشکال حیات دریایی از جمله مرجان‌ها، ماهیان و... در این دریا با این شرایط وجود دارد. جنگل‌های حرا در سراسر این سیستم بیولوژیک دریایی یافت می‌شود. خلیج فارس به دلیل واقع شدن در مرکز نشت آلاینده‌های نفتی، در خطر است. این آلودگی می‌تواند به‌طور موثر بر شرایط زیست دریایی متفاوتی که اینجا جریان دارد، تأثیرگذار باشد. متخصصان متعددی اثر آلودگی نفتی بر موجودات دریایی خلیج فارس مانند اسفنج مرجانی، دوکفه‌ای‌ها و ماهی‌ها را بررسی کرده‌اند. این تحلیلگران تأیید کرده‌اند که آلودگی نفتی در خلیج فارس به‌طور قابل توجهی تنوع زیستی را کاهش داده است. انتظار می‌رود با به‌کارگیری روش‌های بیولوژیک در ترکیب با روش‌های مکانیکی و شیمیایی، پیامدهای مخاطره‌آمیز آلودگی نفت خام بر این اکوسیستم مهم آبی در جهان کاهش یابد و گامی در جهت حفظ این محیط متنوع دریایی برداشته شود. خلیج فارس ۶۸ درصد از ذخایر نفت جهان و همچنین بیش از ۴۰ درصد از منابع گازی جهان را در اختیار دارد. بنابراین، بر اساس منابع هیدروکربنی، این محیط دریایی غنی‌ترین محیط زیست در جهان است. در نتیجه

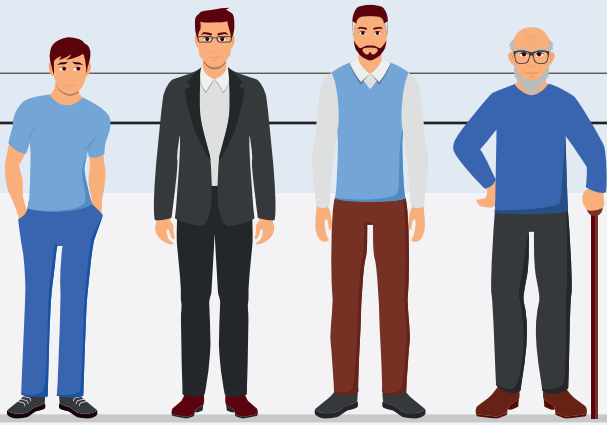
جدی برای اکوسیستم خلیج فارس باشد. افزایش آلودگی میکروبی و انگلی در مزارع پرورش آبزیان و ورود این آلودگی به دریا سلامت دیگر گونه‌های آبی را به مخاطره می‌اندازد. استفاده از انواع مواد مغذی و دارویی نظیر آنتی‌بیوتیک‌ها در مزارع و ورود ناخواسته و اجتناب‌ناپذیر آنها به زنجیره غذایی دریا از دیگر تهدیدات صنایع آبی‌پروری در خلیج فارس است.

## ● آلودگی‌های نفتی و پتروشیمی، فاضلاب‌های شهری و ساخت جزایر مصنوعی

هر یک از این آلودگی‌ها با توجه به میزان آلودگی و مدت زمان حضور آنها، اثرات مختلفی بر روی جانوران و گیاهان خلیج فارس می‌گذارند. به جز تأثیرات آشکار این آلودگی‌ها (مانند مرگ‌ومیر موجودات دریایی) تأثیرات پنهان آنها شامل تجمع ترکیبات شیمیایی خطرناک در بدن موجودات و انتقال آنها در زنجیره غذایی و در نهایت مصرف انسان از آبزیان آلوده از مهم‌ترین اثرات آلودگی‌ها به‌شمار می‌رود. در بحث آلودگی با فاضلاب‌های شهری نیز به‌جز ورود مستقیم آلودگی‌های میکروبی و باکتریایی به اکوسیستم دریایی، ورود مواد مغذی موجود در این فاضلاب‌ها موجب رشد و شکوفایی ناگهانی (Bloom) گونه‌های خطرناک از فیتوپلانکتون‌ها و زئوپلانکتون‌ها شده که با مصرف اکسیژن آب سبب مرگ‌ومیر گونه‌های ارزشمند می‌شوند.

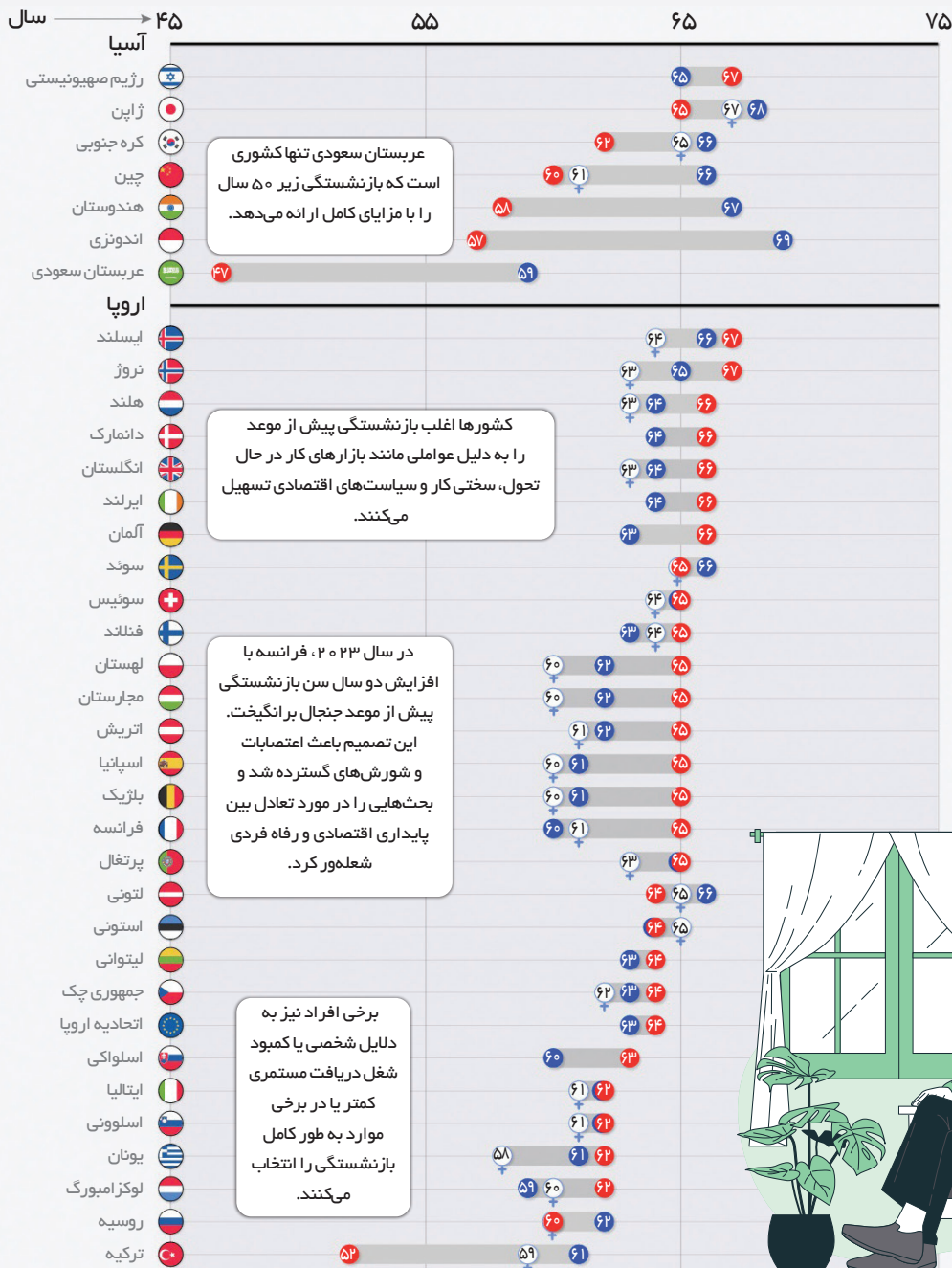
## ● اثر تغییرات اقلیمی بر تنوع زیستی خلیج فارس

تغییرات اقلیمی و در کنار آن گرمایش جهانی یکی از مهم‌ترین تهدیدات زیست‌محیطی است که بشر با آن روبه‌رو بوده است. هرچند تاکنون بررسی جامعی در مورد میزان و نحوه اثر تغییرات اقلیمی بر روی اکوسیستم‌های خلیج فارس انجام نشده است اما مطالعات موردی نشان داده است به عنوان مثال اکوسیستم‌های مانگرو به تغییرات دمایی نسبت به تغییرات بارش بسیار حساس‌ترند. چون نرخ افزایش دما در این منطقه نسبت به حالت جهانی بسیار زیاد است، بنابراین اکوسیستم مانگروهای ایران به‌طور بالقوه در معرض یک خطر اصلی به دلیل افزایش دمای آبی قرار خواهند داشت. تغییرات اقلیمی از طریق کاهش میزان بارندگی و افزایش دمای آب و افزایش تبخیر و افزایش شوری اثرات متعددی بر روی یکی از متنوع‌ترین اکوسیستم‌های دریایی یعنی آبسنگ‌های مرجانی می‌گذارد. افزایش سالانه دمای آب خلیج فارس به‌ویژه در فصول گرم سال و خطرات آن برای اکوسیستم‌های مرجانی است. از آنجا که مرجان‌ها محدوده دمایی خاصی را می‌توانند تحمل کنند افزایش سالانه دمای آب خلیج فارس سبب سفیدشدگی و مرگ بخش عظیمی از این اکوسیستم ارزشمند می‌شود. همچنین افزایش اسیدیته آب دریا (در نتیجه افزایش میزان انحلال CO2 هوا در آب) می‌تواند سبب اسیدی شدن آب دریا شود که این امر برای گروه وسیعی از موجودات دریایی به‌خصوص نرم‌تنان، سخت‌پوستان و مرجانیان که دارای پوسته آهکی هستند بسیار خطرناک است.



## سن بازنشستگی جهانی

این اینفوگرافیک حداقل سن بازنشستگی را با سن موثر بازنشستگی در ۴۵ کشور در سال ۲۰۲۰ مقایسه می‌کند.



قبل از اینکه به اعداد بپردازیم، بیایید تعریف مورداستفاده از سوی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه را برای بازنشستگی روشن کنیم:

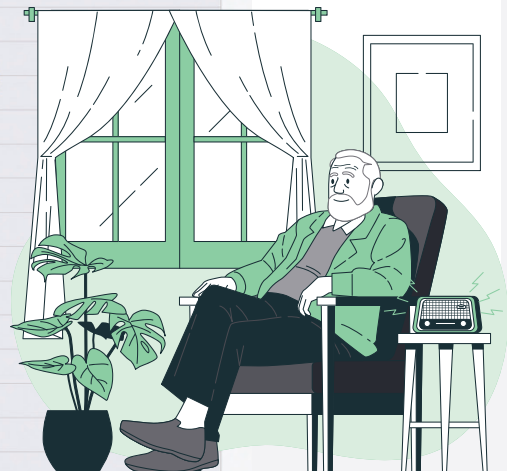
### سن بازنشستگی

سن بازنشستگی سنی است که در آن افراد می‌توانند پس از اتمام یک حرفه کامل از ۲۲ سالگی بدون جریمه و با مزایای کامل بازنشسته شوند.

### سن موثر بازنشستگی

سن موثر بازنشستگی به میانگین سن خروج از نیروی کار برای کارگران ۴۰ سال یا بیشتر اشاره دارد.

### سن بازنشستگی (زنان)

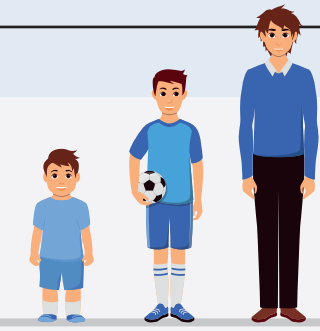


# غیر قابل پیش بینی

## شرکت‌های سهامی چگونه شکل گرفتند؟

این فصل تحقیق با مقاله‌ای درباره مساله تحریم آغاز می‌شود و به این پرسش پاسخ داده که «شرکت‌های ایرانی پس از تحریم‌ها با چه چالش‌هایی مواجه بوده‌اند؟» در این مقاله آمده است: تحریم‌ها نه تنها به عنوان ابزار سیاست خارجی، محبوبیتش افزایش یافته، بلکه بر پیچیدگی آن نیز افزوده شده است. تحریم‌های اخیر علیه روسیه و ایران از مسدود کردن دارایی‌ها و محدود کردن تجارت گرفته تا هدف قرار دادن بخش‌های کلیدی کشور، اعمال محدودیت‌های بانکی و جدا کردن افراد و کسب‌وکارهای بانفوذ متغیر بوده است. کاربرد غیرقابل پیش‌بینی این تحریم‌ها، تصویر نامشخصی از ماهیت در حال تکامل آنها در فضایی از عدم قطعیت ایجاد می‌کند و بر پیچیدگی‌های آن می‌افزاید.

مقاله دیگر این فصل به این پرسش پاسخ می‌دهد که «شرکت‌های سهامی چگونه شکل گرفتند؟» در مرور پژوهشی این هفته، مقاله‌ای مورد بررسی قرار گرفت که سعی داشت ریشه‌های ظهور و پیدایش شرکت‌های سهامی را جست‌وجو کند. طبق شواهد مقاله، برای همگان پذیرفته شده است که نخستین شرکت‌های سهامی در منطقه شمال اروپا ظهور یافتند، جایی که شرکت‌های هند شرقی انگلیس و هلند نیز در آنجا حضور داشتند. بر این اساس در مقاله مسیری‌های مختلفی که به ظهور شرکت‌های سهامی منجر شدند توضیح داده شده است. این مسیرها موجب شکل‌گیری برخی کسب‌وکارهای مقیاس بزرگ نظیر کارخانه‌های آسیاب تولوز شد. این مسیری‌های مختلف و متفاوت به سوی شرکت‌های سهامی همراستا با نظریه تحول همگرا ارائه است: ویژگی‌های سازمانی و نهادی مشابه می‌توانند از مسیرهای قانونی مختلفی ظهور یابند.



زنان در سنین متفاوتی نسبت به مردان در برخی کشورها نیروی کار را ترک می‌کنند که این امر تحت تاثیر عواملی مانند هنجارهای جنسیتی، نرخ مشارکت نیروی کار، سیستم بازنشستگی است.

بسیاری از کشورهای آسیایی از جمله چین، هند و کره جنوبی حداقل سن بازنشستگی را در اوایل دهه ۶۰ و اواخر دهه ۵۰ قرار داده‌اند، اما می‌بینند که کارگران تا اواخر ۶۰ سالگی در نیروی کار باقی می‌مانند. در همین حال، اکثر کشورهای اروپایی و همچنین آمریکا و کانادا کارگران بیشتری دارند که به طور متوسط زودتر از حداقل سن بازنشستگی بازنشسته می‌شوند.



عربستان سعودی کمترین سن بازنشستگی فعلی را با تنها ۴۷ سال با مزایای بازنشستگی کامل داشت. تنها ترکیه با ۵۲ سال سن به آن نزدیک بود و به‌ویژه هر دو به طور متوسط سن موثر بازنشستگی بسیار بالاتری داشتند.



تقریباً همه کشورهایی که سن موثر بازنشستگی زنان را اندازه‌گیری کرده‌اند نیز شاهد خروج آنها از نیروی کار زودتر از مردان بوده‌اند. پنج استثنا در مجموعه داده که زنان دیرتر از مردان بازنشسته می‌شوند؟ آرژانتین، استونی، فنلاند، فرانسه و لوکزامبورگ.



با توجه به پیری جمعیتی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و نیاز مستمر به نیروی کار، انتظار می‌رود برخی کشورها قوانین بازنشستگی را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند. OECD هم افزایش دو ساله در میانگین سن موثر بازنشستگی را تا اواسط دهه ۲۰۶۰ پیش‌بینی می‌کند.



اینفوگرافیک: آرشین میرسعیدی



## پیچیدگی تحریم

### شرکت‌های ایرانی پس از تحریم‌ها با چه چالش‌هایی مواجه می‌شوند؟

فقط به تصمیم‌گیرندگان سیاسی آسیب می‌زند، در تضاد است. سوم، شرکت‌هایی که بیشتر در معرض تحریم‌ها قرار دارند، در پی رویدادهای تحریمی غیرمنتظره، زبان بیشتری را در ارزش بازار سهام متحمل می‌شوند. تحریم‌ها همچنین به کاهش فروش، سرمایه‌گذاری و استخدام نیروی کار منجر می‌شود. علاوه بر این، این مطالعه نشان می‌دهد که تحریم‌ها از طریق سازوکارهای متعددی بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند که اولین سازوکار محدودیت دسترسی به مقاصد صادراتی است. در ادامه خلاصه‌ای از این مقاله ارائه می‌شود.

#### ● مقاله چه می‌گوید؟

تحریم‌ها نه تنها به عنوان ابزار سیاست خارجی، محبوبیتش افزایش یافته، بلکه بر پیچیدگی آن نیز افزوده شده است. تحریم‌های اخیر علیه روسیه و ایران از مسدود کردن دارایی‌ها و محدود کردن تجارت گرفته تا هدف قرار دادن بخش‌های کلیدی کشور، اعمال محدودیت‌های بانکی و جدا کردن افراد و کسب‌وکارهای بانفوذ متغیر بوده است. کاربرد غیر قابل پیش‌بینی این تحریم‌ها، تصویر نامشخصی از ماهیت در حال تکامل آنها در فضایی از عدم قطعیت ایجاد می‌کند و بر پیچیدگی‌های آن می‌افزاید. در پاسخ به این تحریم‌ها، دولت‌های هدف نیز اغلب مجموعه‌ای از اقدامات متقابل، از جمله تاکتیک‌های اقتصاد کلان، پرداخت یارانه، قراردادهای دولتی و پرداخت وام را به کار می‌گیرند که وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند. در نتیجه، شرکت‌ها و افراد در کشورهای هدف به دلیل این تحریم‌ها با چالش‌های متنوع و اغلب غیر قابل پیش‌بینی مواجه می‌شوند که میزان تأثیر آنها بر اساس ویژگی‌های متمایز آنها و ماهیت عملیات آنها متفاوت است. پیچیدگی‌های فزاینده تحریم‌ها چالش‌های بیشتری را برای پژوهشگرانی ایجاد می‌کند که تلاش می‌کنند به موضوعات کلیدی سیاست‌محوری مانند اثربخشی تحریم‌ها، تأثیر آن بر انگیزه‌های کشورهای هدف و میزان آسیب‌های جانبی آنها رسیدگی کنند. از آنجا که تحریم‌ها چندوجهی تر و در هم تنیده‌تر می‌شوند، تشخیص اینکه کدام شرکت‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند مبهم می‌شود. بدون دانش قبلی در مورد اینکه کدام شرکت‌ها مشمول تحریم هستند، ایجاد ارتباط مستقیم میان عملکرد آنها و تحریم‌ها به یک کار بزرگ تبدیل می‌شود. این ابهام همچنین مانع از ارزیابی این موضوع می‌شود که آیا تحریم‌ها با موفقیت منافع رهبران سیاسی را هدف قرار داده یا خیر. برای بررسی موضوع این پژوهش ما به یک الگوی انعطاف‌پذیری نیاز داریم که بتواند کانال‌های متعدد و بالقوه ناشناخته قبلی را شناسایی کرده و در خود مدل به کار گرفته شود. اما این تلاش‌ها غالباً به دلیل کمبود داده‌های قابل اعتماد از کشورهای تحریم‌شده که به عدم شفافیت آنها نسبت داده می‌شود، با مشکل مواجه می‌شود. علاوه بر این به دلیل محدودیت‌های سیاسی، انجام نظرسنجی در چنین محیط‌هایی ممکن است غیر عملی باشد. جالب اینجاست که این عدم شفافیت ممکن است به خودی خود برای اعمال تحریم‌ها درون‌زا باشد، زیرا ممکن است سیاستمداران تمایلی به افشای میزان تأثیر تحریم‌ها بر کشور نداشته

سال‌هاست که تحریم‌ها به محور اصلی سیاست خارجی کشورهای تبدیل شده. اما با افزایش تنوع تحریم‌ها و پیچیده‌تر شدن آنها، درک تأثیر واقعی تحریم‌ها بر وضعیت اقتصادی کشور هدف دشوار شده و شواهد مربوط به تأثیرات آنها در سطح خرد ناچیز است. در حالی که این تحریم‌ها از نظر اقتصادی مضر هستند، اغلب تأثیری بر شرایط نخبگان سیاسی نمی‌گذارند. پیچیدگی چنین تحریم‌هایی پرسش‌هایی را در مورد ماهیت آنها به عنوان ابزار هدف قرار دادن نهاد‌های خاص برای دستیابی به اهداف سیاسی، ایجاد می‌کند. این تحریم‌ها که اغلب به عنوان «هدفمند» یا «هوشمند» خوانده می‌شوند، ظاهراً بر منافع تصمیم‌گیرندگان کلیدی تأثیر می‌گذارند و آنها را وادار می‌کنند تا استراتژی‌های خود را تغییر دهند. با این حال، پیچیدگی‌های سنجش میزان قرار گرفتن یک شرکت در معرض تحریم‌های لایه‌ای، تعیین دقت واقعی یا موفقیت «هدفمند» آنها در تأثیرگذاری بر منافع رهبران سیاسی را دشوار می‌کند.

تشدید تحریم‌های جدید علیه کشورهایمانند ایران و روسیه از نظر شدت و پیچیدگی بی‌سابقه بود. این تحریم‌ها طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد: از مسدود کردن دارایی‌ها، محدودیت‌های تجاری و هدف قرار دادن بخش‌های کلیدی کشور گرفته تا اعمال محدودیت‌ها بر عملیات بانکی و تحریم کردن افراد و مشاغل بانفوذ. در پاسخ به این تحریم‌ها، دولت‌های کشور هدف، اغلب استراتژی‌های به خصوصی به کار می‌گیرند؛ از جمله اجرای سیاست‌های خاص اقتصاد کلان، پرداخت یارانه و وام‌های مختلف به افراد و شرکت‌ها. با توجه به این موضوع، شرکت‌ها به دلیل تحریم‌ها با چالش‌های متنوع و اغلب پیش‌بینی نشده‌ای مواجه می‌شوند که میزان تأثیر آنها بر اساس ویژگی‌های متمایز و ماهیت عملیاتشان متفاوت است. پیچیدگی‌های فزاینده تحریم‌ها، اندازه‌گیری دقیق ردیابی اقتصادی آن در شرکت‌ها را برای پژوهشگران دشوار کرده است؛ زیرا شرکت‌ها می‌توانند از طریق کانال‌های متعدد و پیشینی ناشناخته تحت تأثیر قرار گیرند. در همین راستا، جواد شمسی، دانشجوی دکتری اقتصاد در دانشگاه LSE، به بررسی اثر تحریم‌ها بر شرکت‌های ایران پرداخته و نتایج آن را در مقاله‌ای با نام «رفع پیچیدگی‌های تحریم‌ها» به چاپ رسانده است. این مقاله بررسی می‌کند که کدام نوع شرکت‌ها تحت تحریم‌های چندلایه قرار می‌گیرند، میزان تأثیر اقتصادی بر شرکت‌های آسیب‌دیده را تعیین کرده و کانال‌هایی را که از طریق آن این اثرات منتقل می‌شوند، شناسایی می‌کند. برای این منظور و برای بررسی ماهیت چندوجهی تحریم‌ها در این مقاله از رونوشت‌های مجامع سالانه شرکت‌های دولتی ایران استفاده می‌شود. نویسنده این مقاله از یک رویکرد مبتنی بر متن از زبان‌شناسی محاسباتی برای سنجش میزان قرار گرفتن شرکت‌های ایرانی در فهرست عمومی در معرض تحریم‌ها استفاده می‌کند. این مقاله سه نتیجه کلی را نشان می‌دهد. یک، شرکت‌های ایرانی چالش‌های مهمی را به دلیل تحریم‌ها گزارش می‌کنند که تا ۲۰ درصد از نگرانی‌های مربوط به کووید ۱۹ بیشتر است. دو، شرکت‌های مرتبط با مسائل سیاسی و شرکت‌های غیرمرتبط به یک اندازه از تحریم‌ها رنج می‌برند. این موضوع با این ایده که تحریم‌ها

#### ● عنوان مقاله:

Unravelling the complexities of sanctions

#### ● نویسنده:

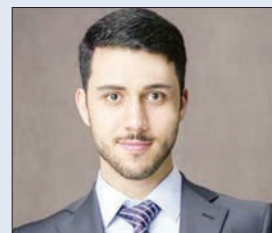
Javad Shamsi

#### ● ناشر:

Economic and Social Research Council (ESRC)

#### ● پیام اصلی:

تحریم‌ها بیش از آنکه تصمیم‌گیران اقتصادی را تحت فشار قرار دهد، زندگی مردم عادی را نشانه می‌رود و باعث ایجاد چالش‌های بزرگی برای شرکت‌ها و خانوارهای کشور تحت تحریم می‌شود.



▲ جواد شمسی، دانشجوی دکتری اقتصاد در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن (LSE) است. شمسی قبل از پیوستن به LSE، لیسانس و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه صنعتی شریف دریافت کرد. علایق پژوهشی او در زمینه اقتصادسنجی کاربردی و استفاده از روش‌های تجربی برای پاسخ به سوالات در طیف گسترده‌ای از موضوعات است. در حال حاضر، او در حال مطالعه اثرات اقتصاد سیاسی مهاجرت است.



▲ نمودار بالا تعداد پرونده‌های تحریمی فعال در ایران را در طول زمان نمایش می‌دهد. هر «مورد» بیانگر اعمال مجزای تحریم است که ممکن است یک فرد، شرکت، نهاد یا حتی بخشی از کشور باشد.

شناسایی می‌شود. در این مقاله برای هر رویداد شناسایی شده، یک مطالعه رویداد انجام می‌شود تا بازه غیرعادی شرکت‌هایی که در معرض تحریم‌های بیشتری قرار دارند، ارزیابی شود. نتایج نشان‌دهنده تأثیر قوی و کمی بزرگ اخبار نامطلوب در مورد تحریم‌ها بر بازه شرکت‌های در معرض تحریم است. علاوه بر این، عملکرد در سطح شرکتی بررسی می‌شود و نتایج نشان می‌دهد که تحریم‌ها فروش و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را کاهش می‌دهد.

### ● سازوکارهای انتقال

پس از مشخص شدن اثرات منفی تحریم‌ها بر عملکرد شرکت‌ها، در این مقاله به سازوکارهایی که از طریق آن این تحریم‌ها بر مشاغل تأثیر می‌گذارد، پرداخته می‌شود. ماهیت چندوجهی شبکه‌های اقتصادی به گونه‌ای است که تحریم‌ها می‌توانند شرکت‌ها را از طریق کانال‌های متعددی تحت تأثیر قرار دهند. برای بررسی این موضوع، نگرانی‌های اصلی ذی‌نفعان یک شرکت باید تشخیص داده شود. زیرا درک آنها اثرات تجمعی کانال‌های مختلف را در بر می‌گیرد. برای این منظور، در این مقاله از یک بررسی دومرحله‌ای استفاده می‌شود. در مرحله اول، نویسنده این مقاله، مصاحبه‌هایی با متخصصان کسب و کار از داخل و خارج از ایران انجام می‌دهد تا کانال‌های اصلی نگرانی را شناسایی کند. به دنبال این، هیاتی از حسابرسان خبره، هر اشاره به «تحریم» در رونوشت‌ها را در این کانال‌ها دسته‌بندی می‌کنند. یافته‌های ارائه شده نشان می‌دهد که تحریم‌ها از طریق کانال‌های مختلف بر شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. بیشترین تأثیر ناشی از محدودیت صادرات و به دنبال آن افزایش هزینه‌های واردات و افزایش هزینه‌های لجستیک است.

### ● پرده پابانی

این پژوهش که در چهارچوب تحریم‌های اعمال شده علیه ایران انجام شده، به چالش‌هایی می‌پردازد که بنگاه‌ها در اقتصاد تحت تحریم با آن مواجه هستند. در مجموع، این مقاله نشان می‌دهد که در میان پیچیدگی‌های فزاینده تحریم‌ها، می‌توان از روش‌های تطبیقی برای بررسی آثار تحریم‌ها استفاده کرد. درک ذی‌نفعان این شرکت‌ها می‌تواند به این موضوع کمک کند. این مطالعه تأکید می‌کند که شرکت‌های ایرانی به دلیل تحریم‌ها با چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو هستند. نگرانی در مورد تحریم‌ها در اوج خود، حتی از اضطراب ناشی از همه‌گیری کرونا هم بیشتر بوده است. تحریم‌ها عمدتاً با از دسترس خارج کردن مقاصد صادراتی و افزایش هزینه‌های واردات بر شرکت‌ها تأثیر گذاشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که تحریم‌ها می‌تواند به اختلالات اقتصادی قابل توجهی منجر شود، حتی زمانی که ممکن است اهداف سیاسی به‌طور کامل محقق نشده باشند. در بحث سیاسی، یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده این است که تصور رایج از تحریم‌ها به عنوان ابزارهای دقیق برای تغییر استراتژی سیاسی کشور هدف، ممکن است بیشتر افسانه باشد تا واقعیت؛ به‌ویژه زمانی که تحریم‌ها پیچیده و چندلایه هستند. در حالی که تحریم‌ها بدون شک درد اقتصادی را تحمیل می‌کنند، موفقیت آنها در هدف قرار دادن خاص نخبگان سیاسی نامشخص است. تحریم‌ها باعث نارضایتی‌های قابل توجهی می‌شود، اما این نارضایتی‌ها از سوی سیاستمداران تحمل نمی‌شود، بنابراین احتمال دستیابی به اهداف سیاسی را کاهش می‌دهد. ■

باشند. در این مقاله، جواد شمسی از یک روش مبتنی بر متن برای اندازه‌گیری کمی تأثیر تحریم‌ها بر شرکت‌های ایرانی استفاده می‌کند. این روش کمک می‌کند متون مرتبط با تحریم از موضوعات غیر تحریمی تفکیک شوند. با استفاده از مقالات مرتبط با تحریم و همچنین متون غیر تحریمی، ترکیبات دوکلمه‌ای (بیگرام) که اغلب در متون مرتبط با تحریم استفاده می‌شوند، شناسایی می‌شوند. برای این منظور یک مجموعه داده منحصربه‌فرد متشکل از رونوشت‌ها و گزارش‌های جلسات هیات‌مدیره شرکت‌های سهامی عام ایرانی جمع‌آوری شده است. با محاسبه تعداد دفعات ظاهر شدن این دوکلمه‌ای‌ها در اسناد شرکت‌ها نسبت به محتوای کلی آنها، می‌توان معیاری را به دست آورد که نشان‌دهنده نسبت گفت‌وگوهای مرتبط با تحریم‌هاست و با وزن دهی به هر یک از این دوکلمه‌ای‌ها اهمیت نسبی تحریم‌ها منعکس می‌شود.

### ● چهارچوب انعطاف‌پذیر برای اندازه‌گیری اثرات تحریم

برای درک تأثیر اقتصادی تحریم‌ها و به دست آوردن بینشی در مورد اثربخشی سیاسی آنها، باید چهارچوبی انعطاف‌پذیر داشت که بتواند ماهیت چندلایه آنها را توضیح دهد. یکی از راه‌های انجام این کار، تحلیل برداشت‌های ذی‌نفعان است. ایده این است که اگر تحریم‌ها واقعا شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در بحث‌های ذی‌نفعان، به‌ویژه در طول رویدادهایی مانند تماس‌های کنفرانسی منعکس می‌شود. این استراتژی پیش‌فرض نمی‌گیرد که کدام شرکت‌ها تحت تأثیر رویداد قرار گرفته‌اند و هر اثر بالقوه را در نظر می‌گیرد. برای اطمینان از اینکه بحث‌های مرتبط با تحریم‌ها منعکس کننده شوک‌های تحریمی در دنیای واقعی هستند، نویسنده، فراوانی ذکر تحریم‌ها را که با تعداد کل کلمات در این اسناد تنظیم می‌شود، در یک جدول زمانی بررسی می‌کند. معیار شدت تحریم رسانه‌ای نیز نمایش داده می‌شود که به عنوان درصد پوشش خبری آنلاین جهانی که تحریم‌های ایران را ذکر می‌کند، محاسبه می‌شود. این معیار برای ثبت رویدادهای تحریم در دنیای واقعی به کار می‌رود. زمانی که دولت ترامپ تصمیم گرفت به‌طور یکجانبه از توافقی هسته‌ای ایران خارج شود، شمار تحریم‌ها به اوج خود رسید و بررسی‌ها نشان می‌دهد که این معیار نیز به شدت افزایش پیدا کرده است. برای توصیف بزرگی این شوک، نویسنده این مقاله، آن را با نگرانی پیرامون همه‌گیری کرونا در ایران مقایسه می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که نگرانی تحریم‌ها، ۲۰ درصد شدیدتر از نگرانی مربوط به کرونا در ایران بوده است که نشان‌دهنده خطر اساسی تحریم‌ها برای شرکت‌های ایرانی است.

### ● یافته‌های پژوهش

یافته‌های مهم این مقاله سه نتیجه کلی دارد. یک، شرکت‌های ایرانی به دلیل تحریم‌ها با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شدند. در سال ۲۰۱۸ پس از اعلام دولت ترامپ مبنی بر خروج از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها، این چالش‌ها به اوج خود رسیدند. به‌طور شهودی می‌توان گفت که این موضوع در میان صنایع مختلف، متفاوت است. صنایعی که پیوندهای عمیقی با زنجیره‌های تامین بین‌المللی، مشارکت‌ها و بازارها دارند، مانند فعالیت‌های معماری و مهندسی، آزمایش‌ها و تحلیل‌های فنی و تولید الکترونیک رایانه‌ای با چالش‌های شدیدتری روبه‌رو شدند. در مقابل، بخش‌هایی مانند ورزش، سرگرمی و هنرهای خلاقانه که کمتر در تجارت جهانی دخالت دارند، کمتر تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفتند. اکثر حامیان تحریم استفاده از آنها را بر اساس ایجاد محرکه‌هایی برای اصلاحات سیاسی تصمیم‌گیرندگان کشور تحریم‌شده توجیه می‌کنند. زیرا تحریم‌ها می‌توانند در ازای تغییر سیاست‌ها برداشته شوند. بر اساس این ایده، تحریم‌های مدرن به‌طور ایده‌آل باید منافع اقتصادی تصمیم‌گیرندگان سیاسی را هدف قرار دهد و در عین حال ضرری به غیر تصمیم‌گیرندگان وارد نکند. با این حال، یافته دوم این مقاله نشان می‌دهد که با تحریم‌های پیچیده‌تر، به نظر می‌رسد ایده «تحریم‌های هدفمند» نام اشتباهی باشد. در عوض، تحریم‌ها به‌طور یکسکان بر شرکت‌های مرتبط با سیاست و غیرمرتبط تأثیر می‌گذارد، که به این معنی است که تحریم‌ها ممکن است به عنوان «بازار صریح» عمل کنند و بر اقتصاد کلان تأثیر بگذارند. سوم، این پژوهش میزان تأثیر منفی تحریم‌ها بر شرکت‌های ایرانی را بررسی می‌کند. در ابتدا، واکنش‌های بازار سهام بر رویدادهای غیرمنتظره مرتبط با تحریم مطالعه می‌شود. برای انجام این کار، از داده‌های شدت جست‌وجو برای موضوع «تحریم‌ها علیه ایران» در Google Trends استفاده شده و از این طریق هشت رویداد مهم مرتبط با تحریم‌های ایران



## ریشه سهامی

### شرکت‌های سهامی چگونه شکل گرفتند؟

سه اقتصاددان به نام‌های دیوید لی بریس و سباستین پوگت از مدرسه کسب‌وکار تولوز فرانسه و ویلیام گوتمن از مدرسه مدیریت دانشگاه ییل آمریکا در مقاله‌ای که به تازگی (نوامبر ۲۰۲۳) در تارنمای انجمن تحقیقات اقتصادی ایالات متحده به چاپ رسیده است، شواهدی در مورد نحوه شکل‌گیری شرکت‌های سهامی ارائه می‌کنند. آنها در مقاله خود به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های سهامی به یکباره اختراع نشدند بلکه ظهور آنها به‌طور تدریجی و در زمان‌های مختلف اتفاق افتاده است. این یافته در راستای نظریه تکامل همگرایانه است، نظریه‌ای که از دو حوزه زیست‌شناسی تکاملی و انسان‌شناسی فرهنگی وام گرفته شده است. در زیست‌شناسی تکاملی، تکامل همگرایانه زمانی اتفاق می‌افتد که گونه‌های جانوری در موقعیت‌های بوم‌شناختی مشابهی مستقر شوند یا در سختی‌های یکسان به روش‌های مشابهی سازگاری یابند. به عنوان مثال حشرات، پرندگان و خفاش‌ها توانایی‌های پروازی مشابهی را به کار گرفته‌اند، اما سیر تکاملی آنها متفاوت و مستقل بوده است، همان‌گونه که احتمالاً اجداد آنها یکی نبوده است.

در علم انسان‌شناسی، نظریه تکامل همگرایانه در نقطه مقابل نظریه اشاعه فرهنگی قرار داشته است. نظریه اشاعه فرهنگی در افراطی‌ترین شکل خود بیان می‌کند که نوآوری‌های بهبوددهنده زندگی انسان در تاریخ بشر کمیاب هستند، با این حال پس از تحقق، از طریق تعاملات فرهنگی در جغرافیاهای مختلف گسترش می‌یابند. در علم انسان‌شناسی، نظریه اشاعه در توضیح تشابهات فرهنگ مادی نظیر ابزارهای سنگی، اهلی‌سازی گیاهان و جانوران و حتی ظهور برنامه‌های اجتماعی پیچیده (همچون طراحی‌های هرمی مقیاس بزرگ) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در رابطه با مورد آخر، ابتکار مستقل عبادتگاه‌های هرمی در مناطق اوراسیا و آمریکا - دو منطقه‌ای که به‌وسیله اقیانوس‌ها از هم جدا شده‌اند- نشان می‌دهد مردمان مختلف و دور از هم به یک نقطه تعادل اجتماعی پیچیده و مشابه همگرا شده‌اند، اتفاقی که در راستای نظریه تحول همگرایانه است.

در مطالعات حوزه علم اقتصاد و حقوق، نظریه تحول همگرایانه مشابه وضعیتی است که در آن یک قانون به مجموعه مشتری از موضوعات اقتصادی همگرا شده است. بر این اساس در این مقاله، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که ظهور شرکت‌های سهامی در مکان‌ها و زمان‌های مختلف اروپا احتمالاً ناشی از سازوکارهای نظریه تحول همگرایانه بوده است. توسعه مدل مشارکت محدود که عملکرد اقتصادی مشابه با شرکت‌های سهامی دارند اما سلسله تکامل مستقلی را دنبال کرده‌اند نیز موردی دیگر است که با دیدگاه مذکور سازگار است. در این باره در مقاله نشان داده می‌شود ریشه شرکت‌های سهامی که در قرون وسطی جنوب اروپا ظهور یافتند، با آنهایی که در اوایل عصر مدرن در شمال اروپا پدید آمدند

روح غالب حوزه اقتصاد نهادی جدید این است که نوآوری وابسته به ترتیبات پیشین است. شرکت سهامی یکی از این نوآوری‌هاست. شرکت‌های سهامی [عام]، سازمان‌های اقتصادی هستند که سهام آنها از سوی عموم مردم در بازارهای سهام خرید و فروش می‌شود. در واقع سرمایه‌گذاران با خرید سهام این شرکت‌ها، به ازای هر تعداد سهام خریداری‌شده بخشی از مالکیت شرکت را در اختیار می‌گیرند. از جمله ویژگی این شرکت‌ها عبارت است از: شخصیت و هویت قانونی، بر خور داری از سرمایه دائمی، تعهدات سهامداران محدود به سهامی است که در اختیار دارند، سهام آنها قابل مبادله و انتقال است، انتخاب مدیریت به‌وسیله سهامداران انجام می‌شود و ...

یکی از معتبرترین گفتمان‌هایی که در محافل علمی پیرامون منشأ شکل‌گیری شرکت‌های سهامی وجود دارد این است که ظهور آنها در منطقه شمال اروپا به تجارت راه دور دریایی برمی‌گردد. این گفتمان‌ها به‌طور غالب از مباحث نهادی شکل‌گیری وابسته به ترتیبات گذشته، الهام می‌گیرند. در این باره دانشمندان سیر تکاملی مدل‌های کسب‌وکار را از دو شرکت هند شرقی انگلیسی و هلندی تا مشارکت‌های اقتصادی محدود قرون وسطی تا شرکت‌های سهامی دائمی، قانونی و با مسوولیت محدودی که سهام آنها به‌طور گسترده امروزه در بازارهای ثانویه معامله می‌شود مورد ردیابی قرار داده‌اند. شرکت‌های اوایل قرن ۱۷ میلادی شمال اروپا را می‌توان به عنوان نقطه تعادل ایجادشده‌ای دانست که نیازها برای سرمایه‌گذاری‌های عظیم را مرتفع و میان منافع مشارکت‌کنندگان بازار توازن ایجاد می‌کرد. شرکت‌های سهامی نیز در سازگاری یا تحولات تدریجی مداوم اقتصاد جهانی به اندازه کافی از خود انعطاف و استحکام نشان داده‌اند.

یکی از چالش‌ها در زمینه مطالعه و فهم شکل‌گیری شرکت‌های سهامی، محدودیت آمار و اطلاعات است. دو شرکتی که به عنوان اولین‌ها بیش از همه از آنها یاد می‌شود، شرکت انگلیسی هند شرقی شکل گرفته در سال ۱۶۰۰ میلادی و شرکت هند شرقی هلندی شکل گرفته در سال ۱۶۰۲ میلادی است. ارتباط میان اهداف اقتصادی و روند پیشرفت این شرکت‌ها، مشخص کردن اینکه کدام ویژگی محیطی برای شکل‌گیری شرکت‌های سهامی ضروری بوده یا اینکه به‌طور ساده با ظهور آن هم‌زمان شده است را دشوار می‌کند. به عنوان مثال هر دو شرکت هند شرقی در زمینه تجارت دریایی راه دور به آسیا فعالیت داشتند و هر دو با پایداری به یک منشور مدیریتی و حکمرانی اداره می‌شدند. حضور شرکت‌های سهامی در طیف وسیعی از صنایع و نظام‌های قانونی امروز بیانگر آن است که تجارت دریایی لازمه شکل‌گیری آنها نبوده است. در این رابطه شناسایی عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و قانونی شکل‌گیری و پیشرفت شرکت‌های سهامی مطالعات بیشتری را می‌طلبد.

#### عنوان مقاله:

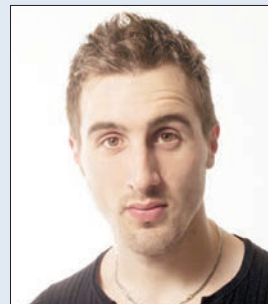
Convergent Evolution  
Toward the Joint-Stock  
Company

#### نویسندگان:

David Le Bris  
William N. Goetzmann  
Sébastien Pouget

#### ناشر:

SRNN



▲ David Le Bris



▲ William N. Goetzmann



▲ Sébastien Pouget



همگرایی، زوایای جدیدی را از ویژگی‌های محیطی که به شکل‌گیری این سازمان‌های اقتصادی کمک کردند روشن می‌کند. علاوه بر نیروی‌های اقتصادی که در مقاله هانسن و همکارانش (۲۰۰۹) مورد مطالعه قرار گرفت، در مقاله نشان داده می‌شود که تمایلات سیاستمداران و قانونگذاران نیز در این زمینه اثرگذار بود.

پرسش چگونگی ظهور و شکل‌گیری شرکت‌های سهامی تنها یک مساله تاریخی نیست، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای موضوعات مهم امروزی دارد، از قبیل نقش نهادها و سازمان‌ها در توسعه اقتصادی. در این باره به‌طور خلاصه بحث شد که در رابطه میان نهادها و توسعه اقتصادی چه نتیجه‌ای می‌توان از نقش‌آفرینی نظریه تکامل همگرایی در حرکت به سوی شرکت‌های سهامی گرفت.

ظهور شرکت‌های حرفه‌ای در جنوب اروپا پیش از شرکت‌های تجارت دریایی شمال این قاره، نظریه نقش‌آفرینی مبداهای قانونی را تا حدی رد می‌کند. تحت قوانین روم باستان، برخی الگوها از سازمان‌های اقتصادی همانند شرکت‌های سهامی شکل گرفتند، قرن‌ها پیش از آنچه در انگلستان اتفاق افتاد. هاریس در مقاله ۲۰۰۹ خود به نتایج مشابهی دست یافت. او مشاهده کرد که جامعه هلند زودتر از انگلیس به بازارهای سهام و اوراق قرضه دست یافت. همچنین این یافته‌ها مطابق با نتیجه‌گیری مقاله مالمندیر (۲۰۰۹) پیرامون ظهور و افول شرکت‌های عمومی تحت قوانین رومی‌هاست.

از لحاظ روش‌شناسی، مقاله مورد بررسی با مطالعه راجان و زینگلاس (۲۰۰۳) بیشتر سازگار است. آنها در مقاله خود به اهمیت نهادهای سیاسی در پیشرفت‌های مالی و اقتصادی اشاره می‌کنند. در حقیقت، در مواردی مانند شرکت‌های آسیای تلووز فرانسه قدرت سیاسی تجار موجب رونق فعالیت‌های اقتصادی شد. همچنین در مورد جنوب اروپا، اثرات خارجی مثبت نظام اجتماعی و تعاونی به نظر می‌رسد نقش‌آفرین بوده است. یکی دیگر از کاربردهای اصلی مقاله این است که تجدد موسسات و نهادهای اقتصادی جنوب اروپا، برای خیز اقتصادی که بعدها در شمال این قاره اتفاق افتاد کافی نبود. و در نهایت اینکه هیچ یک از موسسات اقتصادی جنوب اروپا و نه شمال اروپا در ظهور و شکل‌گیری شرکت‌های سهامی نقشی حیاتی نداشتند. در عوض به نظر می‌رسد این الگوها از سازمان‌های اقتصادی از چنان منطق و ساختار داخلی قدرتمندی برخوردار بودند که در انگیزه شکل‌گیری آنها چندان الگوی نهادی پیشین نیاز نبود (البته به استثنای حقوق مالکیت معنوی متفن و مشخص). با توجه به نقش همگرایی ریشه‌های قانونی مختلف در شکل‌گیری شرکت‌های سهامی، این الگوهای اقتصادی با برخورداری از سهم‌های قابل مبادله ممکن است نقطه تعادل باثباتی باشند که برای تامین مالی و مدیریت پروژه‌های اقتصادی عظیمی که نیاز به سرمایه‌گذاری دائمی دارند راه‌حلی کارآمد ارائه می‌کنند.

از طرفی موارد ظهور و شکل‌گیری شرکت‌های سهامی نادر است، به این معنی که به شرایط دیگری نیاز است. عدم ظهور شرکت‌های سهامی در خارج از منطقه غرب اروپا ممکن است حکایت از جایگاه مهم سازمان‌های خانوادگی داشته باشد. در مورد خانواده‌های ساده افراد اغلب از طریق سازمان‌هایی نظیر شرکت‌های سهامی با یکدیگر همکاری می‌کنند، در حالی که در خانواده‌های پیچیده‌تر بدون نیاز به چنین سازمان‌هایی، زمینه همکاری میان بستگان فراهم می‌شود. طبق بررسی‌ها در چین، سازمان‌های اقتصادی که بیشترین قرابت را با شرکت‌های سهامی داشتند ریشه آنها خانوادگی بود.

به‌علاوه گرچه الگوی شرکت‌های سهامی در زمان‌های مختلف ظهور یافت اما به ندرت پای آن به طیف وسیعی از کسب‌وکارها باز شد. این تناقض آشکار همان چیزی است که پس از موفقیت این مدل برای تجارت آسیایی مشاهده شد. در هلند، تنها یک شرکت سهامی در تمامی قرن ۱۷ میلادی شکل گرفت (شرکت هند شرقی هلندی). در فرانسه کمتر از ۹ شرکت سهامی در هر یک سال‌های ۱۸۱۷ تا ۱۸۳۰ تشکیل شد. در مورد شرکت‌هایی که سهام آنها در بازارهای سهام عرضه شد، بررسی قیمت سهام بازارهای آمستردام، لندن و پاریس در اوایل قرن نوزدهم نشان می‌دهد تنها سهم‌های بسیار محدودی مورد مبادله قرار گرفتند. در این باره پیشرفت واقعی شرکت‌های سهامی در زمان انقلاب حمل‌ونقل و آردسازی‌های مالی (اواسط قرن ۱۹) اتفاق افتاد؛ شکل‌گیری جدیدی که بهره‌مندی از سایر الگوهای کسب‌وکار را کاهش نداد.

تفاوت‌های اساسی دارد. به‌علاوه شواهدی یافت نمی‌شود که مدل شرکت‌های سهامی اولیه جنوب اروپا به شمال اروپا مهاجرت کرده باشند.

در تایید نظریه سیر تکاملی همگرایی، در مقاله نشان داده می‌شود موارد متعدد و متفاوتی از شرکت‌های سهامی که در گذشته در نقاط مختلف ظهور یافتند، شجره‌نامه قانونی آنها نیز متفاوت بوده است. شجره‌نامه دو شرکت تجاری هند شرقی انگلیسی و هلندی، شناخته‌شده است. و رای تقارن کسب‌وکاری و موقت آنها، شواهد حاکی از آن است که شرکت هند شرقی انگلیسی در اصناف و اتحادیه‌های سنتی بنا نهاده شد در حالی که شرکت هند شرقی هلندی نتیجه انبوهی از قراردادهای تجاری بود. این دو مسیر متفاوت بر نظریه تکامل همگرایی مقاله منطبق است. به‌علاوه شواهد بیشتری از شجره‌نامه‌های قانونی کمتر شناخته‌شده ارائه می‌شود. شرکت‌های آسیای شهر تولوز فرانسه بر اساس پیمان‌های فئودالی (راباب-رعیتی) که در آنها مالکیت مشترک بر اراضی و دارایی‌ها تعیین می‌شد شکل گرفتند. طبق شواهد احتمالاً شکل‌گیری مشابه دیگری در صنعت معدن رخ داده باشد.

پس از ارائه شواهدی از نظریه تکامل همگرایی، فرضیه مهاجرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برخلاف آنچه در زیست‌شناسی تکاملی مطرح است، در قلمرو علم اقتصاد و حقوق، فعالان اقتصادی پیش از اجرای شرکت‌های سهامی در نظام قانونی می‌توانند از طریق مشاهده ابداعات معاصر و پیشین از مفهوم آن اطلاع یابند. در این مورد، تنها ابزارهای قانونی می‌توانند تکامل همگرایی داشته باشند در حالی که مفهوم شرکت‌های سهامی حالت مهاجرت به خود می‌گیرد. بر این اساس در مقاله شواهدی از انتقال مفهوم شرکت‌های سهامی در مسیرهای مختلف مورد جست‌وجو قرار می‌گیرد. باید گفت که اغلب، تمایز میان اثرات محتوای مشترک و اشاعه واقعی دشوار است. با این حال، شواهد تاریخی اغلب بر این دیدگاه که مسیرهای مختلف شکل‌گیری شرکت‌ها از هم مستقل بوده است مهر تایید می‌زنند (به‌خصوص در رابطه با شرکت‌های تجاری قرون وسطی و دو منطقه جنوب و شمال اروپا). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روند تکامل همگرایی به سوی شرکت‌های سهامی نه تنها در رابطه با چهارچوب قانونی بلکه در مورد چهارچوب مفهومی نیز مطرح است.

تکامل همگرایی در تبیین ظهور و استفاده گسترده از سازمان‌های اقتصادی (به‌خصوص شرکت‌های سهامی) یک جایگزین نسبت به فرضیه مهاجرت پیشنهاد می‌کند (همان‌گونه که در مقالات ۲۰۰۹ و ۲۰۲۰ هاریس مطرح شد). بر این اساس در این مقاله این کار با اقداماتی کامل می‌شود، از قبیل افزودن ظهور شرکت‌های قرون وسطی جنوب اروپا و با تاکید بر سازگاری این مسیر تکاملی اضافی با نظریه تکامل همگرایی. با این حال دو فرضیه تحول همگرایی و مهاجرت را نمی‌توان با هم داشت. تحول همگرایی در زمان ظهور شرکت‌های سهامی شناسایی شد، در حالی که مهاجرت نهادهای ظهور یافته در مراحل بعدی اتفاق افتاد (اوایل قرن ۱۸ میلادی). بنابراین به سادگی می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه مهاجرت نمی‌تواند علت ظهور شرکت‌های سهامی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف اروپا باشد.

## ● کلام پایانی

در مرور پژوهشی این هفته، مقاله‌ای مورد بررسی قرار گرفت که سعی داشت ریشه‌های ظهور و پیدایش شرکت‌های سهامی را جست‌وجو کند. طبق شواهد مقاله، برای همگان پذیرفته شده است که نخستین شرکت‌های سهامی در منطقه شمال اروپا ظهور یافتند، جایی که شرکت‌های هند شرقی انگلیس و هلند نیز در آنجا حضور داشتند. بر این اساس در مقاله مسیرهای مختلفی که به ظهور شرکت‌های سهامی منجر شدند توضیح داده شده است. این مسیرها موجب شکل‌گیری برخی کسب‌وکارهای مقیاس بزرگ نظیر کارخانه‌های آسیای تولوز شد. این مسیرهای مختلف و متفاوت به سوی شرکت‌های سهامی هم‌راستا با نظریه تحول همگرایی است؛ ویژگی‌های سازمانی و نهادی مشابه می‌توانند از مسیرهای قانونی مختلفی ظهور یابند.

تجزیه و تحلیل ظهور و شکل‌گیری شرکت‌های سهامی از منظر نظریه تکامل



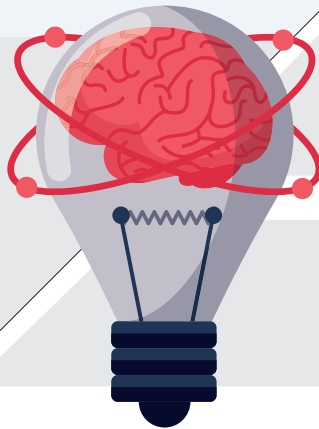
# ثروت بانكداري از AI

## هوش مصنوعي چگونه به بانكداري كمك مي كند؟

هوش مصنوعي مي تواند ثروت ايجاد كند. به طوري كه با بهينه سازي فرآيندها، کاهش هزينهها، افزايش بهره وري و ارائه راه حل هاي نوآورانه، فرصت هاي جديد كسب و كاري ايجاد كند. همچنين، اين فناوري مي تواند با افزايش دقت تصميم گيري و تجزيه و تحليل داده ها، به بهبود عملکرد و سودآوري شركت ها كمك كند.

يكي از اين حوزه ها بانكداري است. بانكداري در دو دهه گذشته با سرعت زيادي جهش پيدا كرد، اما در چند سال گذشته اين سرعت فزاينده شده و علت هم در استفاده هوش مصنوعي در اين حوزه است. هوش مصنوعي در بانكداري به موارد زيادي كمك مي كند. به عنوان مثال، در زمينه تجارت الكترونيكي بانكداري، سيستم هاي هوش مصنوعي مي توانند الگوريتم هاي تشخيص تقلب را بهبود بخشيده و امنيت تراكنش ها را ارتقا دهند. همچنين، در خدمات مشتريان، سيستم هاي هوش مصنوعي به بهبود در پردازش خودكار مشكلات مشتريان، پيش بيني نيازهاي آنها و ارائه راهكارهاي سفارشي منجر مي شوند. در عمليات داخلي بانك ها، هوش مصنوعي مي تواند در مديريت ريسك، تحليل اعتبار و بهينه سازي فرآيندها كمك كند. همچنين، براي تصميم گيري هوشمندانه در زمينه سرمايه گذاري و مديريت دارايي نيز به كار مي رود.

در حوزه بانكداري بين المللي، هوش مصنوعي چندين نقش اساسي دارد:  
 ۱- تشخيص تقلب. ۲- پيش بيني ريسك. ۳- تسهيل در انجام تراكنش ها. ۴- پشتيباني مشتريان چندزبانه. ۵- مديريت دارايي هاي بين المللي.

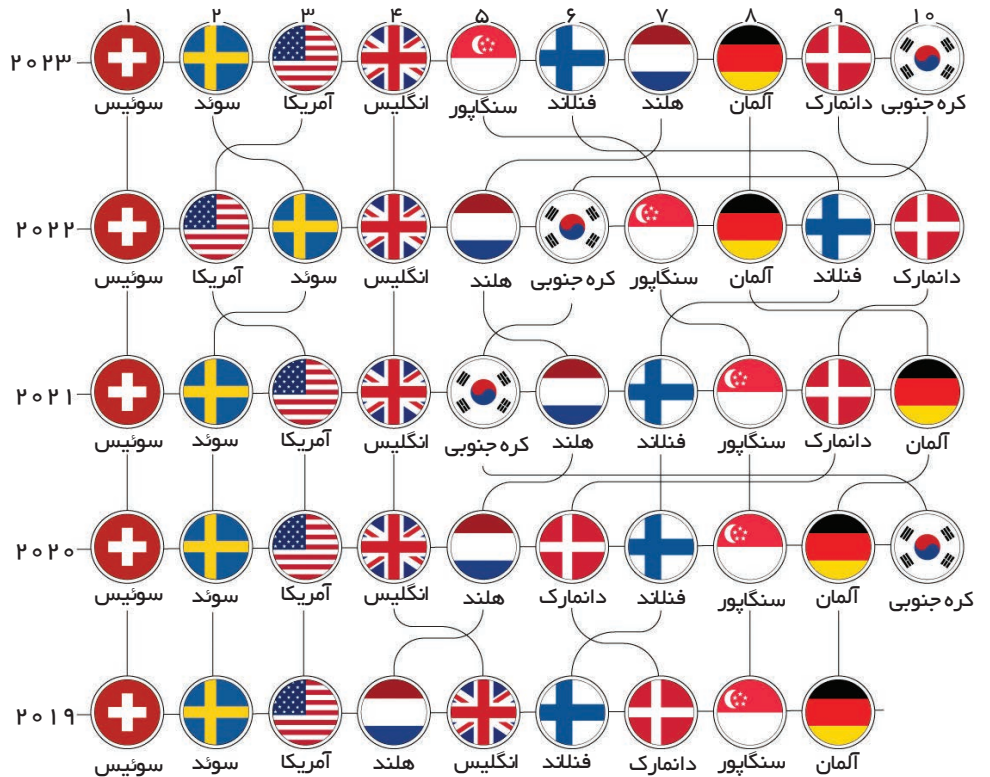


۱ سوئيس براي سيزدهمين سال متوالي به عنوان نوآورترين کشور جهان معرفي شد. از جمله عوامل كليدي موفقيت مي توان به سياست هاي تجاري و مقياس بالاي ثبت اختراع همچنين مؤسسات تحقيقاتي در سطح جهاني و نيروي كار ماهر آن اشاره كرد.

۲ سوئد در رتبه دوم قرار گرفت و امسال بالاتر از ايالات متحده ايستاد. اين کشور در تجارت، صنايع دانش بنين و سرانه تحقيقاتي سرآمد بود.

۳ در حالي كه ايالات متحده در مجموع رتبه سوم را به خود اختصاص داد، بالاترين امتياز را در سرمايه گذاري هاي پريسيك، سرمايه گذاري هاي تحقيقاتي و توسعه شركت هاي جهاني و ارزش كل شركت هاي تك شاخ مشاهده كرد. از ۱۲۰۶ شركت تك شاخ جهاني تا آوريل ۲۰۲۳، ايالات متحده خانه ۵۴ درصد از آنها بود. شركت تك شاخ: شركت تازه تاسيسي است كه ارزش بازار آن از يك ميليارد دلار عبور مي كند. دليل انتخاب اين اسم، اشاره به يك حيوان اسطوره اي براي نشان دادن خاص بودن چنين كسب و كارهايي بوده است.

## رتبه هاي برتر کشورهای نوآور از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳



اینفوگرافیک: آر شين مير سعیدی



## برندگان هوش مصنوعی

### چه کسانی از هوش مصنوعی ثروتمند شدند؟

مدیرعامل سابق آمازون، بزرگ‌ترین خرده‌فروش آنلاین جهان است. آمازون سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی کرده و بزوس از مدافعان جدی توسعه مسوولانه هوش مصنوعی بوده است. فناوری‌های هوش مصنوعی آمازون در طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات، از جمله توصیه‌های محصول آمازون، سیستم‌های تشخیص تقلب و دستیار صوتی آن، الکسا، کاربرد دارند. بزوس همچنین یک سرمایه‌گذار بزرگ در شرکت‌ها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی، از جمله ReCode است که اخبار و محصولات رسانه‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی را توسعه می‌دهد.

#### لری ایسون

لری ایسون یک کارآفرین فناوری و یکی از بنیانگذاران و مدیرعامل سابق شرکت اوراکل است. او با ثروت خالص ۱۳۰



میلیارد دلار ششمین فرد ثروتمند جهان است. ایسون ثروت خود را مدیون موفقیت اوراکل است که نرم‌افزار پایگاه داده، میان‌افزار و نرم‌افزارهای سازمانی را توسعه می‌دهد و عرضه می‌کند. ایسون از طریق شرکت خود اوراکل از هوش مصنوعی درآمد کسب کرده است. این شرکت در حال توسعه فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای کاربردهای مختلف از جمله تشخیص تقلب، خدمات مشتری و تجزیه و تحلیل داده‌هاست. او همچنین از طریق سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی سرمایه خود را چندین برابر می‌کند. به عنوان مثال، او یک سرمایه‌گذار بزرگ در شرکت Clarifai است که نرم‌افزار تشخیص تصویر مبتنی بر هوش مصنوعی را توسعه می‌دهد.

#### لری پیج

دارایی خالص لری پیج ۱۱۲ میلیارد دلار است و پیج یکی از بنیانگذاران گوگل و آلفابت، شرکت مادر گوگل است. پیج از طریق



موفقیت گوگل که محبوب‌ترین موتور جست‌وجوی جهان را توسعه داده و رهبری می‌کند، به ثروت چشمگیر دست یافت. لری پیج از طریق کارش در گوگل که سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی کرده است، از هوش مصنوعی درآمد کسب کرد. فناوری‌های هوش مصنوعی گوگل در طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات، از جمله جست‌وجوی Google Photos، Google Translate، Google به کار می‌رود. علاوه بر فعالیت در گوگل یک سرمایه‌گذار بزرگ در شرکت دیپ‌ماینند (DeepMind) است که فناوری‌های هوش مصنوعی را برای برنامه‌های مختلف توسعه می‌دهد.

هوانگ همچنین یکی از موفق‌ترین کارآفرینان در صنعت فناوری و هوش مصنوعی به شمار می‌آید.

#### بیل گیتس

دارایی خالص بیل گیتس تا جولای ۲۰۲۳، ۱۲۲ میلیارد دلار بوده است. او بنیانگذار مایکروسافت، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری جهان است. گیتس از طریق موفقیت مایکروسافت که محصولات نرم‌افزاری از جمله سیستم عامل ویندوز و مجموعه بهره‌وری آفیس را توسعه داده و به فروش می‌رساند، ثروت خود را به دست آورد. گیتس از طریق سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی، از جمله OpenAI، از هوش مصنوعی کسب درآمد کرد. او همچنین یک سرمایه‌گذار بزرگ در شرکت Inflection AI است که چت‌بات‌ها را توسعه می‌دهد. علاوه بر این، گیتس در پژوهش‌های هوش مصنوعی در دانشگاه‌ها و موسسه‌های تحقیقاتی سرمایه‌گذاری می‌کند.



#### ایلان ماسک

ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا و اسپیس ایکس، دو شرکتی است که جزو ارزشمندترین شرکت‌های فناوری جهان شناخته شده‌اند. ماسک ثروت خود را از طریق موفقیت این شرکت‌ها به دست آورد که هر دو در خط مقدم نوآوری در هوش مصنوعی و سایر فناوری‌ها قرار دارند. دارایی خالص او ۲۳۴/۳ میلیارد دلار است. ایلان ماسک با سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی در حال افزایش دادن سرمایه خود است. به عنوان مثال، او یکی از سرمایه‌گذاران بزرگ در شرکت اوپن‌آی‌آی است که هوش عمومی مصنوعی را توسعه می‌دهد و تحقیق می‌کند. او همچنین در موسسه‌های دانشگاهی و پژوهشی روی هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری می‌کند. تسلا در حال توسعه خودروهای خودران است و در این راه هوش مصنوعی را به کار گرفته است. هوش مصنوعی نیز به کمک اسپیس ایکس آمده و در حال توسعه موشک‌هایی است که برای ناهبری و کنترل کاربرد دارد. این فناوری‌ها هنوز در مراحل اولیه خود هستند، اما پتانسیل ایجاد انقلابی در حمل‌ونقل و اکتشافات فضایی را دارند.



#### جف بزوس

جف بزوس میلیاردها دلار از هوش مصنوعی به دست آورده است و دارایی خالص او ۱۵۱/۳ میلیارد دلار است. او بنیانگذار و



هوش مصنوعی تاثیر عمیقی بر جهان گذاشته است. پای هوش مصنوعی به حوزه توسعه محصولات و خدمات جدید، بهبود کارایی و خودکارسازی وظایف باز شده است. هوش مصنوعی همچنین به کمک حل برخی از ضروری‌ترین چالش‌های جهان مانند تغییرات آب‌وهوا و فقر آمده است. اما این فناوری بسیار قدرتمند می‌تواند تبعاتی نیز به دنبال داشته باشد. بسیاری از میلیاردرها از طریق کار در صنعت فناوری و هوش مصنوعی به ثروت رسیده‌اند. آنها شرکت‌هایی را تاسیس کرده یا در آنها سرمایه‌گذاری کرده‌اند که در حال توسعه و استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی هستند. از جمله این شرکت‌ها می‌توان به گوگل، فیس‌بوک، آمازون، مایکروسافت و علی‌بابا اشاره کرد. این میلیاردرها ثروت خود را از راه‌های مختلف، مانند راه‌اندازی و رهبری شرکت‌های موفق فناوری هوش مصنوعی، سرمایه‌گذاری استراتژیک در سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی و سرمایه‌گذاری بر برنامه‌های هوش مصنوعی در صنایع مختلف، به دست آورده‌اند. به عنوان مثال، بنیانگذاران شرکت‌های بزرگ فناوری مانند گوگل (سرگئی برین و لری پیج) یا تسلا و اسپیس ایکس (ایلان ماسک) ثروت هنگفتی اندوخته‌اند که بخشی از آن به دلیل مشارکت آنها در پروژه‌های مرتبط با هوش مصنوعی است. شرکت مادر گوگل، آلفابت، سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیقات و برنامه‌های کاربردی هوش مصنوعی انجام می‌دهد و شرکت‌های ایلان ماسک از هوش مصنوعی برای اهداف مختلف، از ماشین‌های خودران گرفته تا اکتشاف در فضا، استفاده می‌کنند. در ادامه مطلب تعدادی از این افراد و فعالیت‌هایی که هوش مصنوعی به یاری‌شان آمده و آنها را به ثروت و شهرت رسانده است معرفی می‌کنیم.

#### جنسن هوانگ

جنسن هوانگ، بنیانگذار و مدیر عامل انویدیا، به لطف موفقیت این شرکت در بازار تراشه‌های هوش مصنوعی، ارزش خالص خود را در



سال گذشته بیش از دو برابر کرده است. هوانگ ثروت خود را از طریق موفقیت انویدیا به دست آورد. پردازنده‌های گرافیکی این شرکت در طیف گسترده‌ای از برنامه‌ها از جمله بازی، مراکز داده و خودروهای خودران کاربرد دارند. در سال‌های اخیر، انویدیا به یک بازیگر اصلی در بازار تراشه‌های هوش مصنوعی تبدیل شده است. دارایی خالص هوانگ در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. در سال ۲۰۲۱، دارایی خالص او ۱۶/۸ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۲۲، این رقم به ۲۸/۱ میلیارد دلار افزایش یافت و تا جولای ۲۰۲۳، به ۴۰/۷ میلیارد دلار رسید. او یکی از ثروتمندترین افراد جهان است.

تجارت الکترونیک است. تا جولای ۲۰۲۳، دارایی خالص دینگ ۳۳/۴ میلیارد دلار برآورد شده است. موفقیت مالی دینگ را می‌توان به کار او در NetEase نسبت داد که سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی انجام داده است. فناوری‌های هوش مصنوعی این شرکت در محصولات و خدمات مختلف از جمله بازی‌های آنلاین، پخش موسیقی و تجارت الکترونیک ادغام شده‌اند و به رهبری NetEase در صنعت فناوری چین کمک می‌کنند.

علاوه بر این، دینگ سرمایه‌گذاری‌های سودآوری در شرکت‌ها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی انجام داده است. یکی از نمونه‌های قابل توجه، سرمایه‌گذاری عمده او در HiPhi است؛ شرکتی که به خاطر توسعه وسایل نقلیه الکتریکی با هوش مصنوعی شناخته می‌شود.

#### شیو نادار

شیو نادار، بنیانگذار رویایی HCL Technologies یک شرکت معتبر فناوری اطلاعات چندملیتی هندی، دارایی خالص ۲۴/۷ میلیارد دلاری دارد. موفقیت مالی نادار ریشه در تعهد او به پیشرفت‌های هوش مصنوعی در HCL Tech-nologies دارد؛ جایی که سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در تحقیق و توسعه انجام شده است. فناوری‌های هوش مصنوعی این شرکت به‌طور گسترده در محصولات و خدمات مختلفی مانند نرم‌افزار مدیریت ارتباط با مشتری (CRM)، پلتفرم‌های رایانش ابری و چت‌بات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی پیاده‌سازی می‌شوند و موفقیت HCL Technologies را به عنوان پیشرو در بخش فناوری اطلاعات هند مستحکم می‌کنند.

فراتر از HCL Technologies، شیو نادار در شرکت‌های هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کرده است. یکی از نمونه‌هایی که می‌توان عنوان کرد، سرمایه‌گذاری قابل توجه او در Fractal Analytics است؛ شرکتی که به دلیل راه‌حل‌های تحلیلی مبتنی بر هوش مصنوعی مشهور است.

#### جک ما

جک ما کارآفرین، سرمایه‌گذار و نیکوکار چینی است. او یکی از بنیانگذاران و رئیس اجرایی سابق گروه علی‌بابا، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری جهان است. دارایی خالص ما ۳۴/۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. فناوری‌های هوش مصنوعی علی‌بابا در طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات، از جمله فناوری تشخیص چهره، سیستم‌های تشخیص تقلب و موتور توصیه آن استفاده می‌شوند. این فناوری‌ها به تبدیل شدن علی‌بابا به پیشرو در تجارت الکترونیک کمک کرده‌اند.



دارد، ثروت انباشته کرد. فناوری‌های هوش مصنوعی آن محصولات و خدمات مختلفی مانند موتور توصیه TikTok، سیستم تعدیل محتوا و پلتفرم تبلیغاتی را تأمین می‌کند. این نوآوری‌ها پتانسیل ایجاد انقلاب در صنایع مختلف را دارند و به موفقیت مالی ژانگ بیمینگ کمک کرده‌اند. جدا از ByteDance، بیمینگ از سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی نیز سود برده است. گفتنی است که او سهام قابل توجهی در SenseTime دارد؛ شرکتی که در نرم‌افزار تشخیص چهره مبتنی بر هوش مصنوعی متخصص است.

#### استیو بالمر

استیو بالمر، مدیرعامل سابق مایکروسافت و مالک فعلی لس‌آنجلس کلیپرز است. او در سال ۱۹۸۰ به عنوان سی‌امین کارمند مایکروسافت به این شرکت پیوست و در سال ۲۰۰۰ مدیرعامل آن و جانشین بیل گیتس شد. او در سال ۲۰۱۴ از مایکروسافت بازنشسته شد و کلیپرز را به قیمت دو میلیارد دلار خرید. دارایی خالص بالمر ۱۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. بالمر در ابتکارات مختلف هوش مصنوعی چه در مایکروسافت و چه در خارج از آن نقش داشته است. او بر سرمایه‌گذاری‌های مایکروسافت در یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی و شبکه‌های عصبی عمیق نظارت داشت که محصولاتی مانند کورتانا و بینگ را فعال می‌کرد. او همچنین از اوپن‌ای‌آی یک سازمان پژوهشی که به ایجاد هوش عمومی مصنوعی اختصاص دارد، با اهدای ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ حمایت کرد.



#### کالین ژنگ هوانگ

کالین ژنگ هوانگ موسس و مدیرعامل Pinduoduo، یک شرکت تجارت الکترونیک چینی است. او همچنین رئیس بنیاد پیندودو است. طبق گزارش فوربس، دارایی خالص هوانگ حدود ۲۹/۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. هوانگ ثروت خود را از هوش مصنوعی از طریق کارش در Pinduoduo به دست آورد که از هوش مصنوعی برای تقویت توصیه‌های محصول، الگوریتم‌های قیمت‌گذاری و سیستم‌های تشخیص تقلب استفاده می‌کند. Pinduoduo یکی از بزرگ‌ترین پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در چین است و فناوری‌های هوش مصنوعی در موفقیت آن نقشی بسزا داشته است. هوانگ علاوه بر کارش در Pinduoduo، از سرمایه‌گذاری‌های خود در فناوری‌های هوش مصنوعی، از جمله SenseTime نیز درآمد کسب کرده است.



#### ویلیام لی دینگ

ویلیام لی دینگ، بنیانگذار و مدیرعامل NetEase، یک شرکت فناوری برجسته چینی با تمرکز بر بازی آنلاین، موسیقی و



#### مارک زاکربرگ

دارایی خالص مارک زاکربرگ، بنیانگذار و مدیرعامل متا، ۱۰۵/۳ میلیارد دلار است. او با کارش در متا که سرمایه‌گذاری زیادی در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی کرده است، به یک میلیارد دلار در دنیا تبدیل شده است. فناوری‌های هوش مصنوعی متا در طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات، از جمله فید خبری فیس‌بوک، سیستم هدف‌گیری تبلیغات و پلتفرم واقعیت مجازی آن، Horizon Worlds، استفاده می‌شوند. او علاوه بر کار در متا، از سرمایه‌گذاری‌های خود در شرکت‌ها و فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی نیز درآمد کسب کرده است. زاکربرگ به شکل‌گیری صنعت فناوری کمک‌های زیادی کرده است. بر اساس گزارش‌ها، او در دوران رونق هوش مصنوعی ۳۹ میلیارد دلار ثروتمندتر شده است.



#### سرگئی برین

سرگئی برین به همراه لری پیج یکی از بنیانگذاران گوگل است. او رئیس آلفابت، شرکت مادر گوگل است. دارایی خالص برین تا جولای ۲۰۲۳، ۱۰۷ میلیارد دلار برآورد شده است. برین علاوه بر گوگل، از سرمایه‌گذاری‌های خود در شرکت‌های مرتبط با هوش مصنوعی مانند دیپ‌ماینند که فناوری‌های هوش مصنوعی را برای برنامه‌های مختلف توسعه می‌دهد نیز به درآمد بسیار رسیده است. برین یک رهبر رویایی است که به شکل‌گیری صنعت فناوری کمک کرده است.



#### ما هوآنتنگ

Ma Huateng کارآفرین فناوری چینی و همچنین یکی از بنیانگذاران و رئیس شرکت Tencent Holdings، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری در جهان است. فناوری‌های هوش مصنوعی Tencent در طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات کاربرد دارد. این شرکت همچنین در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری می‌کند. هوآنتنگ همچنین در SenseTime سرمایه‌گذاری می‌کند که نرم‌افزار تشخیص چهره مبتنی بر هوش مصنوعی را توسعه می‌دهد. دارایی خالص او ۳۶/۵ میلیارد دلار است.



#### ژانگ بیمینگ

تا جولای ۲۰۲۳، دارایی خالص ژانگ بیمینگ ۵۹/۴ میلیارد دلار است. او یکی از بنیانگذاران و مدیرعامل سابق ByteDance، یک شرکت فناوری چینی معروف به تیک‌تاک بود. ژانگ بیمینگ از طریق مشارکت با ByteDance که بر تحقیق و توسعه هوش مصنوعی تمرکز





## فالگیر جادویی

### هوش مصنوعی چگونه جریان خلق ثروت را تغییر داد؟

استراتژیک مدیریت کنند. عصر سواد مالی با توانایی هوش مصنوعی در هدایت کاربران به سمت تصمیم‌گیری‌های پولی بهتر تقویت می‌شود. هوش مصنوعی این پتانسیل را دارد که سال‌ها تجربه را در بینش‌های عملی متراکم کند و منحنی یادگیری را به سرعت ارتقا دهد. پلت‌فرم‌های یادگیری مبتنی بر هوش مصنوعی، چه آنهایی که در راه اکتساب هوش سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کنند و چه آنهایی که استراتژی‌های مالی را بهبود می‌بخشند، میان‌بری برای کسب دانش ارائه می‌دهند که در غیر این صورت جمع‌آوری آن سال‌ها طول می‌کشد. در روی دیگر سکه، چشم‌انداز صنعتی نیز در حال تغییر است. اتوماسیون‌های مبتنی بر هوش مصنوعی فرآیندها را بهینه کرده‌اند، تجربه مشتری را افزایش داده‌اند و جریان‌های درآمدی را که پیش از این مورد استفاده قرار نگرفته بود، با جدیت به کار گرفته‌اند. کسب‌وکارهای بزرگ، متوسط و کوچک از قدرت هوش مصنوعی برای ساده‌سازی عملیات و افزایش بهره‌وری بهره برده و در نهایت پاداشی به نام افزایش سودآوری به دست آورده‌اند.

#### ● تلاقی امور مالی و هوش مصنوعی

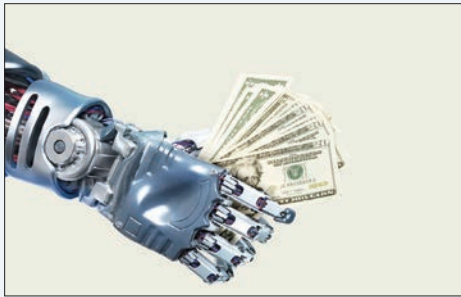
تلفیق امور مالی و هوش مصنوعی زمینه‌ای است که سرعت رشد و توسعه بسیاری دارد و روش ارائه خدمات مالی را در سراسر جهان تغییر می‌دهد. فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای بهبود کارایی، دقت و شفافیت خدمات مالی به روش‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از جنبه‌هایی که با ظهور و بروز هوش مصنوعی، با تحول بسیاری روبه‌رو شده، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری است. هوش مصنوعی می‌تواند حجم وسیعی از داده‌ها را برای شناسایی الگوها و روندهایی که ممکن است انسان‌ها قادر به دیدن آنها نباشند، تجزیه و تحلیل کند. از این اطلاعات می‌توان برای شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالقوه‌ای که سودآور نیز هستند بهره برد. تجارت خودکار، فعالیت دیگری است که با استفاده از هوش مصنوعی به خلق ثروت می‌پردازد. هوش مصنوعی می‌تواند برای خودکارسازی معاملات کاربرد داشته باشد. در چنین شرایطی، با کاهش خطای انسانی و بهبود کارایی، زمینه‌های خلق ارزش بیشتر فراهم می‌شود که به سودآوری‌های بزرگ می‌انجامد. چنین رویکردی به ویژه در معاملات با فرکانس بالا مفید خواهد بود؛ جایی که تصمیمات ویژه و پر از ریسک، تفاوت بزرگی در میزان سودآوری رقم می‌زند. هوش مصنوعی همچنین برای تجزیه و تحلیل وضعیت مالی و اهداف افراد به منظور ارائه مشاوره مالی شخصی استفاده می‌شود. در چنین وضعیتی، به افراد کمک می‌شود تا درباره پول و دارایی خود، تصمیمات بهتری بگیرند. پس از این چند مرحله، مدیریت ریسک وارد میدان می‌شود. در این مرحله، هوش مصنوعی برای تجزیه و تحلیل ریسک و شناسایی تهدیدهای بالقوه ثروت افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این اطلاعات می‌توان برای تصمیم‌گیری بهتر در مورد نحوه سرمایه‌گذاری و مدیریت پول بهره برد. در یک جنبه دیگر، هوش مصنوعی برای توسعه محصولات و خدمات مالی جدید، مانند مشاوران پرداختی و کیف پول‌های دیجیتال کاربرد

اصلی‌ترین مباحثی است که با استفاده از هوش مصنوعی، کیفیت بیشتری پیدا می‌کند. هوش مصنوعی در عین اینکه تحول همه‌جانبه‌ای را برای حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی رقم می‌زند، در تک‌تک ابعاد نیز تاثیرگذاری‌های جذابی دارد. نکته مهم‌تر این است که هوش مصنوعی اتفاقات شگفت‌انگیزی را در دنیای پول و خلق ثروت ایجاد می‌کند. این فناوری، نحوه درآمدزایی و صرفه‌جویی ما را تغییر می‌دهد. هوش مصنوعی، ابرقدرتی است که به انسان‌ها کمک می‌کند در زندگی شخصی و فعالیت‌های شغلی‌شان رشد کنند. کسب‌وکارها، از هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار جادویی استفاده می‌کنند و بهره‌وری خود را افزایش می‌دهند و حاشیه امن خود را نیز گسترده‌تر می‌کنند. به لطف ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، برنرسازی شخصی جهشی بزرگ به جلو داشته است. ایجاد محتوای جذاب، مدیریت حضور در رسانه‌های اجتماعی و تعامل با مخاطبان آسان‌تر و موثرتر از همیشه شده است. هوش مصنوعی به افراد کمک می‌کند تروی تخصص خود تمرکز کنند و در عین حال تولید محتوا را به ماشین‌ها بسپارند. از سوی دیگر، هنر سرمایه‌گذاری نیز با مهارت‌های پیش‌بینی هوش مصنوعی ارتقا یافته است. الگوریتم‌ها، شبیه به فالگیرها، حرکات بازار را به دقت پیش‌بینی می‌کنند و توصیه‌های سرمایه‌گذاری متناسبی را ارائه می‌دهند. در نتیجه، تصمیم‌گیری آگاهانه در دنیای پیچیده مالی، قابل دسترس‌تر و مفیدتر شده است. در حوزه مدیریت پول، ابزارهای هوش مصنوعی مانند Mint و Kesho به عنوان متحدان ضروری جایگاه خود را تثبیت کرده‌اند. این دو ابزار قدرتمند، داده‌ها را به دقت تجزیه و تحلیل می‌کنند، روندها را آشکار می‌کنند و بینش‌هایی ارائه می‌دهند که افراد را ترغیب می‌کند امور مالی خود را به صورت

انسان‌ها دیگر نان بازوبشان را نمی‌خورند. اندکی قبل، شاید تا همین ۷۰ سال پیش، آنهایی که به دنبال خلق ثروت بودند، خط تولید راه‌اندازی می‌کردند و افرادی را به عنوان اپراتور به خدمت می‌گرفتند تا کالایی تولید کنند و با خلق ارزش افزوده، نیازی را از مخاطبان برطرف کنند و در مقابل، درآمدزایی کنند و سود بیشتری ببرند. اکنون اما زمانه دیگری است. انسان‌ها با فکرشان کار می‌کنند، با فکرشان ارزش می‌آفرینند و مهم‌تر از همه، با فرآیندهای فکری‌شان به خلق ثروت می‌پردازند. داستان یک کارآفرین ساده که با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی توانست بازارهای مالی دنیا را تحت تاثیر قرار دهد، شنیدنی است. او که علاوه بر تخصص در امور مالی، با الگوریتم نیز آشنایی داشت، نوعی برنامه مبتنی بر هوش مصنوعی تولید کرد که روندهای بازار سهام را با دقت بی‌سابقه‌ای تحلیل و پیش‌بینی می‌کرد. او با استفاده از این سیستم معاملاتی توانست بازدهی‌های مستمر و البته قابل توجهی از سرمایه‌گذاری ایجاد کند و ثروت شخصی خود را به میزان زیادی افزایش دهد. پس از موفقیت‌هایی که در این زمینه به دست آورد، سیستم تحلیل و پیش‌بینی بازار خود را توسعه داد و با فروش به سرمایه‌گذاران دیگر، یک کسب‌وکار موفق را پایه‌گذاری کرد که اکنون به خلق ثروت برای افراد مختلف در سراسر جهان می‌پردازد. موضوع به همین جا ختم نمی‌شود. یک شرکت کوچک تولیدکننده سیستم‌های اتوماسیون مبتنی بر هوش مصنوعی را در ماشین‌آلات خط تولید خود اجرایی کرد و باعث افزایش قابل توجه کارایی و کاهش هزینه‌های عملیاتی شد. این شرکت، با استفاده از هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی فرآیندهای تولید، به حداقل رساندن ضایعات و پیش‌بینی نیازهای تعمیر و نگهداری، سود خود را چند برابر کرد. زمانی که این اتوماسیون مبتنی بر هوش مصنوعی نتیجه داد، شرکت تصمیم گرفت زیرمجموعه‌ای تاسیس کند که فناوری پیشرفته خود را در اختیار شرکت‌های دیگر نیز قرار دهد. این اتفاق سبب شد به تدریج، سید در آمدزایی زیرمجموعه جدید بیشتر شود و فعالیت‌های تولیدی با استفاده از سخت‌افزارها و ماشین‌آلات صنعتی، جای خود را به نرم‌افزارها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی بدهند. این اتفاق، در نهایت به ایجاد جریان درآمدی جدید برای شرکت منجر شد و شرایطی را فراهم آورد تا آن شرکت به عنوان یک رهبر در راه‌حل‌های صنعتی مبتنی بر هوش مصنوعی معرفی شود و جایگاه خود را در این عرصه تثبیت کند. این دو روایت کوتاه، فقط مثال‌های کوچکی از شرایطی هستند که این روزها بر عرصه خلق ثروت حاکم شده‌اند و جهان را به تسخیر خود درآورده‌اند. حاکم جدید خلق ثروت جهان، از چهره خود رونمایی کرده است: هوش مصنوعی.

#### ● تغییر مسیر خلق ثروت

هوش مصنوعی در امور مالی برای بهبود کارایی، دقت و شفافیت خدمات مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، خودکارسازی معاملات، ارائه مشاوره‌های مالی شخصی، مدیریت ریسک و ایجاد محصولات و خدمات مالی جدید از جمله



▲ کسب و کارها، هوش مصنوعی را به عنوان یک ابزار جادویی مورد استفاده قرار می‌دهند، بهره‌وری خود را بیشتر می‌کنند و حاشیه امن خود را گسترده‌تر می‌کنند. هنر سرمایه‌گذاری با مهارت‌های پیش‌بینی هوش مصنوعی ارتقا یافته و الگوریتم‌ها، شبیه به فالگیرها، حرکت بازار را به دقت پیش‌بینی می‌کنند و توصیه‌های سرمایه‌گذاری متناسبی را ارائه می‌دهند.



▲ هوش مصنوعی برای خودکارسازی معاملات نیز کاربرد دارد. چرا که با کاهش خطای انسانی و بهبود کارایی، زمینه‌های خلق ارزش بیشتر را فراهم می‌کند که به سودآوری‌های بزرگ می‌انجامد. چنین رویکردی به ویژه در معاملات با فرکانس بالا مفید خواهد بود؛ جایی که تصمیمات ویژه و پر از ریسک، تفاوت بزرگی در میزان سودآوری رقم می‌زند.

کند با پیش‌بینی روندها و نتایج آینده، تصمیمات تجاری بهتری بگیرند. با تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی و شناسایی الگوها، هوش مصنوعی می‌تواند به شرکت‌ها در پیش‌بینی تقاضای مشتری، بهینه‌سازی سطح موجودی و پیش‌بینی روندهای بازار کمک کند. چنین رخدادی می‌تواند موجب عملیات کارآمدتر، کاهش هزینه‌ها و سود بیشتر شود. در کنار این موضوع، هوش مصنوعی فعالیت‌های تکراری و وقت‌گیر را خودکار می‌کند و به کارمندان اجازه می‌دهد بر فعالیت‌های استراتژیک و ارزش افزوده بیشتر تمرکز کنند. برای شرکت‌های کوچک و متوسط با منابع محدود، اتوماسیون مبتنی بر هوش مصنوعی صرفه‌جویی قابل توجهی در هزینه و افزایش بهره‌وری به دنبال خواهد داشت. همچنین با ساده‌سازی گردش کار و کاهش خطاهای دستی، هوش مصنوعی به شرکت‌ها کمک می‌کند کارآمدتر و سودآورتر فعالیت کنند. AI همچنین توصیه‌های ارزشمندی برای کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط در تصمیم‌گیری بهتر ارائه می‌دهد. این فناوری، با تجزیه و تحلیل حجم زیادی از داده‌ها و شناسایی الگوهایی که ممکن است انسان‌ها به آن بی‌توجهی کنند، به شرکت‌ها در شناسایی فرصت‌های جدید، کاهش خطرات و بهینه‌سازی استراتژی‌های خود کمک می‌کند. بهینه‌سازی زنجیره تامین نیز، روش دیگری است که هوش مصنوعی با استفاده از آن، شرکت‌های کوچک و متوسط را متحول می‌کند. در چنین فرآیندی، عملیات زنجیره تامین با پیش‌بینی تقاضا، شناسایی تنگناها و بهینه‌سازی لجستیک، بهینه‌می‌شوند. بنابراین، هزینه‌ها کاهش می‌یابند و رضایت مشتری بیشتر می‌شود. قابل توجه‌ترین موضوع این است که سیستم‌های تشخیص کلاهبرداری مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند

پورتفولیو بر اساس یک الگوریتم مشخص است. این الگوریتم، عواملی نظیر تحمل ریسک، اهداف سرمایه‌گذاری و افق زمانی مشتری را به عنوان عوامل مهم دخیل در سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرد. تخصیص دارایی الگوریتمی این پتانسیل را دارد که با اطمینان از تنوع پورتفو و برخورداری از ریسک مناسب برای مشتری، بازده را به حداکثر برساند. با این حال، توجه به این نکته مهم است که تخصیص دارایی الگوریتمی، تضمینی برای موفقیت نیست. عملکرد پورتفو همچنان به شرایط کلی بازار بستگی دارد. البته استفاده از هوش مصنوعی، بدون چالش هم نیست. سیستم‌های مدیریت ثروت مبتنی بر هوش مصنوعی داده‌های زیادی را در مورد مشتریان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کنند. این داده‌ها می‌توانند برای تبعیض علیه مشتریان سوءاستفاده قرار گیرند. همچنین، امکان دارد که الگوریتم‌های مورد استفاده در سیستم‌های مدیریت ثروت مبتنی بر هوش مصنوعی، سوگیری داشته باشند که در نهایت، به رفتار ناعادلانه با مشتریان می‌انجامد. از سوی دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند برخی از مدیران مالی را با بی‌کاری روبرو کند که تبعات سنگینی برای افراد و کسب و کارها به دنبال خواهد داشت.

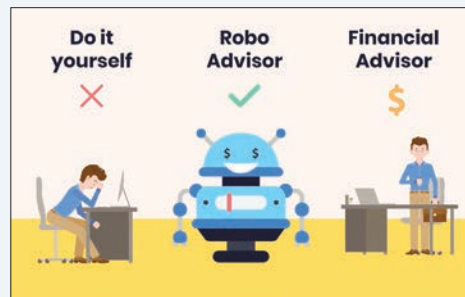
### ● SMEها بیشتر تلاش کنند

هوش مصنوعی، زمین بازی بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) را نیز تغییر داده است. این شرکت‌ها با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی می‌توانند مزیت رقابتی به دست آورند، کارایی را بهبود بخشند و در نهایت سود خود را افزایش دهند. درست است که یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند از هوش مصنوعی برای افزایش سود بهره ببرند، ارائه تجربیات شخصی‌سازی شده برای مشتریان است، اما راه‌حل‌های دیگری نیز وجود دارد تا شرکت‌ها به خلق ثروت برای خود و ذی‌نفعانشان بپردازند. تجزیه و تحلیل‌های پیش‌بینی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند به شرکت‌های کوچک و متوسط کمک

دارد. این محصولات و خدمات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مدیریت پول و دستیابی به اهداف مالی را برای افراد آسان‌تر کنند. همه این موارد نشان می‌دهند که هوش مصنوعی پتانسیل بالایی دارد که مزایای ویژه‌ای برای بخش مالی به ارمغان بیاورد. هوش مصنوعی می‌تواند به بهبود کارایی، دقت و شفافیت در خدمات مالی کمک کند. همچنین می‌تواند به شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید، خودکارسازی معاملات و ارائه مشاوره مالی شخصی یاری رساند. علاوه بر این، هوش مصنوعی می‌تواند برای ایجاد محصولات و خدمات مالی جدید به کار رود که برای همه در دسترس‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر باشد. موضوع اصلی تلاقی امور مالی و هوش مصنوعی این است که چگونه هوش مصنوعی نحوه تولید و مدیریت ثروت را تغییر می‌دهد.

### ● استراتژی‌های سرمایه‌گذاری

«روبو ادوایزرها» یا «مشاوران روبو» پلت‌فرم‌های دیجیتالی هستند که خدمات برنامه‌ریزی مالی خودکار بر پایه الگوریتم را با حداقل یا بدون نظارت انسانی ارائه می‌دهند. مشاوران روبو در بسیاری مواقع، خودکارسازی و بهینه‌سازی استراتژی‌های شاخص‌گذاری منفعلی را بر عهده دارند که بهینه‌سازی میانگین واریانس را دنبال می‌کنند. در واقع، می‌توان مشاوران روبو را نوعی مشاور سرمایه‌گذاری دانست که از الگوریتم و فناوری برای ارائه مشاوره مالی به مشتریان استفاده می‌کنند. آنها اغلب در مواجهه با مشاوران سرمایه‌گذاری سنتی، به عنوان یک جایگزین مقرون‌به‌صرفه و در دسترس‌تر معرفی می‌شوند. شیوه کار این مشاوران دیجیتالی بسیار جذاب است. آنها در بسیاری مواقع کار خود را با پرسیدن چند سوال از مشتریان در مورد اهداف مالی، تحمل ریسک و افق زمانی سرمایه‌گذاری شروع می‌کنند. زمانی که این اطلاعات جمع‌آوری شد، مشاور روبو از نوعی الگوریتم برای ایجاد یک سبد سرمایه‌گذاری شخصی استفاده می‌کند. در سال‌های اخیر مشاوران روبو به‌طور فزاینده‌ای محبوب شده‌اند. این موضوع تا حدی مرهون هزینه کم، سهولت استفاده و توانایی آنها در ارائه مشاوره سرمایه‌گذاری شخصی به طیف گسترده‌ای از مشتریان بوده است. هوش مصنوعی نقشی حیاتی در نوع فعالیت مشاوران روبو دارد. الگوریتم‌هایی که مشاوران روبو برای ایجاد سبد سرمایه‌گذاری شخصی‌سازی شده استفاده می‌کنند، به‌وسیله هوش مصنوعی طراحی شده‌اند. هوش مصنوعی همچنین برای نظارت بر عملکرد پورتفو سرمایه‌گذاری و انجام تنظیمات در صورت نیاز استفاده می‌شود. علاوه بر این، هوش مصنوعی برای توسعه ویژگی‌های جدید برای مشاوران روبو، مانند توانایی ارائه مشاوره سرمایه‌گذاری در زمان واقعی و توانایی ادغام با سایر خدمات مالی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. هوش مصنوعی هر روز بیشتر از روز قبل، شیوه‌های سنتی مدیریت ثروت را زیر سوال می‌برد. این فناوری، بسیاری از وظایفی را که به‌طور سنتی مدیران مالی انجام می‌دادند، به صورت خودکار انجام می‌دهد. متعادل کردن مجدد پورتفولیوها و تولید گزارش عملکردی و کارکردی آنها از جمله فعالیت‌هایی است که با اتکا به هوش مصنوعی به صورت خودکار انجام می‌شود. چنین پیشرفتی شرایطی را فراهم آورده تا مدیران مالی فرصت بیشتری داشته باشند بر ارائه مشاوره‌های مالی تمرکز کنند. هوش مصنوعی همچنین می‌تواند شخصی‌سازی مشاوره سرمایه‌گذاری برای هر مشتری را انجام دهد. چنین اقدامی با در نظر گرفتن اهداف مالی فردی مشتری، تحمل ریسک و افق زمانی سرمایه‌گذاری انجام می‌شود. تخصیص دارایی الگوریتمی، روشی برای تخصیص دارایی‌ها در



▲ در سال‌های اخیر مشاوران روبو محبوبیت بیشتری پیدا کرده‌اند. هوش مصنوعی نقشی حیاتی در نوع فعالیت مشاوران روبو دارد و به منظور توسعه ویژگی‌های جدید برای مشاوران روبو، مانند توانایی ارائه مشاوره سرمایه‌گذاری در زمان واقعی و توانایی انجام یا سایر خدمات مالی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به شرکت‌های کوچک و متوسط کمک کنند فعالیت‌های متقلبانه مانند تقلب در پرداخت یا سرقت هویت را شناسایی کرده و از آن جلوگیری کنند. با تجزیه و تحلیل حجم زیادی از داده‌ها از سوی هوش مصنوعی، الگوها و ناهنجاری‌های مشکوک که تحلیلگران انسانی ممکن است نادیده بگیرند، شناسایی می‌شود. بر همین اساس، شرکت‌ها زبان ناشی از تقلب را کاهش می‌دهند و از درآمدهای خود محافظت می‌کنند.

#### ● آنها که خلق ثروت کرده‌اند

در سال‌های اخیر، برگ برنده در دست کسب‌وکارها و شرکت‌هایی بوده که از هوش مصنوعی بهتر استفاده کرده‌اند. شرکت‌های مختلفی در جهان با استفاده از فناوری و هوش مصنوعی برای حل مشکلات پیچیده صنایع به میدان آمده‌اند و در نهایت، علاوه بر رفع این مشکلات، به مرحله خلق ثروت رسیده‌اند. شرکت‌های فعال در حوزه‌های مختلف از کشاورزی و بیوتکنولوژی گرفته تا تحقیقات حقوقی، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی و همچنین تجزیه و تحلیل تجربه مشتری، این امکان را داشته‌اند تا از قدرت تحول‌آفرین هوش مصنوعی در ایجاد نوآوری، کارایی و سودآوری بهره ببرند. اکنون شرایط به گونه‌ای پیش رفته که همزمان با پیشرفت هوش مصنوعی، شرکت‌های پیشگام نیز ثروت بیشتری را به سمت خود جذب می‌کنند. Indigo Agriculture شرکتی است که از هوش مصنوعی برای بهبود کارایی و پایداری کشاورزی استفاده می‌کند. این شرکت یک پلتفرم هوش مصنوعی ایجاد کرده که داده‌های ماهواره‌ها، ایستگاه‌های آب‌وهوا و حسگرهای خاک را تجزیه و تحلیل می‌کند تا به کشاورزان بینش و توصیه‌هایی در مورد چگونگی بهینه‌سازی محصولشان ارائه دهد. Indigo Agriculture با استفاده از هوش مصنوعی برای شناسایی الگوها و پیش‌بینی رشد محصول، توانسته به کشاورزان کمک کند تا بهره‌وری و سودآوری خود را افزایش و در عین حال اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های خود را کاهش دهند. این موضوع، هم برای شرکت و هم برای کشاورزانی که به آنها خدمات می‌دهد، ثروت ایجاد کرده است. Casetext نیز یک شرکت فناوری حقوقی است که از هوش مصنوعی برای ایجاد انقلابی در روش انجام تحقیقات قانونی استفاده می‌کند. پلتفرم مبتنی بر هوش مصنوعی این شرکت که «CARA» نام دارد، می‌تواند اسناد حقوقی را تجزیه و تحلیل کند و قوانین موردی، اساسنامه‌ها و سایر مواد قانونی مرتبط را برای حمایت از تحقیقات و استدلال‌هایشان به وکلای ارائه دهد. Casetext با استفاده از هوش مصنوعی برای ساده‌سازی فرآیند تحقیق و کارآمدتر کردن آن، به وکلای کمک کرده

که در زمان و منابع صرفه‌جویی کنند و در نهایت افزایش بهره‌وری و سودآوری فعالیت‌هایشان را شاهد باشند. Zymergen هم یک شرکت بیوتکنولوژی است که از هوش مصنوعی برای مهندسی میکروب‌ها به منظور کاربردهای مختلف صنعتی مانند تولید مواد پایدار و مواد شیمیایی استفاده می‌کند. پلتفرم هوش مصنوعی این شرکت، داده‌های ژنتیکی و سایر اطلاعات بیولوژیک را برای طراحی میکروب‌های سفارشی که می‌توانند عملکردهای خاصی مانند تولید مواد با کارایی بالا یا بهبود فرآیندهای تولید را انجام دهند، تجزیه و تحلیل می‌کند. Zymergen با بهره‌گیری از قدرت هوش مصنوعی برای تسریع توسعه محصولات جدید بیوتکنولوژی، توانسته است با ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای صنایعی که به دنبال جایگزین‌های پایدارتر و مقرون‌به‌صرفه‌تر هستند، ثروت خلق کند. در ادامه کسب‌وکارهایی که با استفاده از هوش مصنوعی به خلق ثروت پرداخته‌اند، با نام Viz.ai برمی‌خوریم که یک شرکت فناوری ارائه مراقبت‌های بهداشتی و درمانی است. این شرکت یک پلتفرم مبتنی بر هوش مصنوعی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تصویربرداری پزشکی، به ویژه برای تشخیص و درمان سکنه مغزی ایجاد کرده است. الگوریتم‌های هوش مصنوعی Viz.ai می‌توانند به سرعت علائم سکنه مغزی را در تصاویر پزشکی شناسایی کنند و به ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی اجازه می‌دهند تشخیص‌های سریع‌تر و دقیق‌تری داشته باشند. فناوری Viz.ai با امکان مداخله و درمان به‌موقع برای بیماران سکنه مغزی، نه تنها نتایج بیماران را بهبود بخشیده، بلکه هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی مرتبط با مراقبت از سکنه مغزی را نیز کاهش داده و باعث ایجاد ثروت برای شرکت و کل سیستم مراقبت‌های بهداشتی شده است. Gridspace نیز شرکتی است که از هوش مصنوعی برای تغییر نحوه تجزیه و تحلیل و درک معاملات مشتری استفاده می‌کند. پلتفرم هوش مصنوعی این شرکت قادر

به پردازش و تجزیه و تحلیل حجم زیادی از داده‌های صوتی از تماس‌های مشتریان است و به کسب‌وکارها بینش ارزشمندی در مورد رفتار، احساسات و ترجیحات مشتری ارائه می‌دهد. Gridspace با استفاده از هوش مصنوعی برای استخراج اطلاعات معنادار از تعاملات مشتری، به کسب‌وکارها کمک کرده تا خدمات مشتری، فروش و استراتژی‌های بازاریابی خود را بهبود بخشند و در نهایت به افزایش رضایت مشتری و درآمدزایی منجر می‌شود. نمونه‌های چنین شرکت‌هایی بسیار زیاد است. بسیاری از ما شرکت‌هایی مانند آی‌بی‌ام، گوگل و تسلا را به عنوان شرکت‌هایی می‌شناسیم که به هوش مصنوعی تکیه کرده و به خلق ثروت می‌پردازند، اما تعداد شرکت‌های فعال در حوزه‌های مختلف که با استفاده از هوش مصنوعی، کسب‌وکار خود را با تحول روبه‌رو کرده‌اند، هر روز بیشتر می‌شود. این موضوع سبب شده تا کشورها به عنوان ابزارهای خلق ثروت و ثروت‌آفرینی، شرکت‌های میزبان هوش مصنوعی را در صدر توجهات خود قرار دهند.

#### ● AI و شکاف کشورهای فقیر و ثروتمند

انتظار می‌رود فناوری‌های جدیدی مانند هوش مصنوعی، یادگیری ماشینی، رباتیک، کلان‌داده و شبکه‌ها، فرآیندهای تولید را متحول کنند. این فناوری‌ها، تاثیر زیادی بر اقتصادهای در حال توسعه نیز خواهند داشت. فرصت‌ها و منابع بالقوه رشدی که به عنوان مثال ایالات متحده و چین در مراحل اولیه توسعه اقتصادی خود از آن برخوردار بودند، به‌طور قابل توجهی با آنچه کامبوج و تانزانیا در دنیای امروز با آن روبه‌رو هستند متفاوت است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد فناوری جدید با انتقال سرمایه‌گذاری بیشتر به اقتصادهای پیشرفته که در سال‌های پیش به فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی دست یافته‌اند، شکاف بین کشورهای غنی و فقیر را افزایش می‌دهد. این امر در جایگاه خود می‌تواند پیامدهای منفی برای مشاغل کشورهای در حال توسعه داشته باشد، زیرا کسب‌وکارها را ترغیب می‌کند که به جای به‌کارگیری نیروی کار، هوش مصنوعی را به کار بگیرند و نرخ بیکاری افزایش یابد. سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادهای در حال توسعه برای جلوگیری از این واگرایی فزاینده، باید اقداماتی را به منظور افزایش بهره‌وری و بهبود مهارت‌های کارگران انجام دهند. IMF Blog که انجمنی برای تجمیع نظرات کارکنان و مقامات صندوق بین‌المللی پول (IMF) در مورد مسائل اقتصادی و سیاسی فوری روز است پژوهشی انجام داده که الگوهای توسعه کشورها بر اساس استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی را بررسی کرده و به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یافته است. در این پژوهش، سه عامل دخیل در تولید کالا شامل نیروی کار، سرمایه‌گذاری و روبات‌ها در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تعریف روبات‌ها در این پژوهش، تعریفی گسترده است تا طیف وسیعی از فناوری‌های جدید را دربر بگیرد. فرض اصلی پژوهش این بوده که روبات‌ها جایگزین کارگران می‌شوند و «انقلاب هوش مصنوعی» در چهارچوب افزایش بهره‌وری روبات‌ها رخ می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان داد که واگرایی میان اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه، در سه کانال متمایز رخ می‌دهد: «سهم در تولید، جریان سرمایه‌گذاری و شرایط تجارت.» در این پژوهش تاکید شده که اقتصادهای پیشرفته دستمزد بیشتری دارند، زیرا بهره‌وری کل عوامل تولید بیشتر است. این دستمزد‌های بالاتر، شرکت‌ها را در اقتصادهای پیشرفته ترغیب می‌کند که از روبات‌ها بیشتر استفاده کنند؛ به‌ویژه زمانی که روبات‌ها به راحتی





▲ واگرایی میان اقتصادهای پیشرفته در حال توسعه، در سه کانال متمایز رخ می‌دهد: «سهام در تولید، جریان سرمایه‌گذاری و شرایط تجارت». اقتصادهای پیشرفته دستمزد بیشتری دارند. این دستمزد های بالاتر، شرکت‌ها را ترغیب می‌کند از روبات‌ها بیشتر استفاده کنند. سپس، زمانی که بهره‌وری روبات افزایش یابد، اقتصاد پیشرفته در درازمدت سود بیشتری خواهد برد.

قابل توجهی به سوی استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در فعالیت‌های خود داشته باشند که در نهایت به خلق ثروت منجر می‌شود. در این گزارش تاکید شده شرکت‌هایی که پیش از این راه‌حل‌های هوش مصنوعی را با موفقیت در کسب‌وکار خود پیاده‌سازی کرده‌اند، روی حوزه‌هایی متمرکز شده‌اند که بیشترین پتانسیل «مناسب» برای سودآوری را در اختیار دارد. این حوزه‌ها، بخش‌هایی هستند که اطلاعات فراوانی برای تفسیر و ترکیب در اختیار دارند، نیازمند تولید محتوای سفارشی‌سازی شده یا خلاقانه هستند و نقطه تلاقی جذابی میان فعالیت‌های روتین و فرآیندهای اجرایی ایجاد می‌کنند. زمانی که هوش مصنوعی به درستی به کار گرفته شود، بهره‌وری در ابعاد چشمگیری افزایش می‌یابد و زنجیره ارزش را بیش از پیش قدرتمند می‌کند. بر اساس یافته‌های موسسه مورگان استنلی، هوش مصنوعی در حوزه فروش و خدمات مشتری می‌تواند توانایی فروش یا مشاوره را برای تعامل با مشتریان فعلی افزایش دهد و امکان شناسایی و تبدیل بهتر مشتریان احتمالی را فراهم آورد. تخمین زده شده که هوش مصنوعی با کاهش زمان صرف‌شده برای فعالیت‌های اداری، کمک به آماده‌سازی محصولات سفارشی از سوی مشتریان و پاسخ‌های متناسب به سوالات آنان، افزایش بهره‌وری بالقوه ۳۰ تا ۴۰ درصدی برای شبکه‌های فروش محصول ایجاد کند و به تبع آن، سودآوری را افزایش دهد. در توسعه محصول، هوش مصنوعی می‌تواند فعالیت‌های معمولی مانند تهیه گزارش و تحقیقات بازار را سریع‌تر انجام دهد؛ و به‌ویژه اینکه با استفاده از این فناوری می‌توان بهره‌وری مدیران را با ۲۵ تا ۳۵ درصد افزایش داد و زمان سریع‌تری را برای بازاریابی با محصولاتی که متناسب با تقاضای بازار هستند، فراهم آورد. هوش مصنوعی در سرمایه‌گذاری و تحقیق می‌تواند مدیران پورفولیو را در تحقیقات سرمایه‌گذاری و تجزیه و تحلیل ریسک با جایگزینی وظایف جمع‌آوری اطلاعات، خلاصه‌سازی و پاکسازی داده‌ها با فعالیت‌های اعتبارسنجی و ایده‌پردازی با ارزش بالاتر، که به افزایش بهره‌وری تا ۳۰ درصد منجر می‌شود، توانمندتر کند. تمرکز اولیه هوش مصنوعی در تجارت، به‌طور عمده بر افزایش بهره‌وری در مقابل گسترش مستقیم جریان‌های درآمد جدید قرار گرفته و با تکیه بر آن، بهره‌وری زمان و منابع افزایش می‌یابد و پیرو چنین رخدادی، فعالیت‌های با ارزش بالاتر برای حمایت از اقدامات درآمدزا، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهتر، بهبود تعامل و تجربه مشتری اختصاص می‌یابد. همچنین نوعی چرخه شکل می‌گیرد که به موجب آن، کارایی ناشی از استقرار موفقیت‌آمیز هوش مصنوعی افزایش می‌یابد و بودجه و منابع لازم برای تامین مالی سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی به منظور افزایش بهره‌وری تامین می‌شود. ◀

فناوری‌های روز و گسترش اقتصاد کشور منتهی می‌شود. و در پایان، هوش مصنوعی با کمک به شناسایی تهدیدات، جلوگیری از حملات سایبری و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، امنیت ملی را افزایش می‌دهد. کشورها با تکیه بر هوش مصنوعی می‌توانند قابلیت‌های دفاعی خود را بهبود بخشند که موجب افزایش امنیت و ثبات می‌شود. این امر با جذب کسب‌وکارها و سرمایه‌گذارانی که به دنبال ثبات و امنیت هستند، فضای مساعدی برای رشد اقتصادی و تولید ثروت ایجاد می‌کند.

### ● نقطه اوج هوش مصنوعی مولد

موسسه مورگان استنلی که از جمله موسسه‌های معتبر جهان در حوزه مالی محسوب می‌شود، مدتی پیش گزارش مدیریت ثروت و دارایی جهان در سال ۲۰۲۳ را منتشر کرد و نشان داد هوش مصنوعی در روند خلق ثروت جهانی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. این گزارش موضوعات خاصی را مدنظر قرار داده که در نوع خود جالب توجه است. هوش مصنوعی نحوه عملکرد مدیران دارایی و سرمایه‌گذاری را تغییر داده و رویکردی استراتژیک برای هدایت جریان مالی اتخاذ کرده است. گزارش مورگان استنلی نشان می‌دهد مدیران پیشرو، چالش‌های موجود بر سر راه خلق ثروت را پذیرفته‌اند و حساب ویژه‌ای روی هوش مصنوعی باز کرده‌اند تا علاوه بر ایجاد ارزش، بر انعطاف‌پذیری بیشتر در کسب‌وکارشان تمرکز کنند. هوش مصنوعی به سرعت از قلمرو محدود آکادمیک، به سمت آزمایش‌های عملی هدایت شده و با استقرار در طیف گسترده‌ای از صنایع از جمله مدیریت دارایی و ثروت، به دستاوردهای ویژه‌ای رسیده است. نقطه اوج هوش مصنوعی در این گزارش، سه ویژگی مشخص را به خود اختصاص داده است: «میزان دقت بالاتر در اجرای فعالیت‌ها»، «طیف گسترده‌تر کاربرد در صنعت و تجارت»، و «دسترسی بهتر با استفاده از رابط‌های کاربرپسند به منظور استفاده در حیطه‌های کاری مختلف بدون برخورداری از پیش‌زمینه تخصصی». این سه عامل سبب شده‌اند تا شرکت‌ها، کسب‌وکارها و افراد، گرایش

جایگزین کارگران می‌شوند. سپس، زمانی که بهره‌وری روبات افزایش یابد، اقتصاد پیشرفته در درازمدت سود بیشتری خواهد برد. این واگرایی بزرگ‌تر می‌شود و روبات‌های بیشتری جایگزین کارگران می‌شوند. افزایش بهره‌وری روبات‌ها باعث افزایش تقاضا برای سرمایه‌گذاری در روبات‌ها و سرمایه‌سنجی (که فرض می‌شود مکمل روبات‌ها و نیروی کار است) می‌شود. این تقاضا در اقتصادهای پیشرفته بیشتر است، زیرا روبات‌ها در این کشورها با گستردگی بیشتری استفاده می‌شوند. در نتیجه، سرمایه‌گذاری از کشورهای در حال توسعه برای تامین مالی این سرمایه و انباشت روبات در اقتصادهای پیشرفته منحرف می‌شود و به کاهش انتقالی در تولید ناخالص داخلی کشورهای در حال توسعه منجر می‌شود. از سوی دیگر، یک اقتصاد در حال توسعه، در بخش‌هایی متخصص خواهد شد که بیشتر به نیروی کار غیرماهر متکی است و در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته، بیشتر از آن برخوردار است. با فرض اینکه روبات‌ها جایگزین نیروی کار غیرماهر شوند، اما مکمل کارگران ماهر باشند، ممکن است پس از انقلاب روبات‌ها، کاهش دائمی شرایط تجارت در منطقه در حال توسعه ایجاد شود. زیرا روبات‌ها کارگران غیرماهر را به شیوه نامتناسب جابه‌جا می‌کنند و دستمزد نسبی آنها را کاهش می‌دهند و قیمت کالاهایی را که از نیروی کار غیرماهر گسترده‌تری استفاده می‌کنند، پایین می‌آورند. کاهش قیمت نسبی تولید اصلی، به نوبه خود، به عنوان یک شوک منفی عمل می‌کند، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و به‌طور بالقوه نه تنها به کاهش تولید ناخالص داخلی نسبی منجر می‌شود، بلکه تولید ناخالص داخلی مطلق را نیز کاهش می‌دهد.

### ● کشورها کلاهشان را بالاتر بگذارند

هوش مصنوعی (AI) به ابزاری قدرتمند تبدیل شده تا کشورها به خلق ثروت بپردازند و رشد اقتصادی خود را افزایش دهند. کشورها می‌توانند با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی بهره‌وری را بهبود بخشند و با هدایت نوآوری، فرصت‌های جدیدی برای مشاغل و افراد ایجاد کنند. هوش مصنوعی با ایجاد امکان توسعه محصولات، خدمات و الگوهای تجاری جدید، نوآوری را هدایت می‌کند. از سوی دیگر، در حالی که هوش مصنوعی پتانسیل خودکارسازی برخی وظایف و مشاغل را دارد، می‌تواند فرصت‌های شغلی جدید در صنایع نوظهور را نیز فراهم آورد. همان‌طور که فناوری‌های هوش مصنوعی به پیشرفت خود ادامه می‌دهند، نقش‌های جدیدی مانند مهندسان هوش مصنوعی، دانشمندان داده‌ها و متخصصان یادگیری ماشینی تقاضای زیادی پیدا می‌کنند. همچنین، هوش مصنوعی به دولت‌ها کمک می‌کند تا خدمات و زیرساخت‌های عمومی را بهبود بخشند و به نتایج بهتری برای شهروندان و مشاغل دست یابند. با استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی، دولت‌ها می‌توانند سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی را بهینه کنند، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی را گسترش دهند و سیستم‌های آموزشی و اداری را ساده‌تر کنند. چنین دستاوردهایی کیفیت زندگی شهروندان را افزایش می‌دهد و با افزایش کارایی خدمات عمومی، رشد اقتصادی را ایجاد می‌کند. نکته مهم‌تر، جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. کشورهایی که در تحقیق و توسعه هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری می‌کنند می‌توانند استعداد‌های خارجی را جذب کنند که در نهایت به رشد اقتصادی و ایجاد ثروت ختم می‌شود. کشورها می‌توانند با ایجاد یک محیط حمایتی برای نوآوری هوش مصنوعی، خود را به عنوان رهبران بازار جهانی هوش مصنوعی قرار دهند و کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را جذب کنند. این موضوع به ایجاد صنایع جدید، توسعه



## آینده چگونه است؟

فارن افرز اخیراً مقاله‌ای با عنوان «پایان معجزه اقتصادی چین» منتشر کرده است و استدلال می‌کند که مشکلات چین می‌تواند یک فرصت برای ایالات متحده باشد.



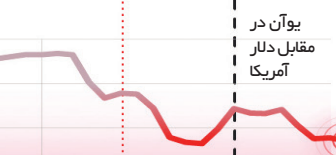
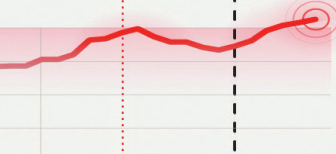
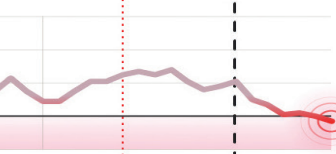
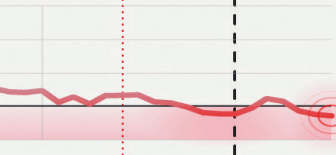
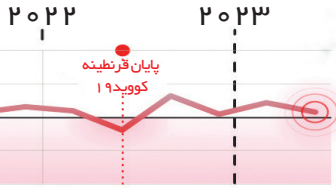
در این اینفوگرافیک به شش شاخص مهم که به کند شدن اقتصاد چین اشاره می‌کند، می‌پردازیم. داده‌ها از اداره ملی آمار چین، بانک خلق چین و اداره کل گمرک گرفته شده است.



در چند ماه گذشته شاهد انبوهی از اخبار بد اقتصادی برای چین بوده‌ایم که اقتصاد این کشور پس از همه‌گیری و رشد اقتصاد جهانی را به خطر انداخته است.



چین دومین اقتصاد بزرگ جهان است که مسوول یک چهارم رشد تولید ناخالص داخلی جهانی در این قرن است.



صادرات به روسیه تحت تحریم ۵۱/۸ درصد افزایش دارد که برای جریان روند نزولی کلی کافی نیست.

قیمت‌هایی که تولیدکنندگان برای محصولات صنعتی (PPI) پرداخت کردند، ۴/۴ درصد (سال به سال) کاهش یافت که دهمین ماه متوالی با شیب منفی است.

در ماه جولای، نرخ بیکاری جوانان شهری به ۲۱/۳ درصد رسید که بالاترین میزان ثبت‌شده در این کشور است.

در تلاش برای تثبیت ارز، بانک‌های بزرگ دولتی چین در حال خرید یوان در بازارهای پولی جهان هستند.

# ۶ شاخص که نشان می‌دهد وضع چین خوب نیست



# نظریه پرداز رذالت

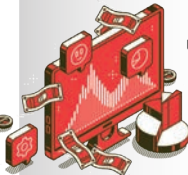
## بنکمن-فرید چگونه به خاک سیاه نشست؟

آغازگر این شماره کافه اقتصاد برنارد مندوبیل فیلسوف، شاعر و اقتصاددان انگلیسی هلندی‌الصل قرن هجدهم است که در اثر بزرگ خود «افسانه زنبورها» نظریه سیاسی خود را توسعه داد. مندوبیل در این اثر این موضوع را مطرح کرد که رذایل خصوصی به منافع عمومی منجر می‌شود. وی همچنین بازگو می‌کند که چگونه رذیلت‌های شیطانی مانند تجمل، حرص، حسادت و... همگی با تشویق سرمایه‌گذاری منافع عمومی را بهبود می‌بخشند. مندوبیل با سرودن شعر معروف خود «کندوی غرغرو» به مهارت‌های مثال‌زدنی در زبان انگلیسی دست یافت. شخصیتی که در کافه اقتصاد این شماره به او می‌پردازیم نیز مظفر بقایی است؛ مرد هزارچهره، یکی از پرحاشیه‌ترین، پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران. آرای متفاوتی در مورد بقایی وجود دارد؛ عده‌ای او را خادم وطن می‌خوانند و سرسپرده او هستند و در مقابل دشمنانی قسم‌خورده دارد که او را خائن به مملکت و مهره آمریکا و انگلیس می‌دانند. بقایی مردی جاه‌طلب بود و تغییر مواضع بسیاری در عمر سیاسی خود داشت، و تنها در یک موضع ثابت‌قدم بود و آن حمایت از سلطنت و دشمنی با حزب توده بود. روایت‌های بسیاری در مورد این چهره سیاسی که در برهه‌هایی خاص در تاریخ ایران نقش ایفا کرده وجود دارد. دیگر مطلب این شماره کافه هم معرفی کتاب «رفتن تا بی‌نهایت: ظهور و سقوط یک غول جدید سرمایه» است که مایکل لوئیس، نویسنده و روزنامه‌نگار معروف آمریکایی نگاشته است. «رفتن تا بی‌نهایت» داستان زندگی سم بنکمن-فرید نابغه ریاضی آمریکایی است. سم در مقطعی ثروتمندترین فرد زیر ۳۰ سال جهان به شمار می‌رفت. ماجرای تأسیس صرافی FTX، به اوج رسیدن بنکمن-فرید در عصر ارزهای دیجیتال و سقوط و فروپاشی او و سرمایه‌گذارانی را که به خاک سیاه نشاند می‌خوانید.



نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین از سال ۱۹۷۸، زمانی که این کشور در زمان دنگ شیائوپینگ پای خود را به بازار جهانی باز کرد، به طور متوسط ۹ درصد بوده است. به طور سالانه، تولید ناخالص داخلی چین ۶/۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است که کمتر از نرخ ۷/۳ درصدی پیش‌بینی شده است.

میزان صادرات در ماه جولای به پایین‌ترین حد خود از فوریه ۲۰۲۰ رسیده است. بر اساس آمار منطقه‌ای، صادرات به سه مشتری بزرگ چین یعنی آلمان، اتحادیه اروپا و ایالات متحده به ترتیب ۱۷/۴ درصد، ۱۵/۱ درصد و ۲۰/۸ درصد کاهش یافته است.



شاخص قیمت مصرف‌کننده برای اولین بار از سال ۲۰۲۱ با کاهش ۳ درصدی قیمت‌ها نسبت به مدت مشابه سال قبل به منطقه کاهش تورم رفت. این کاهش از طریق کالاها و خدمات خانگی، غذا و دخانیات، حمل‌ونقل و ارتباطات به‌دست آمده است.

در حالی نرخ بیکاری در آگوست ۲۰۲۳ روی ۵/۳ درصد ثابت مانده که نسبت به رقم ۵/۲ درصدی ماه قبل کمی افزایش داشته است.



با توجه به جریان اخبار بد اقتصادی، سقوط که یوان در ۱۶ آگوست ۲۰۲۳ در برابر دلار آمریکا به پایین‌ترین سطح ۱۶ ساله خود در معاملات جای تعجب نیست.



بر اساس آخرین ارقام ارائه‌شده از سوی دولت، مردم پول کمتری قرض کرده‌اند. وام‌های جدید بانکی در ماه جولای ۳۴۶ میلیارد یوان کاهش یافته است. این رقم بسیار پایین‌تر از پیش‌بینی ۷۸۰ میلیاردیوانی اقتصاددانان است.

برخی از چالش‌های اصلی چین

کاهش جمعیت

بحران بدهی

سقوط بازار املاک و مستغلات

افت پژوهش‌های فناوریانه



تولید ناخالص داخلی



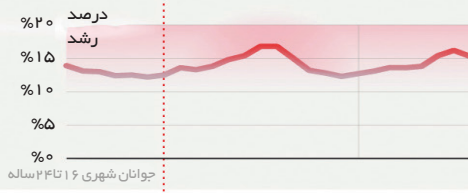
صادرات و واردات



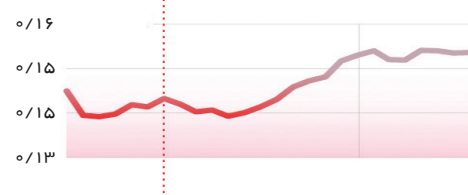
شاخص قیمت مصرف‌کننده



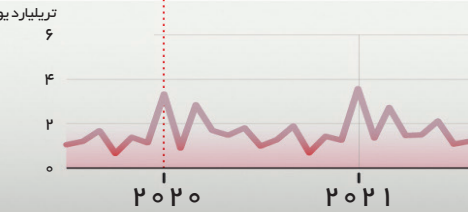
بیکاری جوانان



یوان در مقابل دلار آمریکا



وام‌های جدید



اینفوگرافیک: علیرضا تاحیک



## شاعر اقتصاددان

نام برنارد مندویل چگونه در علم اقتصاد ماندگار شد؟

خارجی است. او همچنین به طنز آگوستایی<sup>۱</sup> علاقه‌مند شد و در سال ۱۷۰۵ با سرودن شعر معروف خود «کندوی غرغرو»، به زبان انگلیسی، حتی از مردم محلی نیز پیشی گرفت. این شعر بعداً در سال ۱۷۱۴ در کتاب «افسانه زنبورها» گنجانده و شرح داده شد، که شامل نکاتی در مورد شعر و مقاله‌ای گسترده در مورد منشأ فضیلت اخلاقی است. مندویل در افسانه زنبورها با عنوان فرعی «ذالت خصوصی، منافع عمومی» بازگو می‌کند که چگونه رذیلت‌های شیطانی مانند تجمل، حرص، حسادت و... همگی با تشویق سرمایه‌گذاری به منافع عمومی منجر می‌شوند.

برای مثال:

«ریشه شر، بخل،

آن رذیله شوم بدذات لعنتی،

برده اسراف بود،

آن گناه شریف؛ در عین لوکس بودن

یک میلیون فقیر را استخدام کرد،

و غرور نفرت‌انگیز یک میلیون دیگر را.

حسادت به خود، و غرور

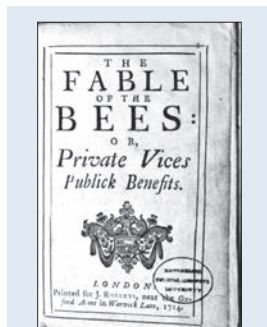
وزرای صنعت بودند»

(بی. مندویل، کندوی غرغرو، ص ۳۴)

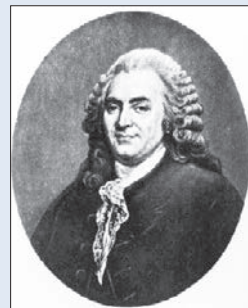
### ● آشوب در میان اخلاق مداران

«افسانه زنبورها»، اگرچه در ظاهر اغلب به عنوان دفاع از لسه‌فر (سیاست رها کردن همه چیز به مسیر خود، بدون دخالت) در نظر گرفته می‌شود، اما می‌توان این کتاب را نمایی از نظریه مصرف‌ناکافی اولیه نیز در نظر گرفت. مندویل با پیش‌بینی پارادوکس صرفه‌جویی کینز، استدلال کرد که فعالیت «اخلاقی» پس‌انداز، در واقع عامل رکود اقتصادی است، در حالی که مصرف تجملی (یک «رذیلت»)، یک محرک است. در واقع، مندویل مداخله دولت، از جمله سیاست مکران‌تیلیستی حمایت برای ترویج مصرف داخلی را مطرح کرد. بنابراین «رذیلت‌های خصوصی، به وسیله مدیریت ماهر یک سیاستمدار ماهر، ممکن است به منافع عمومی تبدیل شود» (مندویل، ۱۷۱۴).

مندویل در نظریه «احساس اخلاقی» (moral sense) خود، اساساً با نظر هابز موافق است که انسان موجودی خودپسند، خودخواه و کاملاً فاقد فضایل اخلاقی طبیعی است. برخلاف نظریه شفتسبری<sup>۲</sup>، احساس اخلاقی ذاتی نیست، بلکه عمداً از سوی جامعه سیاسی برای مهار انسان وحشی و سرکوب غرایز و تمایلات طبیعی خودخواهانه او تحمیل شده است. از آنجا که انسان «طبیعتاً ستایش را دوست دارد»، این امر با پرورش ماهرانه مفاهیم مصنوعی



▲ مندویل در افسانه زنبورها با عنوان فرعی «ذالت خصوصی، منافع عمومی» بازگو می‌کند که چگونه رذیلت‌های شیطانی مانند تجمل، حرص، حسادت و... همگی با تشویق سرمایه‌گذاری به منافع عمومی منجر می‌شوند.



▲ برنارد مندویل فیلسوف، اقتصاددان سیاسی و طنزپرداز انگلیسی-هلندی بود. او که در روتردام به دنیا آمد، بیشتر عمر خود را در انگلستان گذراند و اکثر آثار منتشرشده او به زبان انگلیسی است. مندویل با «افسانه زنبورها» به شهرت رسید.

همگان نشان داد و در دانشگاه لیدن در سال ۱۶۸۹، پایان‌نامه عملیات گاوداری را ارائه کرد که در آن از نظریه دکارتی اتوماسیون در میان حیوانات حمایت می‌کرد. برنارد مندویل در ۲۹ سالگی به بریتانیا نقل مکان کرد تا به سرعت مهارت‌های خود را در زبان انگلیسی تقویت کند. در این زمینه، وی چنان موفق شد که بسیاری باور نمی‌کردند او یک

هابز در نظریه اخلاقی و سیاسی خود عموماً به عنوان پدر فلسفی مدرن خودپرستی و لذت‌گرایی (تزهایی مبنی بر اینکه تنها هدف نهایی به ترتیب منافع شخصی و لذت است) شناخته می‌شود. با این حال، این عنوان ممکن است برای فیلسوف انگلیسی هلندی‌الصل، برنارد مندویل (۱۷۳۳-۱۶۷۰) برازنده‌تر باشد.

مندویل در اثر بزرگ خود، «افسانه زنبورها» (۱۷۱۴)، نظریه سیاسی را توسعه می‌دهد که در آن گفته می‌شود رذایل خصوصی به منافع عمومی منجر می‌شود؛ این تصور که دنبال کردن منفعت شخصی به نتایج جمعی سودمند در یک جامعه سازمان‌یافته مناسب منتهی می‌شود (بسیاری از این شعار، برای تفسیر تئوری‌های اقتصادی سیاسی بعدی آدم اسمیت، به طور غیرمجاز استفاده کرده‌اند). در حالی که هابز روان‌شناسی اخلاقی را توسعه می‌دهد که در آن پیگیری منفعت شخصی، پیش‌زمینه انگیزشی دارد، شواهد زیادی در لویاتان و سایر آثار سیاسی-اخلاقی او وجود دارد که نشان می‌دهد او مفروضات روان‌شناختی خودخواهانه و لذت‌گرایانه‌تر را که بعداً به وسیله مندویل رایج شد، تایید نمی‌کرد.

مندویل در لندن اقامت گزید و در سال ۱۶۹۹ با یک زن انگلیسی ازدواج کرد و از او صاحب دو فرزند شد. او به عنوان یک پزشک بسیار مورد احترام بود و آثار ادبی موفقش در آمد خوبی برای او به همراه داشت. توانایی‌های سخنوری او، دوستی لرد مکلسفیلد (قاضی‌القضات ۱۷۱۸-۱۷۱۰) را برای او به ارمغان آورد و او را با جوزف آدیسون آشنا کرد که مندویل از او به عنوان «یک کشیش با کلاه‌گیس» توصیف می‌کرد. مندویل بر اثر آنفلوآنزا در ۲۱ ژانویه ۱۷۳۳ در هاکنی، لندن در ۶۲ سالگی درگذشت. تصویری از مندویل باقی مانده است اما بسیاری از جزئیات زندگی او هنوز باید مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

### ● نویسنده افسانه زنبورها

برنارد دو مندویل، پزشک هلندی اهل دورت بود که در ۱۵ نوامبر ۱۶۷۰ در روتردام هلند به دنیا آمد. پدر او یک طبیب برجسته، با اصل و نسب هوگنوت (پروتستان فرانسوی) بود. پدرش در سال ۱۶۹۳ به دلیل مشارکت در شورش‌های مالیاتی کاسترنم در ۵ اکتبر ۱۶۹۰ در روتردام تبعید شده بود؛ که این ممکن است یکی از دلایل تصمیم مندویل برای نقل مکان به انگلیس باشد.

پس از ترک مدرسه اراسموس در روتردام، مندویل توانایی خود را با یک سخنرانی در زمینه پزشکی در سال ۱۶۸۵ به



چشمگیری طنز و جذاب بود و بحث‌های قابل توجهی را در میان اخلاق‌گرایان و اقتصاددانان برانگیخت. برکلی و هاجسون علیه مفاهیم طعنه‌آمیز و بدبینانه آن صحبت کردند، اما ایده‌های آن بر آدام اسمیت تأثیر گذاشت و دکترین مصرف آشکار را که بعدها به وسیله اقتصاددان و جامعه‌شناس آمریکایی، تورستن وبلن، منتشر شد، پیش‌بینی کرد.

فلسفه مندویل در آن زمان بسیار توهین‌آمیز بود و همیشه به آن انگ دروغین، بدبینانه و تحقیرآمیز بودن زده می‌شد. تراسی او این است که اعمال مردان را نمی‌توان به پایین‌تر و بالاتر تقسیم کرد. مفهوم «زندگی عالی‌تر» انسان، داستانی صرف است که به وسیله فیلسوفان و حاکمان برای ساده‌سازی حکومت و روابط درون جامعه معرفی شده است. در واقع، فضیلت (که او آن را این‌گونه تعریف کرد: هر عملی که به وسیله آن انسان، برخلاف انگیزه طبیعت، باید از روی جاه‌طلبی عقلانی خوب بودن، به نفع دیگران و با غلبه بر تمایلات خود بکوشد) برای پیشرفت تجاری و فکری دولت مضر است. این رذیلت‌ها (خودپسندی انسان‌ها) است که با اختراعات و گردش سرمایه در ارتباط با زندگی مجلل، جامعه را به سوی اقدام و پیشرفت تحریک می‌کند.

مندویل هم‌زمان به یک نتیجه زشت می‌رسد: رذیلت به عنوان شرط لازم برای شکوفایی اقتصادی. دیدگاه او زمانی که با دیدگاه آدام اسمیت در کنار هم قرار می‌گیرد، شدیدتر به نظر می‌رسد. هم اسمیت و هم مندویل معتقدند که اقدامات جمعی افراد، منفعت عمومی را به همراه دارد. با این حال، اسمیت به یک منفعت شخصی با فضیلت اعتقاد دارد که موجب همکاری نامرئی می‌شود و برای دستیابی به منافع عمومی نیازی به هدایت بیرونی این انگیزه نمی‌بیند. مندویل معتقد است این طمع شرورانه است که اگر به درستی هدایت شود، به همکاری نامرئی منجر می‌شود. ایده مندویل در مورد هدایت صحیح حرص و آز، انحراف آشکاری از نگرش آزادانه آدام اسمیت دارد. مندویل از سیاستمداران می‌خواهد اطمینان حاصل کنند که احساسات انسان به نفع عمومی منجر می‌شود.

مندویل نخستین توصیف‌کننده تقسیم کار بود و آدام اسمیت از برخی نمونه‌های او استفاده می‌کند. مندویل در جلد دوم افسانه زنبورها می‌گوید: «اما اگر یکی کاملاً به ساخت تیر و کمان بپردازد، در حالی که دیگری غذا فراهم کند، سومی کلبه بسازد، نفر چهارم لباس بسازد و پنجمی ظروف، آنها نه‌تنها برای یکدیگر مفید می‌شوند، پیشرفت بسیار بیشتری می‌کنند، نسبت به زمانی که هر یک از این پنج نفر به‌طور ناپسند همه را دنبال می‌کردند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مربوط به زمان سلطنت امپراتور روم، آگوستوس
- ۲- شفتسبری معتقد بود که انسان‌ها برای قردانی از نظم و هماهنگی طراحی شده‌اند و قردانی صحیح از نظم و هماهنگی، اساس قضاوت صحیح در مورد اخلاق، زیبایی و دین است. ■

به منابع واقعی بستگی دارد، اما او غرایز کافی مرکانتیلیستی را حفظ می‌کند تا (به طور آزمایشی) استدلال کند که تراز تجاری مثبت ممکن است چیز خوبی باشد.

### ● زنبورهای طمع‌کار

برنارد مندویل برای کتاب افسانه زنبورها (۱۷۱۴) شناخته‌شده بود، که نخستین‌بار به عنوان یک شعر متشکل از دوست دوبیتی با نام «کندوی غرغرو» در سال ۱۷۰۵ منتشر شد. در سال ۱۷۱۴ این شعر به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از «افسانه زنبورها»، یا رذایل خصوصی، فواید عمومی، متشکل از یک تفسیر منثور به نام اظهارات، و یک مقاله تحقیقی در مورد منشأ فضیلت اخلاقی، مجدد منتشر شده، سپس در چاپ ششم در سال ۱۷۲۹ به یک رساله تبدیل شد.

این کتاب عمدتاً به عنوان یک طنز سیاسی در مورد ایالت انگلستان در سال ۱۷۰۵ نوشته شد؛ زمانی که محافظه‌کاران، جان چرچیل -نخستین دوک مارلبورو- و وزارتخانه را به حمایت از جنگ خندق (Trench War) به دلایل شخصی متهم می‌کردند.

مندویل کندوی پر از زنبورهای عسل را به تصویر کشید که هر کدام به روش خاص خود به تجارت ادامه می‌دادند و اظهار داشت که بدکاری و تقلب به اندازه صنعت و فضیلت بخشی از موفقیت آنهاست. او گفت که همه اینها برای شکوفایی جامعه مبتنی بر بازار ضروری است. رذالت و طمع از صفات افراد خودخواه است که چنین جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند. مندویل روشی را مورد بررسی قرار داد که در آن رذایل خصوصی، مانند غرور، تجمل و میل به دارایی‌های مادی و مد، با ایجاد بازاری برای محصولات تجاری و صنعتی به نفع عموم است. این کتاب به طرز

مانند شرف و شرم و تلقین این مفاهیم به انسان از طریق چاپلوسی و مباحثات انجام می‌شود.

در ویرایش دوم سال ۱۷۲۳، مندویل افسانه زنبورها را با ترکیب دو مقاله «درباره خیریه و مدارس خیریه» (به منظور اصلاح جوامع) و «جست‌وجو در ماهیت جامعه» (که ابتدا در نظریه شفتسبری به آن اشاره شد) بزرگ‌تر کرد. طوفان عمومی به پا شد و اخلاق‌مداران یکی پس از دیگری برای حمله به او صف کشیدند. این کتاب یک مزاحمت عمومی در مقابل هیأت منصفه بزرگ در میدلسکس عنوان شد. مندویل با یک «اثبات کتاب» که ابتدا در روزنامه‌ها منتشر شد، به این حمله‌ها پاسخ داد، سپس آن را به نسخه ۱۷۲۴ افسانه زنبورها اضافه کرد.

در سال ۱۷۲۹، مندویل یک نسخه کاملاً جدید به نام «افسانه زنبورها، قسمت دوم» نوشت تا نظریه خود را کامل‌تر توضیح دهد. اگرچه او قبلاً به ایده تقسیم کار اشاره کرده بود (مثلاً نسخه ۱۷۲۳، ص ۴۱۱)، در نسخه جدید به‌طور برجسته‌تری به آن اشاره کرده و در مورد اینکه چگونه تقسیم کار، بهره‌وری کار را بهبود می‌بخشد، بحث می‌کند (نسخه ۱۷۲۹، ص ۲۴۳).

فرانسیس هاجسون در سال ۱۷۲۶ در یک سری نامه به مندویل حمله کرده و یک کتاب کامل علیه او منتشر کرد. فیلسوف تجربه‌گرا، اسقف جرج برکلی نیز بخش‌هایی از کتابش به نام «آلسیفرون» (۱۷۳۰) و «گفتارهایی خطاب به داوران» (۱۷۳۶) را علیه مندویل نوشت. البته مندویل تنها به تعدادی از منتقدانش پاسخ داد؛ به عنوان مثال، نامه او به «دیون» (۱۷۳۲) در مقابل برکلی و «اثبات» او (۱۷۳۴).

گفته می‌شود که مندویل با نام مستعار، نویسنده جزوه بدنام در مورد «دفاع متواضعانه از فاحشه‌خانه‌های عمومی» در سال ۱۷۲۴ بوده است که به ایجاد فاحشه‌خانه‌های مجاز در شهرهای انگلیسی توصیه می‌کند و به عنوان طنزی از جوامع اصلاح‌کننده عمومی نوشته شده است.

با وجود این، به‌رغم تمام بدرفتاری‌هایی که بر او وارد شد -حتی زمانی که به قولی، «مندویل دیگر نمی‌توانست یاهو‌گویی کند»- او نسبت به جامعه معاصر و ظهور سرمایه‌داری تجاری خوش‌بین باقی ماند. در میان این همه آشفتگی، آثار جنجالی برنارد مندویل در زمان او با علاقه فراوان خوانده می‌شد. به نوعی تز تحریک‌آمیز مندویل به راه‌اندازی روشننگری اسکاتلند کمک کرد و فرانسیس هاجسون، دیوید هیوم و آدام اسمیت و سایرین را وادار کرد نظریه‌ای درباره «احساس اخلاقی» ارائه کنند که بر روی افسانه‌های شفتسبری پیش می‌رفت.

«ثروت ملل» آدام اسمیت حاوی پژواک (برخی می‌گویند وام مستقیم) از بینش‌های مندویلی است -تئوری «رذالت خصوصی، منافع عمومی» (به طور خام) نظریه «دست نامرئی» اسمیت را پیش‌بینی می‌کند؛ بحث مندویل درباره تقسیم کار در جامعه و تولید، مقدم بر اسمیت است. مندویل تأکید می‌کند که چگونه ثروت کشورها نه به پول، بلکه



## مرد هزار چهره

### حزب زحمتکشان چه نقشی در وقایع سیاسی ایران ایفا کرد؟

شدن نفت ایفا می‌کرد. حزب زحمتکشان از زمان تاسیس تا وقوع قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، در کنار مصدق بود. بقایای در سفر نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل و برای رسیدگی به شکایت انگلیس علیه ایران در دیوان داوری لاهه در هیات همراه دکتر مصدق حضور داشت. اما همین زمان آرام آرام مرزبندی خود را با نهضت ملی نفت شکل داد، او بر این باور بود که باید مساله نفت به گونه‌ای حل شود و مصدق دست از اندیشه ملی شدن تمام‌عیار خود بردارد. تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ علی زهری و عیسی سپهبدی عقول منفصل بقایای بودند و او را تشویق می‌کردند راه خود را از مصدق جدا کند. در سراسر این دوره یک سر طیف بحران‌سازی‌ها دستگاه رهبری حزب توده بود و بخشی دیگر دستگاه رهبری حزب زحمتکشان. در همین دوره بود که چهره‌ای پشت پرده و رموز به نام حسین خطیبی عملاً وارد زندگی سیاسی بقایای شد و تا سال‌های متمادی از مشاوران نزدیک بقایای باقی ماند. مرزبندی آشکار بقایای با مصدق از بیست و پنجم تیر ۱۳۳۱ و نخست‌وزیری قوام آغاز شد. برخی این شکاف را به ماجرای خانه سدان مرتبط می‌دانند. ریچارد سدان، نماینده انگلیسی شرکت نفت در ایران بود و بقایای از اسناد موجود در خانه او آگاه شد و به همراه فضل‌الله زاهدی، رئیس وقت شهربانی، آن خانه را به تسخیر خویش درآورد تا اسناد جاسوسی انگلیس در ایران هویدا شود، اما امروز بسیاری از تحلیلگران همچون آبراهامیان، بر این اعتقادند که آن اسناد، ساخته دست انگلیسی‌ها بود و تسخیر آن خانه و انتشار آن اسناد طعمه‌ای بود که انگلیس برای تفرقه انداختن در میان نیروهای ملی پهن کرده بود. حزب زحمتکشان دو پاره شده بود؛ بقایای که دوران همکاری با مصدق را پایان یافته می‌دید و خلیل ملکی که به تداوم همکاری با مصدق تمایل داشت. یک روز پس از نخست‌وزیری قوام، عیسی سپهبدی از طرف بقایای به دیدار قوام رفت و هنگامی که خلیل ملکی و همراهانش از این ملاقات مطلع شدند، تنش‌ها بالا گرفت و با تمارض بقایای و بستری شدنش در بیمارستان، این مساله تا مهرماه ۱۳۳۱ به تعویق افتاد. در این زمان مخالفت بقایای با نهضت ملی کاملاً آشکار شد. با بالا گرفتن تنش‌ها، بقایای استعفا کرد، اما طرفداران او به دفتر حزب ریختند و در اجتماعی خلیل ملکی و ۱۲ هزار نفر از اعضای حزب را اخراج کردند و بقایای در اعلامیه‌ای که در روزنامه شاهد منتشر شد، علت اخراج خلیل ملکی را کمونیست بودن او عنوان کرد. این گونه بود که «بیرو سوم» به رهبری خلیل ملکی تاسیس و راه ملکی و بقایای از هم جدا شد.

از این زمان بود که بقایای به مبارزه علنی با دولت مصدق برخاست و در برخی وقایع کلیدی نقشی حیاتی ایفا کرد. روز نهم اسفند ۱۳۳۱ که شاه قصد خروج از کشور را داشت حامیان او را منصرف کردند و بقایای آشکارا به نفع شاه موضع‌گیری کرد، در ماجرای قتل سرلشکر محمود افشارطوس، رئیس کل شهربانی دولت مصدق نیز ایفای نقش کرد. استیضاح دولت مصدق نیز از سوی بقایای و علی



▲ اگرچه بقایای از زمان کودتای ۲۸ مرداد، در سودای نخست‌وزیری بود، اما حتی نتوانست به عنوان یک وزیر به هیچ کابینه‌ای راه پیدا کند.

بود که نوشته‌هایش در روزنامه شاهد، پرسروصدا شد. استیضاح ساعد در مجلس، آنچنان به کام ملی‌گرایان ایرانی خوش آمد که حسین مکی حامل نامه تشویق‌آمیز مصدق برای بقایای شد و این چنین بود که اولین ملاقات بقایای با مصدق رقم خورد.

زمان انتخابات مجلس شانزدهم، آنها که منتقدان انتخابات پرتقلب و دخالت‌های دربار بودند، در برابر کاخ پهلوی تحصن کردند و نمایندگان خویش را به رایزنی معرفی کردند و تحصن را پایان دادند و روانه خانه مصدق شدند؛ و همان روز مصدق که کمی پیشتر خود را «بازنشسته سیاسی» خوانده بود، به پیشنهاد مکی و اصرار بقایای رهبری نهضت ملی شدن صنعت نفت را پذیرا شد و بازنشستگی سیاسی خویش را فراموش کرد و جبهه ملی ایران شکل گرفت و مدتی بعد در انتخابات مجلس شانزدهم، مصدق نماینده اول تهران شد و مظفر بقایای نماینده دوم پایتخت.

حزب زحمتکشان سی‌ام‌ار دبیشت ۱۳۳۰ به دبیر کلی مظفر بقایای تاسیس شد. این حزب که تنها سازمان متشکل عضو جبهه ملی ایران به‌شمار می‌رفت، نقشی ویژه در تحولات سال‌های ملی

مظفر بقایای یکی از پرحاشیه‌ترین، پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران است. به همان اندازه که دشمنانی سرسخت دارد، دوستانی سرسپرده نیز در چنته دارد، هرچند تعداد دوستانش در برابر دشمنانش، تعدادی انگشت‌شمار بیش نیستند. مردی که او را «شگفت‌انگیز» خوانده‌اند و روایت‌ها از زندگی او، گاه چنان متناقض است که ره به افسانه می‌زند. برخی او را شخصیتی کاریزماتیک می‌دانند و در خدمت وطن، برخی دیگر خائن به مملکت و مهره انگلیس و آمریکا در شطرنج سیاسی ایران. کسی که در ابتدای نهضت ملی شدن نفت، تمام‌قد در کنار دکتر مصدق ایستاد و با او همراهی کرد، اما روز کودتا در جبهه فضل‌الله زاهدی ایستاد و به یکی از کارگردانان آن روز بدل شد. مردی که از یک سو همنشین روشنفکران و اندیشه‌ورزانی چون خلیل ملکی، صادق هدایت، جلال آل احمد و احمد فردید بود و از سوی دیگر با چماق‌داران خیابانی ارتباط داشت. شاید تنها فصل مشترک در تمام این قضاوت‌ها این است که بقایای مردی بس پیچیده و هزارتوست و شاید به راحتی نتوان وی را شناخت.

#### ● آغاز راه

مظفر بقایای، فرزند میرزا شهاب‌وروری کرمانی است؛ نماینده دوره‌های چهارم و پنجم مجلس شورای ملی و عضو تشکیلات مخفی «مجمع احیای نفوس» مردی که به همراه سلیمان میرزا اسکندری، «حزب سوسیالیست» ایران را پایه گذاشت و حزب متبوعش در تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی، در کنار شاه جدید ایستاد. اما مظفر که پدرش از پایه‌گذاران حزب سوسیالیست بود، به یکی از دشمنان سرسخت حزب توده بدل شد. هنگامی که پس از خروج رضاشاه از کشور، تلاش‌ها برای احیای حزب توده آغاز شد، او نیز برای عضویت به حزب دعوت کردند، اما او نه تنها به عضویت حزب درنیامد، حتی به یکی از دشمنان قسم‌خورده آن تبدیل شد. او در دهه بیست وارد عرصه سیاست شد، ابتدا به عضویت «حزب اتحاد ملی» درآمد؛ حزبی راست‌گرا که در راس آن سهام‌السلطان بیات (خواهرزاده مصدق) قرار داشت، اما خیلی زود از این حزب فاصله گرفت و دو سال بعد موسس شعبه «حزب دموکرات» قوام‌السلطنه در کرمان شد و از طریق همان حزب، به نمایندگی از مردم ولایت خویش، کرمان، در سال ۱۳۲۵، به نمایندگی مجلس پانزدهم انتخاب شد، اما در همان ماه اول بهانه‌جویی‌ها برای خروج از حزب را ساز کرد و نه تنها از حزب که از فراکسیون پارلمانی آن نیز استعفا کرد.

#### ● ملی شدن نفت و حزب زحمتکشان

مهم‌ترین اقدام بقایای در این سال‌ها، نطقی تاریخی علیه دولت ساعد بود که او را به چهره‌ای ملی بدل کرد، همان زمان



▲ حزب زحمتکشان بعد از واقعه ۱۵ خرداد ۴۲، دو پاره شد؛ سلطنت‌طلبان و اسلامیون، و بقایی در راس گروه نخست ایستاده بود.

اما اندکی بعد به علت بیماری و کهولت سن در ۲۶ آبان ۱۳۶۶ در بیمارستان مهر تهران درگذشت.

### ● مرد هزار چهره

مظفر بقایی مردی جاه‌طلب بود که از نخستین سال‌های سیاست، سودای نخست‌وزیری در سر می‌پروراند. او اعوجاج‌های بسیاری در سیاست داشت و هر کجا باد می‌وزید، می‌ایستاد، تنها نقطه ثبات او در تمام سال‌های فعالیتش، حمایت از سلطنت و دشمنی با حزب توده بود. روایت‌ها درباره مظفر بقایی متضاد، گونه‌گون و در مواردی حتی متناقض است. برخی از محققان بی‌هیچ تردیدی او را مامور و عامل بیگانه می‌دانند. عبدالله شهبازی، در مقدمه کتاب «زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی»، تالیف دکتر حسین آبادیان او را عامل سازمان‌های مخفی صهیونیستی می‌داند و می‌نویسد: عملکردهای بقایی بیش از هر چیز منطبق با تکاپوی سازمان‌های مخفی صهیونیستی است، و معتقد است: هر چند شناسایی نوع کانون‌های خارجی هدایت‌کننده بقایی دشوار است؛ ولی در پیوندهای عمیق او با آنان تردیدی نیست. شهبازی برای اثبات این مدعا، به روابط بقایی با سرلشکر حسن پاکروان، رئیس ساواک بعدی، عیسی سپهبدی، علی زهری و حسین خطیبی اشاره می‌کند و آنان را مامورین سرویس‌های اطلاعاتی معرفی می‌نماید. وی تأکید ویژه‌ای بر حسین خطیبی دارد و او را شخصیتی مرموز و مراد و مرشد بقایی می‌داند. در سوی دیگر این طیف، کسانی همچون یدالله سحابی ایستاده‌اند که اگرچه در جبهه مخالفان بقایی قرار دارد، درباره او می‌گوید: «عده‌ای معتقدند که او از آغاز با انگلیسی‌ها سروسری داشته است. ولی من با وجود اینکه حس قدرت‌طلبی و ناسازگاری او با دیگر ملیون را نفی نمی‌کنم، اما می‌دانستم که اقدامات و مقالات و سخنرانی‌های او در جهت منافع ملی و علیه انگلیسی‌ها بود و در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۱ او به عنوان یک مبارز ملی واقعا درخشید. اما بعدها راه دیگری در پیش گرفت که به نفع بیگانه تمام شد و بازیگری‌های سیاسی زیادی در پشت پرده، پس از پیروزی انقلاب از او مشاهده گردید.» برخی دیگر از مخالفان او نیز اگرچه گاه از همراهی او با بیگانگان سخن می‌گویند اما تاکنون سندی از همراهی او با اجنبی منتشر نشده است. لابه‌لای اسناد سفارت آمریکا درباره او چنین روایت شده است: «شکی نیست که دکتر بقایی شدیداً جاه‌طلب است و بیشتر ناظران آمریکایی احساس می‌کنند او از هر فرصتی برای پیشبرد مقاصد خود جهت یک زندگی سیاسی استفاده خواهد کرد.»

خود، ایران را موضوعی برای دسایس قدرت‌های جهانی می‌دید و لاغیر. حزب زحمتکشان، پس از حدود یک سال تلاش برای حفظ سلطنت و انکار مبارزه مردم، بالاخره دو ماه پیش از وقوع انقلاب، باور کرد که اتفاقی در راه است و در بیانیه‌ای به تاریخ شانزدهم دی‌ماه ۱۳۵۷، نوشت: «حزب زحمتکشان ملت ایران همیشه در کنار این جنبش مذهبی و زعیم بزرگ آن حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی خواهد بود، همچنان که از روز اول این دعوت را لیبیک گفته و به یاری و حمایت این جنبش و معظم له برخاسته است.»

### ● پس از انقلاب

پس از انقلاب نیز بقایی دست از تلاش برداشت، اما در نیمه‌های سال ۱۳۵۸ به این نتیجه رسید که دیگر با روش‌های گذشته نمی‌توان کاری انجام داد. در دی‌ماه همان سال سخنرانی مشهورش را با عنوان «وصیت‌نامه سیاسی» ایراد و بازنشستگی سیاسی خود را، به ظاهر، اعلام کرد. اما اقدامات بعدی او نشان داد که بقایی در حقیقت خود را بازنشسته سیاسی نکرده بود، بلکه دور جدیدی از تکاپوهای سیاسی‌اش را آغاز می‌کرد. متعاقب اعلام بازنشستگی طی یک نظرسنجی از اعضای حزب زحمتکشان، تمامی آنها مخالفت خود را با این قضیه اعلام کردند. بقایی در مرداد ۱۳۵۸، به جرم مشارکت در کودتای نوزدهم به همراه ۶۵ نفر دیگر دستگیر شده و ۱۰ روز بعد با سپردن تعهدی مبنی بر اینکه از ایران خارج نشود آزاد شد، اما گردش فرورنده مدتی ادامه یافت و بالاخره به برائت او از اتهامات منجر شد. از این زمان به بعد تا حدود پنج سال و نیم ظاهراً هیچ‌گونه حرکتی از بقایی دیده نشد. در ۲۷ دی‌ماه سال ۱۳۶۴ بقایی به دعوت دوست قدیمی‌اش منصور رفیعی‌زاده مامور اطلاعاتی سرویس‌های امنیتی آمریکا به آمریکا رفت و اواسط سال ۱۳۶۵ به ایران بازگشت و اول فروردین ۱۳۶۶ در کرمان به اتهام ارتباط با سازمان‌های جاسوسی بیگانه و توطئه علیه جمهوری اسلامی دستگیر شد،

زهری کلید خورد. سه روز پیش از کودتا، بقایی و زهری دستگیر شدند. زهری فردای آن روز آزاد شد، اما بقایی تا روز کودتا در زندان ماند. در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد، بقایی که قوام را به انگلیسی بودن متهم کرده بود و رزم‌آرا را وابسته به بیگانه، دست در دست زاهدی گذاشت که برآمده از یک کودتای انگلیسی-آمریکایی بود و روز کودتا نیروهای بقایی از جمله افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند.

### ● پس از کودتا

مظفر بقایی مزد خویش را از کودتای ۲۸ مرداد گرفت و به زاهدان تبعید شد و سال‌ها خانه‌نشین بود، و در تمام این سال‌های طولانی که مصادف بود با اوج دیکتاتوری شاه، فعالیت درخور توجهی نشان نداد. از اواخر دهه ۳۰، حزب زحمتکشان، به دو پاره تقسیم شد؛ گروهی که همچنان شاه را از تعرض یا حتی انتقاد مصون می‌دانستند و گروهی دیگر نوک تیز حملات خود را متوجه دربار می‌کردند. بقایی خود در صف گروه نخست قرار داشت و حرکت ۱۵ خرداد را هم مورد انتقاد قرار می‌داد و تا مدت‌ها بعد از آن هم در برابر این حادثه سکوت کرد. سه روز بعد از ماجرای ۱۵ خرداد، حزب بقایی موضع صریح خود را در برابر نهضت امام خمینی بیان کرد و گفت: ما از سه سال پیش هشدارها را به هیأت حاکمه داده بودیم، که چنین انقلابی پیش نیاید، اما نتیجه‌ای نداشت. وی این انقلاب را «انقلاب کور» نامید که در آن خرابکاری‌ها بیشتر از طرف عوامل دولتی صورت گرفته و همان عوامل مردم را به طرف خرابکاری سوق می‌دهد. در گروه دیگر، اعضای مذهبی حزب ایستاده بودند که سید حسن آیت و شیخ رضا فعال در راس آن بودند. آیت در نیمه‌های دهه ۴۰ از حزب زحمتکشان اخراج شد؛ با وجود این بعدها در مجلس اول خبرگان از بقایی تمجید کرد. پس از آن، تنها اقدام مهم بقایی، نوشتن نامه‌ای به شاه در سال ۱۳۵۳ در اعتراض به تشکیل حزب فراگیر رستاخیز بود که تشکیل حزب فراگیر را در نهایت به ضرر تاج‌وتخت خوانده و اعلام کرده بود که حزب زحمتکشان مثل گذشته آماده جانبازی در راه حفظ تاج‌وتخت است.

### ● حزب زحمتکشان و انقلاب اسلامی

حزب زحمتکشان بار دیگر به انزوا خزید؛ تا سال ۱۳۵۶ و زمامداری کارتر در آمریکا و نخست‌وزیری جمشید آموزگار در ایران. گرداندگان حزب تا پیروزی انقلاب اعلامیه‌ها و بیانیه‌های بسیاری در ارتباط با حوادث روز کشور منتشر کردند. اما از نظر تاریخی این حزب به فراموشی سپرده شده بود و به جز عده‌ای معدود کسی آن را جدی نمی‌گرفت. در این ایام بقایی شعارهای حقوق بشر کارتر و اقدامات آموزگار را وسیله‌ای در دست کمونیست‌ها می‌دانست تا این گروه بار دیگر از آشیانه‌های خود خارج شوند و تلاش‌های خود را از سر گیرند. وی به این مساله اعتراض داشت که بیانیه‌های شدیدالحنی با «شعارهای تند مارکسیستی» منتشر می‌شود، «بدون آنکه نویسندگان آنها مورد تعقیب قرار گرفته باشند». حزب در نخستین بیانیه خود بعد از سال‌ها سکوت و ممانعت با دستگاه ساواک و رژیم پهلوی بار دیگر به صحنه آمده بود و در حرکت‌های مردمی ردپای مزدورانی از رژیم را جست‌وجو می‌کرد. مبارزات مردمی در قاموس بقایی امری ناشناخته بود و به افتقار اسلاف



## رفتن تا بی نهایت

سم بنکمن - فرید چگونه ظهور کرد و چگونه فرو ریخت؟

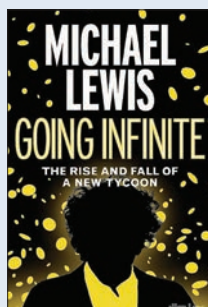
آن را به بازار کتاب ارائه کرده است. «رفتن تا بی نهایت» در ۳ اکتبر سال جاری و همزمان با شروع محاکمه فدرال بنکمن - فرید در مورد هفت فقره کلاهبرداری و پولشویی وارد بازار شد.

لویس داستان خود را از تاسیس FTX شروع می کند و نحوه گسترش و انتقال آن به باهاما را شرح می دهد. در فصل دوم و سوم اما به سراغ زندگی شخصی بنکمن می رود. زندگی شخصی که به نوعی به نظر می رسد قبل از ورود به ام آئی تی عملاً وجود نداشته است و او به جز پدر و مادرش نمی تواند دوست یا حتی آشنای مهمی را برای مصاحبه به لویس معرفی کند. فصل چهارم به دوران کاری سم در جین استریت اختصاص یافته است.

بخش دوم کتاب در سه فصل به شکل گیری آلامدا و FTX و روابط آلیسون با بنکمن و چگونگی مدیرعاملی وی می پردازد. در بخش سوم هم به از هم پاشیدن و ورشکستگی FTX و سم بنکمن اختصاص دارد که چهار فصل کتاب مربوط به این موضوع است.

«رفتن تا بی نهایت» مانند سایر آثار لویس نثری جذاب و خواندنی دارد. اما به نظر می رسد این بار لویس نتوانسته موفقیت کتاب های قبلی خود را تکرار کند. برای قضاوت افکار عمومی البته هنوز زود است، اما کتاب با انتقادهای زیادی مواجه شده که بیشتر به افت کیفیت کار لویس در قیاس با کتاب های قبلی وی مربوط است. نیویورک تایمز، واشنگتن پست و لس آنجلس تایمز هر کدام ادعا کردند که لویس بیش از حد به موضوع خود نزدیک و از نظر احساسی با آن درگیر شده است. مایکل هیلتریک، ستون نویس لس آنجلس تایمز، پیشنهاد کرد که مدارس روزنامه نگاری باید از این کتاب به عنوان درسی در مورد «نیاز ضروری به فاصله گرفتن از موضوع مورد نگارش برای ایجاد میزان لازم و سالمی از شک و تردید» استفاده کنند.

در واقع شما با مطالعه کتاب یا حتی مصاحبه های لویس در مورد کتاب و شخص بنکمن - فرید به این نتیجه خواهید رسید که این انتقادهای بی مورد نیست. یکی از موارد اتهامی بنکمن که در اسناد اتهامی و شکایت های مختلف علیه وی در جریان است، پرداخت رشوه به مقامات چینی برای آزاد کردن پول از حساب مسدود شده شرکت آلامدا (شرکتی که خود بنکمن پیش از FTX آن را بنیان گذاشته بود و روابط خارج از عرف و قانونی مالی این دو شرکت با هم دلیل بخش اصلی مشکلات ایجاد شده برای FTX محسوب می شود، همچنین مدیرعامل وقت آلامدا، کارولین آلیسون، که یک



▲ بنکمن - فرید در مقطعی ثروتمندترین فرد زیر ۳۰ سال جهان به شمار می رفت. معلوم است که داستان زندگی بنکمن، تا چه حد می تواند برای رسانه ها و مردم جذاب باشد. «رفتن تا بی نهایت: ظهور و سقوط یک غول جدید سرمایه»، نوشته مایکل لویس، روزنامه نگار آمریکایی، را می توان یکی از مهم ترین و البته آخرین کتاب های منتشر شده درباره این موضوع تلقی کرد.

کارنامه دارد این بار سوژه ایده آل خود را در بنکمن - فرید پیدا کرده است.

به روایت خود لویس، وی نخستین بار نام بنکمن را در سال ۲۰۱۱ و از دوستی که قصد سرمایه گذاری در FTX را داشته شنیده است. در آن زمان FTX دو سال و نیمه بود و بنکمن سه سال بود که در خارج از ایالات متحده زندگی می کرد؛ ترکیب این دو موضوع باعث شده بود تا تقریباً هیچ کس هیچ شناختی از مدیرعامل و موسس FTX نداشته باشد. به همین دلیل دیدار لویس با بنکمن در سال ۲۰۲۱ وی را به یکی از افراد نادری که می توانند ادعا کنند شناختی شخصی از این غول دنیای رمزارزها دارند تبدیل کرد. دیداری که در کمال تعجب خود بنکمن وی را به شدت تحت تاثیر قرار داد.

کتاب لویس حدود ۳۰۰ صفحه است و انتشارات نورتون

ارزهای دیجیتال شاید یکی از متناقض ترین ابزارهای اقتصادی ساخته شده به دست بشر بوده است. مفهومی که در ابتدا به عنوان نوآوری مالی و بیشتر و مهم تر از آن «اعتراض اجتماعی به عملکرد و قدرت نظارتی دولت ها» مطرح و ابزاری شد، در مدتی بسیار کوتاه به یک وسیله آسان و در دسترس برای کلاهبرداری های جزئی و کلی مالی تبدیل شد و به صورتی متناقض باعث تقویت و تثبیت مفهومی شد که قصد مبارزه با آن را داشت. بنکمن - فرید را می توان یکی از آخرین این موارد دانست. یکی از آخرین میلیونر هایی که برای مدتی کوتاه رویای آمریکایی را زندگی کرد؛ رویایی که به سرعت نه تنها برای خود وی که برای بسیاری از سرمایه گذاران بی خبر از همه جا و البته به دنبال سود آسان و زیاد و سریع، به کابوس تبدیل شد.

سم بنکمن - فرید، فرزند دو وکیل، حقوقدان و استاد دانشگاه استنفورد است که خود نیز در رشته فیزیک در دانشگاه ام آئی تی تحصیل کرده است. وی اما تمام دوران کاری خود را در دنیای مالی گذرانده است. بنکمن در سال ۲۰۱۳ به عنوان کارآموز و پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه به صورت تمام وقت در شرکت سرمایه گذاری جین استریت کپیتال مشغول به کار شد؛ جایی که در آن مدیران وی پیش بینی می کردند اگر وی با همین روند به کار ادامه دهد در کمتر از ده سال آینده به درآمد سالانه بیش از ۷۵ میلیون دلار خواهد رسید. اما معلوم شد این نابغه ریاضی رویاهای بزرگ تری در سر دارد. رویاهایی که در نهایت به ترک شرکت در سال ۲۰۱۷ و تاسیس صرافی FTX در آوریل سال ۲۰۱۹ انجامید.

FTX که در سال ۲۰۱۹ ارزشی برابر ۲۰ میلیون دلار داشت با سرعتی عجیب در حوزه خود رشد کرد و در سال ۲۰۲۰ ارزش آن به ۱۰۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۲۱ به یک میلیارد دلار رسید و در نهایت در نقطه اوج قبل از سقوط این شرکت ۲۶ میلیارد دلار ارزش داشت. در واقع بنکمن - فرید در مقطعی ثروتمندترین فرد زیر ۳۰ سال جهان به شمار می رفت. از همین خلاصه هم معلوم است داستان زندگی بنکمن، تا چه حد می تواند برای رسانه ها و مردم جذاب باشد. به همین دلیل است که دنیای نشر در این مدت کوتاه بارها به سراغ این موضوع رفته است. «رفتن تا بی نهایت: ظهور و سقوط یک غول جدید سرمایه» نوشته مایکل لویس، روزنامه نگار آمریکایی، را می توان یکی از مهم ترین و البته آخرین کتاب های منتشر شده درباره این موضوع تلقی کرد. لویس که کتاب هایی مانند «بزرگ و کوتاه: در ماشین آخر الزمان»، «فرزندان شوک» و... را در





▲ بنکمن-فرید را می‌توان یکی از آخرین میلیونرهایی دانست که برای مدتی کوتاه رویای آمریکایی را از زندگی کرد. رویایی که به سرعت نهنها برای خود وی که برای بسیاری از سرمایه‌گذاران بی‌خبر از همه جا و البته به دنبال سود آسان و زیاد و سریع، به کابوس تبدیل شد. در واقع بنکمن-فرید در مقطعی ثروتمندترین فرد زیر ۳۰ سال جهان به شمار می‌رفت.

ارزهای دیجیتال - دارایی‌های دیجیتالی محافظت شده با کد، و معروف‌ترین آنها بیت‌کوین، یا در مورد زیربنای پول معمولی - یا صرافی‌هایی که در آنها معامله می‌شوند، کار درخشان معمول خود در روزنامه‌نگاری توضیحی را انجام نمی‌دهد. در یکی از پاورقی‌ها، به نظر می‌رسد لوئیس خود را برای خوانندگان توجیه می‌کند. او می‌نویسد: «آنچه جالب است، این است که مفهوم بیت‌کوین به عنوان چیزی که باید درک کرد، چقدر گریزان است. بیت‌کوین اغلب توضیح داده می‌شود اما به نوعی هرگز توضیح داده نمی‌شود.» در واقع به طرز عجیبی بعد از خواندن سیصد صفحه مطلب درباره ارزهای دیجیتال و موارد مربوط به آن شما ذره‌ای اطلاعات درباره این موضوع کسب نخواهید کرد که این خود به‌تنهایی می‌تواند یک نقطه ضعف مهم تلقی شود، اگر چه جذابیت نثر همچنان به قوت خود باقی است.

لوئیس به عنوان یک نویسنده به صورت غیرقابل انکاری با استعداد است، اما موضوع سم بنکمن-فرید با نقاط قوت او سازگار نیست. او می‌داند چگونه یک داستان شاد مثبت بنویسد، اما نشان داد درباره تراژدی چندان خوب عمل نمی‌کند. شاید بتوان گفت آنچه کریستینا رول، رئیس تنظیم‌کننده مالی در باهاما، درباره بنکمن-فرید بلافاصله پس از سقوط FTX گفت چکیده اتفاقی باشد که برای لوئیس در این کتاب رخ داده است. او به لوئیس گفت: «فکر نمی‌کنم سم بداند چرا مردم به او اعتماد ندارند. علاوه بر این، درک اینکه او چگونه شما را بازی داده است تا هرچه را می‌خواهد ببینید و باور کنید اصلاً سخت نیست.» البته خود لوئیس اعتقاد دارد چنین مخالفت‌هایی پس از انتشار دیگر کتاب‌های او هم وجود داشته و موضوع جدیدی نیست. «کتاب‌هایی که در نهایت معلوم می‌شود بسیار باارزش هستند اغلب در ابتدای انتشار با مخاطب دچار مشکل می‌شوند. من این را چند بار تجربه کرده‌ام. وضعیت فعلی به طرز عجیبی من را به یاد زمانی می‌اندازد که Moneyball منتشر شد. آن زمان هم چنین عصبانیتی وجود داشت و من یک سال نوانستم تلویزیون را روشن کنم.» شاید باید منتظر دآوری زمان درباره «تابی‌نه‌ایت رفتن» هم بمانیم. ■

فرید به‌خصوص فداکار نیست. در واقع، در بسیاری از مواقع، به نظر می‌رسد که او یک غول بزرگ و هیولایی است که ثروت و شهرتش رفتارهایی حرفه‌ای و شخصی را ممکن می‌کند، که در غیر این صورت قابل تحمل نبود. حتی در زمینه استفاده از ثروت برای هزینه‌های نیکوکارانه هم وی تقریباً هیچ اقدام بزرگی، البته جز صحبت درباره آن در زمانی که هنوز صاحب ثروت بود انجام نداد، اما این باعث نمی‌شود لوئیس نسبت به راستگویی و صداقت سوژه خود شک کند.

همچنین اتهامات کلاهبرداری که سال گذشته مطرح شد، وابسته به هشت میلیارد دلار از وجوه مشترک است که گفته می‌شود از FTX برای استفاده آلامدا به این شرکت منتقل شده است، که تنها پس از سقوط کریپتو، آشکار شد. خواننده احساس می‌کند که لوئیس مجبور است در اواسط پروژه، شخصی را که آشکارا دوست دارد و به او احترام می‌گذارد، دوباره ارزیابی کند. پرسش منتقدان اما این است که چرا او در وهله نخست به بنکمن-فرید با چنین خوش‌بینی شدیدی نگاه می‌کرد؟

مشکل دیگر به نظر منتقدان این است که این بار لوئیس اشراف کاملی به موضوعی که در مورد آن می‌نویسد ندارد. در واقع بسیاری از افرادی که در حوزه رمزارزها کار می‌کنند هم اطلاعات چندانی درباره آن، نحوه کارکرد و چگونگی ارزش‌گذاری و... آنها ندارند. این موضوعی است که خود لوئیس هم در فصل آغازین کتاب به آن اشاره کرده است. اما در عین حال اشراف وی به موضوع مورد بحث در کتاب‌های قبلی یکی از نقاط قوتی بود که باعث جذاب‌تر شدن نوشتار می‌شد؛ موضوعی که در این کتاب از نظر منتقدان وجود ندارد. لوئیس در مورد پیچیدگی‌های

شاهد احتمالی علیه بنکمن در محاکمه‌ها به شمار می‌آید) است. موضوعی که لوئیس در کتاب کلاً به آن نپرداخته است و در برابر پرسش مصاحبه‌گر تایم اظهار می‌دارد: «من درباره جریان رشوه می‌دانستم، اما به دلیل احتمال ایجاد حواس‌پرتی برای خواننده آن را در کتاب نیاوردم. در چین صرافی‌ها می‌توانند بی‌دلیل مورد هدف مقامات محلی قرار بگیرند و در این صورت آنها بهانه‌ای برای مسدود کردن حساب پیدا می‌کنند. این اتفاقی بود که برای آلامدا رخ داد و آلامدا حدود یک میلیارد دلار در این حساب داشت. عملیاتی در داخل FTX یا آلامدا در هنگ‌کنگ انجام شد تا بدون نیاز به پرداخت باج، به طور قانونی پول را پس بگیرند که موفقیت‌آمیز نبود. بنابراین آنها مجبور شدند مستقیماً به اداره پلیس چین رشوه بدهند تا پول‌ها آزاد شود. من واقعاً دوست داشتم به این موضوع در کتاب اشاره کنم. اما آلامدا یا FTX به دنبال رشوه دادن به مردم یا برای تغییر قوانین نبودند. این مشکل ساختاری دولت چین بود، نه آلامدا یا سم. من حتی دوباره برای صحبت با سم پیش او رفتم و همه چیز را با او چک کردم. او می‌دانست کسی برای رفع مسدودی حساب اعزام شده اما از نحوه کار و پرداخت رشوه اطلاعی نداشت.»

در عین حال بین «رفتن تا بی‌نهایت» و موضوعات قبلی کتاب‌های لوئیس یک تفاوت مهم وجود دارد و آن قابل اعتماد بودن شخصیت اصلی کتاب است. هنگامی که نویسنده در اواخر سال ۲۰۲۱ با بنکمن-فرید ملاقات می‌کند، او یک میلیارد در ۲۹ ساله است که، همان‌طور که یکی از سرمایه‌گذاران خطرپذیر سیلیکون‌ولی به لوئیس می‌گوید، شانس تبدیل شدن به «ولین تریلیونر» جهان را دارد. در آن زمان، بنکمن-فرید در باهاما زندگی می‌کند، FTX و یک صندوق تأمین به نام آلامدا را اداره می‌کند و سعی می‌کند بفهمد چگونه از میلیاردها دلار خود برای نجات جهان استفاده کند. وی تحت تاثیر گروهی از فیلسوفان جوان از آکسفورد قرار می‌گیرد که از مجموعه‌ای از ایده‌ها حمایت می‌کنند که آنها را نوع دوستی موثر می‌نامند، به این معنا که افراد باهوش باید برای نوع دوستی به جای اینکه یک پزشک در سودان باشند که به مردم کمک می‌کند، یک بانکدار ثروتمند در وال‌استریت باشند که از هزار پزشک در سودان حمایت مالی می‌کند. این هدفی است که بنکمن از کسب ثروت دارد یا حداقل برای لوئیس ادعا می‌کند. در نتیجه او دقیقاً همان قهرمان لوئیس است، یک مرد جوان باهوش و دانشمند ریاضی که فقط ناآرامی اجتماعی‌اش از هوش و ذکاوت ذهنی‌اش فراتر می‌رود، و لوئیس در صفحات ابتدایی او را با محبت، ژولیده، بی‌ادعا و «کمی عجیب» توصیف می‌کند. اما یک جنبه دیگر و پیچیده‌تر در داستان وجود دارد و در اینجا، لوئیس در حال مبارزه است. او سعی می‌کند علامت سوال بزرگ حول شخصیت سوژه خود را دور بزنند، اما این واقعیت را پنهان نمی‌کند که حوصله و احتمالاً علاقه‌ای به بد فکر کردن درباره شخصیت اصلی کتاب خود ندارد. اما بر اساس شواهد کتاب، سم بنکمن-

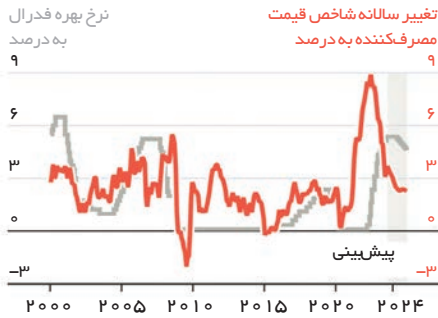


**بالارفتن هوش مصنوعی**

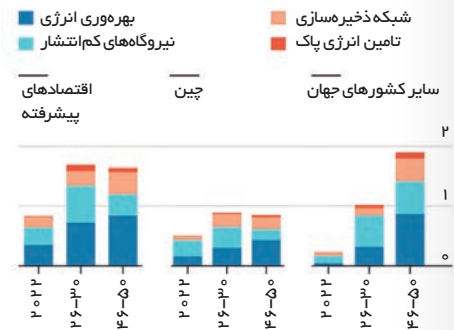
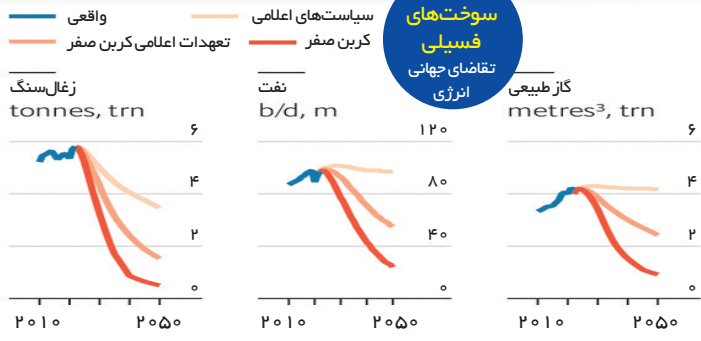
قیمت سهام شرکت‌های بزرگ فناوری که روی هوش مصنوعی متمرکز هستند.



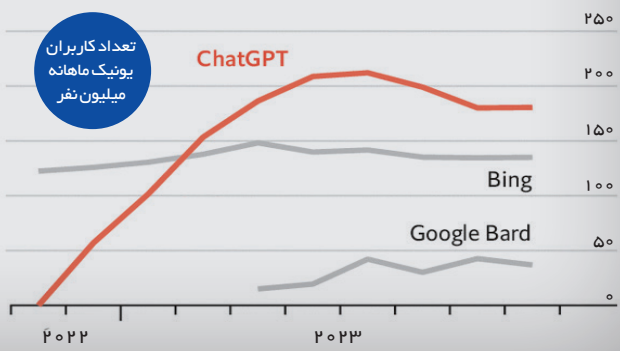
# جهان در سال 2024



**همچنان سوخت‌های فسیلی تقاضای جهانی انرژی**



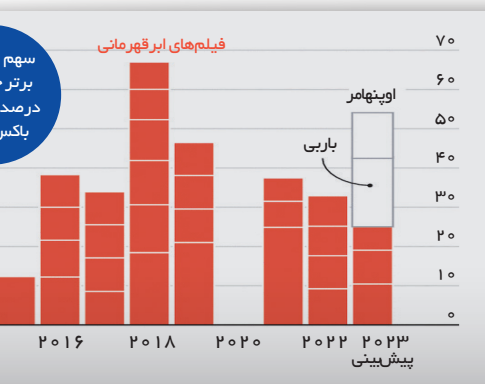
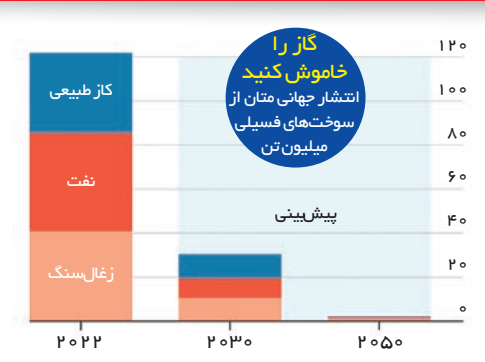
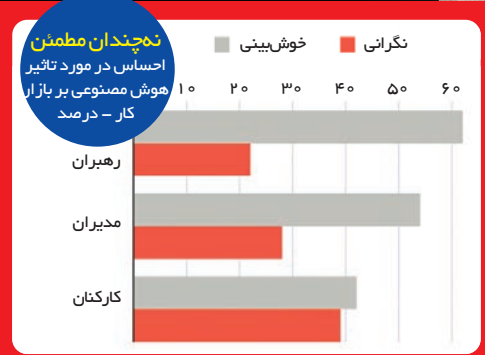
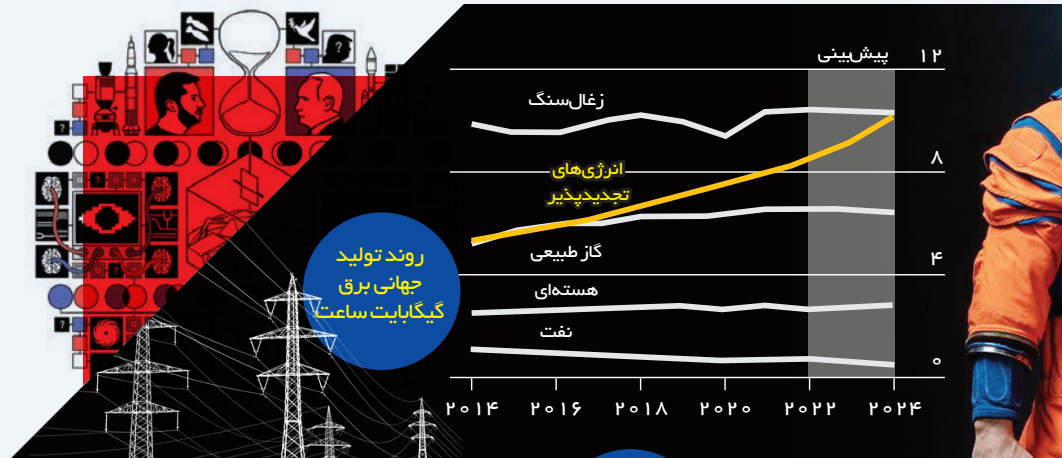
سرمایه‌گذاری مورد نیاز سالانه در انرژی‌های پاک



# مختصات آینده

## تحلیل‌ها، پیش‌بینی‌ها و گمانه‌زنی‌های آینده‌نگرانه

زمان با سرعت می‌گذرد و جهان با سرعتی حیرت‌آور تغییر می‌کند. تحولات در قالب تشدید مناقشات نظامی، بازترسیم نقشه منابع انرژی جهان یا پیشرفت سریع هوش مصنوعی پدیدار می‌شوند. از وضعیت خاورمیانه گرفته تا پذیرش خودروهای برقی و تا درمان چاقی، همه چیز متفاوت‌تر از آن چیزی است که یک سال قبل بود. نشریه اکونومیست در ویژه‌نامه جهان پیش‌رو در سال ۲۰۲۴ از دبیران بخش‌های مختلف، متخصصان مدعو و گزارش‌گران می‌خواهد تا وضعیت دموکراسی در زمانی که نیمی از جهان در آستانه برگزاری انتخابات است، رشد مناقشات و بی‌نظمی‌ها در جهان چندقطبی، چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و پیشرفت سریع فناوری‌ها را بررسی کنند. هدف آن است که جهان‌بینی مخاطبان به‌روزرسانی شود و به آنها بگویند سال آینده چه وقایعی احتمالاً روی خواهند داد. این پیش‌بینی‌ها در قالب ۱۰ موضوع اصلی بیان شده‌اند.



اینفوگرافیک: علیرضا تاجیک



# جهان پیش‌رو در سال ۲۰۲۴

## ده روند تجاری و پانزده پیش‌بینی برای صنعت

قوانین مزاحم مشابه زیاد می‌شوند. آمریکا با استفاده از حدود ۱۰۸ میلیارد دلار اعتبار این موضوع ظرفیت باتری‌سازی خود را تقریباً دو برابر می‌کند. شرکت رنو قصد دارد امپیر (Ampere) کسب‌وکار الکتریکی خود را در بورس عرضه کند و نیسان سهمی در آن خواهد داشت. با همگرا شدن استانداردهای شبکه، شارژرهای نوع تسلا با هم‌تایان اروپایی و چینی به رقابت می‌پردازند. در اروپا و آمریکا برای خودروهای بدون سرنشین هم مقررات جدیدی وضع می‌شود.

### ● دفاع و هوا-فضا

با وجود جنگ اوکراین و تشدید تنش‌های چین و آمریکا قدرت‌های نظامی بودجه دفاعی خود را افزایش می‌دهند. انتظار می‌رود حدود یک‌سوم از اعضای ناتو هدف درازمدت تخصیص دو درصد از تولید ناخالص داخلی به امور دفاعی را در هفتاد و پنجمین سالگرد این پیمان برآورده کنند. فنلاند، عضو جدید ناتو، در میان آنها خواهد بود. بریتانیا و لهستان هدف را حفظ می‌کنند، اما فرانسه به آن نمی‌رسد. سوئد، عضو جدید دیگر ناتو هم از هدف عقب می‌ماند. آمریکا که بزرگ‌ترین هزینه‌کرد دفاعی را در جهان دارد، ۸۸۶ میلیارد دلار به آن اختصاص می‌دهد. حدود ۱۳ میلیارد دلار علاوه بر ۴۵ میلیارد دلار قبلی به اوکراین کمک می‌شود. هزینه‌های بیشتری به تجهیز نیروی هوایی آمریکا و جنگنده‌های نسل جدید اختصاص می‌یابد. ولخرجی‌های عموسام سرمایه‌های خطرپذیر را به سمت بنگاه‌های نوپای دارای فناوری بالا می‌کشاند و دفاع فضایی را تقویت می‌کند. آمریکا پس از وقفه‌ای ۵۲ ساله به ماه‌بازمی‌گردد. با وجود این رشد بودجه کل دفاعی آمریکا فقط سه درصد خواهد بود که متناسب با تورم و افزایش حدود هفت درصدی بودجه دفاعی چین پیش می‌رود. ترس از چین هزینه‌های دفاعی را در آسیا بالا می‌برد. فیلپین افزایشی دورقمی دارد و ژاپن بودجه دفاعی را به بالاترین سطح تاریخی می‌رساند. تایوان مدت خدمت سربازی اجباری را افزایش می‌دهد و توان دفاع در برابر پهلپاداها را تقویت می‌کند. هند که هنوز بزرگ‌ترین خریدار اسلحه روسی است با سفارش از کشورهای غربی خریدهایش را تضمین می‌کند. اسلحه‌سازان چین از افزایش سفارش‌های پاکستان سود می‌برند. آمریکا، چین و ژاپن تلاش برای توسعه و شناسایی موشک‌های فراصوت را سرعت می‌دهند، چون روسیه استفاده از آنها را بیشتر کرده است.

### ● انرژی

استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر ۱۱ درصد افزایش می‌یابد و به سطح بالایی جدیدی می‌رسد، اما در سال ۲۰۲۴ سوخت‌های فسیلی همچنان ۸۰ درصد از تقاضای انرژی در جهان را تأمین خواهند کرد. با بهبود اقتصادها مصرف نفت یک درصد بالا می‌رود

زنجیره‌های عرضه برطرف می‌شوند و قیمت کالاهای تجاری هم به ثبات می‌رسد. در میان روند بی‌فروغ توسعه در کشورهای ثروتمند، تولید ناخالص داخلی جهان فقط ۲/۲ درصد رشد می‌کند. کشورهای در حال توسعه عملکرد بهتری دارند، اما چین سرمایه‌گذاری شرکتی را به رقبای می‌بازد. شرکت‌ها با مقررات زیست‌محیطی جدید و احتمالاً حداقل نرخ مالیات شرکتی جهانی مواجه خواهند شد.

### ● خودروسازی

صنعت خودرو در سال ۲۰۲۴ کند می‌شود. فروش جهانی به سطح دوران قبل از همه‌گیری نمی‌رسد. در مقایسه با سال ۲۰۲۳ فروش خودروهای نو شخصی و تجاری به ترتیب سه و یک درصد افزایش می‌یابد. گازوئیل از بسیاری مناطق دارای تصاعد پایین حذف و مصرف آن در شهرهای فرانسه ممنوع می‌شود. اما خودروهای برقی با سرعت پیش می‌تازند. حدود ۲۵ درصد از خودروهای جدید برقی هستند و بیش از نیمی از آنها در چین به فروش می‌رسند. بازار کم‌سودده این خودروها هنوز به حمایت دولت وابسته می‌ماند. خودروسازان چینی از معافیت مالیاتی و افزایش صادرات بهره‌مند می‌شوند. خریداران آمریکایی می‌توانند اعتبارات مالیاتی خودروهای برقی را به واسطه انتقال و چسبندگی قیمت‌ها کاهش دهند. خودروسازان بریتانیا باید ۲۲ درصد از فروش خود را به خودروهای برقی اختصاص دهند و اگر نتوانند به اندازه کافی قطعات را در داخل تولید کنند مشمول پرداخت تعرفه‌های پس از برگزیت خواهند شد. با گسترش رقابت سرمایه‌گذاری آمریکا، چین، ژاپن و اتحادیه اروپا در خودروهای برقی و تولید باتری

۱- با کندی رشد قیمت‌ها، بانک‌های مرکزی از جمله فدرال رزرو آمریکا به تدریج نرخ بهره را کاهش می‌دهند. اما تورم جهانی هنوز در سطح پنج درصد باقی می‌ماند و مصرف‌کنندگان مقتصدانه رفتار می‌کنند.

۲- مصرف انرژی تجدیدپذیر در میان تلاش‌ها برای کند کردن روند تغییرات اقلیمی تا ۱۱ درصد بالا می‌رود، اما سوخت‌های فسیلی همچنان بیش از چهارپنجم از تقاضای انرژی را پاسخ می‌دهند.

۳- هزینه‌کرد در فناوری اطلاعات تا حدود ۹ درصد افزایش می‌یابد. هوش مصنوعی شور و هیجان زیادی ایجاد می‌کند اما درآمد آن زیاد نیست و نگرانی‌های مربوط به آن هم تشدید می‌شود.

۴- شکاف بین زیرساخت‌های مورد نیاز جهان و آنچه به دست می‌آورد به سه تریلیون دلار می‌رسد. آسیا برای پر کردن چاله زیرساختی‌اش، سرمایه‌گذاری ناخالص ثابت خود را تا چهار درصد گسترش می‌دهد.

۵- به لطف انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و رویدادهای بزرگ ورزشی از جمله المپیک پاریس درآمد صنعت تبلیغات تا پنج درصد افزایش می‌یابد.

۶- با وجود ابهامات اقتصادی و ژئوپولیتیک، گردشگری جهانی افزایش می‌یابد و درآمدی سابقه ۱/۵ تریلیون دلاری ایجاد خواهد کرد. قیمت‌های بالا و عشق به سفر در دوران پس از همه‌گیری در این افزایش موثرند.

۷- جهان رو به کهنسالی پول زیادی را برای سلامت خرج می‌کند. از هر ده نفر یکی بالای ۶۵ سال سن خواهد داشت و هزینه مراقبت‌های درمان به یک‌دهم تولید ناخالص داخلی جهان می‌رسد.

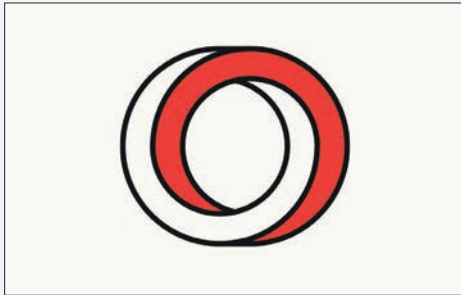
۸- آمریکا ۸۸۶ میلیارد دلار به امور دفاعی اختصاص می‌دهد؛ از تایوان حمایت و با چین مقابله می‌کند. همسایگان چین از جمله ژاپن، تایوان و فیلپین نیز هزینه دفاعی خود را بالا می‌برند.

۹- خودروهای برقی تحت حمایت دولت‌ها با سرعت پیشرفت می‌کنند. از هر چهار خودرو جدید یک دستگاه برقی خواهد بود و بیش از نیمی از این خودروها در چین به فروش می‌رسند.

۱۰- امکان دور کاری در ۶۰ درصد از بنگاه‌های آمریکایی فراهم می‌شود و یک‌پنجم از فضای اداری در این کشور خالی می‌ماند. با وجود سختگیری کارفرمایان اروپایی نرخ خالی ماندن فضای اداری در آنجا فقط هشت درصد خواهد بود.

### ● محیط کسب‌وکار

با افزایش تنش‌های آمریکا و چین و تداوم جنگ‌های اوکراین و غزه وضعیت ژئوپولیتیک در سال ۲۰۲۴ یک بار دیگر تشدید خواهد شد. تورم کاهش می‌یابد و نرخ بهره تعدیل می‌شود. موانع



اما اگر دمای جهان از آستانه ۱/۵ درجه‌ای در سال ۲۰۲۴ فراتر رود چه؟ دمای بالاتر به بازدهی محصولات کشاورزی آسیب می‌زند و امید به کاهش تورم را از بین می‌برد. این امر به همراه آب‌وهوای گرم خریداران را در خانه نگه می‌دارد و به تولیدکنندگان کالاهای مصرفی آسیب می‌زند چون مجبور می‌شوند باز هم قیمت‌ها را کاهش دهند. زمستان‌های گرم و تابستان‌های سوزان به کسب‌وکارها -از بیست‌های اسکی فرانسه تا پارک‌های سرگرمی آمریکا- زیان وارد می‌کند. بهره‌وری نیروی کار در حوزه‌های تدارکات، تحویل کالا و ساخت‌وساز کاهش می‌یابد. هم‌اکنون دمای سوزان باعث وقوع چند اعتصاب در بنگاه‌هایی مانند یوپی‌اس (UPS) و آمازون شد. افزایش استفاده از دستگاه‌های خنک‌کننده می‌تواند به کمبود برق در سرتاسر جهان منجر شود. در مناطقی که در معرض تندباد و آتش‌سوزی قرار دارند حق بیمه بالا می‌رود و بسیاری از نقاط آمریکا را نمی‌توان بیمه کرد. بنابراین شرایط هم برای کسب‌وکارها و هم برای بسیاری امور دیگر نامساعد خواهد بود.

#### ● مراقبت‌های بهداشتی

پول نمی‌تواند تمامی نابسامانی‌های بخش درمان در سال ۲۰۲۴ را برطرف کند. هزینه‌های درمان که قبلاً به خاطر همه‌گیری و تورم بالا رفته‌اند بیش از ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را می‌بلعند. با وجود این، امید به زندگی در نیجریه ۳۰ سال کمتر از هنگ‌کنگ خواهد بود. حتی در این صورت ۱۰ درصد از انسان‌ها بالای ۶۵ سال سن خواهند داشت. کشورهای توسعه‌یافته‌ای که جمعیت آنها رو به پیری می‌رود برای جذب کارکنان بخش درمان با یکدیگر رقابت می‌کنند. تعداد زیادی از این کارکنان دچار افسردگی شغلی می‌شوند و برخی دست از کار می‌کشند.

دولت‌ها تلاش می‌کنند شکاف‌ها را پر کنند. حدود ۸۰ درصد از هزینه‌ها از طریق منابع عمومی مانند مالیات یا بیمه اجباری

و کود و همچنین برداشت خوب محصول در سال ۲۰۲۴ شاخص بهای محصولات کشاورزی را برای دومین سال متوالی پایین آورد. اما این پیش‌بینی ریسک‌های زیادی دارد و عرضه غذا در جهان ایمن نیست. جنگ و آب‌وهوای نامساعد گرسنگی را بر بیش از ۳۴۵ میلیون نفر تحمیل می‌کنند. نااطمینانی در کمربند دریای سیاه زیاد است و روسیه می‌تواند با بستن راه صادرات غلات اوکراین عرضه جهانی را به خطر اندازد. پدیده‌ال‌نینو که محصول آب‌های گرم اقیانوس آرام است تلاطمات آب‌وهوایی شدیدی پدید می‌آورد که سه تریلیون دلار برای اقتصاد جهان هزینه دارد. ال‌نینو تا اواسط سال ۲۰۲۴ فروکش می‌کند اما بازدهی کشاورزی در آفریقا، آسیا و آمریکای مرکزی را تهدید خواهد کرد. کشورها با اعطای یارانه و کنترل قیمت به این مشکلات واکنش نشان می‌دهند. هند یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان غذای جهان صادرات برنج و شکر را محدود کرده است. غذای سالم بار دیگر برطرف‌دار خواهد شد. کانادا تبلیغات غذاهای مضر را محدود می‌کند. لهستان قصد دارد فروش نوشابه‌های انرژی‌زا را به کودکان ممنوع کند. حتی کشورهای در حال توسعه مانند کلمبیا و فیلیپین تعرفه‌نوشیدنی‌های شیرین و غذاهای فرآوری شده را بالا می‌برند.

#### ● چه می‌شود اگر؟

تهدید تغییرات اقلیمی برای کسب‌وکارها به طور یکنواخت افزایش می‌یابد. دمای جهانی قطعاً از سطح هدف ۱/۵ درجه بالاتر از سطوح قبل از دوران صنعتی تجاوز خواهد کرد و توافق ۲۰۱۵ رهبران جهان در پاریس جامه عمل نمی‌پوشد و باید برای تحقق آن منتظر ماند. دانشمندان می‌گویند این هدف با احتمال ۶۶ درصد در سال‌های ۲۰۲۷-۲۰۲۳ برآورده می‌شود. الگوهای آب‌وهوایی ال‌نینو که از سال ۲۰۲۳ آغاز شد هوای گرم بیشتری را به همراه دارد.

اما تولید بیشتر از جانب عربستان و آمریکا بهای آن را در کمتر از ۸۵ دلار در هر بشکه نگه می‌دارد. با وجود تردید سرمایه‌گذاران در مورد زغال‌سنگ، مصرف گاز و زغال‌سنگ هم اندکی بیشتر می‌شود. بریتانیا (و شاید ایتالیا) نیروگاه‌های زغال‌سوز خود را تعطیل خواهند کرد اما تقاضای آسیا برای این ماده کثیف تشدید می‌شود. در مقایسه با سال ۱۹۹۰، مصرف سوخت‌های فسیلی در سال ۲۰۲۴، ۷۰ درصد تصاعد بیشتر کربن را به همراه می‌آورد و بخشی از اهداف انرژی پاک را خنثی می‌کند. برنامه صفر خالص بریتانیا شرکت‌ها را به کاهش تصاعد ملزم می‌کند. اتحادیه اروپا هم تحت «پیمان سبز» یارانه‌هایی اعطا می‌کند. آمریکا به دنبال ذخیره انرژی و چین به دنبال رشد با کربن کمتر خواهند بود. به لطف قانون کاهش تورم آمریکا و برنامه برق تجدیدپذیر اروپا مصرف برق بادی و خورشیدی به دو برابر سطح سال ۲۰۱۹ می‌رسد. هزینه تولید انرژی تجدیدپذیر کاهش می‌یابد اما همچنان ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر از میزان آن در سال ۲۰۲۰ خواهد بود. حداقل ۱۱ نیروگاه اتمی از جمله در مکان‌های جدیدی مانند بنگلادش و ترکیه افتتاح خواهد شد. سرمایه‌گذاری در هیدروژن در آلمان، اردن و دیگر نقاط افزایش می‌یابد. با وجود این انرژی‌های هسته‌ای و تجدیدپذیر روی هم رفته کمتر از ۲۰ درصد از کل انرژی مورد نیاز را تأمین می‌کنند. یکی از موانع سر راه تغییرات اقلیمی است، چون خشکسالی تولید برق آبی را پایین می‌آورد.

#### ● خدمات مالی

افزایش نرخ بهره در سال ۲۰۲۴ متوقف و سودآوری بسیاری از بانک‌ها کمتر می‌شود. کاهش درآمد خالص حاصل از نرخ بهره و پایین آمدن ارزش سبب دارایی املاک تجاری به بانک‌های آمریکایی آسیب می‌زند. اکثر بانک‌های اتحادیه اروپا پس از سال دشوار ۲۰۲۳ شاهد کاهش وام‌های معوق خواهند بود و از طریق انتشار اوراق بدهی وابستگی خود را به بانک مرکزی کمتر می‌کنند. بانک‌های آسیایی رشد قدرتمندتری خواهند داشت، چون چین حمایت خود را از بازار املاک آسیب‌دیده‌اش بیشتر می‌کند. با چرخش جهان به سمت بانکداری دیجیتال، شمار شعبه‌های بانکی و دستگاه‌های خودپرداز کمتر خواهد شد. بانک‌های اتحادیه اروپا به استیبل کوین‌ها (Stable Coins) روی می‌آورند و بانک‌های برزیل از ژنرال دیجیتال حمایت می‌کنند. با این حال شگفتی‌های فناوری مالی پایانی ندارند و بسیاری از سرمایه‌گذاران خواستار سودآوری بنگاه‌های نوپا هستند. به لطف بازارهای نوظهور پرتکاپو و سهام شرکت‌های فناوری بازارهای سهام مالکانه رونق می‌گیرند. لندن در مقابل تلاش اتحادیه اروپا برای کنترل معامله سهام مقاومت می‌کند و هند در بازارهای مالی آسیا جاپای خود را محکم می‌کند. مقررات در حوزه مالی سختگیرانه‌تر می‌شوند. اجرای مقررات ریسک بانکی بازل ۳ در دوسوم از کشورها به مرحله نهایی می‌رسد. آمریکا الزامات سرمایه‌ای بانک‌ها را افزایش می‌دهد. بیمه‌گران نیز با مقررات سرمایه‌ای جدید و ادعای خسارات سنگین اقلیمی روبه‌رو خواهند شد.

#### ● غذا و کشاورزی

نشریه اکونومیست پیش‌بینی می‌کند که کاهش بهای سوخت

تجارت با آرژانتین از آن استفاده کند سلطه دلار تضعیف خواهد شد.

### ● فناوری اطلاعات

بنا به گزارش موسسه مشاورتی گارتنر (Gartner)، هزینه کرد جهانی فناوری اطلاعات در سال ۲۰۲۴ پس از دو سال کندی رشد سرعت می‌گیرد و تقریباً ۹ درصد رشد می‌کند. هزینه کرد سخت‌افزارها دوباره بالا می‌رود. انتقال محموله‌های کامپیوترهای شخصی به ۲۶۱ میلیون دستگاه می‌رسد، هرچند هنوز از آمار سال ۲۰۱۹ کمتر است. هوش مصنوعی پویاترین حوزه فناوری خواهد بود. کسب‌وکارها برای تقویت بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و مدیریت ریسک به هوش مصنوعی و دیگر فناوری‌های جدید چشم دوخته‌اند. اما هوش مصنوعی به آن اندازه که طرفدارانش امیدوارند درآمذایی نمی‌کند.

با اجرای کامل قانون بازارهای دیجیتال در سال ۲۰۲۴، اتحادیه اروپا جایگاه خود را به عنوان تنظیم‌گر جهانی فناوری مستحکم می‌کند. قوانین خاص هوش مصنوعی تدوین می‌شوند و مقررات‌گذاران تلاش می‌کنند بر باتها (bot) نظارت کنند. الگوریتم‌ها یکبار دیگر نگرانی‌های مربوط به اطلاعات غلط و امنیت سایبری را تشدید می‌کنند و مقررات‌گذاران اتحادیه اروپا با قدرت واکنش نشان می‌دهند. اعضای این بلوک تا ماه اکتبر آیین‌نامه‌ای را برای مقابله با متخلفان می‌پذیرند. همزمان، بانک مرکزی اروپا در میان ابهامات اقتصادی، تاب‌آوری سایبری بانک‌های برتر را در معرض آزمون استرس قرار می‌دهد.

پیشرفت‌های فناوری تقاضا برای نیمه‌رساناهای پیشرفته را بالا می‌برد اما فراوانی عرضه بر اقلامی مانند تراشه‌های حافظه (کاربردی در الکترونیک مصرف‌کننده) تاثیر می‌گذارد. دولت‌های غربی با اعطای یارانه تولیدکنندگان نیمه‌رسانا را به داخل کشورهایشان می‌کشاند و با سلطه چین مقابله می‌کنند. اما منتظر اخبار کمبود نیروی کار و تاخیر در افتتاح کارخانه‌ها باشید. به عنوان مثال می‌توان به تاخیر در افتتاح اولین کارخانه تراشه‌سازی TSMC در آمریکا اشاره کرد. قرار بود این کارخانه در سال ۲۰۲۴ راه‌اندازی شود اما این کار تا سال ۲۰۲۵ با تاخیر افتاد. بازمهندسی زنجیره‌های عرضه با اهداف ژئوپولیتیک می‌تواند نوآوری‌ها در فناوری را تسهیل کند.

### ● رسانه و سرگرمی

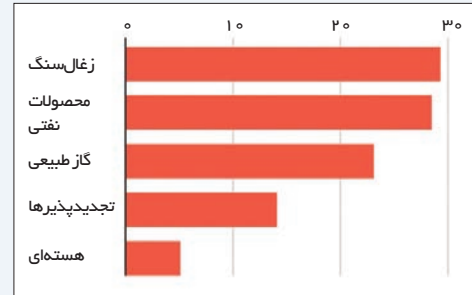
امید بر آن است که درآمد جهانی تبلیغات پس از سال نومیذکننده ۲۰۲۳ دوباره زنده شود. شرکت رسانه‌ای دنتسو (Dentsu) پیش‌بینی می‌کند این درآمد در سال ۲۰۲۴ با پنج درصد افزایش به ۷۶۲/۵ میلیارد دلار برسد. این افزایش به دلیل انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، المپیک پاریس و تورنمنت فوتبال یورو ۲۰۲۴ اتفاق می‌افتد. بیش از نیمی از این هزینه کرد به تبلیغات دیجیتال مربوط می‌شود. فروشگاه‌های خرده‌فروشی لوازم الکترونیک هم آگهی‌ها را در شعبه‌ها و وب‌سایت‌هایشان به نمایش می‌گذارند تا بخشی از کاهش هزینه کرد مصرف‌کننده‌ها را جبران کنند.

با افزایش تبلیغات دیجیتال نگرانی‌ها پیرامون حفظ حریم خصوصی تشدید می‌شوند. گوگل در سال ۲۰۲۴ از اپل پیروی

را ثبت می‌کند و بیشتر آن در چین خواهد بود. کشورهای بالتیک که از نمایش قدرت مسکو به هراس آمده‌اند شبکه‌های برق خود را از روسیه جدا و به اروپای مرکزی متصل می‌کنند. تسلا و دیگر خودروسازان شبکه‌های شارژ می‌سازند. هند نیز به ساخت بزرگراه روی می‌آورد و از این بابت به سطح آمریکای دیوانه اتومبیل می‌رسد.

### ● چه می‌شود اگر؟

آیا امکان دارد یوان چین ارزش برتر جهان شود؟ به‌رغم تلاش‌های چین برای افزایش کاربری یوان در تجارت و پرداخت‌های بین‌المللی، چنین چشم‌اندازی بسیار دور به نظر می‌رسد. سهم یوان از تامین مالی تجاری جهان فقط پنج درصد است در حالی که سهم دلار به ۸۵ درصد می‌رسد و ۵۹ درصد از ذخایر ارزی جهان هم دلاری است. ماهیت تبدیل‌ناپذیری یوان بزرگ‌ترین نقص آن به‌شمار می‌رود. اما از ژانویه سال ۲۰۲۴ این واحد پولی تقویت می‌شود چون گروه بریکس (شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) با پیوستن آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به بریکس پلاس تبدیل خواهد شد. اگر بریکس پلاس استفاده از یوان در تجارت را آغاز کند چه خواهد شد؟ اعضای این گروه ۲۵ درصد از کل صادرات و ۴۲ درصد از تجارت نفت را در اختیار دارند. درست است که اکثر کشورهای بریکس به دلار متکی هستند و برخی پول خود را به آن پیوند زده‌اند اما برزیل و روسیه هم‌اکنون با چین به روبل تجارت می‌کنند. ایران با فروش نفت به چین بر حسب یوان تحریم‌ها را دور می‌زند. آرژانتین با استفاده از سوآپ یوان بدهی خود را به صندوق بین‌المللی پول پرداخت کرد. اگر عربستان و امارات در سال ۲۰۲۴ بپذیرند که تجارت نفت در بریکس را با یوان انجام دهند و برزیل در



▲ توزیع مصرف جهانی انرژی در سال ۲۰۲۴

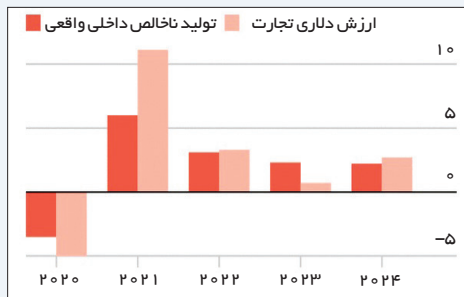
تامین می‌شوند. این نسبت تا قبل از کووید ۷۵ درصد بود. مصر برنامه بیمه سلامت همگانی را به شهرهای بیشتری تعمیم می‌دهد. اسلوانی برنامه درمان درازمدتی تهیه می‌کند. هند تا قبل از انتخابات نمی‌تواند بودجه بهداشت و درمان را بالا ببرد. آمریکا بسته به تشخیص هر ایالت بر کاهش هزینه‌ها و پایان دادن به (یا دفاع از) حق سقط جنین تمرکز می‌کند. درمان خصوصی رشد ناچیزی خواهد داشت. آمازون و وال‌مارت درمانگاه‌های جدیدی تاسیس می‌کنند اما شرکت سی‌وی‌اس هلث (CVS Health) به کاهش کارکنان می‌اندیشد. فروش جهانی اقلام دارویی از ۱/۶ تریلیون دلار تجاوز می‌کند و آمریکا و چین به ترتیب یک‌سوم و یک‌دهم از آن را نصیب خود می‌کنند. بسیاری از حق اختراعات منقضی خواهند شد. در سال ۲۰۲۴ داروهایی با ارزش ۳۸ میلیارد دلار - از جمله بسیاری از داروهای فناوری زیستی - به خاطر رقابت تولیدکنندگان ارزان‌تر می‌شوند. پژوهشگران بر سر حق ثبت mRNA بر رقابت می‌پردازند و داروهای ضد جاقی بیشتر می‌شوند. همه‌گیری تقریباً از بین می‌رود اما فراموش نمی‌شود. پیش‌نویس یک توافق‌نامه جهانی مردم‌رابرا برای همه‌گیری بعدی آماده می‌کند.

### ● زیرساخت‌ها

شاید در زمان انتخاب رئیس‌جمهور، بهبود زیرساخت‌های قدیمی آمریکا در راس اولویت‌های رای‌دهندگان نباشد. با وجود این جو بایدن تلاش‌های خود را برای تقویت بخش برق و حمل‌ونقل به رخ خواهد کشید. اما نتایج این تلاش‌ها به کندی آشکار می‌شوند. سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص که مقیاسی برای هزینه کرد زیرساخت‌هاست در آمریکای سال ۲۰۲۴ بر مبنای واقعی کمتر از یک درصد رشد می‌کند، در حالی که رشد جهانی آن ۲/۷ درصد خواهد بود. با این نرخ، شکاف بین هزینه کرد زیرساخت‌های آمریکا و مقدار مورد نیاز این کشور در دهه منتهی به ۲۰۲۹ معادل ۲/۶ تریلیون دلار یا هر سال ۲۶۰ میلیارد دلار خواهد شد.

شکاف در آسیا بزرگ‌تر و سالانه ۴۵۹ میلیارد دلار و در کل جهان سه تریلیون دلار است. سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص آسیا در سال ۲۰۲۴ رشدی چهاردرصدی خواهد داشت. اندونزی به تنهایی ۲۸ میلیارد دلار به این امر اختصاص می‌دهد. چین بر زیرساخت‌های دیجیتال و دفع زباله تمرکز می‌کند. آلمان در راس رشد یک‌درصدی اروپا قرار می‌گیرد و ۶۱ میلیارد دلار برای زیرساخت‌های سبز در نظر می‌گیرد.

سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی و بادی رکوردی جهانی



▲ تولید ناخالص داخلی جهان و تجارت

درصد افزایش می‌دهد که تقریباً دو برابر سرعت رشد آن در سال ۲۰۲۳ است. اما مصرف‌کنندگان بلافاصله نرخ بالای بهره، کاهش پس‌انداز خانوارها و افزایش نکول کارت‌های اعتباری را از یاد نمی‌برند. بنابراین بازارهای خرده‌فروشی در غرب آرام می‌مانند. این بازارها در بریتانیا و آلمان پس از دو سال انقباض به آهستگی رو به بهبود خواهند گذاشت. آمریکا یک سال رکود دیگر را پیش رو دارد. حتی چین، دومین بازار بزرگ خرده‌فروشی جهان، فقط چهار درصد رشد می‌کند، در حالی که قبل از کووید نرخ رشد آن به‌طور میانگین هفت درصد بود. بازار متزلزل املاک چین و کمبود کار برای جوانان را می‌توان از دلایل این امر دانست. خرده‌فروشی که در پی جذب مصرف‌کنندگان آسیایی هستند به سراغ جنوب شرق آسیا می‌روند. مالزی، تایلند و ویتنام در این منطقه سریع‌ترین رشد را دارند. رونق تجارت الکترونیکی (که محصول دوران همه‌گیری است) در کشورهای در حال توسعه به این روند کمک می‌کند. سریع‌ترین نرخ رشد فروش آنلاین را در هند خواهیم دید. سیاستگذاران این کشور سخت در تلاش‌اند تا فناوری‌های مالی (فین‌تک) و دیگر اشکال دیجیتال‌سازی را تقویت کنند.

### ● ورزش

در تابستان سال ۲۰۲۴ پاریس پس از یک قرن و برای سومین بار میزبان بازی‌های المپیک خواهد بود. پس از مراسم افتتاحیه در کنار رود سن، رویدادهای المپیک و پارالمپیک در مناطق دیندی فرانسه برگزار می‌شوند. رقص نمایشی اسبها (درساز) در ورسای و فوتبال نابینایان در کنار برج ایفل برگزار خواهد شد. میدان کنکورده پاریس عرصه رقص بریک المپیک و جزیره تاهیتی میزبان موج‌سواری هستند. مقررات مربوط به مکان‌های اجاره‌ای سختگیرانه هستند اما این امر مانع از آن نمی‌شود که مردم پاریس خانه‌هایشان را به بیش از یک میلیون بازدیدکننده اجاره دهند.

رویدادهای ورزشی دیگر هم برای جلب توجه با یکدیگر رقابت می‌کنند. تورنمنت فوتبال یورو ۲۰۲۴ در ماه ژوئن و شش هفته قبل از بازی‌های المپیک پاریس در آلمان آغاز می‌شود. بازی‌های آفریقایی که یک سال به تأخیر افتاده است هم‌زمان با المپیک در ماه اگوست در کشور غنا برگزار می‌شوند. بازی‌های کوپا (فوتبال) آمریکا پس از انصراف اکوادور از میزبانی به دلایل امنیتی به ایالات متحده منتقل می‌شوند. جام ملت‌های آفریقا در ساحل عاج و جام آمریکا هم در ساحل بارسلونای اسپانیا برگزار خواهند شد. رویدادهای زنان هم در کانون توجه خواهد بود. زنان

و تغییر الگوهای کاری تقاضا را سرکوب می‌کنند. حدود ۶۰ درصد از شرکت‌های آمریکایی امکان دور کاری را فراهم می‌کنند و در نتیجه یک پنجم ادارات خالی می‌شوند. نرخ خالی بودن ادارات در کانادا ۱۵ درصد و در اروپا که کار ترکیبی کمتری دارد به هشت درصد می‌رسد. بازار املاک چین (و امور مالی مناطق) به‌رغم حمایت‌های دولت متزلزل خواهد بود. دیگر نقاط آسیا شاهد بهبود متناسب قیمت‌ها خواهند بود.

اما در برخی مناطق به خاطر کندی عرضه قیمت‌ها بالا می‌روند چون پروژه‌ها به تأخیر می‌افتند یا لغو می‌شوند. مناطق تجاری متراکم‌تر و ساختمان‌های سبب برطرف‌دارتر خواهند شد. تقاضای برای انبار و کارخانه بالا می‌رود. املاک بخش درمان و مراکز داده‌ها جذابیت بیشتری پیدا می‌کنند. با کاهش نرخ بهره در اواخر سال ۲۰۱۴ سرمایه‌گذاران دوباره به املاک بازمی‌گردند. بریتانیا درصدد جذب مجموعه‌های سرمایه‌گذاری در املاک است و در هند نیز چندین مورد از این مجموعه‌ها بورسی می‌شوند. سختگیری‌های چین در بخش املاک خریداران را به سمت دوبی یا استرالیا می‌راند. با تسهیل مقررات برخی ادارات و مغازه‌های متروک به خانه‌های مسکونی تبدیل می‌شوند. اما حتی در این صورت هم نرخ بالای بهره وام مسکن و کمبود خانه‌های جدید کار خرید املاک را دشوار می‌کند. بهای مسکن که در نتیجه کووید بالا رفته بود در اکثر نقاط اروپا کاهش می‌یابد اما در آمریکا همچنان بالا می‌ماند. اجاره خانه در آمریکا ارزان‌تر از لندن خواهد بود، هرچند دولت بریتانیا تلاش زیادی برای بهبود حقوق مستأجران انجام داده است. برخی شهرها برای اجاره‌های کوتاه‌مدت محدودیت‌هایی اعمال می‌کنند.

### ● خرده‌فروشی

کم‌رنگ شدن تورم در سال ۲۰۲۴ خرده‌فروشی را در مبنای واقعی تا دو

و کوکی‌های (Cookies) شخص ثالث را مسدود می‌کند. اما مقررات‌گذاران خشم خود را متوجه برتری گوگل در تبلیغات دیجیتال می‌کنند. پرونده فدرال آنتی‌تراست که دومین پرونده علیه گوگل در سال‌های اخیر است به دادگاه‌های آمریکا می‌رسد. مقامات آمریکا خودتنظیم‌گری به‌وسیله بنگاه‌ها را ترجیح می‌دهند اما ممکن است در سال انتخابات جلوی استفاده از هوش مصنوعی در تبلیغات سیاسی را با هدف ریشه‌کنی اطلاعات غلط بگیرند.

محتوای تولیدشده به‌وسیله هوش مصنوعی هالیوود را هم به دردمس می‌اندازد. نگرانی‌های مربوط به رقابت با بات‌ها آتش اعتصاب نویسندگان و بازیگران را روشن کرد. خروج آنها ممکن است نمایش فیلم‌های مشهوری مانند «ماموریت غیرممکن: تعیین موقعیت، بخش دو» را به تأخیر اندازد (تام کروز در این فیلم با یک هوش مصنوعی شیطانی درگیر می‌شود). این امر مانع از بازگشت درآمد سینمای آمریکا به دوران قبل از کووید خواهد شد. خدمات پخش اینترنتی هم در جذب مشترک مشکل خواهند داشت. دیزنی پلاس با تقلید از نت‌فلیکس به مشترکان اجازه نمی‌دهد گذرنامه‌هایشان را در اختیار دیگران قرار دهند. همچنین، این شرکت بنگاه پخش هولو (Hulu) را طبق قرارداد سال ۲۰۱۹ تصاحب می‌کند. باید منتظر ماند و دید که آیا این اقدام در نهایت سودی برای دیزنی پلاس دارد یا خیر.

### ● فلزات و معادن

بهای بسیاری از کالاهای تجاری بخش تجاری در سال ۲۰۲۴ کاهش می‌یابد اما اکثر فلزات گران‌تر می‌شوند. مس ستاره درخشان سرمایه‌گذاری سبز می‌شود و اقتصاد دیجیتال تقاضا برای کابل‌های برق و باتری‌ها را افزایش می‌دهد. بنگاه‌های ساخت‌وساز و خودروسازان آسیایی قیمت آلومینیوم را بالا می‌برند. بهای فولاد هم افزایش می‌یابد اما باز هم از نقطه اوج سال ۲۰۲۱ خود حدود ۳۶ درصد کمتر خواهد بود. با توقف افزایش نرخ بهره و جست‌وجوی سرمایه‌گذاران برای دارایی ایمن، طلا و پلاتین جذابیت بیشتری پیدا می‌کنند.

تمام فلزات جذاب نیستند. نیکل و روی در سال ۲۰۲۲ اوج گرفتند اما جهش تولید در اندونزی و چین قیمت آنها را سرکوب می‌کند. سرب نیز کم‌ارزش می‌شود چون از خودروهایی بنزینی و گازوفیلی حذف خواهد شد. با افزایش تولید لیتیوم به‌وسیله زیمبابوه (با بزرگ‌ترین ذخایر) و دیگر کشورها بازار آن مازاد پیدا می‌کند. تولیدکنندگان فولاد و آلومینیوم نیز در سازوکار تعدیل مرزی کربن اتحادیه اروپا با کارمزدهای جدید روبه‌رو خواهند شد. اروپا و آمریکا سعی می‌کنند نگذارند چین در فرآوری مواد معدنی ضروری برای انرژی پاک برتری داشته باشد. آنها به این منظور در معادن هم‌جا -از استرالیا تا شیلی- سرمایه‌گذاری خواهند کرد. آن‌گولا و بوتسواتا در استخراج الماس با یکدیگر همکاری می‌کنند. خصوصی‌سازی شرکت تولید الماس آن‌گولا این روند را سرعت می‌دهد.

### ● املاک

سرمایه‌گذاران در املاک تجاری در سال ۲۰۲۴ نقره‌داغ خواهند شد چون نرخ بالای بهره، انقباض قراردادهای اجاره

شد نرخ ۱۵ درصدی حداقل مالیات شرکتی اعمال می‌شود. برخی کشورها از بنگاه‌های بزرگی که با استفاده از خلأهای قانونی سودها را به بهشت‌های مالیاتی با نرخ پایین انتقال می‌دهند مالیات مضاعف می‌گیرند.

● انتخابات ریاست‌جمهوری در تایوان برگزار می‌شود. چین ادعای مالکیت این جزیره خودگردان را دارد. نتایج این انتخابات بر روابط دو سوی تنگه تایوان و همچنین بر سطح تنش‌های بین چین و آمریکا تأثیر می‌گذارد.

#### فوریه

با شروع سال اژدهای چوبی، جشن‌های سال نو چینی آغاز می‌شوند. گفته می‌شود کسانی که در سال اژدهای چوبی متولد می‌شوند افرادی خلاق، کنجکاو، باراده و صادق هستند.

● بازی قهرمانی فوتبال آمریکایی با عنوان Super Bowl LVIII در ورزشگاه الجینت (Allegiant) در لاس‌وگاس برگزار می‌شود. این شهر برای اولین بار میزبان چنین رویدادی خواهد بود.

● اندونزی سومین دموکراسی بزرگ جهان در روز ولنتاین انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس را برگزار می‌کند.

#### مارس

● فصل فرمول یک برای اولین بار در بحرین آغاز می‌شود و مسابقه به جای یکشنبه در روز شنبه خواهد بود. این تغییر روز امکان می‌دهد تا دومین مسابقه فصل که برای یک هفته بعد در جدّه عربستان برنامه‌ریزی شده است قبل از آغاز ماه رمضان برگزار شود.

● سیزدهمین بازی‌های آفریقایی در غنا آغاز می‌شوند. قرار بود این بازی‌ها در سال ۲۰۲۳ برگزار شوند اما تاخیر در ساخت‌وسازها و مناقشه بر سر حقوق بازاریابی آنها را به تاخیر انداخت.

● نودوششمین مراسم جایزه آکادمی در لس‌آنجلس برگزار می‌شود. چه کسی برنده اسکار خواهد شد؟

#### آوریل

● خسوف کامل با عنوان خسوف بزرگ آمریکای شمالی در سرتاسر این قاره قابل رویت خواهد بود. سایه این خسوف که در آن ماه کاملاً جلوی خورشید را می‌گیرد از ساحل اقیانوس آرام در مکزیک تا جزیره پرند جنوب در ساحل نیوفاندلند امتداد می‌یابد.

● اجلاس بهاره صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در واشنگتن برگزار می‌شود.

● هفته ملی مارمالاد در بریتانیا جشن گرفته می‌شود. هدف از این جشن آن است که افراد تشویق شوند مزه مارمالاد را بچشند و خود آن را درست کنند.

#### می

● جشن‌های بزرگداشت ۲۰۰ سالگی گالری ملی در لندن آغاز می‌شوند. موزه‌ها و گالری‌های ۱۲ منطقه پادشاهی متحده یکی از شاهکارهای نقاشی گالری ملی را به نمایش می‌گذارند تا اطمینان دهند که بیش از نیمی از جمعیت کشور می‌توانند با یک مسافرت یک‌ساعته از یکی از گنجینه‌های ملی بازدید کنند. برنامه بزرگداشت شامل نمایشگاهی بی‌نظیر از آثار ون‌گوگ خواهد بود که قرار است در ماه سپتامبر افتتاح شود.

● مرحله نهایی مسابقه آواز یورو ویژن در مالمو سوئد برگزار می‌شود. این هفتمین بار است که سوئد چنین رویدادی را میزبانی

جهان کم‌رنگ‌تر می‌شود.

حتی در این صورت هم به لطف قیمت‌های بالاتر، هزینه‌کرد گردشگری بین‌المللی رکورد ۱/۵ تریلیون دلار را می‌زند. اگر پروازهای داخلی را هم لحاظ کنیم مسافرت هوایی به دوران اوج قبل از همه‌گیری بازمی‌گردد. سودآوری همچنان زیاد خواهد بود. شرکت‌های هوا-فضا سفارش‌های عقب‌مانده زیادی دارند اما رقم خیره‌کننده ۱۴۸۴ هواپیمای جدید را به شرکت‌های هوایی تحویل می‌دهند که از میان آنها می‌توان به ایرباس جدید A321XLR اشاره کرد که می‌تواند بدون توقف ۸۷۰۰ کیلومتر پرواز کند. هواپیمایی نیوزیلند در بخش آکونومی خود صندلی تخت‌خواب‌شو با امکان خوابیدن ارائه می‌دهد. مسافرانی که در جست‌وجوی تازه‌ترین‌ها هستند می‌توانند از بلندترین هتل دنیا در دوبی یا هتل چاپ سبهدی تگزاس لذت ببرند. با وجود این، قیمت‌های بالا نرخ اشغال اتاق در هتل‌ها را پایین می‌آورد.

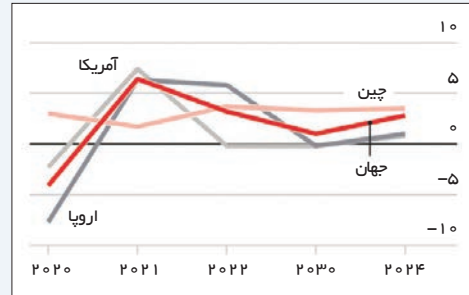
### ● تقویم ۲۰۲۴: گزیده‌های از رویدادهای جهان

#### ژانویه

● شش عضو جدید به اقتصادهای نوظهور بریکس می‌پیوندند و آن را به بریکس پلاس تبدیل می‌کنند. اعضای کنونی شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی پذیرای آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی خواهند بود.

● اولین نسخه میکی‌موس وارد حوزه عمومی می‌شود. طبق قانون کپی‌رایت آمریکا، شخصیت‌ها تا ۹۵ سال پس از معرفی اولیه تحت حمایت قرار می‌گیرند. میکی‌موس پس از اولین ظهور در سال ۱۹۲۸ در فیلم «قایق بخار ویلی» چندین بار بازطراحی و به‌روزرسانی شد و شرکت دیزنی حق خود را در قبال نسخه‌های بعدی این شخصیت محفوظ می‌دارد.

● پیرو معاهده‌ای که در سال ۲۰۲۱ بین ۱۳۰ کشور جهان برقرار



▲ درصد تغییرات سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص

دوچرخه‌سوار برای سومین بار در تور فرانسه رکاب می‌زنند. همزمان با برگزاری اولین جام جهانی کریکت مردان در آمریکا، بنگلادش میزبان نسخه زنانه آن خواهد بود. برای اولین بار بازیکنان دوجنسیتی در این بازی شرکت می‌کنند. توجه داشته باشید که زنان ترنس به خاطر داشتن تستوسترون بالا از حضور در بازی‌های المپیک منع شده‌اند.

### ● مخابرات

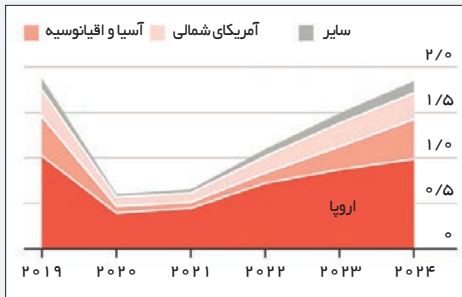
به گفته نهاد صنعتی GSMA، در سال ۲۰۲۴ شبکه ۵G جای 4G را می‌گیرد و به شبکه برتر موبایلی در چین تبدیل می‌شود. اما فقط ۲۰ درصد از جهان شبکه 5G خواهند داشت. اریکسون سازنده زیرساخت‌های مخابراتی گزارش می‌دهد که در سال ۲۰۲۴ یک چهارم جمعیت جهان هنوز از دسترسی به پهنای باند موبایلی محروم خواهند بود.

کمک‌ها از آسمان فرا می‌رسند. ایلان ماسک که در جریان جنگ اوکراین به این کشور کمک کرد تا اتصال شبکه را حفظ کند امیدوار است مجوز گسترش خدمات اینترنت ماهواره‌ای استارلینک به اندونزی را دریافت کند. این اتفاق سرعت دسترسی و انتقال را در کشوری با بدترین ضریب نفوذ اینترنت در آسیا بهبود می‌بخشد. جف بزوس میلیاردر دیگر حوزه فناوری از پروژه کوپبر (Kuiper) حمایت می‌کند که قصد دارد اولین ماهواره‌های تجاری را در سال ۲۰۲۴ به فضا بفرستد. تعدادی از دولت‌ها دوست ندارند تسلیم سلطه آمریکا بر آسمان‌ها شوند. چین، اتحادیه اروپا و روسیه ماهواره‌های خودشان را پرتاب می‌کنند. گسترش ارتباطات اینترنتی بازار جهانی تلفن‌های هوشمند را تا حدی از آشفتگی خارج می‌کند. سامسونگ و اپل همچنان بزرگ‌ترین شرکت‌های سازنده تلفن هوشمند خواهند بود اما شرکت ترنسیون (Transsion) هم در زمره پنج شرکت برتر قرار می‌گیرد.

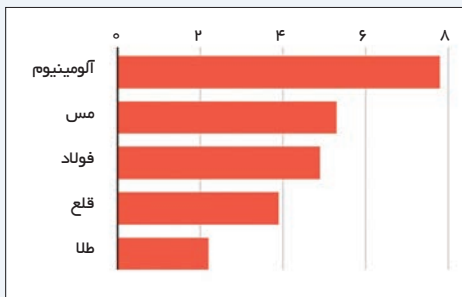
### ● سفر و گردشگری

صنعت سفر و گردشگری به روزهای درخشان‌تری در سال ۲۰۲۴ امید بسته است اما این امیدواری چندان پررنگ نیست. اکثر مسافران بدون فرزند به خاطر دوری از آتش‌سوزی‌ها و گرمای سوزان از سفرهای تابستانی منصرف می‌شوند. شرکت‌های هواپیمایی برنامه خود را با این فرض تغییر می‌دهند. ورود مسافران بین‌المللی به ۱/۸ میلیارد نفر افزایش می‌یابد و تقریباً به سطح سال ۲۰۱۹ بازمی‌گردد. این در حالی است که حضور مسافران چینی به دلیل نگرانی‌های ژئوپولیتیک و اقتصادی در اکثر نقاط





▲ تعداد گردشگران بین‌المللی (میلیارد نفر)



▲ درصد تغییر قیمت فلزات (۲۰۲۳-۲۰۲۴)

بر سر صندوق‌های رای و انتخاب رئیس‌جمهور و رئیس‌کنگره خواهد بود. تمام ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۳۴ کرسی از ۱۰۰ کرسی سنا در معرض رقابت قرار می‌گیرند. فرمانداری ۱۳ ایالت و منطقه نیز کانون رقابت‌ها خواهند بود.

● همایش اقلیمی Cop29 برگزار می‌شود. انتخاب کشور میزبان به تاخیر افتاد چون روسیه با میزبانی هیچ‌کدام از کشورهای عضو اتحادیه اروپا موافقت نکرد.

● پس از گذشت نیم‌قرن از آخرین بازدید انسان از ماه، ماموریت آرتیمیس ۲ آغاز می‌شود و چهار فضاپرواز را به طرف دیگر ماه می‌برد. خدمه پرواز شامل اولین سیاه‌پوست، اولین زن، و اولین غیرآمریکایی که از مدار زمین خارج می‌شوند تلاشی برای فرود آمدن انجام خواهند داد.

#### دسامبر

● قرار است آژانس فضایی هند (ISRO) کاوشگر شوکرایان (Shukrayaan) را به سیاره زهره ارسال کند. پس از اعزام کاوشگر ژاپنی آکاتسوکی (Akatsuki) در سال ۲۰۱۰، این اولین ماموریت به سمت سیاره همتای دوقلوی کره زمین خواهد بود. کاوشگر هندی ترکیب شیمیایی جو زهره را مطالعه می‌کند و به دنبال نشانه‌هایی از فوسفین (Phosphine) خواهد بود. تصور می‌شود این ماده که تداعی‌کننده حیات است در آنجا وجود داشته باشد.

#### زمانی در اواخر سال ۲۰۲۴

● انتظار می‌رود اتحادیه اروپا سامانه ورود-خروج (EES) را راه‌اندازی کند. در این برنامه ثبتی شهروندان غیر از اتحادیه اروپا ملزم می‌شوند در زمان ورود به حوزه سفر آزاد شننگن پاسپورت‌هایشان را اسکن کنند. قرار بود این سامانه در سال ۲۰۲۲ افتتاح شود اما راه‌اندازی آن تا پس از بازی‌های المپیک پاریس به تاخیر افتاد. ●

نمایندگان کشورها با هدف تقویت همکاری در زمینه تغییرات اقلیمی و دیگر چالش‌های حیاتی درباره اصلاح نهادهای چندجانبه و حاکمیت جهانی به گفت‌وگومی نشینند.

● سازمان فضایی ژاپن (JAXA) فضاپیمای کاوش قمرهای مریخ (MMX) را برای کاوش درباره قمرهای فوبوس (Phobos) و دی‌موس (Deimos) به فضا می‌فرستد. این کاوشگر در سال ۲۰۲۵ تلاش خواهد کرد بر سطح فوبوس فرود آید و نمونه‌های سنگ آن را برای بازگرداندن به زمین در سال ۲۰۲۹ جمع‌آوری کند.

#### اکتبر

● جیمی کارتر کهنسال‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا یکصدمین سال تولدش را جشن می‌گیرد.

● مسابقه پایانی سی‌وهفتمین جام آمریکا در بارسلونا برگزار می‌شود. این مسابقات قدیمی‌ترین رقابت در ورزش بین‌المللی هستند و اسکاداران کشتی سلطنتی نیوزیلند از مقام قهرمانی خود دفاع خواهد کرد.

● مراسم افتتاحیه‌نمایشگاه هنرهای نمایشی هنگ‌کنگ در چندین مکان در سراسر هنگ‌کنگ بر روی صحنه برگزار می‌شود. این نمایشگاه بر آن است تا تبادل فرهنگ و هنر بین هنگ‌کنگ، سرزمین اصلی چین و سایر نقاط جهان را سرعت بخشد.

● نمایشگاه موسیقی جهانی (WOMEX)، بزرگ‌ترین همایش بین‌المللی صنعت موسیقی، در منچستر انگلستان برپا می‌شود.

● ناسا، آژانس فضایی ایالات متحده، کاوشگر یورپا کلیپر (Europa Clipper) را پرتاب می‌کند. این کاوشگر امکان حیات در یکی از بزرگ‌ترین قمرهای مشتری را بررسی خواهد کرد. گمان می‌رود قمر یورپا یک اقیانوس زیرسطحی داشته باشد که می‌تواند محل زندگی موجودات فضایی باشد. قرار است این کاوشگر در سال ۲۰۳۰ به مشتری برسد.

#### نوامبر

● جهان شاهد حضور مردم آمریکا

می‌کند

● ماراتن دیوار بزرگ در مسیری در امتداد بقایای دیوار بزرگ چین در نزدیکی پکن برگزار می‌شود.

● قرار است چین فضاپرواز چانگ ئی ۶ (Chang e 6) را به ماموریتی دوطرفه بفرستد. در این ماموریت یک ماه‌نورد روباتی به طرف دیگر ماه می‌رود و ابزارهایی علمی از فرانسه، ایتالیا، پاکستان و سوئد در آن هستند.

#### ژوئن

● بیستمین دوره جام جهانی کریکت با میزبانی مشترک ایالات متحده و هند غربی برگزار می‌شود. طرفداران کریکت امیدوارند این رویداد یک جشن اجتماعی بزرگ برای معرفی این ورزش در آمریکا باشد. به دنبال آن، جام جهانی ۲۰ زنان در ماه سپتامبر برگزار می‌شود.

● روز جهانی «دویدن» جشن گرفته می‌شود تا مردم سراسر جهان به تحرک تشویق شوند؛ هم برای سرگرمی و هم برای حفظ سلامت.

● سران کشورها کهنه‌سربازان و مقامات در ساحل اوماها (Omaha) در نرماندی گردهم می‌آیند تا هشتادمین سالگرد پیاده‌سازی را در روز دی (D-Day) در طول جنگ جهانی دوم گرامی بدارند.

● انتخابات پارلمان اروپا در ۲۷ کشور عضو اتحادیه برگزار و نمایندگان ۷۲۰ کرسی این مجلس برگزیده می‌شوند.

● تورنمنت فوتبال یورو ۲۰۲۴ در آلمان آغاز می‌شود. یک هفته پس از آن، آمریکا شاهد برگزاری تورنمنت کوپا (Copa) آمریکا خواهد بود.

#### جولای

● رهبران ناتو برای اجلاس سالانه در واشنگتن گردهم می‌آیند و هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس آن را با اعضای جدید گرامی می‌دارند.

● حزب جمهوریخواه به طور رسمی نامزد خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در مقر ملی جمهوریخواهان در میلوواکی معرفی می‌کند. انتخاب این مکان برای مراسم اهمیت میدوست (Midwest) به عنوان یک میدان مهم نبرد انتخاباتی را نشان می‌دهد. ● بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ با مراسم افتتاحیه در حاشیه رود سن در پاریس و صد سال پس از آخرین دور بازی‌ها در این شهر آغاز می‌شود. رقص بریک برای اولین بار در بازی‌ها گنجانده می‌شود.

#### آگوست

● شهر جدید نوسانتارا (Nusantara) رسماً به عنوان پایتخت اندونزی معرفی می‌شود و جای جاکارتا را می‌گیرد. این مراسم در روز استقلال اندونزی برگزار خواهد شد. ساخت این شهر در سال ۲۰۲۲ آغاز شد و قرار است در سال ۲۰۴۵ به پایان برسد.

● حزب دموکرات رسماً نامزد خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در مقر ملی حزب در شیکاگو معرفی می‌کند. همانند گزینه جمهوریخواهان، انتخاب مکان معارفه به دلیل اهمیت میدوست در تعیین سرنوشت انتخابات است.

#### سپتامبر

● «اجلاس آینده» سازمان ملل در نیویورک برگزار می‌شود.

The  
Economist

How the young should invest

Will fentanyl spread to Europe?

Better ways to fund science

The best films of 2023

NOVEMBER 18TH-24TH 2023

# THE WORLD AHEAD 2024

OUR 90-PAGE GUIDE TO THE COMING YEAR



به مدت چند دهه آمریکا از توان اقتصادی‌اش در دیپلماسی بهره می‌برد و با اعطای کمک‌های مالی یا بخشودگی بدهی‌ها، دیگر دولت‌ها را به همکاری و همراهی ترغیب می‌کرد. اما تصویر این روزها شکست سیاست‌های مالی آن را نمایان می‌کند. اکنون ایالات متحده برای اعمال نفوذ در تجارت و کسب‌وکار به‌ویژه در منطقه خاورمیانه هم ابزاری ندارد. در مقابل دیپلمات‌ها پیش به ابزار تحریم روی آورده‌اند اما مشکلات کمبود کمک‌های بشردوستانه و تامین امنیت پناهنجویان غزه را نمی‌توان با تحریم حل کرد.

## شیطان کوچک

### ناکارآمدی قدرت اقتصادی آمریکا در خاورمیانه

ترجمه: جواد طهماسبی

ترتیب، مصر از زمان بحران ارزی سال گذشته در لبه پرتگاه نکل قرار گرفته است. سه بسته نجات جداگانه صندوق بین‌المللی پول در دهه گذشته به خاطر امتناع دولت مصر از تعطیل کردن بنگاه‌های ضررده تحت کنترل قوای مسلح از آن کشور دریغ شدند. این تصویر تیره‌وتر برای آمریکا مشکل‌آفرین خواهد بود. حداقل به این خاطر که این تصویر شکست سیاست‌های کمک‌رسانی آن را نمایان می‌کند. آمریکا زمانی می‌توانست در ازای لطف و خدمت بدهکاران از بدهی‌هایشان صرف نظر کند. این اقدام در سال ۱۹۹۱ برای قدرانی از مشارکت مصر در جنگ خلیج فارس انجام گرفت. در سال ۱۹۹۴ و هنگامی که اردن برای پیمان صلح با اسرائیل مذاکره می‌کرد اولین درخواست ملک حسین از بیل کلینتون آن بود که بدهی‌های اردن را ببخشد. اما اکنون آمریکا هیچ طلبی ندارد که آن را ببخشد. آن تعداد انگشت‌شمار سرمایه‌گذار و بنگاه آمریکایی هم که در مصر و لبنان حضور داشتند در آستانه بحران مالی جهانی از آنجا کوچ کردند. بنابراین مقامات آمریکا برای نفوذ در تجارت و کسب‌وکار هم ابزاری ندارند.

گزینه دیگر برای آمریکا آن است که در این چانه‌زنی بزرگ بسته کمکی واقعاً بزرگی را پیشنهاد دهد. اما چنین بسته‌ای بدون تردید با مخالفت‌های شدید در واشنگتن روبه‌رو خواهد شد. هم‌زمان هر گونه تهدید مبنی بر قطع کمک‌ها به مصر و لبنان با هدف الزام آنها به همکاری باورپذیر نخواهد بود. اکثر کمک‌های نقدی آمریکا در مصر به ارتش می‌رسد، بنابراین به دلایل امنیتی نمی‌توان آن را قطع کرد. در اردن هم بخش بزرگی از پول‌ها مستقیماً وارد بودجه دولت می‌شود و عمدتاً عنوان کمک به صدها هزار پناهجوی فلسطینی و سوری حاضر در اردن را به خود می‌گیرد. سیاستمداران هر دو کشور مصر و اردن خود را شایسته دریافت این کمک‌ها می‌دانند و آنها را مابه‌ازای حفظ صلح با اسرائیل و کنترل شهروندانشان تلقی می‌کنند. یکی از آنها می‌گوید: «ما این کمک‌ها را می‌گیریم چون شرایط را امتوازن نگه می‌داریم. آمریکایی‌هایی که من با آنها صحبت می‌کنم از این موضوع اطلاع دارند.»

آنچه لبنان از آمریکا می‌گیرد عمدتاً در قالب کمک‌های بشردوستانه است که در سال منتهی به ماه ژوئن به ۹۲ میلیون دلار رسید. این کمک‌ها صندوق‌های دولت را دور می‌زند و مستقیماً به دست مردم می‌رسند بنابراین نمی‌توان از آنها به عنوان اهرم مالی استفاده کرد. دولت لبنان هم آنقدر ضعیف و شکننده است که نمی‌توان کمک‌ها را از آن گرفت. جنبش حزب‌الله که بخش‌هایی از کشور را کنترل می‌کند بانک‌های خودش را دارد و دهها هزار نظامی را به خدمت گرفته است. از آنجا که آمریکا این گروه را تروریستی می‌داند نمی‌تواند به آن کمک اقتصادی بدهد.

دیپلمات‌های مالی آمریکا که راهی برای ترغیب متحدان به همکاری ندارند به مجازات بدرفتاری‌ها روی آورده‌اند. آمریکا در مقایسه با دو دهه قبل به میزان ۱۰ برابر بیشتر از مجازات تحریم استفاده می‌کند. وزارت خزانه‌داری آمریکا از ۷ اکتبر تاکنون دو دور تحریم‌ها شامل همه چیز از دولت ایران گرفته تا شرکت‌های ساخت‌وساز ترکیه را به اجرا گذاشته است. متأسفانه مشکلات شدید غزه از قبیل کمبود کمک‌های بشردوستانه و امنیت پناهجویان را نمی‌توان با تحریم حل کرد. امور مالی حماس هم آنقدر غیر شفاف است که تحت تاثیر تحریم‌ها قرار نمی‌گیرد. بسیاری از تامین‌کنندگان مالی این سازمان در ترکیه حضور دارند. کشوری که رئیس‌جمهورش رجب طیب اردوغان درخواست ملاقات آقای بلینکن در جریان سفرهای اخیرش را نپذیرفت.

دیپلمات‌های آمریکایی در ماه گذشته تلاش می‌کردند تا جلوی فروپاشی خاورمیانه را بگیرند. از زمان آغاز جنگ بین حماس و اسرائیل در حال لابی کردن هستند تا امکان ارسال کمک‌ها به غزه را فراهم کند. همچنین آنها برای دیدار با رهبران عرب بین پایتخت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس در رفت‌وآمد بودند و در امان و قاهره متوقف شدند تا از این همسایگان اسرائیل بخواهند به پناهجویان و مصدومان کمک کنند. به نظر می‌رسد آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا خسته شده باشد.

انها در حال حاضر توانسته‌اند جلوی یک جنگ منطقه‌ای را بگیرند اما به‌جز این، دیپلمات‌های آمریکا نمی‌توانند دستاوردی برای سفرهایشان بیان کنند. افراد بسیار اندکی توانسته‌اند از غزه خارج شوند. عرضه ناچیز غذا و دارو باعث شد غزه و کشورهای منطقه تمایلی به گفت‌وگو درباره چگونگی پایان جنگ یا رویدادهای پس از حماس نداشته باشند. آقای بلینکن به دنبال دور دوم سفر در منطقه که در ۵ نوامبر به پایان رسید تاکید کرد که «تمام اینها بخشی از کارهای در دست اقدام است».

توان اقتصادی آمریکا به مدت چند دهه محور دیپلماسی این کشور بود. در آغاز جنگ این امیدواری وجود داشت که کمک‌های مالی بتواند مصر را به پذیرش پناهندگان واردن و لبنان را به همکاری بیشتر ترغیب کند. هر سه این کشورها در آستانه فروپاشی مالی قرار دارند و به شدت نیازمند کمک‌های مالی هستند. مشکل آنجاست که واشنگتن دیگر ابزار لازم را برای جبران ناکارآمدی‌های این دولت‌ها ندارد به ویژه در اموری که می‌تواند مردم آنها را خشمگین و ناراضی کند. مثلاً ممکن است مردم فکر کنند که دولت به فلسطینی‌ها پشت و در مقابل اسرائیل کرنش کرده است و از پذیرش پناهندگان امتناع می‌کند.

در دهه‌های اخیر دیپلماسی آمریکا در خاورمیانه دستخوش تغییر شده است. این ابرقدرت در گذشته به سختگیری، خساست و تلاش برای کنترل دولت‌های دیگر از طریق برنام‌های صندوق بین‌المللی پول متهم شده بود. به دنبال آن برنامه‌های نجات صندوق بین‌المللی پول افزایش یافتند و سختگیری‌های آنها برداشته شدند. میلیارد دلار طلب آمریکا به کمک‌های نقدی تبدیل شد. نیمی از بدهی خارجی مصر در سال ۱۹۹۱ به آمریکا و متحدانش بود. اکنون واشنگتن هیچ طلبی از مصر ندارد. تا قبل از جنگ اخیر، مقامات آمریکا ترجیح می‌دادند بیشتر درباره برنامه‌های کاهش فقر صحبت کنند تا ملاحظات ژئوپولیتیک.

در وری تغییر موضع آمریکا این امیدواری پیش آمد که رونق اقتصادی شرایط متحدان آن کشور از جمله پادشاهی اردن و دیکتاتوری مصر را معتدل و پایدارتر کند و چهره آمریکا را که در جنگ‌های افغانستان و عراق لکه‌دار شده بود بهبود بخشد. اما این رشد اقتصادی جامه عمل نپوشید. خاورمیانه برخی از بدترین اقتصادهای جهان را در خود دارد. لبنان سقوط کرد و در سال ۲۰۲۰ از پرداخت بدهی‌هایش عاجز ماند. این کشور ثبات سیاسی مناسبی هم ندارد که بتواند با بستن کارانش وارد مذاکره شود. تورم در آنجا به بیش از ۱۰۰ درصد رسیده است.

بقیه کشورها هم وضعیت چندان بهتری ندارند. نرخ بیکاری در اردن در بالاترین سطح خود در ۲۵ سال گذشته (به استثنای دوران همه‌گیری کووید ۱۹) است و دولت برای اجتناب از نکل بدهی‌ها به حمایت آمریکا و صندوق بین‌المللی پول اتکا دارد. به همین

## آمریکا و جهان

### دونالد ترامپ، بزرگ‌ترین تهدید در سال ۲۰۲۴

کارایی خود را از دست می‌دهد. اگر آقای ترامپ فرآیندهای عادلانه و حقوق مدنی را در داخل کشور زیر پا بگذارد دیپلمات‌هایش در خارج نمی‌توانند مدعی آنها شوند. جنوب جهانی قانع می‌شود که اصرارهای آمریکا برای انجام کارهای درست صرفاً و واقعاً نمایشی از نفاق و ریاکاری است. از نظر آنها، آمریکا فقط یک قدرت بزرگ دیگر است.



سایه‌ای شوم بر سر جهان سنگینی می‌کند. احتمال پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات نوامبر آینده به اندازه پرتاب یک سکه است. او در انتخابات اولیه جمهوریخواهان پیش‌تاز است و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند او در ایالت‌های بی‌طرف از جو بایدن جلو افتاده است. حداقل در انتخابات اولیه می‌توان چنین گفت که محاکمات مدنی و تحقیقات باعث شد جایگاه او محکم‌تر شود. دهه‌ها بود

غریزه حمایت‌گرایی آقای ترامپ هم افسار

می‌گسلد. به‌رغم تعرفه‌هایی که علیه چین وضع شد اقتصاد آمریکا در دوره اول ترامپ رونق گرفت اما برنامه‌های او برای دور دوم خسارت‌بارتر خواهند بود. او و هم‌زمانش به تعرفه همگانی ۱۰ درصدی برای کل واردات می‌اندیشند که دو برابر سطح کنونی تعرفه‌هاست. حتی اگر سنا بخواهد او را مهار کند حمایت‌گری ناشی از توسعه دیدگاه امنیت ملی قیمت‌ها را برای مردم آمریکا بالا می‌برد. همچنین ترامپ در دوره اول با کاهش مالیات‌ها و اعطای کمک‌های نقدی در زمان کووید ۱۹ اقتصاد را به آتش کشید. این‌بار آمریکا گرفتار کسری بودجه‌ای شده است که نظیر آن را فقط در زمان جنگ می‌توان دید. هزینه بازپرداخت بدهی‌ها نیز بسیار بالاست. کاهش مالیات‌ها هم به تورم دامن می‌زند و به رشد کمک نمی‌کند.

عملکرد خارجی دوره اول ترامپ بهتر از حد انتظار بود. دولت او به اوکراین اسلحه فرستاد، پیمان صلحی میان اسرائیل، امارات و بحرین برقرار کرد و کشورهای اروپایی را وادار کرد هزینه‌های دفاعی خود را بالا ببرند. سیاست آمریکا در قبال چین خصمانه‌تر شد. اگر اندکی با اغماض بنگرید متوجه می‌شوید که یک رئیس‌جمهور تاجر مسلک می‌تواند منافع هم داشته باشد. بی‌تفاوتی ترامپ نسبت به حقوق بشر باعث می‌شود عربستان سعودی پس از پایان جنگ غزه قابل تحمل‌تر شود و بتوان روابط با دولت نارندرا مودی در هند را تقویت کرد.

اما دور دوم از آن جهت متفاوت خواهد بود که جهان تغییر کرده است. هیچ اشکالی ندارد که کشورها رفتار تاجر مسلکانه داشته باشند. به هر حال آنها منافع خودشان را در اولویت می‌گذارند. اما شهوت ترامپ برای عقد پیمان و احساس او نسبت به منافع آمریکا در واقعیت هیچ حدمرزی ندارد و ارزش‌ها هم نمی‌توانند آن را مهار کنند.

ترامپ عقیده دارد که اگر آمریکا بخواهد خون و پولش را در اروپا هزینه کند این پیمان مناسب نخواهد بود. بنابراین او تهدید کرد که جنگ اروپا را یک‌روزه پایان می‌دهد و ناتو را از بین می‌برد. او احتمالاً این کار را با نقض تعهد آمریکا در ناتو انجام می‌دهد. تعهدی که براساس آن حمله به یک عضو به معنای حمله به تمام اعضا تلقی می‌شود. ترامپ در خاورمیانه احتمالاً بدون هیچ ملاحظه‌ای از اسرائیل حمایت خواهد کرد. حتی اگر این کار آتش جنگ را شعله‌ورتر کند. در آسیا هم او ممکن است با شی جین‌پینگ به توافق برسد و دست از حمایت تایوان بردارد

که دموکرات‌ها به پشتیبانی سیاه‌پوستان و اسپانیایی‌تبار هادل می‌بستند اما اکنون شمار معناداری از آنها از این حزب روی برگردانده‌اند. در ۱۲ ماه پیش‌رو، هر نوع کاهش محبوبیت یکی از نامزدها می‌تواند مسیر مسابقه را تغییر دهد و جهان را زیرورو کند.

لحظه دردناکی خواهد بود که بینیم فردی مانند ترامپ در دفتر کار بیضی شکل را می‌کوبد. دموکراسی هم‌اکنون در داخل کشور با مشکل مواجه است. ادعای آقای ترامپ در پیروزی در انتخابات سال ۲۰۲۰ چیزی بیشتر از یک دروغ بود. آن ادعا یک قمار شروانه بود که می‌توانست هم‌قطاران او را به بازی بگیرد و به وحشت بیندازد و چنین هم شد. علاوه بر این، آمریکا با دشمنی زیادی از خارج روبرو است. حمله روسیه به اوکراین، ایران و متحدانش در خاورمیانه و چین در همسایگی تایوان چالش‌هایی برای آمریکا هستند. این سه کشور تا اندازه‌ای تلاش‌هایشان را هماهنگ کرده‌اند و صاحب دیدگاه جدیدی درباره نظم بین‌المللی هستند که در آن حق با قدرتمندان است و خودکامگان در امنیت به سر می‌برند. از آنجا که دموکرات‌های حامی شعار «آمریکا را دوباره پر عظمت می‌سازیم» ماه‌هاست که برای دور دوم ترامپ برنامه‌ریزی می‌کنند دوره دوم در مقایسه با دوره اول سازمان‌دهی بیشتری خواهد داشت. معتقدان واقعی به این شعار مهم‌ترین مناصب را تصاحب خواهند کرد. هیچ چیز جلوی انتقام‌جویی، حمایت‌گرایی اقتصادی و معاهدات سخاوتمندانه نمایشی آقای ترامپ را نخواهد گرفت. تعجبی ندارد که چشم‌انداز دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ مجالس کشورها و هیات‌مدیره شرکت‌ها را سرخورده و ناامید می‌کند. اما این ناامیدی برنامه‌ای ندارد. زمان آن گذشته است که بتوان نظمی برای این آشفتگی متصور شد.

بزرگ‌ترین تهدید آقای ترامپ متوجه کشور خودش است. احساس بازگشت به قدرت در نتیجه انکار نتایج انتخابات سال ۲۰۲۰ به او این اطمینان باور را می‌دهد که تنها بازندگان هستند که تسلیم هنجارها، آداب و ایثارگری‌هایی می‌شوند که یک ملت را می‌سازند. آقای ترامپ در تعقیب دشمنانش نبردی سخت را با هر نهادهی - از جمله دادگاه‌ها و وزارت دادگستری - به راه می‌اندازد که در سر راهش قرار گیرد.

اما پیروزی سال آینده ترامپ اثرات عمیقی هم در خارج از کشور خواهد داشت. چین و دوستانش از این بابت خوشحال می‌شوند که ببینند دموکراسی آمریکایی

## اهمیت همکاری

### مدیریت تیم‌ها در جهانی فردگرا

نرم‌افزاری سوروکو (Soroco) در همراهی با استادان مدرسه تجارت هاروارد و دانشگاه پنسیلوانیا در پژوهشی از مدیران خواستند تا فرآیندهایی را توصیف کنند که در نظرشان بیشترین وقت تیم‌ها را می‌گیرد. آنها به‌طور میانگین ۶۰ درصد از کارهایی که اعضای تیمشان انجام می‌دادند اطلاعی نداشتند یا نمی‌توانستند آن را به‌خاطر آورند.

دلایل منطقی زیادی برای این امر وجود دارد. افراد به صورت انفرادی - نه در یک گروهان - شغل خود را عوض می‌کنند یا ترفیع مقام می‌گیرند. پاداش‌دهی افراد بر مبنای عملکرد تیم می‌تواند به بی‌عدالتی منجر شود. برخی افراد با سواری رایگان به سرعت به شهرت می‌رسند یا افراد سخت‌کوش مجازات می‌شوند چون دیگران از پذیرش مسوولیت شانه خالی می‌کنند. اندازه‌گیری سهم هر نفر در تیم دشوار است. وقتی تیم‌ها شامل افرادی از ادارات مختلف باشند یا فقط برای مدت کوتاهی تشکیل شوند مدیران نمی‌توانند تشخیص دهند گزارش‌های آنها مستقیماً خطاب به چه کسی است.

اما این مشکلات حل‌نشدنی نیستند. به عنوان مثال می‌توان در زمان استخدام افراد ویژگی‌هایی را اندازه‌گرفت که برای اعضای تیم لازم هستند. کسب نمره مناسب در آزمونی که از شرکت‌کنندگان می‌خواهد با نگاه کردن به تصاویر بگویند آن افراد چه احساسی دارند می‌تواند معیار خوبی برای تشخیص عضو مناسب تیم باشد. ارزیابی همکاران هم می‌تواند نشان دهد افراد در میان تیم چگونه عمل می‌کنند.

این نگرانی که پاداش‌دهی تیمی می‌تواند به سوار کاری رایگان برخی بینجامد مبالغه‌آمیز است. مطالعه اخیر اندریاس فردریکسن و همکارانش از دانشگاه آروس به بررسی اثرات معرفی انگیزه‌های تیمی در یک بنگاه تولیدی پرداخت و متوجه شد این انگیزه‌ها جهش بزرگی در عملکرد ایجاد می‌کنند. این جهش صرفاً به این دلیل نبود که کارکنان موجود انگیزه بیشتری برای کارایی به‌دست می‌آوردند، بلکه کارمندان مولد و موثر جدیدی هم جذب بنگاه می‌شدند. مدیران هیچ‌گاه نباید فراموش کنند که کارکنان انسان‌هایی تکی هستند. اما اگر تیم‌ها در برخی موارد معجزه می‌آفرینند مدیران باید راه‌های بهتری برای استفاده از آنان در چنین مواردی بیابند. آگاهی از کاری که تیم‌ها در طول روز انجام می‌دهند می‌تواند اولین گام در این مسیر باشد.

در یک تیم هیچ «من» وجود ندارد اما خلبان خودکار هواپیما یک نفر است. سازمان‌ها اهمیت فزاینده‌ای برای کار تیمی قائل‌اند اما فرآیندهای مورد استفاده در مدیریت کارکنان هنوز بر روال سابق هستند. مدیران درباره همکاری زیاد حرف می‌زنند اما روش پاداش‌دهی، بازبینی و استخدام آنها با حرف‌هایشان انطباق ندارد.

کارکنان سازمان‌ها همیشه در هماهنگی با یکدیگر کار می‌کنند اما تاکید بر تیم‌ها به دلایل مختلف افزایش یافته است. فناوری اشتراک نظرات و اطلاعات را آسان و کار ترکیبی انجام آن را ضروری کرد. نرم‌افزارها ویژگی‌های تیم از جمله چابکی، انتقال روزانه اطلاعات، ارزیابی انعطاف‌پذیر طرح‌ها، اهداف و نتایج کلیدی و دیگر موارد را به مکان‌های مختلف کشانده‌اند. طبق مقاله اخیر عبدالله المعتوق از مدرسه مدیریت موسسه فناوری ماساچوست چنین به نظر می‌رسد که تیم‌ها بهتر می‌توانند مسائل پیچیده را حل کنند. همچنین، افراد دلبستگی بیشتری به گروه کاری خود دارند تا به سازمان. دانش و اطلاعات مربوط به چگونگی افزایش کارایی تیم‌ها نیز رو به افزایش است. پروژه ارسطو - کار مشهور گوگل در زمینه ویژگی‌های تیم‌های دارای بهترین عملکرد - نشان داد که «ایمنی روانی» یعنی آسایش در ابراز نظر مهم‌ترین مولفه در کنار عوامل دیگری مانند وابستگی، شفافیت وظایف و کار معنادار به‌شمار می‌رود. تیم‌های مختلف در کارهای مختلف می‌درخشند. تحلیل لینگفی از دانشگاه شیکاگو و نویسندگان همکارش رابطه همبستگی بین اندازه تیم و انواع مختلف پژوهش‌های علمی را نشان می‌دهد: تیم‌های بزرگ‌تر ایده‌های موجود را بسط می‌دهند در حالی که تیم‌های کوچک‌تر با ارائه ایده‌های جدید آن حوزه را دچار اختلال می‌کنند.

اما تاکید بیشتر بر تیم‌ها و درک دقیق آنها معمولاً به پیدایش اقدامات مدیریتی متناظر با آنها ختم نمی‌شود. فرآیندهای استخدام هنوز بر دستاوردهای فردی تاکید می‌کنند، نه دستاوردهای گروهی که فرد عضوی از آن بوده است. مدیریت اجرایی هنوز یک ورزش تک‌نفره است. ارزیابی‌ها و پاداش‌دهی‌ها معمولاً بر مبنای اهداف فردی هستند. اندازه‌گیری‌ها بر اساس برون‌دادهای ملموس صورت می‌گیرند، نه مقیاس‌های تیمی از قبیل میزان قابل اعتماد بودن فرد. مشکل دیگر آن است که بسیاری از مدیران نمی‌دانند تیمشان واقعاً چه کاری انجام می‌دهد. بنگاه

چون هیچ دلیلی نمی‌بیند که چرا آمریکا باید به طرفداری از یک جزیره کوچک با یک ابرقدرت هسته‌ای وارد جنگ شود.

اما اگر پوتین مطمئن شود که آمریکا از اروپا حمایت نخواهد کرد انگیزه پیدا می‌کند تا جنگ اوکراین را ادامه دهد و کشورهای شوروی سابق از جمله مالدوای و بالتیک را به خود ملحق کند. بدون فشار آمریکا احتمال ندارد که اسرائیل به یک اجماع داخلی برای آغاز گفت‌وگوهای صلح با فلسطینی‌ها برسد. اگر ژاپن و کره جنوبی در محاسباتشان به این نتیجه برسند که ترامپ در کنار متحدانش نمی‌ایستد ممکن است تصمیم بگیرند که به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند. ترامپ با اعلام اینکه آمریکا هیچ مسوولیتی در قبال تغییرات اقلیمی ندارد دیگران را در این مسیر دلسرد می‌کند. همچنین دورتادور او را چین سستی‌زانی گرفته‌اند که عقیده دارند رویارویی نظامی تنها راه حفظ برتری آمریکا است. چین که خود را بین یک رئیس‌جمهور تاجرمرسلک و دولت جنگ‌طلب او می‌بیند ممکن است در مورد تایوان دچار اشتباه محاسباتی شود و عواقب فاجعه‌باری پدید آید.

### ● انتخاباتی بسیار مهم

دوره دوم ترامپ تفاوت زیادی با دوره اول خواهد داشت. پیروزی غریزه مغرب او را بیدار می‌کند. برنامه‌هایش با مقاومت و مخالفت کمتری روبه‌رو می‌شوند و از آنجا که آمریکایی‌ها با آگاهی از بدی کارشان به او رای می‌دهند، برتری و اعتبار اخلاقی این کشور رو به کاهش می‌گذارد. نتیجه رای‌گیری را ده‌ها هزار رای‌دهنده در تعداد انگشت‌شماری از ایالت‌ها تعیین می‌کنند. سرنوشت جهان در سال ۲۰۲۴ به آن صندوق‌های رای وابسته است.

## وعده دروغین مشاغل سبز

### سیاست صنعتی از درون تنش‌زاست

کند؟ برای مثال به باتری‌های یون لیتیوم نگاه کنید که نیروی وسایل نقلیه برقی را فراهم می‌کنند. جایزه نوبل شیمی سال ۲۰۱۹ به سه دانشمند رسید که بر روی توسعه این باتری کار می‌کردند: جان گودیناف از دانشگاه بریتانیایی آکسفورد، استنلی ویتینگهام (Whittingham) از بنگاه نفت آمریکایی اگزون‌موبیل و یاشینو آکیرا از بنگاه شیمیایی ژاپنی آساهی کاسی. اما هیچ‌کدام از این



رئیس‌جمهور جو بایدن می‌گوید، «وقتی من به اقلیم می‌اندیشم به مشاغل فکر می‌کنم. مشاغل صنعتی با درآمد خوب». اورسولافون درلین، رئیس کمیسیون اروپا می‌گوید که «پیمان سبز» او یک «سیاره سالم» را به همراه «مشاغل آبرومند و این وعده محکم که هیچ‌کس عقب نمی‌ماند» به نسل‌های آینده پیشکش می‌کند. سر استارمر (Sir Starmer) نخست‌وزیر

کشورها در ساخت این باتری‌ها دست بالا را ندارند و برتری از آن چین است. پژوهش‌ها مجموعه عوامل بیرونی (مثبت) خودشان را پدید می‌آورند چون دانش پخش می‌شود. در مقابل، شرکت‌ها تمایلی ندارند که نقطه قوتی در اختیار رقبا بگذارند و در نتیجه عرضه دانش را محدود می‌کنند. موثرترین سیاست اقلیمی یعنی ترکیب مالیات کربن و یارانه پژوهش‌ها سیاستی است که خودخواهانه نباشد. آن‌گونه که دنی رودریک یکی از حامیان سیاست صنعتی از دانشگاه هاروارد می‌گوید، منافع اجتماعی حاصل از سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های سبز بیشتر از منافع خصوصی آن و بازدهی بین‌المللی بالاتر از بازدهی ملی آن است، از این رو هم دولت‌ها و هم شرکت‌ها تمایل زیادی به این نوع سرمایه‌گذاری ندارند. در نتیجه، سبزترین سیاست‌ها در خلق شغل موفق نیستند. در مقابل، سیاست‌های سبزی که اندکی اشتغال‌آفرینی دارند حداقل این مزیت را دارند که اقدامات اقلیمی را برای رای‌دهندگان قابل پذیرش می‌کنند. رای‌دهندگانی که دوست ندارند برای اموری پول خرج کنند که نفع‌شان به دیگر کشورها می‌رسد. هرچه جهان ثروتمند در این مسیر جلوتر برود مشکلات آشکارتر می‌شوند. اقتصاددانان به طور سنتی با سیاست صنعتی مخالفانند، به این دلیل که دولت‌ها در اجرای آن بد عمل می‌کنند. بی‌کفایتی دولت‌ها به دو شکل بروز می‌کند. اول؛ سیاستمداران نمی‌توانند برندگان را شناسایی کنند. آنها قادر نیستند تشخیص دهند کدام فناوری برنده خواهد شد. به عنوان مثال، در اواخر دهه ۲۰۰۰ دولت آمریکا وام شرکت تسلا را تضمین کرد و در نهایت این شرکت به یک سازنده موفق خودروهای برقی تبدیل شد، اما همزمان از بنگاه برق خورشیدی سولیندرا (Solyndra) حمایت کرد که بعدها ورشکسته شد. این عدم توانایی در تشخیص در میان سیاستمداران راه را برای مشکل دوم باز می‌کند: رانت‌جویی. سیاست صنعتی به بنگاه‌ها فرصت می‌دهد از طریق لابی‌گری به صندوق‌های عمومی دست پیدا کنند. دولت‌ها نمی‌پذیرند که کسب‌وکارهای ضعیف را تعطیل کنند چون چنین کاری در ابتدا به معنای اعتراف به هدر دادن منابع عمومی خواهد بود. به نوشته رکا جوهاسز (Reka Juhasz) از دانشگاه بریتیش کلمبیا و همکارانش، اقتصاد جدید سیاست صنعتی بر پایه این دیدگاه است که چنین مشکلاتی یا قابل حل هستند یا در مورد آنها اغراق

احتمالی آینده بریتانیا وعده می‌دهد که «از یک شرکت انرژی حمایت کند که برق پاک بریتانیایی را برای مشاغل خوب بریتانیا عرضه کند». دولت‌ها دخالت خواهند کرد. سیاره زمین نجات پیدا می‌کند. مشاغل از راه می‌رسند و همه آنها خوب خواهند بود. سیاستمداران سرتاسر جهان ثروتمند پذیرفته‌اند که زمزمه‌های سیاست صنعتی - که قصد دارند ساختار اقتصاد را با تقویت بخش‌های خاص دگرگون کنند- شایسته توجه و بازگشت هستند. همچنین، همه می‌پذیرند که این سیاست باید بر تغییرات اقلیمی تمرکز کند. اما آیا واقعاً منطقی برای ترکیب این دو وجود دارد؟ سیاست صنعتی تلاش می‌کند رونق و شکوفایی را در قالب رشد اقتصادی و مشاغل تحقق بخشد؛ در مقابل، سیاست اقلیمی در پی کاهش تصاعدها و جلوگیری از گرمایش جهانی است. ترکیب این دو به آن معناست که هیچ‌کدام از این اهداف محقق نخواهند شد. در حالی که سیاستمداران تریلیون‌ها دلار پول را به سیاست صنعتی سبز اختصاص می‌دهند مرتب باید میان این دو هدف دست به انتخاب بزنند. بحث‌های طرفدار اقدامات مربوط به تغییرات اقلیمی با عوامل بیرونی یعنی هزینه‌ها و منافی که ربطی به تولیدکنندگان ندارند آغاز می‌شوند. برای آلودگی هیچ بازاری وجود ندارد، چون تصاعد گازهای گلخانه‌ای رایگان است. بنابراین چنین تصاعدی بیش از حد صورت می‌گیرد، با وجود این حقیقت که به همگان آسیب می‌رساند. یکی از راه‌های مقابله با آن قیمت‌گذاری کربن است. کاری که بیشتر کشورها هم‌اکنون انجام می‌دهند. اما اگر تنها به همین اقدام بسنده کنیم سرمایه‌گذاری‌ها به سمت بهینه‌سازی فناوری‌های کثیف هدایت می‌شوند و در نتیجه سوخت‌های فسیلی بیش از پیش بار سنگین خود را بر دوش فناوری‌های پاک می‌اندازند. بنابراین لازم است که قیمت‌گذاری کربن با یارانه‌های پژوهش‌های فناوری پاک آمیخته شود. دارون عجم اوغلو از موسسه فناوری ماساچوست و همکارانش در مقاله سال ۲۰۱۶ خود چنین استدلال می‌کنند که یارانه‌ها نقش زیادی در هدایت مجدد پیشرفت‌های فناوری به سمت انرژی پاک دارند. فقط وقتی روش‌های جایگزین فناوری‌های آینده بهتر و ارزان‌تر شوند قیمت‌گذاری کربن در اذهان پذیرفته می‌شود و افراد به پذیرش جایگزین‌ها تشویق می‌شوند. آیا این استدلال به ظاهر مدبرانه می‌تواند آرزوی سیاسی مشاغل سبز را برآورده

## فراسوی تلاطمات کنونی

### سرمایه‌گذاران به صندوق‌های پوششی بازمی‌گردند

شمار صندوق‌های تعطیل شده فراتر رفت. بازگشت مرد پوششی چه معنایی دارد؟ شاید سرمایه‌گذاران به شدت تحت تاثیر رویدادهای اخیر قرار گرفته‌اند. صندوق‌های پوششی در سال گذشته از بازار پیش افتاده‌اند. شاخص صندوق پوششی بارکلی که بازدهی این صنعت منهای کارمزدها را اندازه می‌گیرد فقط هشت درصد پایین آمد، در حالی که شاخص S&P500 ۱۸ درصد سقوط کرده بود. این در حالی است که صندوق‌های پوششی در مجموع در تمام سال‌های پس از سال ۲۰۰۹ عملکردی ضعیف‌تر از شاخص‌های سهام آمریکا داشتند و میانگین بازدهی سالانه آنها پنج درصد (در مقابل بازدهی ۱۳ درصدی کل بازار) بود. وارن بافت، سرمایه‌گذار مشهور در سال ۲۰۰۸ یک میلیون دلار با یک مدیر صندوق پوششی شرط بست که در دهه آینده یک صندوق شاخصی از هر صندوق پوششی مورد نظر او بازدهی بهتری خواهد داشت. بافت به راحتی این شرط را برد.

ممکن است علاقه‌مندی دوباره به صندوق‌های پوششی نشانه‌ای از یک نگرانی عمیق‌تر باشد. شاید مردم به این نتیجه رسیده‌اند که بازدهی‌های دهه ۲۰۱۰ واقعاً دیگر تکرار نخواهند شد. با پایان سیاست پولی آسان، اکثر سبدهای دارایی آسیب دیدند. اما عملکرد صندوق‌های پوششی در زمان افزایش نرخ بهره ایمن‌تر به نظر می‌رسد چرا که افزایش نرخ بهره معمولاً با فضای پرچالش‌تر سرمایه‌گذاری همراه می‌شود. عملکرد صندوق‌های پوششی در دوران بالا بودن یا پرتلاطم بودن نرخ‌های بهره از قبیل دهه ۱۹۹۰ و اواسط دهه ۲۰۰۰ بسیار بهتر از دیگران بود.

قابل درک است که وقتی سرمایه‌گذاران با جهانی مواجه شوند که در آن نرخ‌های بهره بالا و پرتلاطم است به دنبال بازدهی‌هایی بگردند که از آنها در برابر خطرات محافظت می‌کند. اما توجه کنید که شرط آقای بافت چگونه پیش رفت. در سال ۲۰۰۸ که اوضاع بورس خراب بود صندوق‌های پوششی مرتب از شاخص جلو می‌افتادند. اما بهبود عملکرد بورس در ۹ سال بعد به برنده شدن او کمک کرد. هاروی دنت رقیب بتمن در یکی از فیلم‌هایش می‌گوید: «تاریک‌ترین زمان قبل از سپیده‌دم است و من به شما قول می‌دهم که سپیده‌دم در راه است». وقتی سپیده‌دم بورس را راه برسد سرمایه‌گذاران آرزوی می‌کنند کاش در همان صندوق‌های شاخصی باقی می‌ماندند.

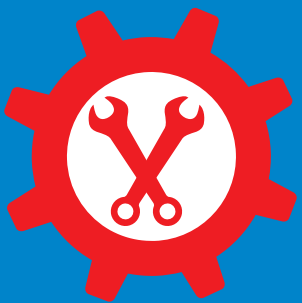
اگر اوضاع روبه‌راه باشد وجود ابرقهرمانان بی‌فایده خواهد بود. اگر شهر گوتام (Gotham) ایمن و دلپذیر باشد احتمالاً بتمن مجبور می‌شود روزهایش را در عمارت باشکوهش به استراحت بگذراند. سوپرمن هم فقط وقتی وارد یک باجه تلفن می‌شود و لباس آبی و قرمز رنگش را نمایان می‌کند که افراد شرور لوله اسلحه را به سمت بی‌گناهان نشانه رفته باشند. دهه گذشته بازارهای مالی در اکثر اوقات در آرامش کامل بودند. شاخص S&P500 که معیار برتر در بورس‌های آمریکاست در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به‌طور یکنواختی بالا رفت. از آنجا که انتظار می‌رفت نرخ بهره پایین و پایین‌تر رود قیمت اوراق به سمت بالا حرکت می‌کرد. سرمایه‌گذاران به جای ترس از خطرات پنهان، نگران آن بودند که مبادا از بازار پررونقی که یک‌بار در طور عمرشان شاهد آن بودند بی‌نصیب بمانند. بنابراین شرایط برای موسساتی مانند صندوق‌های پوشش ریسک (Hedge Fund) که سودمندی خود را در روزگار پرتلاطم نشان می‌دهند مساعد نبود. این صندوق‌ها اغلب در جست‌وجوی سود و بازدهی هستند که با کل بازار ارتباطی ندارد و در نتیجه اگر بازار سقوط کند می‌توانند از شدت ضربه به سبب دارایی سرمایه‌گذاران بکاهند. وقتی بازارها ملاحظم باشند انتظار می‌رود که یک مدیر ابرقهرمان (که ما او را مرد پوششی می‌نامیم) وارد عمل شود و سرمایه‌گذاران را از خطر ضررها نجات دهد.

در اکثر دهه ۲۰۱۰ صندوق‌های پوششی طرفداران زیادی نداشتند. در نیمه اول آن دهه سرمایه‌گذاران به آنها روی خوش نشان دادند، اما وقتی بازدهی آنها از بازدهی کل بازار عقب ماند رشد دارایی خالص آنها منفی شد (این رشد مقیاسی است که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران با توجه به تاثیر بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها پول خود را به صندوق می‌سپارند یا از آن خارج می‌کنند). در نیمه دوم آن دهه صندوق‌های پوششی جذابیتی نداشتند و از سال ۲۰۱۵ به بعد تعداد صندوق‌هایی که تعطیل می‌شدند از شمار صندوق‌هایی که افتتاح می‌شدند بیشتر بود. پس از آن دهه خشک و بی‌حاصل این روزها به نظر می‌رسد که شرایط به نفع مردان پوششی عمل می‌کند. در تمام فصول این سال پول به سمت صندوق‌های پوششی در جریان بود. مجموع پول‌های سرمایه‌گذاری‌شده در صندوق‌ها از ۳/۲ تریلیون دلار در پایان سال ۲۰۱۹ به بیش از چهار تریلیون دلار در زمان حال رسیده است. امسال تعداد صندوق‌های جدید از

شده است. یک دولت منضبط که جلوی سرمایه‌گذاری‌های نامناسب را می‌گیرد می‌تواند از اتلاف منابع پرهیز کند. هرگاه اهداف واضح و شفاف باشند سیاستمداران بهتر می‌توانند شرکت‌های ناکارآمد را شناسایی کنند. شاید این‌گونه باشد اما سیاست‌های اقلیمی و صنعتی درست در همین نقطه نمی‌توانند کنار هم باشند. یک بنگاه می‌تواند مشاغل خوبی ارائه دهد اما از رقابیش سبزتر نباشد. آیا این وضعیت موفقیت است یا شکست؟ آیا یک سرمایه‌گذاری که تصاعد را متوقف اما کارگران را بیکار می‌کند می‌تواند ارزشمند باشد؟ همچنین مشخص نیست که آیا تضمین وام یک بنگاه ضررده انرژی پاک را باید هدر دادن پول دانست یا سرمایه‌گذاری در اقلیم؟ اعتصابات اخیر در خودروسازی آمریکا تا حدی ناشی از این تفکر بود که تولید خودروهایی برقی پاک مشاغل کمتری را در مقایسه با خودروهایی بنزینی ایجاد می‌کند و این وضعیت دشواری را برای دولتی پدید آورد که خود را به سیاست‌های صنعتی سبز متعهد می‌داند. این سیاست تلاش دارد به طور هم‌زمان رقابت بین‌المللی را بهبود بخشد، مشاغل پردرآمد بیافریند، اقتصاد را رشد دهد، مناطق محروم را تقویت کند و تصاعدها را کاهش دهد. در واقعیت، این اهداف اغلب در تضاد با یکدیگرند. هرچه سیاست صنعتی بلندپروازانه‌تر باشد سیاستمداران کمتر می‌توانند آن را اعمال کنند. بسیاری از دولت‌ها از جمله آمریکا سیاست صنعتی را برای تقویت امنیت ملی هم می‌خواهند. در مجموع، چنین اهدافی خطر بروز یک آشفتگی بزرگ را به همراه دارند.



# اخبار مهم اقتصادی و تحلیل های کامل



تولید و تجارت



مسکن



بورس



طلا و ارز

وسایر حوزه ها



@Eghtesadnews\_com



همه اخبار را یکجا ببینید... ◀



[ecoiran.com](http://ecoiran.com)



@ecoiran\_webtv



ecoirantv



company/ecoiran

# کتابخانه‌های عمومی به کمک کسب‌وکارهای کوچک آمده‌اند

کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان مراکز فرهنگی غنی که منابع علمی بسیاری را در اختیار دارند، می‌توانند پل ارتباطی مناسبی بین فعالان بازار کار به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک و منابع علمی موجود در کتابخانه‌های عمومی باشند. در راستای این ظرفیت، همایش بین‌المللی «کتابخانه‌های عمومی و کسب‌وکارهای کوچک» با هدف شناسایی راهکارها، ایده‌ها، تجربه‌ها، ضعف‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازها برای استفاده از ظرفیت کتابخانه‌های عمومی به‌منظور مشارکت فعال در فضای کسب‌وکار کشور و فراهم‌آوردن بستری برای توجه به نقش و جایگاه کتابخانه‌های عمومی در رونق‌بخشی اقتصادی با حمایت از اقدامات کارآفرینانه و کسب‌وکارهای کوچک، با مشارکت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و انجمن علمی ارتقای کتابخانه‌های عمومی ایران در ۲۵ مهرماه سال جاری به میزبانی مشهد برگزار خواهد شد.

## جلوه‌های ارتباط کتابخانه با کسب‌وکار

- کتابخانه‌های عمومی مهم‌ترین مراکز فرهنگی و آموزشی برای جوامع محلی هستند و می‌توانند به‌عنوان محیط رشد کسب‌وکارهای کوچک و نوپا عمل کنند.
- با توجه به شرایط اقتصادی، عامل بیشترین مراجعات به کتابخانه‌های عمومی می‌تواند دریافت اطلاعات مکتوب مرتبط با مشاغل و کسب‌وکارهای کوچک باشد.
- کتابخانه‌های عمومی می‌توانند برای ایجاد فضای کسب‌وکارهای کوچک مورد استفاده قرار گیرند.
- کتابخانه‌ها می‌توانند «کارگاه‌های مفید آموزشی» براساس نیاز بالقوه منطقه در کتابخانه برگزار کنند.
- کتابخانه‌ها به مؤسسات کسب‌وکار کمک می‌کنند تا الگوهای مستند خود را پیدا کنند؛ مثلاً برخی کتابخانه‌ها کتاب‌ها و منابع مفیدی ارائه می‌کنند که در تحقیقات مرتبط با کسب‌وکار مفید هستند.
- مؤسسات کسب‌وکار می‌توانند با مرتبط شدن به کتابخانه‌ها و راهنمایی کتابداران، در بازاریابی محصولات خود بهتر عمل کنند.
- کتابخانه‌ها تلاش می‌کنند با محلی شدن کسب‌وکارها و فروشگاه‌های حرفه‌ای، به کمک افراد متقاضی کسب‌وکار و نوآور بیایند.

## راه‌های حمایت کتابخانه‌های عمومی از کسب‌وکارهای کوچک

کتابخانه‌های عمومی علاوه بر منابع گزینش شده و مهمی که درباره کسب‌وکارهای کوچک دارند و می‌توانند آنها را در اختیار کارآفرینان قرار بدهند، نقش مهمی هم در توانمندسازی کارآفرینان ایفا می‌کنند. کتابخانه‌های عمومی می‌توانند حلقه واسط و ارتباطی خوبی برای افرادی باشند که می‌خواهند وارد یک کسب‌وکار کوچک شوند؛ علاوه بر این، کتابخانه‌های عمومی می‌توانند افراد دارای کسب‌وکارهای کوچک را با مشاوران خبره پیوند دهند یا از نظر پشتوانه حمایتی و مالی، آنها را به اسپانسرهایی که در این زمینه مایل به سرمایه‌گذاری هستند، مرتبط کنند. افرادی که در جست‌وجوی کسب‌وکارهای کوچک هستند، افرادی که در فرایند کسب‌وکارهای کوچک حضور دارند و افرادی که می‌خواهند در ادامه مسیر این کسب‌وکارها رشد کنند، می‌توانند کتابخانه‌های عمومی را محل مناسبی برای رشد خود در این زمینه بدانند. آموزش کارآفرینان، ارتباط آنها با سازمان‌های مربوطه و در اختیار گذاشتن منابع و فضای مناسب برای کسب‌وکار نیز خدمت دیگری است که کتابخانه‌های عمومی می‌توانند به کارآفرینان ارائه کنند.





[shahr-bank.ir](http://shahr-bank.ir)

سامانه نظارت و ارتباطات مردمی ۰۲۱-۸۶۵۵

بانک شهر در راستای کمک به کسب و کارها و سازمان‌ها به منظور بهبود معیشت نیروی انسانی و بهبود توان خرید کارکنان ایشان، اقدام به ارائه طرح اعتباری نموده است. برای کسب اطلاعات بیشتر به شعب بانک شهر مراجعه فرمایید.

**بسته اعتباری**  
**ویژه پرسنل سازمان‌ها**



Noritazeh Glass Co.



**NORITAZEH**  
Life in Style

نور عشق  
اندر رهش همراه بود  
عطار نیشابوری